بعون صانع بیچون و مکان و فضل شفابخش بحر و بر را

نسخهٔ کمیاب و نیز لاجواب شده برای جهان شفای دردمندان مقبول ادانی و اعالی

قرابادین جلالی

از تصنیفات ارسطو فطرت فلاطون حکمت مولانا حکیم جلال الدین امروهوی

در مطبع نامی منشی نولکشور بطبع مزین مقبول اهل جهان باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد خدا و درود مصطفی صلی الله علیه وآله آنکه چند نسخه مستعمل درین تذکره آورده

باب الالف

انوشدارو یعنی باضم است وقیل بمعنی عطیة الله وقیل بمعنی چیزیست که در وی پنج اشیا باشد. هلیله بلیله آمله وخبث الحدید وعسل وانطاکی گوید که گرم و خشک ست در درجه سوم ونیز گفته که برای [illegible] نافع ست جدا اگرچه برای دفع ضرر [illegible] ست وقیل گرم ست در اول درجه ثانیه وخشک ست در اول درجه ثالثه وقال استاذی رحمة الله علیه یعنی معتمد الملوک محمد علوی خان گرم ست در اول درجه اولی وخشک ست در آخر درجه ثالثه واهل هند برای [illegible] وبرای جمیع اقسام تبها که از گرمی باشند یا از سردی استعمال میکنند واستعمال آن بهتر آنست که بعد چهل روز کنند و قوت آن تا دو سال باقی میماند و شربتی از آن از مثقال تا سه مثقال —

انوشدارو مخترع اخلاطه مروارید ناسفته سنبل الطیب شقاقل مصری بسباسه هریک شش مثقال ورق گلسرخ بهمنین هریک شش مثقال سعد کوفی طباشیر سفید صندل زرشک بیدانه هریک پنج مثقال اسارون زعفران قاقله صغار وکبار جوزبوا خولنجان دارچینی بادرنجبویه [illegible] هندی کشنیز خشک هریک دو مثقال مشک تبتی عنبر اشهب هریک نیم مثقال آمله یک رطل فانید نیم من عسل مصفی نیم من آب به شیرین [illegible] مثقال علی الرسم معجون سازند —

الوشدارو حکیم عماد الدین محمود صفته دانه هیل
زرنباد دارچینی زرنباد سنبل الطیب جوزبوا بسباسه
قرنفل درونج عقربی گل ارمنی گل مختوم مصطکی زعفران
ورق نقره زرشک بیدانه شک طباشیر مروارید
ناسفته یک مثقال ونصف ورق گل سرخ سعد کوفی
صندل بگلاب سوده تخم کاسنی مقشر تخم خرفه مقشر
هر یک مثقال ورق طلا نصف مثقال شیره آمله تود مثقال
گلاب آب به شیرین آب انار شیرین امرود عرق
بید مشک هر یک صد و بست مثقال آمله را در شیر
گاو شب بخیسانند صبح بشویند و با شش رطل آب
بجوشانند تا سه رطل بماند پس مالیده صاف نموده
نبات سفید و قند سفید و عسل مصفی هر یک صد و
بست مثقال و گلاب و عرق بید مشک و آب میوه ها
بدان مخلوط کرده بقوام آرند و از آتش فرود آورده
بگذارند تا فاتر بسرد می شود و ادویه کوفته بیخته
بدان بسرشند شربتی از مثقال تا مثقالین
و درین نسخه برای شخصی گل و افستانی زهر مهره
ابریشم هر یک مثقال کافور قیصوری سه مثقال
داخل نموده شد نفع کلی بخشید و برای شخصی لاجورد
مغسول مثقال نیز فائده کرد —
الوشدارو معتبر مشتهی که در بعضی امزجه اشتها
تمام آرد صفته برگ گل ده توله قرنفل مصطگی
هر یک پنج توله سنبل الطیب ده توله بسباسه چهار توله
جوزبوا دو توله زعفران سه ماشه ورق الخیال
نیم سیر اکبری قاقلین زرنب خرفه سنبل الطیب

هر یک دو توله شیره آمله یک رطل قند سفید یک حصه
و عسل مصفی دو حصه وزن ادویه بدستور مقرر تیار نمایند
الوشدارو تالیف کندی نافع خفقان دل
و مقوی آن و دماغ مفرح نفس مسمن مقوی معده
محسن لون مطیب صفته گل سرخ شش درم سعد کوفی
پنج درم قرنفل مصطگی سنبل الطیب اسارون هر یک
سه درم قرفه زرنب هر یک دو درم بسباسه زعفران
قاقله هیل جوزبوا هر یک ثلث درم ستور آمله رطل فانید رطل دو درم
اول آمله را بدستور مقرر تیار کنند و فانید انداخته
بقوام لعوق آرند و ادویه مسحوقه بدان بسرشند
وگاهی فرنجمشک بادرنجبویه مروارید ناسفته ساذج
هندی هر یک مثقالین دران افزوده میکنند —
الوشدارو بدر الدین قاقله کبار ده درم ورق
گل سرخ شش درم سعد کوفی بهمن سفید پوست
آمله بلیله هندی هر یک پنج درم قرنفل سنبل الطیب
اسارون بادرنجبویه بهمن سرخ هر یک سه درم
قرفه زرنب مصطگی شقاقل تودریین خولنجان
هر یک دو درم بسباسه دانه هیل جوزبوا زعفران
هر یک درم گاوزبان پنج درم عنبر اشهب نصف درم
فانید رطل بدستور مقرر تیار نمایند شربتی
از نصف مثقال تا یک نیم مثقال —
الوشدارو که برای شخصی ترتیب داده شد
فائده تمام بخشید صفته زرنباد درونج مروارید
کهربا بسد هر یک درم ابریشم مقرض بهمنین
ساذج هندی سنبل الطیب قاقلین هر یک نیم درم

آمله مقشر هفت درم فانید سفید سه چند ورق طلا
ده عدد ورق نقره سی عدد بدستور معجون تیار نمایند۔

انوشدارو بابت لقراطخان اخلاط مروارید
ناسفته بسبایه سرخ زعفران حجر یشب سعد کوفی
اذخر مکی عود قماری ساذج هندی هر یک دو مثقال
سنبل الطیب طباشیر سفید گل ارمنی ابریشم مقرض
هر یک سه مثقال عنبر اشهب نیم توله مشک خالص
یک مثقال ورق طلا نیم مثقال ورق نقره توله
شیرهٔ آمله سی مثقال قند سفید دو چند عسل بپزند۔

اطریفل برای صاحب تبع اخلاط پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله منقی هر یک شش درم
حب النیل بسفایج افسنتین درمنه ترکی تربد سفید
مجوف هر یک پنج درم هر نک کابلی مقشر حب بلسان
ترمس هر یک چهار درم شیح ارمنی شحم حنظل نمک هندی
قسط تلخ هر یک دو درم کوفته بیخته بروغن بادام چرب
نموده بعسل مصفا دو چند بقوام آرند نسخه
آنکه در قرابادین ذکر آورده این ست پوست هلیله
کابلی بلیله آمله منقی هر یک ده درم تربد سفید مجوف
حب النیل مقشر قسط هر یک پنج درم بسفایج ترمس
افسنتین افتیمون شیح تلخ هندی خردل سفید
شحم حنظل سعد راسن هر یک نصف استار عسل شهر سه چند
از چهار درم تا پنج درم و صاحب شفائی درین نسخه
درمنه ترکی داخل کرده۔

اطریفل کبیر هلیله بلیله آمله بوزیدان بسباسه
شیطرج هندی شقاقل تودرین لسان العصافیر
بهمنین بالسویه نموده بروغن گاو چرب نموده
بعسل مصفا بقوام آرند شربت درم و نصف۔

اطریفل اکبر مسخن معده دافع ریاح معده و
بواسیر محسن لون و مبهی اخلاط پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه بلیله شیرهٔ آمله فلفلین هر یک سه جزء
زنجبیل بوزیدان بسباسه شیطرج شقاقل هر یک
جزء تودرین لسان العصافیر حب الفلفل انار دانه
شهدانه کنجد مقشر شکر طبرزد هر یک دو جزء تخم خشخاش
سفید بهمنین هر یک جزء کوفته بیخته بروغن بادام
شیرین چرب نموده بعسل بقوام آرند صاحب
سدیدی درین نسخه حب القلقل داخل کرده است
و شهدانه ذکر نکرده و استادی رحمة الله علیه
حب القلقل و شهدانه هر دو ذکر کرده و وزن
تودرین و لسان العصافیر و شقاقل و ساذج هندی
یک جزء و ذکر کرده و استادی دو جزء چنانچه از جامع
الجوامع علوی معلوم شود۔

اطریفل اصغر مزیل رطوبات معده و نافع
بواسیر و مصفی ذهن و لون اخلاط پوست هلیله
کابلی پوست بلیله شیرهٔ آمله بالسویه بروغن گاو
چرب نموده بعسل مصفی بقوام آرند۔

اطریفل اسطوخودوس پوست بلیله هلیله سیاه
آمله منقی هر یک ده درم بسفایج فستقی سنا مکی تربد
سفید مجوف هر یک پنج درم اسطوخودوس هفت
درم عسل مصفی دو وزن ادویه۔

اطریفل افتیمون پوست هلیله کابلی هلیله سیاه

بلیله آمله منقی هریک نه ماشه بسفایج نه ماشه سنا مکی یک توله تربد یک توله افتیمون یک توله سیطرج شش ماشه انیسون هفت ماشه نمک هندی پنج ماشه کوفته بیخته بعسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی چهار مثقال

اطریفل مقل مسهل بابت ثابت خان هلیلجات ثلثه بلیله آمله مصطگی هریک سه جزء تربد سفید هشت جزء ومقل برابر ادویه اول مقل را بآب گرم حل کنند ادویه بیخته بدان سرشته بعسل معجون سازند شربتی از سه درم تا پنج درم واگر درین نسخه تربد داخل نکنند صرف اطریفل مقل میشود لیکن مقل بآب گندنا حل کنند واگر افتیمون واسطوخودوس هریک سه جزء مقل مغز فلوس هریک چهار جزء داخل کنند اطریفل ملین شود.

اطریفل شاهتره مسهل برای ابوهیر صاحب جب حکه وسعفه راسود دارد اخلاط پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هریک سی جزء بلیله بست جزء سنا مکی پانزده جزء گل سرخ هفت جزء شاهتره بست وپنج جزء در بعضی نسخه هلیله زرد چهل جزء هلیله کابلی سی جزء بلیله بست جزء سنا مکی ده جزء گل سرخ شش جزء شاهتره پنجاه جزء ودر بعضی نسخه هلیلجات وشاهتره هریک جزء ست ودر بعضی نسخه ریوند درم وخبث الحدید دو درم ودر بعضی نسخه دیگر اختلاف واقع ست انچه در تجربه آمده مذکور شد بدانکه در اصل نسخه اطریفل که معرب اطری پهل ست واطری یعنی سه وهراد از پهل هلیله بلیله آمله هلیله کابلی ست وچون هلیله زرد وسیاه افزود کنند در افعال اقوی میشود وچون پوست کثیر آن بقوت نافعه ضرر دارد وبعضی با دام شیرین یا روغن گاو چرب می کنند وچون بغیر چرب استعمال میکنند موجب قولنج میشود وعسل درین نسخه دو چند باید تا فعل قوی گردد وگاهی برای قبض بواسیر تربد وسنا مکی ومقل زیاده میکنند ومقل را بآب گندنا حل میکنند وگاهی گلنار وکهربا کزمازج داخل میکنند وهلیله وبلیله را بروغن سرب یا میکنند تا خون بواسیر بند شود وگاهی سنا واسطوخودوس وبسفایج وافتیمون برای بعضی اغراض داخل میکنند وگاهی مقویات معده داخل میکنند

ایارج لوغاذیا که فضول مختلفه لزجه غلیظه ومحترقه از عمق بدن جذب میکنند از صرع وسکته وفالج ولقوه وتشنج وداء الفیل وبرص وجذام وبهق وقوبا وشقیقه وصداع وسعفه وفساد عقل ودوار ووسواس وکلف وشهوهٔ کلبیه وضیق النفس ونقرس ووجع مفاصل وعرق النسا وداء الحیه وداء الثعلب وقروح کهنه واورام بارده دفعا نافع ست ممدود دران خراق ست اخلاط

شحم حنظل پنج درم سیاه غنصل سربان غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق ثوم بری کلواحد دو درم ونصف افتیمون کما فی بعض مقل ازرق صبر هریک سه درم جاشا سافرج هندی جو غاریقون فراسیون جعده سلیخه فلفل سیاه وسپید دار فلفل زعفران دارچینی جاوشیر بسفایج سکبینج جعده سنبل سرتر اسطوخودوس

زراوند طویل عصارهٔ افسنتین فرفیون سنبل الطیب
حماما زنجبیل هریک دو درم اسطوخودوس جنطیانا
هریک درم و نیم عسل بقدر کفایت درین نسخه در
شقاقل فلفل سیاه دار فلفل دارچینی از قلم
ناسخ افتاده و در عسل نسخه زرنباد عنصل بالوم
بری هریک دو درم و نیم ست چنانچه آنجا مذکور شد
کذا سمعت من استادی۔

ایارج بنادریطوس اکبر که پیش از جالینوس
در عهد بنادریطوس بادشاه یونانیان ترکیب یافته
که منافع لوغاذیا دارد و بذهب حصاة کلیه و مثانه
و ضعف کبد و مثانه و کلیه را نافع ست صفته
صبر سقوطری پانزده درم غاریقون ده درم زعفران
درج دارچینی مصطگی روغن بلسان فرفیون حب
بلسان دار فلفل فلفل سیاه و سفید جنطیانا
تفاح اذخر هریک دو درم قسط کمادریوس افتیمون
هریک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا هریک
شش درم سنبل الطیب سه درم و نصف حماما
هریک یک درم عسل مصفا سه چند بدستور تیار نمایند
شربت چهار مثقال نزد بعضی بآب گرم استعمال کنند
و نزد بعضی باب افتیمون لیکن استعمال این ایارجات
بعد شش ماه است۔

اکثیر البدن عود غرقی دو ماشه جوزبوا بسباسه
دارچینی هریک سه ماشه مصطگی پنج ماشه برگ گاوزبان
شش ماشه غنچه گل سرخ هفت ماشه درونج عقربی
دو ماشه گل بنفشه شش ماشه کباب چینی دو ماشه
قشر رمان فلفل صمغ عربی هریک سه ماشه انیسون
بادیان هریک چهار ماشه قاقله کبار قاقله صغار
قرنفل زنجبیل زرنباد فلفل دراز پوست نارنج هر
یک دو ماشه گل نارنج پوست ترنج هریک چهار ماشه
زعفران مشک خالص عنبر هریک یکنیم ماشه ثعلب
شش ماشه نعناع سه ماشه سیاهی کافی چهار سرخ
ورق طلا ورق نقره هریک یکنیم ماشه مروارید ناسفته
نه ماشه شربت سیب شربت فواکه نبات سفید عسل
مصفا هریک ده توله آب برگ تنبول بست توله
دو قوام عطر گلاب سه ماشه روغن گاو پنج توله گلاب
عرق بید مشک عرق بهار هریک پنج توله بدستور
معجون سازند شربتے دو ماشه تا یک درم۔

ایارج بقراط نافع ست از جنون و وسواس و
دوار و صداع شدید و تشنج و شقاق و سهاد
وجع مفاصل و اختلاط عقل و فساد ذهن و ابتداء
نزول ماء و جذام و برص و قوبا و فالج و لقوه و خلاط
قثاء الحمار سه مثقال فلفل کمادریوس هریک پنج
مثقال زعفران مر صافی سقمونیا هریک دو درم
اشق درم عسل بقدر حاجت۔

ایارج شیخ الرئیس تربد درم شحم حنظل مثقال
گل سرخ نیم درم فلفل سپید مثقال زنجبیل دو مثقال
درج حماما اسارون حب بلسان حاشا صعتر تخم
کرفس دوقو تخم گندنا هریک سه درم گاوزبان دو درم
تخم شاهتره تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه تخم انجره
نعناع خشک هریک دو درم افتیمون دو نیم درم

بعسل دو چند بسرشند

ایارج مخترع که تنقیه سر کند از فضول صفته شحم حنظل بی پوست و بی حب ده مثقال کندر فلفل سیاه و سفید فلفل دراز هر یک چهار مثقال زعفران صبر سقوطری مرکی صافی حاشا اشق هر یک مثقال سقمونیا مشوی شش مثقال عصاره افسنتین دو مثقال اسطوخودوس چهار مثقال کماذریوس دو مثقال عسل لقدر حاجت بدستور مقرر تیار نمایند

ایارج فیقرا بعضے تلخ که عمود آن صبرست نافع از امراض سر و رطوبت معده و وجع مفاصل و قولنج و قی و فالج و لقوه و استرخا و ثقل زبان صفته مصطگی زعفران سنبل الطیب حب بلسان عود بلسان اسارون سلیخه دارچینی هر یک جزء صبر سقوطری مانند همه ادویه و بعضے اطبا عود بلسان یک جزء داخل می کنند و بعضے صبر را دو وزن ادویه داخل میکنند بعسل خام بسرشند شربتے دو درم و قوت آن از شش ماه تا چهار سال باقی می ماند

ایارج اصغر سلیم که منسوب ست بسلیم مولی عبد الله بن ابی بکر نافع ست از مره سوداء و اوجاع رحم و اوجاع خصیتین صفته فلفل سپید زنجبیل نمک هندی قسط تلخ هر یک شش درم افتیمون فربیون جندبیدستر زعفران قرنفل مصطگی عاقرقرحا هر یک پنج درم سعد هزارچشان خاسترین زرنباد درونج زراوند طویل هر یک دو درم روغن بلسان و آب کافور هر یک چهار درم کوفته بیخته بر روغن بلسان و آب کافور مخلوط کرده بعسل مصفا منزوع الرغوة سه چند بسرشند بعد شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند بمقدار عدسے

بآب مرزنجوش سعوط نمایند

آبزن نافع از ضیق النفس که از خشکی شش که از حرارت باشد لیکن تب نداشته باشد صفته بنفشه خبازی خطمی گل نیلوفر تراشه کدو در آب شیرین جوش داده روغن بنفشه طری بالایش بریزند و در نیم گرم بنشانند

آبزنی که در دگرده را نافع ست بابونه تخم شبت برگ و گل خطمی اکلیل الملک پوست خشخاش جوشانیده بکار برند

امروسیا که نافع ست مر ابتداء استسقا را و ضعف جگر و ضعف طحال و صلابت اینها را و مفتح سدد و مفتت حصاة گلیه و مدر بول صفته دو قوزیره کرمانی عود بلسان سلیخه فودنج قرد مانا قثاء الحمار اذخر تخم کرفس هر یک درم و در بعض نسخ یک نیم درم ست دار فلفل قسط فلفل سپید هر یک نصف درم مر صافی سه درم حب الغار عشرہ درم وج زعفران هر یک دو درم ادویه کوفته بیخته بعسل منزوع الرغوة معجون سازند و در بعضے نسخ مر نیم درم ست شربتے مثقال بآب گرم

القرویا چون این معجون را جز اعظم بلادر ست نام نهاده شد القرویا که معنی بلادرست نافع ست برای صرع و فالج و لقوه و امراض دماغی و نسیان و صداع و اوجاع معده و صداء اخلاط سنبل الطیب سلیخه ساذج هندی زعفران دیند ترکی شیح ارمنی افتیمون قثاء الحمار اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل هر یک دو مثقال حب البان مقشر زنجبیل هر یک دو درم مصطگی عود الصلیب عسل بلادر قرنفل

هر یک سه درم غاریقون دو درم صبر سقوطری ده درم
ایرسا بست درم پوست بیخ بادیان سه رطل سرکه کهنه
سه رطل پوست بیخ رازیانه در سرکه سه شبانروز بخیسانند
وسه جوش دهند پس سرکه صاف کرده در دیگ کنند
وعسل سه رطل و نیم بآتش ملائم بقوام آرند وادویه
کوفته بیخته بآن ممزوج سازند شربتی یک درم بآب
نیم گرم این ست انچه صاحب شفائی نقل کرده لیکن بیخ
آنست که بجای ده درم وبست درم اوقیه واوقیتان
گفته شود چنانچه در نسخه استادی رحمة الله علیه
مذکور ست واز ترکیب جالینوس نیز چنان معلوم گشته
ودران غاریقون سه درم ست و بهتر آنست
که خل خمر بقدر مناسب باشد —
اکتحلین نافع از قرح چشم اخلاط شادنج مغسول
مروارید ناسفته اسبید توبال النحاس محرق مغسول
اقلیمیا ذهب هر یک دو درم کحل اصفهانی مرقشیثا
زبد البحر هر یک درم بکوبند ودر پارچه حریر بگذارند

باب الباء

بخور مقوی دماغ و مصفی ذهن نافع از غشی وخفقان
صفته عود هندی قسط شیرین صندل مقاصری هر یک
مثقال مشک کافور ریاحی هر یک نیم مثقال سوده
با گلاب سرشته بنادق سازند —
بخور که سیلان نزله حاره را قاطع ست صفته
شکر طبرزد بابلی جو مقشر در شیر بخیسانند وخشک کنند
بخور برای ثقل سامعه ودوی وطنین وریاح اذن
نافع ست صفته مرزنجوش سداب افسنتین شیح ارمنی

صعتر ابهل بابونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابر
جوشانیده در ظرف نوله دار کرده نوله را در سوراخ
گوش کرده بخور گیرند —
بخور جهت رفع احتباس طمث صفته شحم حنظل
شونیز کندش میعه علک البطم هر یک جزء عنبر اشهب
نیم جزء مشک زعفران ربع جزء سوده بروغن زنبق سرشته
مقدار فندق در آتش انداخته از راه نوله برحم رسانند —
بخور نافع از اختناق الرحم وعسر ولادت صفته
شحم حنظل قنا جاوشیر برابر با زهره گاو سرشته بخور گیرند
بخور نافع از درد دندان که از نزله باشد صفته
پوست خشخاش عنب الثعلب گل بابونه گل لاله
بیخ لاله جوشانیده بخور گیرند —
بخور که قاطع ست سیلان نزلات بارده را صفته
کندر عود هندی سندروس وقسط البنی وابن قرة
سندروس ولبنی درین نسخه داخل نکرده است —
بخور لیثرغس صفته حاشا پودینه برابر در سرکه
جوش داده در بینی بخار دهند —
بخور نافع صداع حار مادی صفته بنفشه نیلوفر
قضبان خطمی جو مقشر نیم کوفته تراشه کدو جوش داده
در طشت بیندازند وقدری روغن بنفشه یا
روغن گل انداخته سر مریض را به مندیل بسته
بران منکوب سازند —
بخوری که استادی علویخان برای دردسر
که از نزله بود تجویز کرده صفته بابونه اکلیل الملک
عنب الثعلب مرزنجوش پوست خشخاش کشنیز خشک

پوست بیخ لاله گل بنفشه جوشانیده سرپوش از وے گرفته بر خساره بخار ببارند۔

بخور برای ثقل سامعه و دوی و طنین و ریاح نافع است صفته مرزنجوش سداب افسنتین شیح ارمنی صعتر اهل بابونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابر جوش داده بخور کنند۔

بخور برای احتباس حیض نفع کند صفته شحم حنظل شونیز کندش میعه سائله علک البطم هریک جزء عنبر اشهب نیم جزء مشک زعفران ربع جزء سوده بروغن زنبق سرشته لقدر فندق استعمال نماید بنوعیکه برحم برسد

بخور نافع ربو بود صفته مر قسط سلیخه زعفران سوده بشراب سرشته اقراص نمایند۔

بخور واقع دردگوش که از نزله باشد صفته پوست خشخاش تخم خشخاش مرزنجوش چوب چینی هریک توله بزرالبنج دو ماشه پوست بیخ لاله سه ماشه بخور گیرند۔

بخور برای طرش صفته افسنتین رومی ورق تمر جوش داده بخور گیرند۔

بخور دافع صداع بارد مادی صفته مرزنجوش پودینه بابونه اکلیل الملک قیصوم شبت شیح نمام حب الغار جوشانیده بخور گیرند۔

بخور نافع دوی و طنین مع ثقل راس و ضعف سمع صفته مرزنجوش شیح افسنتین پودینه صعتر جوش داده در گوش بخور گیرند۔

بخور نافع زکام و نزله باردان صفته بابونه اکلیل الملک مرزنجوش جوش داده بخور گیرند۔

بخور نافع ربو و ضیق النفس صفته مر سلیخه قسط زعفران برابر سوده با شراب اقراص بندند و وقت حاجت در دهن بخور گیرند۔

بخور دیگر همین فائده دارد صفته زرنیخ اصفر زراوند طویل سوده بمغز بادام گاو بسرشته و حبها بندند و بخور گیرند۔

بخور دیگر مشیمه برآرد صفته قسط هفت درم میعه خشک چهار درم حب بلسان سه درم صمغ البطم دو درم جاوشیر درم خربق سفید فاوانیا هریک دو درم شونیز تخم حرمل هریک مثقال کندر ده درم۔

بخور طبری نافع اندر بو که بعد از استعمال مسهلات و مقیات برای دفع بقیه رطوبات شش و قصبه الریه بغایت نافع ست صفته زرنیخ سرخ ناجنک کبریت آتش نارسیده زرنیخ سرخ رازیانج پرسیاوشان مصطگی علک الانباط اجزاء برابر بسیه گردد بشر گداخته ادویه را سحق نموده بران بخته بنادق سازند و انگشت سوزان در قمع انداخته و بندقه بران نهند دار را اه انبوبه گاهی بدهن و گاهی از راه بینی بخور گیرند۔

بخور جهت اختناق رحم و تیسیر ولادت نافع ست صفته شحم حنظل فیه جاوشیر برابر سوده بشیره گاو بسته بخور گیرند۔

بخور جهت درد دندان و مواد نزله صفته پوست خشخاش عنب الثعلب بابونه بیخ لاله بزرالبنج اکلیل الملک مرزنجوش برابر بسته بخور گیرند۔

بخور نافع از ربو و سرفه بلغمیه که فی الحال نفس را توسع کند صفته زراوند دحرج مر صاف میعه سائله قنه وزن برابر زرنیخ سرخ برابر همه ادویه ...

بروغن گاو سرشته حبوب سازند و زیر قمع گذاشته
دود او در حلق گیرند۔

بخور نافع بواسیر وقت جریان خون صفت
تربد زنیخ سرخ بآرد و زیر انگشت لیثاک سشتر
بخار دهند۔

بخور نافع از وسواس سوداوی صفت کند۔
سندروس سنگ جراحت مقل ازرق پوست
خطل کبریت سفید تا ریعل شب یمانی هر یکی وزن
تاریعل هشت ماشه و وزن دیگر ادویه چهار چهار ماشه۔

بخور نافع از ورم خصیه صفت گل بنفشه عنب الثعلب
برگ سنبهالو گل بابونه هر یک توله جوشانیده بالای
چوکی نشسته بخور گیرند۔

بخور نافع از درد دندان صفت بزر البنج عنب الثعلب
کشنیز خشک برابر بر آتش گذارند و دود بدندان
رسانند۔

بخور نافع بواسیر صفت انزروت راتینج
پوست چوب توت۔

برود عبارت ست از چیزیکه از وسردی چشم شود

برود کافوری نافع از حرارت چشم و رمد حار
صفت طوطیا مغسول پنج درم کافور قیراط سوده

برود خضرم مر و طوطیا سحق کرده بآب حصرم مغسول
ساخته در آفتاب خشک کند باز سحق کرده استعمال
نمایند حرارت چشم و سیلان دمعه را نفع کلی بخشد۔

برود خضرم حار نافع از سیلان و رطوبت چشم
و جرب و سبل و دمعه صفت طوطیا عروق اصفر

هلیله زرد هر یک اوقیه زنجبیل دارفلفل مامیران
هر یک نصف اوقیه نمک اندرانی دو درم و گاهیه
نمک هندی هم داخل می کنند ادویه سحق کرده بحریره
گذرانیده بآب حصرم غسل کرده خشک نمایند
بعد ازان باز سحق کرده بکار برند۔

برود دهن نافع از قلاع و ورم حلق و داحتاء
دهن و سقوط لهاة صفت ابیاسه پنج درم طباشیر
سفید درم بزر بقله عدس مقشر هر یک چهار درم
کافور دو دانگ تخم گل سه درم کوفته بیخته
در دهن و بینی بدمند۔

برشعشا لفظ سریانی ست بمعنی برء الساعة
چون اوجاع صعبه را در ساعت ساکن می کند
مسمی شد بدان جالینوس گفته که من آنرا در خواب
دیدم پرسیدم ازو گفت من از تراکیب افلس
رومی طرسوسی ام و خاصه من آنست که حائل می شوم
درمیان موت و مراد از اوجاع مهلکه و در من
خواص بسیار اند و بعضے از خواص من منع سیلان
نزلات و کثرة انصباب آن سوے اعضا

برشعشا انطاکی فلفلین بزر البنج سفید هر یک
بست درم افیون ده درم زعفران هفت درم
سنبل الطیب عاقرقرحا هر یک درم کوفته بیخته
بعسل سه چند بقوام آرند بعد دو سال استعمال نمایند
و قوت آن تا بست سال باقی ماند انطاکی
گفته که شربتے ازان تا دو درم ست و آنچه به تجربه
رسیده است که اینقدر می کشد کسی را عادت برآن

نداشته باشد واین صداع مزمن وسیلان نزلات
واسهال وبعضے اوجاع را در ساعت نافع ست
واوجاع مفاصل را در یک اسبوع ونزلات را در
یک ماه ـ
پاشویه عنب الثعلب گل خطمی سپید زوفا خشک
اکلیل الملک سبوس گندم حاشا هر یک دو توله
جوشانیده صاف نموده پاشویه نمایند ـ
دیگر برگ بید برگ بنفشه گل خطمی سپید آرد جو
گل نیلوفر هر یک توله جوشانیده پاشویه نمایند ـ
پاشویه برگ بید گل گفشه برگ بنفشه آرد جو گل نیلوفر
کتیرا هر یک توله بدستور پاشویه نمایند ـ
برشعثا ابو البرکات نافع ست از امراض بارده
وامراض قلب ومعده وسدد صفت فلفل سپید
قاشرا فرنجمشک قوة الصابعين بزر البنج سفید مقل
ازرق هر یک ده درم زعفران زراوند طویل عنصل
مشوی جنطیانا رومی جدوار خطائی هر یک چهار درم
حب الغار افیون مرصاف هر یک هفت درم سنبل
رومی جند بیدستر هر یک شش درم فرفیون درم کوفته بیخته بالعسل
سه چند ادویه معجون سازند ـ
برشعثا النطاکی به نسخه دیگر نافع از نزلات بارده
صفت فلفل سپید بزر البنج سپید هر یک ده درم
افیون جند بیدستر هر یک مثقال زعفران دو درم
ونیم عاقرقرحا سنبل الطیب سلیخه زرنباد بهمنین
عود هندی هر یک درم فربیون نیم درم تخم خشخاش
نیم مثقال عود بلسان دو مثقال کوفته بیخته بروغن
بلسان یا روغن زیت چرب نموده بالعسل سه چند
ادویه بقوام آرند ـ
برشعثا هاشمی نافع از نزلات بارده صفت
افیون پنج درم زعفران نیم مثقال فلفل مثقال مصطگی
کندر دارچینی هر یک دو مثقال کوفته بیخته بالعسل
سه چند بقوام آرند ـ
برشعثا قوی النفع از نزلات بارده صفت
مرصاف زعفران بیکلاذیوس جنطیانا ناصرف هر یک
ده درم گل مختوم افیون جند بیدستر غاریقون بیخ کبر
سنبل الطیب هر یک سه درم حب الغار قصب الذریره
دارشیشعان عصاره لحیة التیس هر یک
پنج درم زراوند طویل ریوند چینی حماما اسارون روغن
بلسان هر یک نیم درم عصارات وصمغ در مثلث
حل کرده دیگر ادویه کوفته بیخته همه را بالعسل سه
چند بقوام آرند ـ
برشعثا دیگر نافع از نزلات صفت جنطیانا رومی
سلیخه دار فلفل جند بیدستر هر یک چهار درم
قفاح اذخر سنبل الطیب زراوند طویل هر یک
دو درم زعفران دو درم افیون پانزده درم انیسون
تخم کرفس پوست بیخ کرفس هر یک بست درم
فلفل سپید سی درم قسط مرفوه اسارون هر یک
ده درم زنجبیل خشک مر یا فودنج بری هر یک
هفت درم روغن بلسان ده درم کوفته
بیخته بالعسل سه چند بقوام آرند وشربت این
دو نسخه آخر برای طبیب است ـ

بر شعثا جالینوس فلفل سپید بزر البنج هر یک
بست درم افیون ده درم زعفران پنج درم
فربیون سنبل الطیب عاقرقرحا هر یک درم باسه
چند عسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتے تا سه نخود۔

بزر قطونا تخم حلبه تخم کتان هر یک توله ریوند شش ماشه
کندر دو ماشه نشاسته سه ماشه انزروت یک نیم ماشه
سفیده تخم مرغ دو عدد روغن کتان سه ماشه شیر بکیره
بزر قطونا طبیخ حلبه توله طبیخ کتان درم ریوند توله
کندر ماشه نشاسته ماشه سفیده تخم مرغ یکعدد
انزروت ماشه روغن کتان ده درم شیر یا خرخجه درم
نسخه دیگر فلفل سپید بزر البنج هر یک سی و هفت
و نیم مثقال افیون و زعفران هر یک پانزده سنبل الطیب
فربیون عاقرقرحا هر یک شش درم عسل سه وزن ادویه

بلادر کبیر نافع فالج ولقوه و رعشه بلکه تریاق
جمیع علل بارده است صفت زنجبیل عاقرقرحا
شونیز فلفل قسط دارفلفل وج هر یک دو مثقال
برگ سداب سه حلتیت جنطیانا زراوند حب الغار
جند بیدستر خردل هر یک پنج مثقال عسل بلادر پنج مثقال
و ثلث سوده بروغن کردگان چرب نموده بعسل سه چند ادویه
بقوام آرند و در نسخه نجیب الدین سمرقندی همه
اجزا بالسویه و عسل سه وزن ادویه۔

بنادقات بنادق مسکن الوجع در قولنج بارد
صفت جند بیدستر نانخواه شونیز زیره کرمانی
افیون بالسویه بنادق سازند هر یک دو دانگ۔

بنادق که بقولنج شدید صراری که نفس هم داشته باشد
نفع بخشد صفت تخم خرفه تخم کاهو افیون برابر سوده
بلعاب اسبغول بنادق سازند هر بندق دو دانگ۔

بنادق که کرم شکم برآرد صفت مغز برنگ کابلی
پوست آمله هلیله زرد هر یک نیم درم و نیم تربد سفید
دوازده درم فانید چهارده درم ادویه کوفته بیخته
بقوام فانید بنادق سازند۔

بنادق برای سوزش بول بلا مده صفت
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه مقشر تخم
خشخاش سفید هر یک هفت درم نشاسته کتیرا
رب السوس هر یک دو درم مغز تخم خربزه
هشت درم بزر البنج سفید یکنیم درم سوده بنادق سازند

بنادق که نافع ست مر قروح و سوزش بول را
صفت مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
هر یک بست درم صمغ عربی لاجورد دم الاخوین
هر یک ده درم افیون سه درم بزر کرفس درم و در
بعضے نسخه تخم کرفس سه درم افیون یک درم
سوده بنادق سازند۔

بنادق نافع جرب آلات بول صفت مغز تخم کدو
تخم خربزه پنج درم مغز تخم خیارین دو نیم درم
مغز تخم خشخاش سفید تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام شیرین
کتیرا نشاسته رب السوس گل ارمنی تخم
کرفس هر یک یک نیم درم بزر البنج نصف درم
شربتے سه درم بشربت بنفشه۔

بنادق البزور که پیش از نضج و خروج ریم استعمال کنند

صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم خرفه تخم کاسنی
مغشر تخم خطمی بارتنگ بالسویه سوده بنادق سازند
شربتی سه درم بجلاب صبح و شام استعمال نمایند۔

بنادق البزور که بعد نضج بعمل آرند صفت
مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنج درم
مغز تخم کدو و تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته
رب السوس گل ارمنی دم الاخوین تخم خشخاش سفید
تخم کرفس هریک دو درم کوفته بیخته بنادق سازند
و باشیرهٔ تخم خربزه ۵ توله و شیرهٔ خارخسک ناشتا بعمل آرند

بنادق که چون در دهن نگهدارند مانع شود سیلان
نزلات را صفت افیون زعفران میعه سائله برابر
وزن سوده بنادق سازند و در دهن نگهدارند
و لعاب بیندازند۔

بنادق لفا مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه کثیرا
طباشیر سفید صمغ عربی کندر گل ارمنی بلوط بو داده
تخم حماض بو داده هریک چهار مثقال افیون زعفران
تخم کرفس هریک درم سوده بآب کاکنج و پوست خشخاش
بنادق سازند۔

بیداولیقون نافع از نفخ و برودت معده صفت
زعفران کاشم تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چلغوزه
هریک شش درم مغز بادام شیرین لبان ذکر
هریک دو درم فلفل سه درم کوفته بیخته بعسل
سه چند بقوام آرند۔

منضج صفرا نافع از سرفهٔ گرم و از خشونت سینه
و حنجره و ملین سینه صفت بنفشه تازه خوشبو ده

آن گرفته با شکر طبرزد به قدر وزن آن نیکو بسایند
در آفتاب بگذارند باز یک چند شکر کرده بیندازند
و بسایند و در آفتاب نهند چهل روز بگذارند بعد از آن
شکر طبرزد یک چند بدان گداخته باز بگذارند و باز از
آفتاب بردارند۔

باسلیقون نافع از علت چشم و تاریکی بصر اقلیمیا
طلا ده درم نحاس سوخته پنج درم سفیداب ارزیز
ملح اندرانی هریک دو درم نوشادر حبه فلفل دار فلفل
هریک درم کف دریا آسشته قرنفل هریک درم
نیکو سحق نموده استعمال کنند۔

باسلیقون نافع از نزول ماء و قاطع دمعه و جالی
بصر و صالح مشایخ است صفت شادنج سرمه اصفهانی
اقلیمیا طلا ساذج هندی سه سنجان مصری طوطیا
نحاس سوخته صبر توبال نحاس زعفران هریک
دو درم فلفل دار فلفل نوشادر هریک درم بیک دو
مقر سحق نمایند۔

باسلیقون نافع از حکهٔ چشم و تاریکی چشم صفت
اقلیمیا طلا آسشته کف دریا هریک ده درم نحاس
سوخته شش درم نمک اندرانی سفیداب ارزیز
نوشادر ساذج فلفل سنبل کحل هریک دو درم قرنفل
جوز بوا آسشته هریک نصف درم کافور دانگ
بدستور سحق نمایند۔

باسلیقون الملک جالی چشم و اگر در حالت صحت
هر روز یک مرتبه یا یک روز در میان استعمال نمایند
حفظ صحت کند صفت اقلیمیا طلا کف دریا هریک درم

صحتر سوخته پنج درم سفیداب ارزیز ملح اندرانی هریک سه درم نوشادر دارفلفل هریک دو درم قرنفل آشنه هریک درم فلفل چهار درم کافور قیصوری درم بدستور کحل تیار نمایند و دیگر نسخه باسلیقون که شفائی و دیگر ذکر کرده بعلت این عاصی نیامده اینجا ذکر نکرده ـ

پالوده چوب چینی دو توله سائیده خصیة الثعلب بهمن نیم توله صلایه کرده با شیرهٔ نبات و گلاب بقدر حاجت بپزند و زعفران نیم دانگ عنبر نیم درم سوده داخل کنند و برای محرور مزاج نشاسته و لعاب بهدانه داخل کرده پالوده بپزند لیکن عنبر و مشک داخل نباید کرد ـ

برای شقاق دست و پا صمغ چقندر کرده شلغم یک پاو سیر اسفاناخ نیم سیر بهدانه سوم کافوری یک توله برگ نیم نیم پاو شاهتره نیم پاو گل خطمی دو توله سنبل الطیب سه توله چربی گرده بز یک آثار چقندر با برگ دار و از کدو آب کشیده و دیگر ادویه را با آب شیره گرفته چربی را اول گداخته با موم انداخته صاف نموده شیره ها بدو مخلوط کرده بآتش ملایم بجوشانند تا غلیظ شود ـ

پیر لوما نافع ست بابتدای رمد و با صلاح آرد رمد فرسن را صمغ اقاقیا سه و شش درم اقلیمیا طلا بست و چهار درم نحاس سوخته مسحوق مغسول هیژده درم نیکو سحق نموده بشراب عفص سرشته شیاف سازند بیره الساعة بوقع فلوس خیار شنبر گلاب یا آب جوش داده غرغره نمایند انشاء الله تعالی در یک ساعت

از خناق شفا شود لیکن فائده این در ماده قلیل زود ظاهر شود و دیگر زاج سفید سه بیان کرده بودند افیون هریک جز سوده در پارچه بسته بگذارند در همه وقت بآب تر کرده بر چشم بگذارند ـ

برای قرحه سرطان رحم مرداسنگ ده درم پیه روباه تازه و پیه خنزیر سوم هریک چهار درم روغن گل سرخ ده درم سوم را در روغن گل انداخته باقی ادویه بدان بسرشند و با صوف کحلی استعمال نمایند دیگر نافع از درم جار صمغه موم سفید ده درم روغن گل سرخ بست درم گداخته آرد باقلا و شیاف ماميثا خطمی آرد جو هریک درم کافور ربع درم دران بیندازند و مخلوط کنند و بآب عنب الثعلب و کشنیز توله ـ

باب التاء

تریاق فاروق معجون جلیل القدرست و موجب خلاصی موت که از نیش هوام قتاله عارض میشود فیلسوف یا عیدوس نام آن شخص برای دفع سموم نیش هوام قتاله ترکیب کرده چون جالینوس تامل کرده در ترکیب آن و در طبائع ادویه آن منافع و محاسن آن از قوت اعضاء رئیسه و آلات آنها و دفع سموم دانست که در امراض هم فائده خواهد بخشید بلکه حفظ صحت هم خواهد کرد و اسباب محدثه و منذره امراض دور خواهد شد و در هر امری از این امور و در هر مرضی از این امراض شربتی مقرر کرده و کیفیت استعمال ادویه اشیا مستعمله بعد تجویز نموده و باستعمال در آورد و چنانچه هیجان یافت بسیار گرم

محاسن ومنافع آن وسبب استعمال در امور مذکوره
بر طبق آن منافع ومحاسن ظاهر گشت وهرگاه
عمده این معجون لحم افاعی ست وخاصه آن ضد
سمیت ست از اعضاء رئیسه وآلات آن نام
نهاده شده تریاق وچنین گفته که اجود نسخ واکمل
آنها این ست همچون اینجا ذکر کرده میشود وصفته
اقراص اسقیل چهل وهشت مثقال ودر بعض
جالینوس چهل وشش مثقال بوده واز دارچینی
بست وچهار مثقال اگرچه اولین دوازده مثقال
میگرفتند اقراص افعی واندروخون هر یک دوازده
مثقال لیکن حکیم باعثیوس بست وچهار مثقال
میگرفت وبزر الورد دوازده مثقال تخم شلغم توم بری
ایرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان هر یک
دوازده مثقال مر زنجبیل زعفران ریوند چینی ذو
الاوراق فودنج جبلی فراسیون کراث جبلی
فطر اسالیون اسطوخودوس قسط فلفل سفید
دار فلفل کندر کز مشکطرامشیع فقاح اذخر سلیخه سیاه
سنبل جعده هر یک شش مثقال لبنی بزر سیالیس
تخم کرفس حرف کمادریوس نانخواه کمافیطوس
عصاره لحیة التیس شیح جبلی ساذج هندی جنطیانا
تخم رازیانه گل مختوم زاج کم بریان حماماج
حب بلسان هیوفاریقون صمغ قردمانا انیسون اقاقیا
هر یک چهار مثقال دوقو ادقیه قفر الیهود ودر نسخه
دیگر قفر الیهود جادشیر قنطوریون دقیق هر یک دو مثقال
زراوند مدحرج وقدما زراوند طویل داخل میکردند

جند بیدستر هر یک مثقال وعسل که از مگس که از حاشا
خوراک او باشد وپاک کرده باشد وشراب ده رطل
مطبوخ عتیق طیب الرائحه حلو الطعم سه رطل ونصف
رطل ادویه خشک کوفته صموغ وعصارات در شراب
بخیسانند تا آنکه منحل شود وپس مطبوخ وعسل بران
ریزند ویک شب وروز همان قسم بدارند وبعده ادویه
بروغن بلسان لت کرده بدان بسرشند ودر ظرف
نقره یا چینی یا ظرف رصاص بگذارند وظروف را اندکی
خالی بدارند بدانکه منفعت ادخال مطبوخ آنست
که تریاق زود فاسد ومتغیر نشود خصوص عتیق طیب الریح
که نافع ست از گزیدن هوام وسموم قاتله ومشتهی
ومقوی معده ومحلل بلغم ودافع نفخ شکم وامعا
وعسل مصفا موجب حفظ قوت ادویه ووصول آنها بعمق
بدن وتفریق وترویج اجزاء ادویه وکاسر کراهت
ادویه در همه معاجین اما با وجود اینها جگر وسینه را
پاک میکند واز گزیدن هوام وسباع وسگ دیوانه
وسموم قاتله چون خشخاش سیاه وبیخ وطروف آنچه بالا
ذکر یافت چه اگر سمی هوا مانند شیشه واز حلق زدودت
ودر معاجین مانند نحاس واز جذب قوت دوا مانند
مغناطیس ست وامتحان تریاق آنست که اگر تریاق
مقداری با قلیل عقب مسهل قوی دهند قوت مسهل کم
میکند واگر دیگ بری را اول بگزیدن [illegible] دهند پس بعده تریاق [illegible]
آن دیگ بمیرد بخلاف دیگ خانگی که بسبب رخوت گوشت
وعدم صلابت در وزود نه هر اثر میکند فائده
تریاق امراض حاره رطب وامراض سوداوی چون

قالج ولقوه وسکته وصرع ووسواس وجنون وبرص
وجذام وتشنج مفاصل وعرق النسا را نافع ست
ومزکی حواس ومحرک شهوت ست ونافع ست جرب
وسبل را وسرطان واورام صلب وسده جگر ووجع
کلیه وضعف آن واستسقا ونزف دم وفواق که بعد
استفراغ عارض شود ودوار دائم وجمیع اصناف
در ومقعد وانقطاع صوت وهزیان وسدر وخیره
وجمیع انواع سوء مزاج واسهال دودی واختلا
شش وضعف زبان واورام رحم وصلابت آن
وبهق وتقویت اعضا وبدن میکند وچیزیکه مخالفت
بدن عارض شده بسازد وقولنج وسنگ مثانه و
گرده واسترخا مفاصل را فائده بخشد وشربتے
آن از کتب قدیمه وقرابادینها معلوم ست لیکن
درین وقت مستعمل استاذی رحمة الله علیه
از یک ماشه تا سه ماشه وقوتش تا سی سال باقی میماند
بعد شش ماه استعمال نمایند وصبیان را ضرر دارد۔
تریاق عشره نافع ست از سم وریح غلیظ که در
احشا باشد واوجاع جگر وطحال وصرع وخفقان
صفته حماما سنبل ساذج لک مغسول مامیثا
قرنفل راوند چینی فیمولیا قسط جنطیانا رومی هریک
دوازده مثقال قفاح اذخر عصاره لحیة التیس مقل
ازرق هریک بست مثقال عاقرقرحا دارچینی رازیانه
کبر بیخ تخم شبت اسارون قردمانا فربیون افیون
ناردین قفاح کرم سبگ ساوا تخم کرفس جبلی دوقو فقاح
سنبل رومی هریک سه مثقال کتیرا خشخاش سفید

فلفل سیاه هریک سی مثقال بزرالبنج بست وهشت
مثقال سلیخه ورق گل سرخ اقراص اندیجون هریک
نه مثقال تخم سداب مثقال حب اشج مقشر سماق
شامی منقی هریک ده مثقال روغن بلسان بست
وچهار مثقال سنبل رومی سه مثقال قفاح مرحیا
مثقال ونصف عصاره قیصوم بست مثقال برگ
شیح سیرده مثقال صموغ وعصارات را در مثلث
بخیسانند وادویه بکوبند وبعسل مصفی سه چند
بقوام آرند ودر ظرف چینی نگهدارند وبعد شش ماه
استعمال کنند وقوتش تا هفت سال باقی میماند و
شربتے تا مثقال۔
لفاضه منومه مرکی صافی افیون زعفران افشه
آرد جو هریک جزو ادویه کوفته بیخته بگلاب
سرشته بشکل لفاضه ساخته ببویند۔
دیگر سبوس جو برگ بیروج پوست بیروج پوست
خشخاش برگ خشخاش گل خشخاش هریکی صافی
هریک جزو صمغ عربی دوجزو سوده بگلاب سرشته ببویند
لفاضه منومه افیون پوست بیخ بیروج آرد جو
صمغ عربی برابر وزن سوده بگلاب سرشته لفاضه
ساخته ببویند۔
تریاق اربعه در منهاج وکامل گفته که نافع ست
از سم ذات السموم ورياح غليظ معده وامعا
واوجاع کبد وطحال وصرع وخفقان وشربتے آن
مثقال بآب سرد ودر شفائی بآب گرم ولوفیق ده
ممکن ست صفته جنطیانا حب الغار زراوند طویل

مرصاف هریک جز کوفته بیخته بحریر گذرانیده بعسل مصفی سه چند بقوام آرند قوتش تا دو سال باقی می ماند —

باب الثاء

ثلثایا نافع ست از صرع و سکته و فالج ولقوه و تشنج و رعشه و فزع و خبث النفس و خفقان و از درد شکم و درد مفاصل و درد رحم و محافظت جنین میکند و مانع از سقوط حمل و از صداع و شقیقه سعوطا صفته مشک خالص دو درم و در نسخه دیگر درم مروارید ناسفته ده درم ورق طلا ورق نقره هریک نیم درم زیبق نیم درم ابریشم خام سوخته چهار درم زعفران ده درم قرنفل سنبل الطیب هریک هشت درم دلق وسادج هندی هریک دو درم حب بلسان دو درم سایخه غیر مقشر ده درم فلفل سپید زنجبیل بیخ شبت هریک چهار درم قسط تلخ هشت درم جوز بوا ده درم جند بید ستر ده درم فرفیون دو درم فقاح اذخر ده درم تخم شبت جنطیانا رومی فقاح لسان العصافیر هریک چهار درم عیدان پیپا وشان هریک هشت درم نمک هندی چهار درم قاقله هشت درم بزر حرمل هشت درم تخم رازیانه شش درم شونیز نیم درم سعتر فارسی چهار درم زوفا خشک درم زراج الاساکفه نصف درم اشنان نبطی تخم کرفس سداب اشنه کبریت زرد هریک دو درم سرگین گاو شیردار دشکل بزر شیر دار هریک دو درم بادآورد هفت درم تخم چهیر ده درم ابهل چهار درم فلفل سیاه دار فلفل بزر البنج سفید افیون هریک بست درم عاقرقرحا چهار درم بندق بزاب المر لعابت درم ریوند چینی هفت درم تخم دوقو ده درم بندق هندی چهار درم تخم انجره چهار درم اکلیل الملک چهار و نیم درم بزر قطونا لبسه هریک چهار درم و دو دانگ فقرالیهود چهار درم کافور خربق سیاه سعد سیحه سائله بامیران چینی تخم بلیون هریک دو درم اصابع صفر داشیشعان پرسیاوشان بیخ کاسنی هریک دو درم حب المحلب دو درم بیخ خردل سفید دو درم ما رالسوس و بادآورد هریک درم پوست بیخ کز نیم درم بزار خسان سپستان هریک چهار درم ادویه منقوعه بشراب ریحانی کهنه یا آنچه قائم مقام اوست بجیا نند و ادویه قابل سحق کوفته بیخته بعسل مصفا سه چند بقوام ارند و در ظرف زجاجی نگهدارند بعد شش ماه استعمال کنند شربتے یک نخود با آب پوست بیخ بادیان بیخ کرفس

باب الجیم

جوارش بهر بهیت تقویت معده و هضم طعام و تفتیح سده و تقویت جنین صفته کمونی کرمانے ناخواه کرویا مصطکی هریک درم انیسون تخم کرفس قرنفل لغاع خشک سعد کوفی زرنباد گل سرخ هریک درم قند سفید برابر ادویه خوراک نیم توله —

جوارش باکثر اخرجه هلیله بلیله آمله هریک درم عود خام ده درم بادام مقشر مغز تخم خیار مغز تخم باذرنگ مغز تخم خربزه خشخاش هریک پنج درم عسل دو وزن ادویه شربت نیم توله —

جوارش زنجبیل زنجبیل دو درم صمغ عربی الایچی کلان هریک ده درم قرنفل دارچینی هریک پنج درم جوزبوا کلان یک درم زعفران یک درم نشاسته چهل و دو درم شکر دو چند ادویه —

جوارش عود سنبل الطیب یک درم سنبل رومی انیسون تخم کرفس مصطگی هریک درم عود غرقی سه درم قرنفل دو درم بسباسه یک درم قرفه مشک هریک دو درم هلیله کابلی یک شب در شراب انگوری ترکرده بریان نموده دو نیم درم قرنجمشک دو نیم درم جوزبوا یک نیم درم مرباجوز سه درم گل سرخ نیم درم قصب الذریره سه درم رب به سه وزن ادویه بسرشند —

جوارش طباشیر یک درم گل سرخ سه درم سماق دو درم گلنار اقاقیا هریک یکدرم مصطگی عود هریک یکدرم و نیم به رب به بسرشند و اگر شربت انار ترش هم داخل نمایند مضائقه ندارد —

جوارش دارچینی عود راسن هریک شش درم قرنفل فلفل دارفلفل سنبل اسارون هریک پنج درم زنجبیل یک درم نعناع پنج درم الایچی کلان دو درم کبابه دو درم خولنجان دو درم مصطگی سه درم بادیان سه درم انیسون درم سلیخه سه درم عسل نبات هریک وزن و ربع وزن ادویه —

جوارش کافور زنجبیل فلفل دارفلفل دارچینی قرفه سازج سنبل شیطرج جوزبوا صندل حب بلسان قاقله صغار بسباسه قرنفل خارخسک طالیسفر طباشیر سعد عود خام هریک جزو کافور ثلثی جزو شکر بوزن برابر عسل

یک نیم وزن ادویه علی الرسم معجون سازند —

جوارش انار رب به رب انار ترش هریک پاؤ سیر سماق دو توله زرشک دو توله صندل یک درم ورق نقره شش ماشه شربت فواکه نیم سیر رب بهار ابگلاب بقوام آرند و اجزا را بدان بسرشند شربتی از درم تا دو درم

جوارش عود دیگر نفع کند از ضعف کبد و خفقان و مقوی معده صفته عود هندی سنبل الطیب مصطگی رومی قرنفل هیل بوا جوزبوا هریک دو درم هلیله کابلی قرفه بزرکرفس انیسون از هریک یکدرم پوست اترج بسباسه زعفران زنجبیل از هریک نیم درم کوفته بیخته بعسل مصفا جوارش سازند و اگر وجع تعلق به بطن باشد سک المسک نیز داخل نمایند بادرنجبویه زرنباد از هریک درم مشک تبتی خالص بازاء هرسه مثقال ادویه نیم مثقال —

جوارش عود مخترع فقیر صفته ابریشم خام دوازده توله عود غرقی توله پوست اترج پوست درون پسته دارچینی پوست صندل هریک نیم توله نیم کوفته در پنجاه توله آب و پنجاه توله گلاب و پنجاه توله عرق بیدمشک یکشبانروز خیسانند روز دیگر باتش ملائم جوش دهند تا بنصف رسد صاف نموده و نبات هشت توله عسل ده توله در و حل کرده بقوام خمیره آرند گل گاوزبان مروارید ناسفته عنبر ورق طلا ورق نقره سازج هندی طباشیر مصطگی بهمن سفید ابریشم مقرض مشک هریک نیم توله کوفته بیخته بدان بسرشند و معجون سازند —

جوارش عود دیگر عود خام پنج درم پوست اترج
قرنفل مصطگی بسباسه هریک سه درم قاقله کبار
سنبل الطیب قرفه الطیب هریک دو درم زعفران
یک مثقال جوزبوا زنجبیل دارفلفل از هریک یکدرم
نبات سفید دو وزن ادویه بدستور مرتب سازند
شربتے دو درم تا دو مثقال۔

جوارش دیگر عود قمارے خام غنچه گل سرخ منزوع
الاقماع هریک یک درم بسباسه قرنفل
هریک نیم درم شکر نیم من ادویه را کوفته بیخته شکر را
بگلاب حل کرده بقوام آرند و ادویه بآن بسرشند۔

جوارش عود ترش الاستاد معتمد الملوک سید
علوی خان رحمة الله علیه مفرح و مقوی معده
و قلب و دماغ ست و معده را که دران صفرا
مخلوط ببلغم باشد سود دارد و موافق جمیع امزجه
واسنان و در هر بلده و هر فصل نافع ست و
دل تنگی و خفقان را زائل کند و مالیخولیا مراقی
معدی سود دارد و اسهال مقوی و معدی که
حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع ست و معده را
باصلاح آرد و کسالت و خمار را زائل کند و مالیخولیا مراقی
و مقوی را سود دارد و اسهال مقوی و معدی
که حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع ست و تحلیل
انجره دهد و منع صعود انها بدماغ نماید و ریاح را بشکند
و نفخ دور کند صفت آب سیب شیرین آب
سیب ترش آب به شیرین آب به ترش آب
زرشک آب کیل آب اناناس آب امرود آب انار شیرین

آب انار ترش از هریک بست پنج درم آب لیمون
آب اترج گلاب عرق صندل عرق گاوزبان عرق
بید مشک هریک سی درم نبات سفید دو رطل
عسل مصفا نیم رطل کبیر انگبین خالص نیم رطل
عود قماری عرقی خام هفت درم عود فارسی ناسفته ابریشم
مقرض پوست بیرون پسته طباشیر سفید صندل سفید
و سرخ ناشسته غنچه گل سرخ قرنفل مصطگی سازج هندی
پوست اترج بادرنجبویه تخم کشنیز خشک و زنجبیل و [illegible]
دارچینی دانه هیل از هریک چهار درم زعفران یکدرم
کافور قیصوری نیم درم عنبر اشهب مشک تبتی خالص
از هریک دو دانگ اول مرتبه آب میوه ها سوائے
آب لیمون و آب اترج و عرقها را با نبات و
عسل کبیر انگبین یکجا کرده بجوشانند و کف آنرا
بگیرند و بپالایند پس بقوام آرند و بآتش ملائم
که آب میوه ها سوخته نشود و تلخ نگردد بپزانند پس
اندک اندک آب لیمون و آب اترج داخل نمایند
تا تمام آب لیمون و آب اترج با شربت کنند
و قوام بحال باشد پس ادویه را داخل کنند و اگر
خواسته باشند ورق طلا و ورق نقره محلول
از هریک نیم درم داخل نمایند بهتر ست
شربتے مثقال۔

جوارش خمیره بهی مقوی معده صفت
خمیره بهی دوازده توله قاقله صینی هریک توله
مصطگی سه توله کشنیز یک توله خمیره عنبر [illegible]
سه ماشه زنجبیل نیم توله زعفران [illegible] ماشه ورق نقره

ورق طلا سه ماشه مشک گلاب بقدر حاجت۔

جوارش عنبر قاقله صغار و کبابه بسباسه دارچینی هر یک چهار درم زنجبیل دار فلفل مشک خالص هر یک ده درم و واله مصطگی قرفه قرنفل زعفران هر یک بست درم عنبر اشهب یک توله جوزبوا پنج درم عسل یک چند قند سپید سه چند۔

جوارش مصطگی ملین و مقوی معده صفته سونپیز یک رطل مصطگی رومی سیزده درم تربد سپید بست درم جلاب مقوم پنجاه درم شربتے از سه درم تا ده۔

جوارش کمونی زیرهٔ سیاه بریان ده توله فلفل پنج توله زنجبیل پنج توله عود دو توله قرنفل دو توله مصطگی یک توله عسل پنجاه توله قند پنجاه توله سرکه انگورے بست و پنج توله آب پودینه باغی بست و پنج توله گلاب دو شیشه مشک یک توله عسل و سرکه و قند و آب پودینه و گلاب باهم بقوام آرند۔

جوارش کمونی محلل صفته صندل فلفل هر یک سی مثقال زنجبیل برگ سداب هر یک چهل مثقال پودینه باغی دو مثقال بورهٔ ارمنی ده مثقال عسل سه وزن ادویه۔

جوارش کمونی اکبر صفته زیرهٔ مدبر هفتاد توله فلفل سی درم که هشت توله باشد سداب زنجبیل هر یک چهل درم بورهٔ ارمنے ده درم سلیخه دارچینی قرفه حب بلسان سنبل مصطگی هر یک چهار درم تربد مجوف نکلیم وزن ادویه و اگر خواهند قوی تر باشد تربد دو برابر اجزا کنند و بعد از اضافه تربد عسل سه وزن ادویه بقوام آرند و بسرشند و اجزا به روغن بادام یا روغن مسکه چرب کنند۔

جوارش عود دیگر که باد را دفع کند و خفقان و دل تنگی و وحشت زائل سازد صفته عود هندی را از یانه تخم کرفس ورج سنبل هر یک شش درم بسباسه نارمشک سعد کوفی فرنجمشک زرنب زرنباد هر یک سه درم دارچینی زنجبیل قرنفل مصطگی هر یک چهار درم گاوزبان ده درم کافور یک نیم دانگ مشک یک درم گلاب بست درم قند یک نیم وزن ادویه عسل سه وزن ادویه۔

جوارش عود ترش آب ترشی ترنج نیم سیر شربت سیب یک سیر عسل نیم سیر گلاب نیم سیر بقوام آورده زعفران مصطگی قرنفل دارچینی هر یک یک درم اگر تابیده درم بادرنجبویه سه درم۔ جوارش سفرجل فلفل دارفلفل زنجبیل هیل هر یک پنج درم قاقله قرنفل سنبل دارچینی زعفران هر یک دو درم با یک سیر مربای به سرشته معجون سازند۔

جوارش مشک نافع ضعف معده و بواسیر ریح و نفخ آن خفقان فواد صفته مشک نیم ماشه فاذ... کبابه قرنفل زنجبیل دارفلفل هر یک ده درم دارچینی سه درم عود غرقی یک درم زعفران دو درم شکر هموزن ادویه عسل هموزن ادویه۔

جوارش کمونی زیرهٔ کرمانی صد درم نانخواه برگ سداب خشک هر یک ده درم به عسل معجون سازند شربتے بندقه۔

جوارش هاضم مقوی و ماسک که طعام را هضم کند و معده را قوت دهد و اختلاف امساک نماید صفته نانخواه کندر هر یک جز مویز غیر منقی دو جزء همه را یکجا کرده در هاون بکوبند و بمقدار جوز صبح و شام استعمال نمایند و ظاهر است که درین نسخه عمود جوارش نزد بعضے یافته نمیشود۔

جوارش دیگر مقوی تر در منافع صفته فلفل زنجبیل خولنجان قرفه هر یک پنج درم پودینه خشک برگ سداب زیره کرمانی کردیا هر یک ده درم کندر سعد اذخر هر یک پنج درم بعسل مصفا بقوام آرند۔

جوارش جالینوس همه اندامها را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه باشد باز دارد و سرفه بلغمی برد و باه را قوت دهد و بول صافی کند و دیوانگی برد که از سرد بود و نقرس و قوباء و بهق را سود دارد و بوا سیر و ریگ گرده دفع کند و سیاهی مو نگهدارد صفته سنبل الطیب قاقله صغار دارچینی سلیخه خولنجان قرنفل سعد کوفی زنجبیل زعفران فلفل سپید دار فلفل قسط بحری عود بلسان حب الآس اسارون قصب الذریره شیرین مصطگی بادرنجبویه مخلصه عنبر هر یک دو درم نبات یک وزن ادویه عسل سه وزن ادویه کوفته بیخته بسرشند بعد از ده روز که ساخته باشند دو مثقال پیش از طعام یا بعد از طعام استعمال کنند اقل مدت استعمال بیست یک روز۔

جوارش کمونی زیره سیاه سه پاو دو توله فلفل زنجبیل هر یک پنج توله عود قرنفل هر یک دو توله مصطگی توله عسل و قند هر یک پنجاه توله سرکه انگوری آب پودینه باغی بست پنج توله گلاب دو شیشه مشک توله عسل و قند و سرکه و آب پودینه و گلاب بقوام آورده معجون سازند۔

جوارش مصطگی صفته دارچینی سیلانی زنجبیل هر یک ده ماشه فلفل نانخواه کبابه زیره کرمانی زیره سفید کردیا گل سرخ پوست اترج تخم کاسنی رازیانه کندر مصطگی هر یک پنج ماشه عود هندی دو ماشه قاقله تخم خرفه مقشر هر یک ده ماشه گشنیز خشک بادرنجبویه گل گاوزبان سنبل الطیب زرنباد زعفران هر یک پنج ماشه عسل سه وزن علی الرسم معجون سازند۔

جوارش بزوری دیگر مقوی معده و هاضم و کاسر ریاح صفته تخم کرفس نانخواه هر یک دو درم مصطگی خولنجان قرفه قرنفل هر یک سه درم حب الرشاد بریان بست درم ابهل پنج درم کوفته بیخته بعسل مصفا معجون سازند شربت سه درم۔

جوارش هندی مسهل نافع از قولنج صفته تربد سپید پنج درم دار فلفل سه درم شکر طبرزد بست چهار درم همه را کوفته در ظرف نگهدارند شربت از پنج درم تا شش درم۔

جوارش هندی دیگر قولنج را بگشاید و اوجاع مفاصل و درد پشت را نافع است مسمی است بجوارش تربد صفته سقمونیا پنج درم تربد سپید مسحوق پنج درم شکر سفید پنجاه درم دانه هیل

قاقله کبار زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل بجربا
فلفل هریک دو نیم درم بعسل مصفی بقدر کفایت
بسرشند شربتی از پنج درم تا ده۔

جوارش نافع از رطوبت قلب صفت کهربا
نارمشک مروارید ناسفته فرنجمشک پوست اترج
هریک شش درم ابریشم خام بادرنجبویه گاوزبان
هریک ده درم صندل سفید سه درم کشنیز خشک دو درم
بادروج دو درم بهمنین هریک پنج درم مشک
عنبر اشهب هریک یک درم مصطگی سه درم کوفته بیخته
بعسل بسرشند شربتی مثقال۔

جوارش طباشیر مسهل صفرا و بلغم و موافق محرورمزاج
صفت تربد مثقال سقمونیا دانگ ورق گل سرخ
طباشیر زعفران هریک یک نیم دانگ عسل طبرزد
سه درم این یک شربت است۔

جوارش اسقف نافع از بلغم خام شکن معده و نافع از
بواسیر و درد پشت و درد خاصره و مانع قی و مشهی
و محلل قولنج صفت تربد سقمونیا هریک شش درم
و نیم فلفل زنجبیل هریک چهار درم قاقله دارچینی
پوست آمله بسباسه مصطگی قرنفل جوزبوا هریک دو
نیم درم شکر طبرزد بیست درم و در بعضی نسخه تربد
سقمونیا هریک پنج مثقال فلفل قاقله هریک سه
و نیم مثقال زنجبیل دارچینی پوست آمله بسباسه قرنفل
جوزبوا هریک یک نیم مثقال شکر طبرزد نیم رطل
کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم
و برای اسهال شش درم۔

جوارش مقل نافع از شقاق و بواسیر و درد مقعد
صفت پوست هلیله کابلی هلیله آمله منقی افتیمون
مصطگی هریک ده درم تخم نانخواه پنج درم کوفته
بیخته بروغن پسته شفتالو چرب نموده و مقل
بیست درم در آب گندنا خیسانیده ادویه بدان بسرشند
شربتی سه مثقال به آب گرم۔

جوارش نافع از درد معده که از حرارت باشد
صفت کهربا ورق گل سرخ هریک پنج درم عود خام
سه درم زرشک پنج درم مصطگی زعفران راسک
هریک سه درم سنبل زیره هریک دو درم ادویه
کوفته بیخته بشکر طبرزد یکجا نمایند شربتی دو درم
با شربت سیب۔

جوارش آمله لولوی به نسخه دیگر صفت شیره
آمله منقی دوازده درم طباشیر سفید صندل سفید
سماق زرشک ورق گل سرخ بادرنجبویه پوست پسته
هریک درم کشنیز خشک تخم خرفه مقشر هریک ده درم
مروارید ناسفته عنبر اشهب ورق نقره ورق طلا
هریک دو دانگ نبات سفید آب به شیرین
هریک دو وزن ادویه۔

جوارش نافع کسی را که بر فراش خود از افراط
حرارت بول کند صفت هلیله زرد بلیله آمله جفت بلوط
گلنار گل سرخ ادویه برابر وزن کوفته بیخته
بروغن گل چرب نموده بعسل طبرزد بسرشند
با آب انناس بنوشند۔

جوارش نافع به کسی که بفراش خود از افراط برودت

بول کند صفته هلیله زرد راسن تخم کتان هلیله کابلی
هر یک ده درم بیخ خطمی هفت درم اقاقیا گندر
مرشیاف مامیثا هر یک دو درم زاج بریان سه درم
کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم —

چوارش که خلفه و ضعف معده را نافع ست
صفته به شیرین دانه بیرون کرده یک رطل
سیب دانه بیرون کرده نیم رطل کمثری دانه بیرون
کرده سه رطل در سرکه بپزند و سائیده بعسل
قصب دو رطل مخلوط سازند و بآتش ملایم بپزند
تا منعقد شود پس از آتش فرود آورده فرشتک
دو اوقیه طباشیر اوقیه بران بریزند و حرکت دهند
تا نیکو مخلوط گردد —

چوارش بارد قاطع اسهال که در حالت تپ و
بدون تپ استعمال توانکرد صفته زرشک ده درم
ورق گل سرخ شش درم طباشیر چهار درم تخم
حماض بریان هفت درم کهربا چهار درم حب الآس
شش درم سماق هشت درم شاهبلوط پنج درم
آرد جو چهار درم سویق سیب ده درم عنبر ده درم
حب الرمان پانزده درم کافور سه درم زعفران
پنج درم فلفل چهار درم نیلوفر پنج درم کوفته بیخته
بربّ اترج یا رب سیب معجون سازند —

جوده جند بیدستر نباشد مشک مثقال فرفیون
مثقال مویزج مثقال عروسک نباشد —

جوده لبان عطر قرنفل مثقال عطر دارچینی مثقال
اول ادویه کوفته بیخته بآب خوده زد گل انداخته

بمالند بعد از آن عطر با بپیند از نیکو مخلوط نمایند —

جواهر دار و نافع چشم صفته مروارید ناسفته مرجان بیخ
اقلیمیا ذهبی اقلیمیا فضی پوست زرباونند که ده مثقال
مرجان سفید مامیران فیروزه نیشاپوری لعل بدخشان
دارفلفل صمغ عربی حضض مکی زعفران شادنج عدسی
مکه هر یک مثقال زیت فرنگی نیم مثقال کوفته
بیخته دارو سازند —

چوارش سماق مسهل صفرا صفته سماق سی درم
سویق جو سویق سیب سویق کنار کاک بغدادی
خرنوب شامی هر یک ده درم شربت سیب و شکر بپزند
معجون سازند شربتی پنج درم —

چوارش سفرجلی مسهل مستعمل معده را قوت دهد و اشتها
طعام باز دهد و قولنج بگشاید مخصوص ست القولنج
صفته به اصفهانی پاک کرده از پوست و دانه یک
رطل پاره کند و در دو رطل مثلث بجوشانند
تا مهرا شود بعد از آن فرو گیرند و از دیگ بیرون
آورده بکوبند و یکمن عسل صافی بر سر آن بریزند
و بجوشانند تا قوام انعقاد گیرد و بعده زنجبیل
دارفلفل دارچینی از هر یک دو درم هیل قاقله
زعفران از هر یک سه درم مصطگی پنج درم سقمونیا
مشوی دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن
بادام چرب کرده سی درم همه را کوفته بیخته
صاف کرده بر سر آن بریزند و کفچه زنند تا یکسان
شود شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال —

چوارش سفرجل دیگر مشهی و مقوی معده

صفت عصاره به سه رطل عسل سه رطل سرکه
یک نیم رطل بر آتش ملائم جوش داده کف آن گرفته
زنجبیل پنج درم فلفلین دارفلفل هریک سه درم
دارچینی دو درم عود خام سه درم کوفته بیخته بدان
بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال پیش از طعام
بخورند بعد دو ساعت غذا تناول نمایند۔

جوارش اترج که ریاح را دور کند و معده را
قوت دهد و طعام را هضم کند و بو را خوش کند۔
صفت پوست ترنج زرد خشک سی درم قرنفل
جوزبوا فلفل دارفلفل دانه هیل دارچینی خولنجان
زنجبیل هریک درم مشک یک نیم دانگ بعسل
معجون سازند۔

جوارش سماق صفت سماق ده درم حب الآس
پنج درم انار دانه خرنوب نبطی هریک سی درم اگر سماق
نرسد عوض او نصف وزن ماذو و نصف وزن جلنار بیفزا
بیفزایند صمغ عربی دو نیم درم گلنار درم بگلاب اجزا
تر نموده بعسل سی و پنج درم بقوام آرند۔

جوارش نسخه دیگر سماق ده درم حب الآس پنج درم
انار دانه سی درم صمغ عربی دو نیم درم گلنار ده درم
بگلاب اجزا تر نموده بعسل بقوام آرند۔

جوارش سماق صفت سماق دو جزو دانه انار یک جزو
خرنوب سه جزو صمغ عربی بریان گلنار هریک نیم جزو
کوفته بیخته با مویز منقی باز بکوبند و استعمال نمایند۔

جوارش بابت شیخ الرئیس که در تقویت هضم
و دفع خفقان و کسر ریاح و تفریح نفس نظیر ندارد
صفت عود هندی سه درم کافور قیصوری ربع درم
مشک سه درم بسباسه بازمشک سعد فرنجمشک
زرنباد زرنب هریک دو مثقال دارچینی مصطگی
زنجبیل فلفل دارفلفل قرنفل هریک دو درم گاوزبان
پنج درم تخم رازیانه تخم کرفس وج سنبل هریک
سه درم کوفته بیخته بعسل مصفا هموزن ادویه یکجا نمایند
شربتی از دو درم تا دو مثقال۔

جوارش آمله لولوی صفت شیرهٔ آمله منقی زرشک
بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان آب
انار شیرین آب انار ترش عرق بیدمشک عرق بادرنجبویه
بیخته از پارچه گذرانیده نبات سفید داخل کرده
بقوام آرند پس مروارید ناسفته یاقوت رمانی
کهربا شمعی دارچینی مصطگی هریک شش ماشه
دانه هیل طباشیر سفید ابریشم مقرض صندل سفید
گل گاوزبان کشنیز خشک هریک توله ورق طلا
ورق نقره هریک سه ماشه پوست ترنج زرد نه ماشه عنبر سه ماشه
بدستور بسرشند۔

جوارش نافع از ضعف معده بارد صفت
شونیز نانخواه کندر دارچینی مصطگی عود خام پوست
بیرون پسته کوفته بیخته بعسل معجون سازند۔

جوارش نافع از ضعف معده و سوء هضم با حرارت
صفت طباشیر پنج درم ورق گل سرخ پانزده درم
مشک هفت درم عود هندی پنج درم برب سیب
و رب به و رب انار شیرین بسرشند۔

جوارش کندر که تحلیل ریاح غلیظ که از معده کند

صفته فلفل دار فلفل هریک چهار درم خولنجان
زنجبیل هریک دوازده درم دانه هیل جوز بوا قرنفل
هریک سه درم کند شصت درم شکر سفید بوزن
ادویه عسل بقدر حاجت ادویه کوفته بیخته بعسل
یکجا نمایند شربتی دو درم۔

جوارش شیخ الرئیس نسخه دیگر نافع از ضعف
باضمه صفته عود خام زیره بریان نانخواه کرویا
زنجبیل بریان قاقله تخم مویز برابر وزن کوفته بیخته
سفوف سازند شربتی تا سه درم و اگر ریاح کثیره باشد
تخم شاهسفرم سداب افزون نمایند و اگر بلغم و صفرا
هر دو باشد پوست هلیله زرد یک جز حرف نیم جز
شکر حب الآس سماق کزمازج هریک جز استعمال نمایند

جلنجبین نافع ست برای سرفه بارد و سعب۔
بن هبیت الله گفته که نافع ست از سرفه بلغمی ابو المنصور
گفته که تناول جلنجبین عسلی بآب مطبوخ انجیر زرد و مویز منقی
و بیخ بادیان نافع ست مر سرفه را که از رطوبت باشد
و مزاج آن گرم ست اما عسلی پس بالاتفاق گرم ست
و شکری معتدل ست مائل بحرارت چه ورق گل سرخ
در درجه اولی سرد ست و شکر در درجه اولی گرم ست
لیکن از آتش یا از آفتاب یا از تخمیر حرارت کسب
میکند چنانچه ما اصحاب ذکر کرده و این جا محل تامل ست
چه قرشی در شرح قانون گفته که در رطوبت گرمی
و حرارت دارد چون خشک شد این هر دو در شیرینی
بنا بر آن در دیاتش سرد میباشد۔

جلاب نافع از سرفه که از خلط غلیظ باشد نسخ
منضج در شش باشد صفته اصل السوس
پرسیاوشان زوفا خشک هریک سه درم سپستان
ده دانه جوشانیده صافی نموده شکر سفید ده درم
اضافه نموده بنوشند تا که در نفث نضج ظاهر شود۔

جلاب نافع از سرفه که از رطوبت شش باشد
صفته اصل السوس درم انجیر زرد ده دانه مویز منقی
ده دانه جوشانیده صافی نموده بنوشند۔

جلاب نافع از نزلات حاره صفراوی که نضج ماده
بیابد صفته گل بنفشه پنج درم عناب هشت عدد
جوشانیده صاف نموده شکر سفید ده درم حل کرده
بنوشند چون نضج ظاهر شود حب بنفشه یا شربت
ترنجبین یا لفلوس خیارشنبر و روغن بادام یا شیر خشت
استعمال نمایند۔

جلاب دیگر نافع از نزلات حاره صفراوی که
نابت باشد صفته شربت بنفشه ده درم ترنجبین
ده درم در آتش جو دو اوقیه حل کرده صاف نموده
بنوشند چون نضج در نفث ظاهر شود به نفوع
فواکه و مانند آن اسهال نمایند۔

جلاب منضج نزلات بارده بلغمیه صفته زوفا خشک
اصل السوس پرسیاوشان هریک سه درم جوشانیده
صاف نموده شکر سفید ده درم حل کرده بنوشند
و بعد از نضج حب ایارج اسهال نمایند۔

جوز و نافع برای قوت و تنقیه صفته
زرنباد قسط تلخ عود هندی شیلیه سعد شیح
جدوار خطائی مغز پسته مغز بادام هریک [illegible]

چوده روغن گرفته بر عضو مخصوص بمالند۔
جلنجبین ورق گل سرخ یک جزء شکر یا عسل
دو جزء بطریق معهود تیار نمایند۔

باب الحاء

حب اصطمخیقون نافع از امراض بلغمی و سوداوی
منقی بدن از فضول غلیظه مختلفه صفته تربد سفید
مجوف تراشیده دو درم صبر سقوطری حب النیل
هریک یکدرم شحم حنظل سقمونیا هریک دو دانگ کتیرا
مقل ازرق هریک ربع مثقال کوفته بیخته بآب حبوب
سازند و در سایه خشک نمایند شربتے از دو درم
تا سه و گاہے دران افزود میکنند غاریقون بسفایج
دارچینی مصطگی افتیمون اسطوخودوس۔

حب ذهب که نافع ست از مواد حاره در سر
صفته صبر ده درم تربد هفت درم مصطگی ورق
گل سرخ هریک دو نیم درم زعفران نیم درم پوست
هلیله زرد پنج درم سقمونیا یک نیم درم شربت
دو مثقال۔

حب ایارج نافع از علل دماغ و معده صفته ایارج
فیقرا سه درم تربد پوست هلیله زرد هریک دو درم
نمک هندی مثقال محموده نصف درم مقل ازرق
یکدرم موافق رسم تیار نمایند شربتے از دو درم تا
سه درم و گاہے عیوض محموده برای اسهال بلغم شحم
حنظل داخل میکنند و گاہے پوست هلیله کابلی داخل
میکنند و گاہے بآب کرفس حبوب میسازند لیکن این
حب را بزرگ سازند تا در معده بماند۔

حب که اسهال بلغم برفق کند صفته تربد مثقال
مصطگی نیم درم زنجبیل نیم درم بعسل حب سازند۔

حب شبیار که حب صبر ست نافع ست از درد معده
و سر صفته صبر سقوطری سه درم مصطگی ورق گل سرخ
هریک درم کوفته بیخته حبوب سازند و بوقت خواب
فرو برند شربت از مثقال تا دو درم و گاہے تربد و هلیله
زرد اضافه مینمایند۔

حب منتن نافع از قولنج و لقوه و وجع مفاصل
و فالج و نقرس و درد پشت و درد حیض صفته
سکبینج اشق جاوشیر مقل حرمل صبر سقوطری تربد سپید
هلیله زرد انزروت برابر وزن صمغ بآب گندنا
و حبوب خیسانیده ادویه مدقوقه بدان بسرشند
شربتے دو درم تا دو مثقال۔

حب نشاط صفته کتیرا پنج ماشه صمغ عربی پنج
ماشه رب السوس پنج ماشه نشاسته پنج ماشه افیون
بصری هفت ماشه حب الحلب یکماشه مرواریدنا سفته یکماشه
کهربا یکماشه یاقوت رمانی یک ماشه کوفته بیخته بلعاب
بهدانه حبوب سازند و مشک یکدانگ گاہے اضافه
میشود نافع ست جهت سرفه حاره و نزلات و سل و
قوت باصره و نشاط و باه محرورین و منع اسهال
و تعدیل مزاج سوداوی۔

حب اسطوخودوس که نافع ست از صرع بلغمی و
سوداوی و منقی دماغ صفته پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی هریک پنج درم تربد سپید هفت
[illegible]

وبسفایج فستقی هریک سه درم غاریقون سه ونیم درم
خربق سیاه نمک نفطی هریک دو درم قرنفل پودینه
جبلی شحم حنظل هریک یک نیم درم ایارج فیقرا ده درم
علی الرسم حبوب سازند ووقت حاجت استعمال نمایند
شربتی تا سه درم نزد بعضی اطبا جمع میان صبر و
غاریقون نباید کرد پس درین حب عوض غاریقون
حجر ارمنی بموزن غاریقون داخل کنند۔
حب سکبینج که نافع ست از قولنج و درد مفاصل و
امعا و مقعد و بواسیر و ریاح غلیظه و مدر حیض صفته
صبر سکبینج تخم کرفس انزروت پوست هلیله زرد و
کابلی هریک پنج درم تربد سفید بست درم شحم حنظل
سه درم کوفته بیخته حبوب سازند شربت سه درم۔
حب سورنجان که نافع ست از درد مفاصل و عرق النسا
و نقرس صفته قنطوریون وفیون دو مثقال تربد چهار
درم سورنجان سفید پنج درم سکبینج دو درم عاقرقرحا
دو مثقال صبر سه درم شحم حنظل غاریقون قوه هریک
یکنیم درم مانند فلفل حب سازند که بجلدی هضم شود
بخلاف آن حبوب که برای اعضاے سر کنند
آن کلان میشوند از برای آنکه دیر هضم شود و جذب مواد
از سر کند شربت دو درم تا سه درم۔
حب سورنجان دیگر که سبک ست از اول صفته
سورنجان سفید هلیله زرد صبر سقوطری وزن برابر
مانند اول استعمال نمایند شربتی از دو درم تا سه درم
حب ملوکی شخصے را که مسهل هضم شود بکار آید صفته
تربد یکدرم و ثلث غاریقون دو ثلث درم هلیله زرد

هلیله سیاه هریک یک نیم دانگ افتیمون نصف درم
مصطگی ربع درم گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه مجموع
انطاکی طباشیر ورق گل سرخ زعفران هریک سدس
درم بگلاب حبوب سازند۔
حبے که بوے بدن و دهن خوش کند و بخر را نافع ست
صفته پوست اترج سبز و برگ تازه آن فرنجمشک
سنبل الطیب قرنفل جوز بوا کبابه بسباسه سعد کوفی
هریک سه درم مشک خالص ثلث درم کوفته بیخته
بگلاب حبوب سازند و عند الحاجت در دهن گیرند۔
حب که نافع ست مر قرحه ریه را صفته فستق مقشر
لوز شیرین مقشر کتیرا رب السوس تخم خشخاش مقشر
بهدانه هریک وزن برابر در ربلث جمع و حبوب سازند
و عند الحاجت زیر زبان گذارند۔
حب سرفه صفته رب السوس مویز منقی هریک
سه درم نشاسته صمغ عربی کتیرا مغز تخم کدو هریک
یکدرم فانیذ نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه حبوب سازند
حب منتن که نافع ست مر فالج را صفته صبر نیم درم
تربد نیم درم جندبیدستر یکدانگ فرفیون یکدانگ
مقل دو دانگ سکبینج اشق جاوشیر هزار اسپند
هریک دو دانگ بآب حب سازند حبه یک خوراک۔
حب فرفیون صفته شبطرج غاریقون شحم حنظل
مقل فرفیون هریک دو درم صبر چهار درم مقل را
بآب گندنا حل کنند و دارو ها را بدان بسرشند و
حبوب سازند شربتی یک مثقال تا دو نیم مثقال۔
حب نافع برای درد شقیقه صفته اقاقیا

انزروت سپید افیون زعفران صمغ عربی مر یکی برگ مورد دم الاخوین شیاف مامیثا وزن برابر کوفته بیخته بلعاب بهدانه حبوب سازند هر حبے بقدر نخود یک حب شام با سپیدۂ تخم مرغ سوده طلا نمایند

حبے که باکثر امراض چشم نافع ست صفت پوست بلیله پوست بلیله آمله منقی هر یک سیر سنگ مصری فلفل دکھنی نیله تھوتھه هر یک هیزده درم در آتش انگشت نیله تھوتھه را بریان کرده ترپھله را در دیگ مس پتیلی بالقدر کفایت تا چهل روز در موسم گرما و تا پنجاه روز در موسم سرما در مکان بگذارند که آب دران نرسد بعد ازان همه ادویه را باریک سائیده در پارچه گاڑهه صاف نمایند

حبے که قدوة الحکما رئیس الاطبا سید السند والاستاذی معتمد الملوک علویخان برای سل که حرارت شدید و سرفه داشته باشد تالیف فرموده صفت کافور قیصوری نیم دانگ سرطان محرق رب السوس صمغ عربی کتیرا گل ارمنی هر یک دانگ مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خیارین هر یک دو دانگ کوفته موافق نخود حب سازند و این یک شربت ست و در نسخه دیگر بر اجزای مذکور انجبار یک دانگ افزوده اند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با حرارت شدید و نفث دم باشد صفت کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر سفید صحیح انجبار دم الاخوین کهربا مروارید ناسفته شادنج عدسی مغسول صمغ عربی کتیرا رب السوس سرطان سوخته گل ارمنی هر یک دانگ مغز تخم کدو مغز تخم خرفه هر یک دو دانگ کوفته بیخته حبوب سازند

این یک شربت ست با شیر خر یا شیر زن یا شیر بز بمقدار سه رطل یا کم یا زیاده یا با آش جو و شربت خشخاش فرو برند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با نفث الدم باشد بسبب نزلات حاده یا نزله از سر صفت کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر سفید پوست انجبار دم الاخوین کهربا شادنج شسته گل ارمنی نشاسته عیار الرحی کتیرا رب السوس فاوانیا مغز بادام شیرین مقشر تخم کاهو مغز تخم کدو غراء السماک المحلول اقاقیا مغسول عصارة لحیة التیس هر یک دانگ افیون حبه زعفران مسحوق کوفته بیخته بلعاب بهدانه حبوب سازند و دو حصه کنند یک حصه اول نهار بالبن زنان و حصه دوم آخر نهار با آب بید استعمال نمایند

حب دیگر له قدس سره برای سل و دق و سرفه گرم صفت کافور قیصوری نیم دانگ مغز بهدانه شیرین صمغ عربی کتیرا شکر تیغال هر یک دانگ مغز تخم کدو درم کوفته بیخته حبوب سازند و بالائش آش جو که دران سرطان نهری پخته باشند بنوشند—

حب سرخ که در ابتدای رمد فائده دارد صفت گیرو پاوسیر افیون دو دام زنجبیل نیم دام کوفته بیخته حبوب سازند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با سرفه شدید باشد صفت مغز بادام شیرین رب السوس کتیرا صمغ عربی خصیة الثعلب شکر تیغال نشاسته غراء السماک هر یک دانگ افیون نیم حب

زعفران طسوج کوفته بیخته حبوب سازند و در نسخهٔ دیگر خصیة الثعلب صمغ عربی رب السوس نشاسته کتیرا حب المحلب سرطان سوخته غراء السمک گلنار عصارة لحیة التیس هریک دانگ غراء السمک را اول بآب حل کنند و ادویه کوفته بیخته بدان بسرشند و حبوب سازند۔

حب سفید پاره نیم دام تراج ربع دام حضض چهار دام زعفران نیم دام افیون دام سوده حبوب سازند حبی که قدوة الحکماء السید السند والاستاذی الاستاذ علویخان که سبت بمیر محمد مسیح مولوی بسیار است سل تجربه کرده فائده کلی بخشید صمغ کافور قیصوری زعفران هریک دانگ افیون طسوج رب السوس تخم گل ارمنی هریک دو دانگ صمغ عربی کتیرا سرطان سوخته نشاسته بنفشه گل نیلوفر تخم خشخاش مغز تخم کدو مغز تخم خرپزه صندل سفید ترنجبین تخم گل گاوزبان پوست خشخاش هریک مثقال مغز بهدانه نیم مثقال ترنجبین را بلعاب اسبغول حل کرده و ادویه کوفته بیخته بدان سرشته حبوب سازند هر بامداد پنج حب با شیر بز یا لبن اتان و شب بیدار شدن باشربت یا آب جو فرو برند۔

حب مجفف رطوبات که در شش و سینه مجتمع شده باشد و مجفف قرحهٔ ریه و مدمل آن صمغ عربی کتیرا رب السوس پاره نشاسته هریک چهار درم ...
... مغز بادام شیرین ... نمود هریک ... دانگ رب السوس نیم درم کتیرا دو دانگ

کوفته بیخته حب سازند۔

حب لتا مروارید ناسفته کهربا شمعی صندل سفید لعل بدخشی یاقوت رمانی یاقوت سفید زهر مهره بلیمانی ابریشم مقرض سرطان محرق بیخ انجبار دم الاخوین مغز بهدانه نشاسته شادنج عدسی منسول تخم حب الآس صمغ عربی کتیرا رب السوس هریک ماشه مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم کاهو مقشر هریک سه ماشه بسد محرق اقاقیا عصارة لحیة التیس طباشیر هریک ماشه افیون زعفران هریک پنج گل ارمنی گل مختوم هریک ماشه کافور قیصوری نخود ادویه کوفته بیخته بلعاب بهدانه حبوب سازند و این یک شربت است و این حب برای مدقوق و مسلول اگرچه اسهال ذوبانی داشته باشد فائده کلی بخشد و مکرر تجربه آمده۔

حب دیگر نافع از دق و سل صمغ گل ارمنی گل داغستانی صمغ عربی کتیرا صندل سفید اقاقیا کهربا مروارید ناسفته یاقوت مرجان کافور عصارة لحیة التیس سرطان سوخته دم الاخوین هریک ماشه مغز تخم کدو مغز تخم بهدانه هریک سه ماشه افیون پنج زعفران پنج حب سازند۔

حب نافع از ... صمغ ... کرده ...
کرده ... ۔۔۔ ... کرده ...
دیگ گذاشته ... ۔۔۔
تا کیسه وسط در آب ... تا ...
در آب کرده حب بسازند ... پوست ...

پس از آب برآورده مقشر کرده و در سایه پهن کنند انزروت مربی بشیر خر یک توله و چاکسو مقشر مذکور یک توله سفید آب کاشغری اقلیمیا سوخته شسته توله شادنج عدسی شسته توله اقاقیا شسته عصاره مامیثا توله افیون زعفران هر یک نیم ماشه ادویه کوفته بیخته در سپیده تخم مرغ سرشته مقدار نخود حبوب سازند صبح و شام بشیر دختر سه قطره بچشم چکانند

حب التیس از تراکیب اطبای هند بلغم را گداخته میکند و ربو و ضیق النفس و انتصاب النفس را فائده کلی بخشد صفته بیش قرنفل که قرون السنبل ست افیون هما قرها جوزماثل اجزا برابر افیون را در جوز که شکمش خالی کرده باشند بگذارند و خمیر گیرند و در روغن گاو بریان سازند تا آنکه خمیر سیاه شود پس افیون برآورده همراه باقی ادویه سائیده بآب مقدار نیم ماش حب بندند و یک حب صبح و یک حب وقت عشا استعمال نمایند و از ترشی و شیرینی و از غذای نفاخ و از روغن کنجد اجتناب نمایند لیکن شخصی باید داد که بلغم غالب باشد و مزاج او سرد و بهتر این ست که درین حب بجای تیس سه دار داخل کنند یا سه دار و تیس هر دو داخل کنند —

حب مجرب تیس سفید پیشیر بادیه گاو جوش دهد پیپل مرچ سیاه سهاگه شنگرف مساوی الوزن در عرق لیمون کاغذی تا دو روز حل ساخته مقدار مونگ حب بندد برای حبس شکم مرچ هفت ماشه و برای اسهال با افیون و برای هیضه با شیره ادرک یا پان بدهند و برای سے

لقوه هم شیره ادرک و یا پان و نیز در روغن مناسب حل نموده بر عضو کج ضماد سازند —

حب شخصی را بتجربه الزکام و النزله صفته کتیرا صبر مغسول تربد ابیض محکوک رب السوس وزن برابر کوفته بیخته حب بندند شربتی دو درم بوقت خواب شب —

حب که درد سر را مجرب ست بدستور حب شبیار استعمال نمایند صفته ایارج فیقرا هلیله کابلی غاریقون هر یک درم —

حبی که درد سر مزمن را نافع بود صفته صبر درم شحم حنظل سه درم تربد نصف درم مقل کتیرا هر یک مثقال سقمونیا ربع درم مقل را بآب کرفس حل کرده حب بندند شربتی یک ست —

حب نفع از درد سر و تحجیر و وجع مفاصل و تشنج صفته هلیله زرد شحم حنظل تربد مقل هر یک جزو کوفته حب بندند شربتی یک نیم درم —

حب نافع از درد سر و درد معده صفته صبر سقوطری سه درم مصطگی ورق گل سرخ هر یک درم تربد هلیله کابلی هر یک دو درم هیل نصف درم بآب کرفس حب بندند شربتی سه درم وقت خواب شب در هر هفت یک مرتبه —

حب که از درد سر و سدد و در ابتدای نزول ماء نفع کند صفته صبر مثقال پوست هلیله زرد دو مثقال تخم کاسنی دو مثقال تربد محکوک دو مثقال علک الروم حب بندند شربتی دو نیم درم —

حب الشجاع که نافع ست مر فالج و لقوه و وجع
مفاصل را که از بلغم باشد صفته ترنجبین شربید
حب النیل حشیشه غافث هر یک سی درم جوشانیده
صاف نموده باز بآتش نهند و جوش دهند تا منعقد
گردد پس ریوند چینی مرغاریقون صبر اشج مقشر
عصاره سوس هر یک بست مثقال کوفته بحریر
گذرانیده بدان بسرشند و حبوب سازند شربتی از
دو دانگ تا نیم درم بآب گرم ـ
حب نافع از رعشه صفته عاقرقرحا جندبیدستر
شیطرج بزر البنج هر یک سه درم سکبینج شحم حنظل
هر یک چهار درم فیقرا پنج درم شربتی دو نیم درم ـ
حب قسط نافع از فالج و وجع مفاصل و درد اعضا
و نقرس و قولنج و ریاح غلیظ و عرق النسا و امثاله که
از رطوبت و برودت باشد صفته پوست هلیله زرد
صبر شحم حنظل ماهی زهرج انزروت اشق و مقل ازرق
سکبینج جاوشیر صمغ سداب بزر و قسط هر یک پنج درم
صموغ را بآب گرم خیسانیده و ادویه بدان سرشته
حبوب سازند مانند فلفل و خشک کنند شربتی
دو درم بآب گرم ـ
حب نافع از مالیخولیا و جذام و مخرج سودا صفته
افتیمون بست درم بسفایج غاریقون هر یک ده درم
خربق سیاه پنج درم مقناطیس سه درم نمک هندی
پنج درم اسطوخودوس هفت درم کوفته بیخته
حبوب سازند شربتی سه درم ـ
حب مخرج سودا صفته افتیمون ده درم غاریقون
پنج درم شحم حنظل دو نیم درم نمک نفطی درم قرنفل
درم بدستور حبوب سازند ـ
حب جهت ورم و جوشش و قلاع و در دهن دارند
صفته کتیرا طباشیر عصاره گشنیز بکوه
صندل سرخ صمغ عربی هر یک ماشه گلسرخ سه ماشه
قرن ایل محرق یک ماشه بلعاب اسبغول حب سازند
حب جهت قلاع و جوشش دهن صفته
مغز تخم خیارین شش ماشه مغز بادام شیرین
مغز کدو شیرین هر یک چهار ماشه صمغ عربی کتیرا
دو ماشه خشخاش چهار ماشه کافور دو سرخ بهدانه نیم ماشه
حبوب سازند شربتی یک نیم درم بلعاب اسبغول
حب بندند ـ
حب سه فد رب السوس دو درم کات هندی
بست درم خولنجان سه درم مغز خسته هلیله چهار درم
تخم گاوزبان دو درم مغز بهدانه صمغ هر یک درم
بشیره ادرک حب سازند ـ
حب سرفه معتدل گل بنفشه رب السوس
پر سیاوشان کتیرا صمغ عربی صمغ بادام نشاسته
بادیان هر یک دام مغز بادام تلخ چهار دام باقلا
مقشر چهار دام تخم خشخاش دو دام شکر دوازده دام
زعفران نیم دام بلعاب اسبغول حب بندند ـ
حب دیگر عجیب و غریب کثیر النفع صفته
مویز منقی ده دانه انجیر سه عدد سرطان محرق دو ماشه
خشخاش سفید شش ماشه کهربا یک نیم ماشه مغز بادام
تلخ ده عدد کوفته بیخته حب سازند ـ

حب نافع ضیق النفس وقتیکه سبب آن ضعف
عصبهای سینه و رسیدن ماده بعصب سینه باشد
صفته شیح ارمنی افسنتین رومی زریرة کرمانی
از هر یک جزو فانیذ دو جزو کوفته بیخته حب سازند
حب بجهت همین کار صفته مغز بادام تلخ فانیذ
هر یک جزوی جند بیدستر نیم جزو کوفته بیخته بگلاب
سرشته حب کنند هر حبه بقدر نخود صبح چهار عدد
وشام چهار عدد بخورند

حب نافع صاحب سل و سرفه کهنه صفته
صندل سفید بادرنجبویه از هر یک دو مثقال
طباشیر سفید کافور قیصوری صمغ عربی کتیرا از هر یک
پنج مثقال ترنجبین ورق گل سرخ مغز تخم کدو
گل نیلوفر از هر یک هشت و پنج مثقال زعفران
مصطگی عود هندی از هر یک دو مثقال و نیم [illegible]
هفت مثقال افیون هفت مثقال و نیم [illegible]
هشت مثقال بنفشه سبز عناب از هر یک هفت و دو مثقال
مجموعه را کوفته بیخته بعرق بید مشک سرشته حب بسازند

حب بواسطه زکام و نزله بارد صفته افیون
نصف نخود حب میعه کندر هر یک دانگ زعفران
طسوج کوفته بیخته بگلاب سرشته حب بقدر نخود
بندند و وقت خواب در زیر زبان نگاه دارند
واگر آن شخص افیونی باشد حب بقدر ماشکی سازند

حب میعه جهت سعال بارد صفته میعه جند بیدستر
اسارون افیون برابر گرفته کوفته بیخته حب سازند

حب شیخ میرزا ابوالقاسم بواسطه سعال و موی

صفته افیون نصف ماشکی اقاقیا حضض کی
نشاسته صمغ عربی کوفته حب ساخته نصف از اول
روز نصف دیگر آخر روز فرو برند از عقب آن
نشاسته بریان تخم حماض بریان طباشیر سفید
سوده بر دستی دیغ داغ کرده با آهن سرد ساخته
بر وی برف مالیده بنوشند

حب میعه جهت سرفه بارد صفته مر افیون از هر یک
نصف اوقیه زعفران دو درم کوفته بروغن بلسان
دو درم حب نموده حب سازند مثل کرسنه
یعنی موٹھ

حب قوقایا دقوقایا بزبان سریانی اسم حبیست
صفته مصطگی محموده شوی عصاره افسنتین
صبر سقوطری وزن برابر کوفته بیخته بآب سرشته
حب سازند

حب جهت مفاصل حار صفته کافور قیصوری
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم حنظل سورنجان
استخوان سوخته سماق بغدادی کوفته بیخته
بگلاب سرشته حب سازند هر حبه بقدر نخود

حب شیخ میرزا ابوالقاسم مفتت حصاة و ریگ مثانه
صفته حجر الیهود صمغ عربی آلو مغز تخم خیارین
سیسالیوس زعفران رب السوس مایه بزغاله
کوفته بگلاب با شیره تخم کرفس سرشته حب سازند
هر حبه دانگ بقدر نخود

حب جهت جرب مجرب صفته افتیمون غاریقون
پوست هلیله زرد هر یک پنج درم سقمونیا شی

دو درم صبر سقوطری تخم حنظل زهره گاو خشک کرده
از هر یک سه درم بگلاب سرشته حب سازند —

حب ابن حارث جهت بهق و اوجاع مفاصل و امراض
بلغمی و سوداوی صفته هلیله زرد هلیله سیاه صبر سقوطری
انزروت سفید مقل سرخ سکبینج تخم حنظل از هر یک پنج جزو
خرف ابیض صعتر شونیز زیره کرمانی نمک اندرانی
علک رومی از هر یک چهار جزو صموغ را در ظرف مس کرده
آب بر روی او کنند و در آفتاب گذاشته تا حل شود
اجزا را گرفته کوفته بیخته در آن سرشته حب سازند
هر حب بقدر فلفل در سایه خشک کنند شربتی یک مثقال

حب امساک و قوت باه و بیه مبو صفته سیماب مصفی
شنگرف مصفا سم صاف کرده فلفل دراز عاقرقرحا
کچوره هر یکی شیره برگ تنبول شیره ادرک شیره بنگ
همه را حل کرده حب بندند بمقدار نخود و یک حب بخورد
بعد یک پاس جماع کند ماندگی نیارد و سستی بیفزاید
و قوت ذہن و قضیب را محکم کند —

حب نافع از طحال صفته زیره کرمانی چهار مثقال
سنبل الطیب فلفل سپید اشق هر یک دو مثقال اشق
را در شراب انگوری حل کرده ادویه کوفته بیخته
بدان سرشته حب سازند —

حب دیگر نافع از ورم طحال صفته صبر سهاگه
شب یمانی نمک سیاه نمک سنگ فلفل گرد پوست
هلیله زرد حب نانخواه برابر وزن در شیره کچیلی
سه روز کهرل نمایند و سه روز در شیره لیمون کهرل
سازند و چون گذارند حب سازند تا چهار روز حب
صبح و یک حب شام بخورانند —

حب دیگر سیماب پنج درم گوگرد پنج درم تخم دهتوره
پنج درم آب ادرک آب برگ تنبول هر یک پنج درم
شکر سفید ده درم حل کرده بمقدار نخود حب بندند
و یک حب در دهن دارند —

حب جهت جرب تر صفته پوست هلیله زرد
هلیله سیاه بلیله صبر هر یک سه و نیم ماشه سقمونیا سه
ششش سرخ تخم شاهتره سه نیم ماشه مقل در شیره
پرورده ششش سرخ با آب شاهتره تازه اگر بهم رسد
والا جوشانیده حب بندند —

حب که برای جالق نفع دارد صفته کچله دو عدد
شیره برگ چنبیلی دو مثقال پیپل یک مثقال
کتهه یک مثقال کچله سوهان کرده بسایند و دو سه
مرتبه با پیچ پیر کنند و ادویه دیگر نیز کوفته با شیره
در آن انداخته تا دو پاس کهرل کرده حب بسته
نگاه دارند و در شراب و آب تشنه حل کرده ضماد نمایند

حب مقوی مغز کشنیز خشک نرشقا فلفل تخم پیاز سفید
کشش خرما وزن برابر با شیره حنظل بسرشته
حب سازند وقت حاجت دو درم بشراب انگوری
بیاشامند نعوظ تمام آرد —

حب ثوالول نوشادر کندر هر یک یک تولد
حب البان شوره زنجبیل سجر ورق سداب هر یک
نیم تولد با شیره ماش فلفل خوب بسایند تا وقتیکه
غلیظ شود بقدر ماش حب بسته نگاهدارند وقت
حاجت بسرکه انگوری سایند و بر ثوالول طلا نمایند

حب دیگر نافع از استحاضه صفت طراثیث شیرین مغز حب الآس گلنار فارسی کهربا شمعی اقاقیا بسد محرق طباشیر سفید مروارید ناسفته پوست بیخ انجبار عصارهٔ لحیة التیس گل ارمنی گل مختوم طین مختوم صمغ عربی دم الاخوین کثیرا پوست خشخاش هریک یک ماشه افیون زعفران هریک یک سرخ خولنجان یک ماشه یا نیم ماشه سوده بآب پوست کوکنار حبوب سازند این یک شربت ست —

حب الشفا که نافع ست برای تپ مزمن صفت زنجبیل جدوار هریک جزو ریوند دو جزو جوز ماثل یک نیم جزو —

حب نسخهٔ دیگر ریوند یک جزو زنجبیل سه جزو جوز ماثل یک نیم جزو —

حب عنبر مبهی و ممسک که تا دوازده ساعت نعوظ می نماید و امساک خاطر خواه آرد صفت الفیون شتر اعرابی عنبر اشهب هریک دو جزو مشک یک جزو خصیة الثعلب خولنجان هریک دو جزو مصطگی رومی یک جزو قرنفل یک جزو کوفته بیخته بقدر نخود حب سازند تا نیم مثقال ازین حب توان خورد و از عقب آن شیر تازه یا آب تره تیزک و آب نخود خیسانیده بنوشند نافع ست —

حب امساک خوش که فی امساک بی نظیر ست صفت جوز بوا خولنجان مصری خصیة الثعلب هریک دو دام بسباسه دام افیون مصری یک نیم دانگ کافور قیصوری قسم اعلی وزن ابریشم سوخته بوزن سوخته دام

حب سازند —

حب مبهی منعوظ بیاز دشتی عنبر اشهب مشک بابونه شتر اعرابی هریک تولهٔ کوفته بیخته با شراب دو آتشه حب سازند وقت حاجت دو حب با دو پیاله شراب تناول نمایند چون بمعده رسد نعوظ شود —

حب جدوار افیون بنفشه هریک جزو زعفران مصطگی هریک سدس جزو ریوند خطائی جزو مشک نیم حبه بآب حب سازند —

حب جدوار حکیم عماد الدین جدوار چهار مثقال جوز بوا بسباسه ماهی زهره هریک مثقال افیون سه مثقال کثیرا القدر کفایت —

حب الکرامات برای دانه هر قسم که باشد مجرب ست صفت کیلا چونه نیلا تھوتھه هلیله کنبه پاپڑیا درلنا برابر کوفته همه را بار یک سائیده در آب حب سازند و وقت حاجت در روغن گاو سائیده طلا نمایند —

حب نافع از امراض بلغمی و سودا وی صفت دارچینی زعفران قسط سنبل حماما کما ذریوس بسر دانه انار حب المحلب مقشر غاریقون قرفه هریک زعفران قرنفل هریک سه درم صبر سقوطری شانزده درم کوفته بیخته در صیف بعصیر ورد و در شتا بعصیر کبر بیت حبوب سازند شربت دو درم —

حریره نافع از سرفه قریب العهد که با حرارت باشد صفت سبوس گندم قبضه خیسانیده صاف بر آتش بگذارند و عسل مصفی هفت درم لبنا ده درم شکر سفید پانزده درم روغن بادام

یا مسکه یا روغن کنجد بران ریزند و متصل حرکت
دهند و کسی را که مزاج گرم داشته باشد یا مرض گرم
درین حریره بیضه داخل کنند و برای کسیکه مزاج سرد
یا علت سرد داشته باشد زعفران نیم درم داخل کنند۔

حب دیگر که نافع ست برای برص مستعمل استاذی
معتمد الملوک علوی خان با یکی یک جزگیر و دو جزو آب
زنجبیل تر سرشته حبوب بندند مقدار کنار پس حب
بعرق زنجبیل تر یا سرکه انگوری سوده بر برص طلا
نمایند و اگر از طلا فایده نشود دو حب بخورانند۔

حسا نافع ست از سرفه که از خشکی و خشونت باشد
صفت چو مقشر خشخاش سفید شکر سفید روغن بادام
شیرین بدستور مقرر تیار نمایند۔

حسا دیگر نافع از سرفه خشک و عسر نفس صفت
باقلا مقشر سه اوقیه سحق نموده نشاسته ا اوقیه روغن
بادام شیرین روغن زرد بقدر حاجت۔

حسا نافع ست و منضج سرفه و قابض صفت
تخم خشخاش دو کف را شیره کشیده کفک سمید
مسحوق سه اوقیه صمغ عربی بریان مغز بادام شیرین مقشر
مجمص ا اوقیه گلقند آب خرنوب شامی حسا سازند
اگر تقویت مقصود باشد آرد برنج باریک داخل نمایند

حسو نافع از سعال که از خشونت قصبه ریه که اندود
وغبار باشد صفت جو مقشر تخم خشخاش شکر سفید
روغن بادام شیرین یا روغن گاو۔

حسا نافع برای بهمین سرفه صفت نشاسته
شکر سفید روغن بادام شیرین یا روغن زرد۔

حسا نافع از سل بعد فصد و تنقیه که بسبب اخلاط
متعفن باشد صفت جو مقشر باقلا مقشر مضروض نشاسته
کتیرا بهدانه سرطان های نهری دوازده همه بپزند
و صاف کنند و شکر طبرزد و روغن کدو داخل
کرده حسا بپزند۔

حسا دیگر نافع از سل تخم خشخاش نشاسته
با آب باران شیره کشیده شکر سفید روغن بادام
شیرین حسا سازند۔

حسا نافع برای صاحب سل و ذبول صفت
سرطانهای تازه شسته پاچه اسفیدباج دراج تیهو
تخم مرغ نیم برشت۔

حب مقوی معده صفت سنبل المسک سنبل الطیب
قرنجشک قرنفل دارشکک کبابه قرفه بسباسه قاقله
خولنجان سادج هندی سعد کوفی عود هندی کبابه
صندل سفید صمغ عربی کوفته بیخته حبوب سازند
هر حب بقدر نخود و در سایه خشک کنند۔

حسا صالح از برای سل و حرارت کبد و صمغ صفت
نخود مقشر لوبیا سرخ مقشر کاکنج سمید گندم مقشر نشسته
آرش مقشر جو سفید مقشر هر یک کیلچه مغز بادام شیرین
تخم خشخاش سفید هر یک ربع کیلچه شکر سفید بقدر
کفایت دیگ کف از آن گرفته حسا بپزند روغن
بادام شیرین بیندازند۔

حسا نافع از سل و قابض صفت تخم خشخاش سفید
دو کف کفک سه اوقیه صمغ عربی بریان سه درم
مغز بادام شیرین بریان ا اوقیه آب خرنوب شامی

بقدر حاجت بقوام نعوق سازند

حسّا نافع از قرحه سل و تنقیه آن صفت آرد کرسنه جند بیدستر کزآب شامی عسل منضج

حسّا نافع از ربو و ضیق النفس که از اخلاط غلیظ لزج بقصبه ریه چسپیده باشد صفت تخاله سمید را آب گرم یک ساعت بخیسانند بالیده دست مالیده نموده قراشیون تازه سبز نیم رطل زیاده نموده بپزند تا بجوش شود

حسا نافع از ربو که با سرفه و خشونت سینه باشد صفت تخاله سمید با آب خالص یک شب بخیسانند پس کوفته افشرده تخاله دور کنند و آب افشرده را با شیر تازه دوشیده و فانیذ بپزند و زیره و زعفران بر آن پاشیده بر آن باشند

حسّا نافع از ربو صفت قنطوریون دقیق و غلیظ هر یک کف کلان قرطم نیم کوفته تخم کتان حلبه هر یک دو کف خطمی تخاله هر یک سه درهم انجیر چهل عدد سپستان سه درهم قند دو درهم با شیر و روغن بادام یک کف کلان همه را بپزند و صاف نموده صد درهم آن با روغن بادام و روغن خسرو [illegible]

حب جالینوس جهت سعال صفت [illegible] مقل ازرق شحم حنظل غاریقون [illegible] سقمونیا مشوی وزن برابر [illegible]

حب [illegible] صفت [illegible]

مجموع [illegible]

شیر نیم کوفته سوده اضافه نموده حب سازند

حب سرفه صفت صمغ عربی کتیرا مغز بهدانه تخم هر یک سه درهم مغز بادام شیرین باقلا خشخاش تخم خیار تخم کدو شیرین هر یک پنج درهم رب السوس نشاسته خشخاش سفید تخم خرفه هر یک سه درهم شکر سفید ده درهم بلعاب اسپغول سرشته حب سازند

حب بنج و از مسکّن افیون عنبر مشک زعفران قرنفل کبابه صمغ عربی وزن برابر حب سازند

حب سرفه دیگر صفت رب السوس کتیرا طبرزد مغز بادام هر یک برابر حب سازند

حب سرفه دیگر صفت اسطوخودوس یک نیم ماشه گل سرخ یک نیم ماشه بادام شش ماشه نبات یک تولہ

حب سرفه یابس صفت نشاسته صمغ عربی کتیرا مغز بادام تخم کدو مغز خیار هر یک وزن برابر ترنجبین پاک کرده ده وزن ادویه بلعاب اسپغول و لعاب به دانه حب سازند

حب جهت سرفه اطفال صفت بیخ رب السوس هر یک شش ماشه بادام تلخ نه عدد صمغ عربی چهار ماشه خشخاش شش ماشه مویز برابر همه ادویه کوفته بیخته حب سازند

حب جهت سرفه اطفال نسخه دیگر صفت کتیرا رب السوس بهدانه هر یک دو ماشه قند سفید شش ماشه در شیرا عرق کتیرا صمغ عربی داخل کنند

حب سرفه گل سرخ دو تولہ هلیله سیاه شش ماشه

انجیر ده عدد مویز ده دانه روغن بادام یک توله تخم خرفه
دو ماشه خشخاش شش ماشه نبات یک توله شربت
از یک توله تا یک دام —

حب دیگر افیون جزء غاریقون اسطوخودوس
هلیله کابلی صبر عود مصطکی هر یک جزء مقل حاشا هر یک
نیم جزء کوفته بیخته حبوب سازند —

حب سرفه اطفال صفت مغز بادام شیرین و تلخ
پوست بیخ بادیان تخم کرفس پرسیاوشان هر یک وزن
برابر کوفته بیخته حبوب سازند —

حب سرفه اطفال صفت گل سرخ شش سرخ
کشنیز سه سرخ رب السوس سه ماشه شهد ده ماشه
ازین وزن دو حب بندند —

حب دیگر تخم کتان بریان کرده پنج مثقال مویز منقی
هفتاد و سه مثقال فلفل بیست درم زعفران ده درم
عسل دو سیر کوفته بیخته حبوب سازند و نگاه دارند —

حب دیگر مویز منقی یک ماشه مغز بادام تلخ کتیرا ماشه
رب السوس چهار ماشه وج با شهد حبوب سازند —

حب دیگر مویز منقی شش درم پوست هلیله دو درم
فلفل نه ماشه روغن بادام یک درم نبات دو درم

حقنه نافع از سرفه که از ورم شش باشد صفت
جو مقشر سه کف تخاله خطمی هر یک کف انجیر زرد خشک
عناب هر یک سی عدد سپستان کف پرسیاوشان کف
کوفته پخته بر روغن بنفشه بیست درم شکر سفید پنج درم
و قند سه ماشه افزوده حقنه نمایند —

حقنه لینه نافع از احتباس بطن و امراض حاده و غیرها
صفت عناب سپستان بنفشه خشک جو مقشر نیم کوفته
خطمی سبوس خشک اکلیل الملک هر یک کف انجیر بیست عدد
در سه رطل آب بجوشانند چون بیک رطل رسد نصف
رطل از وگرفته سه درم شکر سرخ یک اوقیه روغن
گل یک اوقیه روغن کنجد ده درم باهم مخلوط کرده
نیم گرم حقنه نمایند —

حقنه نافع از قولنج از خلط حاد صفت عناب سپستان
هر یک بیست دانه جو مقشر نیم کوفته ده درم خطمی
سبوس گندم تخم کتان هر یک پنج درم بنفشه خشک
سه درم لبلاب ده درم در دو رطل آب بجوشانند
تا نصف رسد پس صاف نموده چهار اوقیه از ان
گرفته لعاب اسبغول ده درم روغن گل و روغن بنفشه
و روغن کدو هر یک پنج درم نیم گرم حقنه نمایند —

حقنه مقوی الارحام و اعضاء سفلی صفت آب آش
آب مرزنجوش آب نمام آب مرو تازه هر یک ملعقه
قصب الذریره مسحوق دو درم شراب جمهوری
یا نبیذ مویز عسل ملعقتین موافق حاجت از وگرفته
در قبل زن حقنه نمایند —

حقنه آب حقنه چهار اوقیه شیطرج و تمر هندی
هر یک دو اوقیه —

حقنه برای ریح غلیظ صفت آب گندنا شکرچه
آب حلبه مطبوخ شکرچه روغن زنبق شیطرج
هر یک اوقیه نیم گرم حقنه نمایند —

حقنه دیگر سریع الاثر صفت تخم کرفس تخم کشوث
بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب اصل السوس

پر سیاوشان مویز منقے سنا مکی گل سرخ تربد سفید مجوف
بسفایج افتیمون تخم کاسنی نیم کوفته هر یک تولہ انجیر زرد
ساگ پالک یک قبضہ جوشانیده صاف نموده
فلوس خیار شنبر تولہ ترنجبین گلقند آفتابی هر یک
تولہ صاف نموده روغن بادام شیرین شش ماشه
بوره ارمنی سه ماشه اضافه نموده حقنه نمایند۔

حقنه جهت قتل دیدان صفت آب برگ شفتالو
آب بیخ توت آب پوست انار شیرین گرفته قدرے نمک
ونطرون دران حل کرده حقنه کنند۔

حب جالینوس سرفه و سینه را نرم سازد
صفت صمغ عربی کتیرا هر یک شش درم لبان
مصافی زعفران رب السوس هر یک دو درم
فلفل بست و پنج دانه تخم هیرون پنج عدد تخم را با طلا
سحق نمایند و ادویه مدقوقه منخوله را بران ریزند
و مانند فلفل حب بندند یک حب زیر زبان وقت
شب بگذارند و یک حب نهار بطبیخ اصل السوس فرو برند
حب دیگر که چون در دهن گیرند خلط غلیظ شش و
سینه را برآرد صفت رب السوس فلفل تخم را زیانه
هر یک درم فانید سه درم چون او بیا حب سازند وقت
خواب در دهن بگذارند۔

حب نافع از اسهال که بعد استعمال مسهل عارض
شود صفت افیون سنا گه شنگرف برابر سوده ماشه
دانه موٹھه حب بندند تا سه روز یک یک بعمل آرند
حب رب السوس فلفل سیاه شکر سفید برابر
گرفته حب سازند۔

حب الغار زوفا خشک پودینه زنجبیل اصل السوس
خردل قردمانا فلفل تخم انجره انیسون دو جزء زعفران
کندر بورق افیون هر یک جزء کوفته بیخته حبوب سازند
حب الاشق نافع ربو بلغمی اگرچه ماده آن در قصبه
و شرائین ریه یا جرم ریه باشد صفت اشق درم
در آب رازیانه ترنجبیل سانند چون حل شود چند بار
نیم درم سوده بپاشند و حب بندند و بماء العسل
فرو برند۔
حب بنفشه منقے سرفه و سینه از اخلاط غلیظه صفرا
صفت گل بنفشه دو درم تربد سفید مجوف خراشیده
بروغن بادام شیرین لت کرده یک مثقال سقمونیا
مشوی یک نیم دانگ رب السوس نیم درم حب بندند
حب نافع از ضیق النفس صفت گل بنفشه ورق
گل سرخ رب السوس هر یک درم غاریقون سفید
سقمونیا مشوی هر یک ربع درم کوفته بیخته حب سازند
حب دیگر قوی تر از هر دو صفت گل بنفشه ورق
گل سرخ تربد سفید ملتوت بروغن بادام شیرین
هر یک درم کتیرا رب السوس سقمونیا مشوی
ایارج فیقرا کوفته بیخته بگلاب حبوب سازند جمله
دو شربت است۔

حب تنباکو نافع از ربو و ضیق النفس بلغمی صفت
تنباکو فلفل سیاه مویز منقے هر یک چهار درم مشک خالص
نیم دانگ اول تنباکو را در گلاب بسایند تا چون
مرهم شود و فلفل و مشک را سرسا نموده خلط نمایند
و مویز را بران اضافه نموده مقدار فلفل حبوب سازند

یک حب صبح و یک حب شام بکار برند —

حب جدوار نافع از نزلات بارده و از برودت سرد و مقوی اعضاء رئیسه صفته جدوار زنجبیل تخم فلفل دارچینی قرنفل طباشیر سفید مومیا هر یک دو درم زعفران بسباسه مصطگی عود هندی افیون بزرالبنج سفید هر یک درم مشک جندبیدستر هر یک نیم درم کوفته بیخته بگلاب حبوب سازند مانند نخود شربتی حبه —

حب نوع دیگر صفته جدوار هفت مثقال زعفران تخم کرفس درونج هر یک دو نیم مثقال تربد فلفل عود قماری سنبل الطیب قرنفل صمغ عربی قاقله صغار و کبار خولنجان دارچینی عاقرقرحا افیون هر یک یک نیم مثقال فربیون جندبیدستر هر یک نیم مثقال کوفته بیخته بگلاب مانند نخود حبوب سازند —

حب غاریقون شیخ الرئیس نافع از ربو و ضیق چون علت قوی گردد در هر ماه دو مرتبه استعمال کنند فائده بخشد صفته غاریقون سه درم رب السوس فراسیون هر یک درم تربد سفید پنج درم ایارج فیقرا چهار درم تخم حنظل نیم مثقال انیسون مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده با آب حبوب سازند شربتی دو درم با ماء العسل —

حب غاریقون بابت استاذی علوی خان رحمة الله علیه نافع اکثر اقسام ضیق النفس و مسهل بلغم و صفرا و سودا منقی سینه و شش از اینها صفته غاریقون سپیدپیش انزروت افتیمون سنا مکی تربد هر یک سه درم گل بنفشه رب السوس ایرسا هر یک چهار درم

انزروت سفید دانگ مغز چلغوزه دو دانگ سوده بروغن بادام چرب نموده بگلاب شکر تری حبوب سازند —

حب نافع از نزلات حاره منوم و از صرع صبیان صفته نشاسته رب السوس صمغ عربی تخم خشخاش سفید افیون وزن برابر کوفته بیخته بلعاب بهدانه مقدار عدس حبوب سازند شربتی یک حبه —

حب نافع نزله حاره و سرفه و خشونت سینه و شش صفته نشاسته کتیرا رب السوس مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خشخاش مغز بادام شیرین آرد باقلا وزن برابر سوده شکر طبرزد نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه چون باقلا حبوب سازند و زیر زبان نگهدارند

حب نزله و دافع سرفه شدید صفته نشاسته کتیرا مغز تخم کدو رب السوس سوده با آب کاهو چون باقلا حبوب سازند —

حب نزله حکیم احمد مولوی معنوی صفته بزرالبنج سفید تخم کاهو نشاسته تخم خشخاش صمغ عربی افیون هر یک مثقال بیخ لفاح نیم مثقال زعفران ثلث مثقال کوفته بیخته بگلاب سرشته مقدار عدس حبوب سازند شربتی حبه —

حب نزله والد ماجد معتمد الملوک علوی خان قدس سره صفته بزرالبنج سفید مصطگی کهربا نشاسته صمغ عربی گل گاوزبان تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین افیون هر یک دو مثقال گل ارمنی چهار مثقال رب السوس دو نیم مثقال ریوند چینی یک نیم مثقال زعفران مثقال کوفته بیخته با آب

پیل ... [illegible] آن ... [illegible] سیاه ... [illegible]

پوست خشخاش حبوب سازند هر حبه مانند فلفل –
حب دیگر نافع مالیخولیا و امراض سوداوی صفت
ایارج فیقرا یک درم افتیمون لاجورد مغسول کتیرا
هر یک دو دانگ سوده با طریفل صغیر یا معجون نجاح
دو درم سرشته حبوب سازند و وقت خواب فرو برند
و صبح ماء الجبن بنوشند و اگر خواهند حبوب را ورق
نقره پیچیده این یک شربت ست –
حب نافع از مالیخولیا و جمیع امراض سوداوی که در
اثنای ماء الجبن در هر هفته بعمل توان آورد صفت
ایارج فیقرا یک درم افتیمون لاجورد مغسول هر یک
دو دانگ سوده بروغن بادام چرب نموده با طریفل
صغیر یا معجون نجاح سرشته حبوب سازند و اگر تخم حنظل
یک دانگ اضافه نمایند قوی گردد –
حب دیگر لاذکر صفت هر سه هلیله هر یک سه ماشه
ورق گل سنج سنائی هر یک دو ماشه افتیمون ماشه
سوده بروغن بادام شیرین چرب نموده حبوب سازند –
حب نافع از سرفه که از خشونت سینه و قصبه ریه
باشد حرارت و تشنگی داشته باشد صفت تخم خرفه مقشر
رب السوس مغز بادام شیرین مغز تخم خربزه شکر طبرزد
هر یک ده درم تخم خشخاش سفید تخم کاهو هر یک پنج درم
صمغ عربی کتیرا نشاسته آرد جو مقشر هر یک هشت درم
کوفته بیخته بلعاب اسبغول حبوب سازند –
حب دیگر برای همین سرفه اگر حرارت مفرط نباشد بگیرند
صفت رب السوس پرسیاوشان گل بنفشه کتیرا
صمغ عربی نشاسته تخم رازیانه هر یک درم مغز بادام
آرد باقلا هر یک چهار درم تخم خشخاش درم شکر
دوازده درم زعفران نیم درم کوفته بیخته بلعاب
تخم مرو حبوب سازند –
حب نافع از سرفه گرم مزمن صفت نشاسته
کتیرا صمغ عربی مغز تخم خیار مغز بادام شیرین مغز تخم
کدوی شیرین هر یک جزو ترنجبین منقی برابر همه ادویه
ترنجبین را بلعاب بهدانه و اسبغول حل کرده ادویه
بدان سرشته چون ترمس حبوب سازند –
حب سرفه رب السوس دو دام کات هندی شسته
بست درم خولنجان سه درم مغز خسته هلیله چهار درم
تخم گاوزبان دو درم مغز بهدانه صمغ عربی هر یک
درم بشیره ادرک حب سازند –
حب سرفه معتدل گل بنفشه رب السوس
پرسیاوشان کتیرا صمغ عربی بادام نشاسته
بادیان هر یک دام مغز بادام تلخ چهار دام باقلا مقشر
چهار دام تخم خشخاش دو دام شکر دوازده دام زعفران
نیم دام بلعاب اسبغول حب سازند –
حب بقراط نافع از سرفه گرم دموی که با تپ
باشد صفت نشاسته کتیرا رب السوس هر یک
پنج درم افیون نیم دانگ کوفته بیخته بلعاب اسبغول
حبوب سازند و یک حب بوقت شب در دهن نگهدارند
حب دیگر نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش
افیون برابر وزن کوفته بیخته بلعاب بهدانه سرشته
چون عدس حب بندند –
حب نافع از سرفه که بسبب نوازل باشد

صفت نشاسته کتیرا رب السوس مغز تخم خشخاش
مغز بادام شیرین آرد باقلا اجزا برابر شکر طبرزد
برابر همه ادویه بلعاب بهدانه حبوب سازند شب
و روز در دهن بگذارند۔

حب لنا جدوار خطائی چهار درم ریوند چینی
کباب چینی هر یک درم سوده بآب در یا مقدار نخود
حب بندند و اگر گرمی کند طباشیر سفید دو درم داخل کنند

حب نافع از سرفه که بسبب انصباب نزلات
حاره بسوی سینه و شش باشد صفت بزر البنج سفید۔
تخم خشخاش تخم کاهو رب السوس صمغ عربی نشاسته
مصطگی کتیرا شکر تیغال آرد باقلا پوست بیخ لفاح
مغز بادام افیون زعفران وزن برابر شکر برابر همه
از ان ادویه کوفته بیخته بگلاب سرشته مانند ماش
حبوب بندند شربتی دو حب۔

حب باهت والد ماجد استاذی علوی خان
نافع از سرفه که از نزلات حاره رقیقه باشد صفت
بزر البنج سفید مصطگی کهربا نشاسته کتیرا صمغ عربی
هر یک دو مثقال تخم کاهو گل گاو زبان تخم خشخاش
مغز تخم خیارین افیون هر یک دو مثقال راوند چینی
مثقال و نیم گل ارمنی چهار مثقال رب السوس دو نیم
مثقال پوست لفاح مثقال زعفران نیم مثقال کوفته
بیخته بعصاره پوست خشخاش مانند فلفل حبوب سازند
شربتی یک حب۔

حب نافع سرفه که موجب قلق در شب باشد مانع
نزلات حاره است صفت افیون نشاسته رب السوس
صمغ عربی وزن برابر کوفته بیخته مانند نخود حبوب سازند

حب مانع سرفه حونه مجرب است صفت نشاسته
رب السوس کتیرا وزن برابر کوفته بیخته بآب بیخ
کاهو حبوب سازند۔

حب منقول از قرابادین قانون نافع سرفه
که از یبوست باشد صفت مغز بادام شیرین مغز
بادام تلخ تخم کتان مقشر بریان مغز چلغوزه هر یک
درم افیون صمغ عربی هر یک دو درم رب السوس
یا اصل السوس درم شکر فانیذ هر یک دو درم
کوفته بیخته بآب رازیانه حبوب سازند بدانکه این
غلط کاتب است که این حب را از حبوب نافع از سرفه
که از شدت یبوست باشد نوشته است چرا که این حب
از سرفه که از رطوبت باشد نفع دارد۔

حب نافع از سرفه خشک و نزله صفت تخم خربزه
هفت درم تخم خیارین اصل السوس تخم کتان
بریان شکر طبرزد آرد باقلا هر یک پنج درم فانید
ده درم مانند باقلا حبوب سازند۔

حب نافع از سرفه خشک صفت کتیرا نشاسته
رب السوس کوفته بیخته حبوب سازند۔

حب الاجود لنا صفت لاجورد مغسول یک ماشه
کتیرا یک ماشه تربد سفید مجوف سه ماشه حب النیل
یک ماشه پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی هر یک سه ماشه بسفایج فستقی دو ماشه
ایارج فیقرا افتیمون هر یک دو ماشه کوفته بیخته
به روغن بادام شیرین چرب نموده بعرق بادیان

حبوب سازند و در حین استعمال با سکنجبین در هر هفته
یکبار وقت خواب بعرق گاوزبان فرو برند امراض
سوداوی و مالیخولیا را فایده بخشد این یک شربت

حب نافع از سرفه خشک صفته رب السوس
مغز تخم کدو مغز تخم خیارین گل بنفشه کتیرا کوفته بیخته
بلعاب اسپغول و سفیدی تخم مرغ حبوب سازند

حب لبان نافع از سرفه شدید که از شدت آن
قی شود صفته رب السوس کتیرا بنفشه ترنجبین
هریک پنج درم تخم خشخاش بهدانه مقشر هریک هفت
درم مویز منقی چهار درم مغز بادام شیرین مغز چلغوزه
هریک چهار و نیم درم انیسون بادیان قند هریک
دو درم آرد باقلا لبان هریک هفت درم کوفته
بیخته بلعاب اسپغول حبوب سازند ـ

حب غافث نافع از درد جگر و یرقان و حمیات صفته
صبر عصاره غافث پوست هلیله زرد وزن برابر سوده
بآب کرفس حبوب سازند شربتی دو درم ـ

حب نافع از خشونت سینه و انقطاع نفس و از جمیع
قسمیه صفته کتیرا صمغ عربی هریک سه مثقال مرمکی
هریک نیم مثقال زعفران عصاره سوس هریک
نیم مثقال سوده بشربت بهی شیرین حبوب سازند ـ

حب شیطرج اصغر نافع از استرخا و فالج و درد عقوه
و درد زانو و درد مفاصل و نقرس بارد و مسهل خلط خام
غلیظ صفته هلیله زرد ده درم صبر بست درم زنجبیل ده درم
فلفل دار فلفل هریک دو درم خردل سه درم شیطرج هندی
ملح هندی شحم حنظل هریک دو درم قانید چهار درم

کوفته بیخته بآب کرنب سرشته حبوب سازند ـ

حب سرفه بارد صفته رب السوس ایرسا زوفا
مغز بادام تلخ حلتیت تخم انجره دو ماشه بشهد حبها زنند

حب سرفه مغز بادام تلخ و شیرین مغز چلغوزه هریک
دو درم انیسون صمغ عربی کتیرا اصل السوس رب السوس
هریک نیم درم قند چهار درم شیره بادیان نیم درم
عسل ده درم حب بندند ـ

حب دیگر رب السوس مویز منقی نشاسته هریک
سه درم صمغ عربی کتیرا مغز تخم کدو هریک درم شکر
نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه حب سازند ـ

حب زوفا بهدانه پنج درم صمغ عربی سه درم کتیرا
بست و یک درم خشخاش سیاه خشخاش سفید هریک
چهار درم مصطگی دو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین
بادیان هریک چهار درم گل بنفشه گلسرخ هریک
سه درم کبابه زوفا هریک درم زعفران نیم درم حب
ساخته در دهن دارند ـ

حب سرفه که برای پادشاه محمد شاه ترتیب داده شد
صفته زعفران دو ماشه بزر البنج افیون مصری
بیخته هریک یک ماشه رب السوس صمغ عربی هریک دو ماشه
خمیره عنبر اشهب هشت ماشه جدوار خطائی پانزده ماشه
علی الرسم بگلاب خمیر کرده شصت و چهار حب سازند
نیم ماشه خواهند شد شربتی معتدل و حب در صبح
افیون یک سرخ جدوار دو سرخ ـ

حب سرفه از حکیم علی سکبینج حلتیت مرمکی جاوشیر
فلفل هریک دو مثقال حب الغار چهار مثقال

باآب عسل مانند نخودی حب سازند ویک حب یا
دو حب برای خوردن دهند از برای اطفال بقدر
نخود از برای کلان سیکی واین مخصوص سست
بسرفه بارد و رطب۔

حب سوزاک پوست بیخ نیب کنند که کم از صد
سال نباشد هفت توله هلیله بلیله آمله هر یک توله
پوست گلوسے چار توله تال مکهانا سه توله کافور نیم
توله قلعی کشته یک توله باجی یک توله ست سلاجیت
دو توله بکهان بید دانه هیل هر یک توله جواکهار
نیم توله تخم چولائی نیم توله خار خسک یک توله تخم
تاج خروس یک توله سمندر سوکه دو توله بیج بند
سه توله آب مجدید یک سیر با یک سائیده حب سازند۔

حب برای اسهال باز داشتن شرط بلغمی عدیل
ندارد افیون سهاگه دو جز شنگرف سوده نصف جزو
خرما دو عدد انداخته در عرق جوز ماثل حل نموده
حبها البسته بدارند۔

حب امساک عاقر قرحا الرومی یک درم قرنفل
یک درم مشک نیم سرخ باشیره ادرک مقدار نخود
حب سازند یک حب یا دو حب در دهن نگاه دارند۔

حب نافع از ریاح غلیظ و نفخ و تشنج عصب و انتفاخ
خصیه اصفته تخم کرفس تخم خرمل انیسون مصطگی
زعفران هر یک درم هلیله سیاه بلیله آمله هر یک دو درم
سکبینج مقل هر یک نیم درم پودینه قطر اسالیون قفاح
اذخر اسارون قسط زرنباد عود هندی میج هر یک
نیم درم بدستور حب سازند۔

حلوای مقوی بهی صحفه آرد نخود آرد گندم
بروغن گاو بریان کرده نبات دو توله بعرق گاوزبان
ده توله حل کرده داخل نموده بپزند تا چون تر حلوا شود
مغز بادام شیرین مغز انجگک مغز ناجیل مغز چلغوزه
مغز فندق مغز حب السمنه مغز حب الخضرا هر یک ماشه
داخل کرده بپزند تا روغن پس دهد بهمن سرخ بهمن سپید
شقاقل مصری خصیة الثعلب مصری هر یک سه ماشه کوفته
بیخته داخل کرده در طبق چینی پهن کنند عنبر اشهب
مشک زعفران هر یک یکنیم ماشه نبات سفید سوده
بران باشند و بطریق لوز بپزند هر لوز بقدر توله یک
لوز صبح و یک لوز شام بخورند۔

نسخه دیگر آرد نخود سے توله بروغن گاو سی توله
بریان کرده نبات سه پاو بعرق گاوزبان یک سیر
شاهی حل کرده داخل نمایند و تر حلوا بپزند مغز
بادام شیرین مقشر مغز پسته مغز چلغوزه مغز حب السمنه
مغز حب الخضرا مغز انجگک مغز فندق مغز ناجیل
مقشر مغز تخم خربزه کوفته داخل کرده بپزند تا روغن
پس دهد دارچینی شش ماشه بهمنین هر یک دو توله
شقاقل مصری خصیة الثعلب زنجبیل خولنجان
هر یک سه ماشه عنبر اشهب یک ماشه مایه خبر اجزای
سه ماشه تودری گلگون تخم تال مکهانا هر یک سه ماشه
سوده داخل کرده در طبق چینی پهن کنند و بطریق
لوز بپزند هر لوز دو توله با شیر گاو بنوشند۔

نسخه دیگر آرد میده آرد نخود هر یک بست توله
بروغن گاو چهل توله بریان کرده عسل مصفا ده توله

نبات سفید یکنیم پاؤ بعرق گاؤزبان و عرق
بیدمشک حل کرده داخل نمایند و بپزند تا که حلوا
شود پس مغز بادام شیرین مغز پسته مغز انجکاک
مغز حب السمنه مغز حب الخضرا مغز نارجیل مغز فندق
مغز چلغوزه کوفته داخل کرده بپزند تا روغن پس دهد
دارچینی بهمنین شقاقل مصری خولنجان خصیة الثعلب
مصری هر یک تولہ زنجبیل دانه هیل مصطگی رومی
هر یک سه ماشه مومیائی بروغن پسته گداخته انداخته
برهم زنند تا نیکو مختلط شود فرود آورده در طبق
چینی پهن کرده مشک خالص دو ماشه نبات سفید
پنج تولہ سوده پاشند بطریق لوزینه بقدر تولہ تا دو تولہ
حلوای مالکنگنی حافظه را قوت دهد و سیاهی مو
نگاه دارد و در تقویت باه بے نظیر است صفت
مال کنگنی یک من و ده استار صمغ عربی پنج استار
پوست نانخواه دو استار عاقرقرحا پانزده مثقال
قرنفل و مصطگی هر یک دو نیم مثقال کبابه چینی پانزده
مثقال روغن گاؤ نیم من پوست هلیله سیاه زنجبیل
هر یک ده استار عسل یک من و ربع مال کنگنی و سپیدیا
نانخواه و هلیله در روغن بریان کنند و باقی اجزا
کوفته بیخته در شهد انداخته حلوا سازند و در ظرف
چینی نگاه دارند شربت پنج مثقال۔

باب الخمار

خمیره صندل صندل سفید ابریشم مقرض هر یک
نه ماشه گاؤزبان گل سرخ هر یک تولہ زعفران ...
هر یک دو ماشه گل نیلوفر دو تولہ قند سفید ...

نسخهٔ دیگر بوره صندل سفید پنج توله گاوزبان گل گاوزبان
هر یک سه توله گل سرخ گل نیلوفر هر یک دو توله برگ
فرنجمشک توله یک شبانروز در عرق گاوزبان و
عرق عنب الثعلب و عرق بیدمشک هر یک نیم پاو
و گلاب پاو سیر بخیسانند روز دیگر بجوشانند تا به نصف
رسد پس مالیده صاف نموده با قند یک آثار
بقوام آرند و طباشیر و کهربا مغز تخم کدو مغز تخم
خیارین تخم خرفه مقشر کشنیز خشک هر یک دو درم
مغز تخم کاهو هر یک نیم درم کافور ماشه زعفران یک نیم ماشه
مشک ماشه کوفته بیخته بدان بسرشند۔

خضاب برگ حنا جزو وسمه دو جزو در پنج شب
نمک اندرانی مازو بریان خبث الحدید سیاه
در سرکه سوده بگذارند تا سرخ شود و

نسخهٔ دیگر خبث الفضه در سرکه بپزند۔

خضاب دیگر خبث الفضه در شیشی نا سنج
با ترنج داخل کرده در سرگین اسپ تا چهل روز
بگذارند۔

خضاب دیگر شقائق النعمان رطل شب
و سک هر یک اوقیه در سرگین دفن کنند۔

خضاب دیگر سبزی جو که پیش از خوشه برآورده
بالنصف وزن آن در شیشه کرده زیر سرگین دفن کنند

خضاب دیگر برگ کنیر در شیر زن بپزند
تا ثلث شیر بماند تمام شب بگذارند۔

دیگر برگ شقائق در زیت بسایند تا چون مرهم
شود و اگر شب در آن افزوده نمایند انسب باشد

دیگر تخم مویز سائیده در روغن مسکه بگذارند و تا
یکماه در سرگین دفن کنند۔

خضاب دیگر آمله پاو سیر در روغن و سرکه
نیم سیر تا یک ساعت بپزند و یک رطل از آن بگیرند
و سفال سرب و شب هر یک چهارم حصه رطل بجوشانند
باهستگی در جوش حرکت دهند۔

خند یقون اصلاح برودت معده و ضعف کبد کند که بسبب
برد باشد و قصور هضم و ریاح و مشائخ بلغمی مزاج را نافع
صفت شراب کهنه پنج رطل عسل مصفی یک نیم رطل
زنجبیل پنج درم قاقله صغار و کبار هر یک نیم درم
قرنفل دانگ دارچینی یک نیم دانگ زعفران دو دانگ
فلفل سیاه مسک هر یک نیم دانگ ورای مشک
و زعفران همه ادویه را شربت بسایند و مع زعفران
در کتان بسته بپزند تا غلیظ شود و مشک انداخته
از آتش فرود آرند۔

خمیرهٔ ابریشم ابریشم خام پنجاه مثقال در گلاب
چهار رطل عرق بیدمشک دو رطل سه شبانروز
بخیسانند و بآتش ملائم جوش دهند و صاف نمایند
و با نبات دو رطل و عسل مصفا یک رطل بقوام آرند
و از آتش برداشته عنبر چهار مثقال ورق طلا سه مثقال
ورق نقره مثقال در آن حل کرده ابریشم مقرض
دو مثقال گل گاوزبان دو مثقال مصطگی طباشیر
گل سرخ عود هندی صندل سفید هر یک دو مثقال کوفته
مروارید ناسفته صلایه کرده کهربا بگلاب صلایه کرده
مثقال مرجان صلایه کرده مثقال مشک خالص سوده

هر یک بدو بهم زنند۔

نسخهٔ دیگر ابریشم دو رطل در چهار رطل آب سه
شبانروز بخیسانند و جوشانیده صاف نموده گلاب
و عرق بیدمشک عرق گاوزبان آب به آب سیب
هر یک ثلث آب ابریشم باهم ممزوج بجوشانند و
کف بگیرند بعد از آن صندل سفید بگلاب سوده
سه مثقال طباشیر سفید بآب سوده دو مثقال در کتان
بسته در دیگ اندازند و بآتش ملائم ساعتی بجوشانند
و نبات مقدار قبول ذائقه و بقدر کفایت اضافه
نموده بجوشانند تا به قوام شربت بیاید از آتش
فرود آورده عنبر دو مثقال در آن حل کرده بعد یک لحظه
صبر کرده مشک مثقال در گلاب سائیده داخل کنند
و ورق طلا و عسل طبرزد ده دام حل کرده اضافه نموده
بهم زنند و در ظرف چینی نگاه دارند و اگر آب فواکه
موجود نباشد شربت فواکه بجای آن کنند۔

نسخهٔ دیگر مخترع ابریشم خام ده مثقال در گلاب
و عرق بیدمشک و عرق گل گاوزبان هر یک نیم رطل
یک شبانروز بخیسانند روز دیگر جوشانیده
از آتش فرود آورده مشک تبتی عنبر اشهب
هر یک مثقال ورق طلا ده عدد ورق نقره سی عدد
انداخته تیار نمایند۔

خمیرهٔ مروارید که تقویت دل و دماغ و معده نماید صفت
مروارید ناسفته سه ماشه مرجان کهربا ورق طلا نیم
ورق نقره هر یک نیم ماشه صندل سفید مصطگی هر یک سه
ماشه نبات سفید یا قند سفید پاو سیر گلاب عرق بیدمشک

بقدر حاجت عنبر مشک خالص هر یک نیم ماشه
بدستور مقرر خمیره سازند

باب الدال

دستور العمل خوردن چوب چینی بابت استاد
معتمد الملوک علوی خان رحمة الله علیه اگر فصد
ضرور باشد از هفت اندام یا باسلیق و امثال آن
خون بگیرند اگر مانع از موانعی نباشد و ابتدا مسهل
پانزده روز صفت از گل گاوزبان گیلانی بادرنجبویه
عنب الثعلب اصل السوس غنچهٔ گل سرخ گل بنفشه
گل نیلوفر افتیمون بکتان بسته بسفائج شاهتره
پرسیاوشان از هر یک دو درم تخم خیار نیمکوفته
یک توله انجیر زرد آلو بخارا هر یک ده دانه تخم کاسنی
دو توله نیمکوفته عناب ده دانه سپستان بست دانه
جوشانیده صاف نموده ترنجبین خراسانی شش توله
گلقند آفتابی چهار توله حل کرده صاف نموده تا دو روز
بعمل آرند روز سوم سنا مکی نه ماشه در مطبوخ ضماد
نموده بعمل آرند روز چهارم فلوس خیارشنبر
شش توله در محلولات سنا مکی شش ماشه در مطبوخ
اضافه نمایند و روغن بادام شش ماشه اضافه کرده
استعمال نمایند روز پنجم هلیله مربا یک عدد بگلاب
شسته لاجورد مغسول یک ماشه پاشیده تناول
نمایند بعد از آن تخم فرنجمشک یا تودری گلگون یا تخم
بالنگو چهار ماشه بعرق گاوزبان و عرق بیدمشک
هر یک چهار توله شربت انار شیرین یا شربت گاوزبان
یا شربت بادرنجبویه دو توله بنوشند روز ششم
نضج روز سوم بعمل آرند روز هفتم نسخهٔ روز چهارم
استعمال نمایند روز هشتم نسخهٔ روز پنجم بکار برند
و اگر نضج و رقا روده یا ایام گذشته ظاهر نشود اعاده
منضجات مذکوره نموده مسهل مذکور گیرند و اگر احتیاج
افتد حب که از ایارج فیقرا ریوند چینی تربد سفید مقشر
هر یک یک نیم دانگ حجر ارمنی یا غاریقون بوزن
یک دانگ و نیم شحم حنظل نیم دانگ محموده یک دانگ
تخم مغسول نیم درم مصطگی مقل ازرق کتیرا نمک هندی
هر یک دو سرخ و بوقت سحر روز هفتم استعمال نمایند
و صباح آن مطبوخ مذکور استعمال نمایند و چند روز
مفاصله داده چوب چینی شروع کنند و بدین دستور
چوب چینی هر روز سه توله بدم بخته بخاری مقدار
سخته یا قلار ریزه ریزه نموده در پیالهٔ چینی بگلاب
و عرق بیدمشک هر یک نیم سیر یا ده ده توله شب
خیسانیده صبحش با هشت سیر آب در دیگ سنگین
یا مسی تازه قلعی کرده سر او را بطبق سفالین پوشانیده
اطراف او را بخمیرهٔ آرد ماش محکم نموده بر او چراغ
بار کنند و سنگ سنگین بر سر او گذارند و مقدار نیم سیر
هیمه قلمی باریک دو دو شاخ در زیر او بسوزانند
تا این همه تمام شود پس دیگ از آتش فرود آورده
لمحه صبر کنند که شور حرارت او کم شود و روا سرپوش
گرفته سر دیگ را بتدریج برگرفته سر بخار او برداریند
تا سر دیگر دن عرق کند پس یک پیاله یا آبخوره آب
او در ان نبات سفید دو توله داخل کرده گرم گرم چون
قهوه بنوشند و دارا به سر دیگر دادن ... پیچیده نگهدارند

تا عرق خشک شود و آب را در شیشه کرده در تمام
یک شبانروز قدری گرم بجای قهوه و قدری سرد
بعوض آب و قدری در خمیر نان و طبخ غذا بقدر ضرورت
داخل کرده صرف نمایند تا آنها تمام شود باز دیگ
دیگر بدستور مذکور بطبخ نموده بدستور مذکور بعمل آرند
وهمچنین تا ثالث دیگر و زعمل نمایند و در ین حین در
هفته یک مرتبه بعرق نشینند باین دستور که بعد از طبخ
چوب چینی فرود آوردن و گذشتن مدت که حرارت
کم شود کرسی نهاده لحافی بر کرسی کشیده دیگ را در زیر
آن کرسی گذاشته علیل خوابیده لحافی دیگر متصل
لحاف کرسی بر خود کشیده سر خود را از لحاف برآورده
سر دیگ را کشوده دارند تا بخار از پا بتمام بدن رسد
و عرق آید و یک پیاله او را با دو توله نبات گرم گرم
بنوشند و لحاف بر خود پیچیده خوابند تا عرق خشک شود
و همه آب را بدستور مذکور صرف نمایند و از ابتدا از
شروع چوب چینی بلکه یکهفته مقدم و لبعد الفراغ چوب چینی
تا چهل روز از ماست و پنیر و ترشیها و ترکاریها
و حرکات عنیفه و نفسانی و بدنیه و نمک اجتناب نمایند
و از جماع تا شش ماه پرهیز کنند —

دستور اشامیدن چوب چینی بابت حکیم محمد باقر
باید که هر روز پنج مثقال چوب چینی بگنبدگی بشت کارد
تراشیده و با یک نیم سیر اکبری آب در دیگچه گلی بجوشانند
تا بثلث رسد پس صاف کرده گرم گرم بدستور قهوه
بیاشامند و هر روز همین دستور تا بست یک روز
بیاشامند اگر بموضعی بدن الم داشته باشد بعضی اوقات

بخار نرم بدان میداده باشند بنحوی که تمام بدن عرق بکند
و در ین ایام غذاهای سبک از اقسام پالوده ماهی پخته
و شوربا و نخود آب و امثال آن بگوشت نقلی و مرغ
کم نمک بخورد و آب خالص بخورد و آب طعام نیز همچنین
باید یکوقت خورش را الغذاهای مذکور قرار دهند
و یکوقت پارچه نانی بی نمک با شربت قند و بعضی
از حلویات قندی و مربیات و زرده تخم نیم برشت
بخورد و در ین ایام از ترشی و سبزی و پنیر و غذاهای
غلیظ و لبنیات پرهیز و جماع اگر خواهد نزود —
دستور العمل بدستور دیگر بیخ چوب چینی تازه
خوب سرخ بی گره تا گل و کرم خورده نباشد
و سنگین باشد و پاره های بزرگ باشد و بیخ اعلی
اختیار کنند هر روز هشت مثقال یا شش دانگ
از بیخ بگیرند بعد از ان که آنرا تراشیده باشند
بتنگی کاردی و آنچه از ان ریزه شده باشد
بغربال بیرون کرده باشند تا آب چوب چینی خراب
نشود و با دو من آب بوزن تبریز در دیگ گلی که
چرب نبوده باشد بجوشانند تا سه چاریک یک بوزن باند
لیکن بر سر دیگ سرپوش گلی دارند و حوالی دیگ را
بخمیر و لته با محکم کنند و بر سر دیگ سنگ دارند تا
بخار بیرون نیاید پس بآتش ملائم بجوشانند آنقدر
بجوشانند که سه چاریک بماند و طریق دانستن
آنکه چه وقت بوزن مذکور رسد آنست که یک دو در
بطریق امتحان همه مقرر که در خشکی و تری و گندگی
و باریکی و کوچکی و بزرگی هم سنگ باشد بدان هم

بوزن مشخص بجوشانند و مشخص سازند که چند من همه
که سوخته شود به سه چار یک میرسد بعد از ان همه دوره
بهمین وزن همه یک روش میشود جوشانیده
باشند یا اینکه سرپوش دیگ را سوراخ باریک کنند
اول مرتبه سه چار یک آب در دیگ کنند و چوب
باریک از ان سوراخ در دیگ کنند تا بقعر دیگ
برسد و ملاحظه کنند که بچه موضع از چوب آب مذکور
رسیده آنموضع را از چوب نشان کنند و بعد از ان
دو من آب بکنند و همچنین بجوشانند تا وقتیکه
گمان شود که بمقدار مذکوره آمده است پس سوراخ
سرپوش را باز کنند و بسرعت این کار کنند که بخار
بسیار تلف نشود و اطراف چوب را تر کنند که آن
امتحان مشخص شود و مشخص کنند که آب بموضع نشان
رسیده یا نه اگر رسیده باشد فهو المراد والا سوراخ را
زود محکم کرده دیگر بجوشانند تا ان مقدار که آب
بموضع مذکور رسد و تا ممکن باشد نوعی کنند که سوراخ
کمتر کشوده شود که بخار تلف نشود بهتر و اگر روش دیگر نیز
امتحان می کنند باز مشخص سازند که چه مقدار همه
سوخته میشود و بمقدار معلوم میرسد باز همه مقدار
همه میسوزانیده باشند و بهمین روش اکتفا نمایند
که بهتر ست و بعد از انکه جوشانیده شد برروی کرسی نشینند
و به لحاف بپوشند تمام بدن را مگر راه نفس و دیگ را
در زیر خود بگذارند و سر دیگ را آهسته آهسته بردارند
و بخار آن تمام و کمال ببدن صرف کنند خصوصاً عضو
معلول و در اثنای بخار به پیاله کوچک از آب گرم

این پنج بطریق قهوه بیاشامند پس بخوابند و
بلحاف بپوشند تمام بدن و راه نفس بگذارند و اگر
راه نفس بیرون نگذارد خوف هلاک است و صحیح
در جوشانیدن پنج شروع کنند و صباح بخار گیرد و تا
عرق باقیست حرکت نکند و تتمه آب چوب چینی
سرد کرده بجای آب بنوشند و اگر تشنگی در وقت
بخار شود آبیکه از پنج گرفته خوب سرد کرده باشند
بنوشند و همچنان برای روز آینده همیشه آب
پنج سرد کرده تیار دارند و اگر سه چار یک آب
از برای دفع تشنگی کافی نباشد در آب چهار من پنج
چوب چینی ده مثقال بجوشانند که تا یک من بماند
و بدهند تا بست یک روز چنین کنند و اگر ضعفی
در روزی پدید آید بخار و عرق نکنند لیکن دو پیاله
آب گرم بطریق قهوه بنوشند و باقی را سرد بجای
آب بنوشند و رختهای پنبه دار بپوشند و چون
عرق آید رخت پنبه دار خشک کنند تا بوی عرق
در رخت پیوسته گردد و غذا شعله باقلیه نخود آب
و کباب گوشت نقلی و بره و کبک و مرغ خروس
فربه بی ترشی و بی نمک در آب چوب چینی که
سرد کرده باشند و هیل و دار چینی داخل نموده باشند
وقت تشنگی بنوشند و به آب مذکور نان و طعام
پزند و روغن در طعام داخل کنند و استنجا
و شستن دست و روی و همه حاجات به آب
پنج کنند و از غذای غلیظ و تنوری و گندمی و شیر
و ماستها و سبزیها و همه میوه ها و شیرینی مضر و دوستانی

وعسل پرهیز کنند و اگر خواهند بادام و پسته و فندق
و بادیان قندی و قرص عنبر و گوارش مصطگی و شربت
قند و نبات و گلاب و بیدمشک و تخم بالنگو و تخم
ریحان که بآب چوب چینی ترتیب داده باشند
مجوز است و واجب است که از غم و غضب و اندوه
خود را نگاه دارند و از هوای سرد نیز تا متضرر نشوند
و نه گرسنه باشند و نه افراط غذا کنند و در وقت عدم
هوا که بهار و خریف است در صحت مزاج بخورد
تا که احیانا اگر مرضی در اثنای خوردن عارض شود
ترک خوردن گیرد و بتدارک مرض مشغول شود
لیکن تدبیر مناسب حال باشد و بعد بیست یکروز
بحمام روند و تغیر رخت نمایند و در روز دیگر بجای
آب آب چوب چینی بنوشند و طعام بی نمک بخورند
و از امور مذکوره دیگر پرهیز نمایند و بعده اندک
اندک نمک بیفزایند تا در ده روز بمعمود مقرر رسد
منافع چوب چینی تفریح قلب است و تقویت
حرارت غریزی بازدیاد تولید آن و تقویت روح نفسانی
و دماغ و ترطیب آن و اصلاح مزاج سوداوی
و قلع مالیخولیا و ربع کهنه و برص سیاه و سرطان
رحم و قروح خبیثه دگر سوداوی و جذام و کلف
و سپرز و جرب و قوباء سوداوی و اورام صلب [illegible]
و مفاصل سوداوی و تحصیل دم صالح و سمین
و قروح غذاکیر و حرقة البول کهنه و نافع است جهت
اقسام آتشک و جهت جماعتی که فرزند ایشان
نمی ماند یا فرزند نمی شود بسبب امراض که پدید

و مادر در رحم و اعضاء تناسل دارند مثل سرطان
رحم و ورم صلب و قروح خبیثه و بدا کیر جهت ازاله
عادت افیون و وجع ورک جهت قولنج شانه که از
امتلاء عضلات و اعصاب و رباطات آن موضع
و حوالیش عارض شود و جهت بواسیر و نواسیر
و قروح جهت درد داء الفیل و امساک و ریاح
در کمر و پشت لیکن باید که پیش از خوردن چوب چینی
استیصال خلط فاسد و سبب مرض بکنند مثلا
هرگاه قروح و نواصیر که از باد فرنگ و آتشک
پیدا شود منضجات آن گل گاوزبان گیلاسی
و بادرنجبویه و تخم خیار هر یک توله انجیر زرد آلو بخارا
هر یک ده دانه خیسانیده صاف نموده ترنجبین خراسانی
شش توله گلقند آفتابی چهار توله اضافه کرده
بنوشند در مسهل تربد شش ماشه و افتیمون و
بسفائج فستقی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه هر یک نه ماشه داخل کنند و جهت تنقیه
دم و تقویة احشاء که بواسطه ارتفاع ادویه
منضجه و انصباب مواد فاسده تا چهار روز استعمال
این دوا کنند در روز پنجم سنا مکی سناء هندی گل سرخ
هر یک جزو داخل کنند و اگر طبیعت ملین نشود
روز ششم یا هفتم جهت اصلاح جگر ریوند چینی
داخل کنند و علی الاحتیاج بروز هشتم حب که
ایارج فیقرا و غاریقون و ریوند چینی و تربد سفید
مقشر هر یک نیم دانگ و شحم حنظل نیم دانگ
محموده دانگ و نیم شحم مقل مغسول نیم درم مصطگی

مقل ازرق کتیرا کمات هندی هر یک دو نخود گرفته باشند یا شربت بنفشه ده مثقال سحر بخورند و بعضی اطبا در جمع میان صبر و غاریقون منع می کنند ولهذا اسفرو که غاریقون داخل نکنند چرا که در ایارج صبر است عوض آن حجر ارمنی بقدر آن داخل کنند و اگر مسهل عمل چنان نکرده باشد بعد از تقدیم نضج حب مذکور را مرتبه دیگر می تواند میل کرد و اگر فصد ضرور باشد قبل از مسهل باید کرد و اگر دو سه روز چنین منضجی بگیرد عناب هشت دانه سپستان شش دانه عنب الثعلب سه ماشه بنفشه دو ماشه بادرنجبویه دو ماشه گل گاوزبان دو ماشه بادیان دو ماشه خیارین ماشه و بعده فصد کنند بهتر است و بعده مسهل پس از چندی بحمام روند و شروع در چوب چینی خوردن کنند۔

دستور پختن چاے سافج توله چاے خطائی توله لسان سه چهار ماشه قاقله دو ماشه قرنفل ماشه زعفران چهار سرخ دارچینی عنبر هر یک ماشه مشک دو سرخ مشکطرامشیع ماشه عود چهار ماشه درسی وده برابر آب چینی تا بالنصف باند بعده نصف شیشه گلاب انداخته جوش داده صاف نماید۔

دستور دیگر چاے چای خطائی دارچینی قرنفل نانخواه بادیان هر یک توله سه ا چاے باقی ادویه را نیم کوفته ادلاده سیر آب بجوشانند و در کڑاهی تا بالنصف رسد پس ادویه را درین داخل کرده جوش دهند تا سه سیر آب باند صافی نموده گرم گرم در فنجان چینی چاے را درین انداخته سر آنرا گرفته لحاف بالا ببندند و دو پهر بگذارند پس برآورده صافی نموده در شیشه کرده بدارند ده توله شام نبات سفید دو توله داخل کرده گرم گرم چون قهوه بنوشند۔

دستور مروق ساختن آب کاسنی و آب عنب الثعلب تازه هر یک را علحده در ظرف گلی کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند و از آتش فرود آورده بگذارند تا ته نشین شود و صافی هر یک گرفته ده توله مروق کاسنی و پنج توله مروق عنب الثعلب با دو توله سکنجبین بعمل آرند و هر روز یک توله مروق کاسنی و نیم توله مروق عنب الثعلب بیفزایند تا وزن آب کاسنی شانزده توله و آب عنب الثعلب هفت و نیم توله برسد برای یرقان فائده کلی دارد۔

دستور اشامیدن چوب چینی بطریق قهوه بدو روش است یکی آنکه انفع است اما پرهیز در نفعش بسیار و آن اینست که هر روز هشت مثقال چوب چینی را در دو من تبریز آب بجوشانند تا سه چهار یک باند پس صافی کرده قریب هفتاد مثقال گرم گرم صبح بطریق قهوه بیاشامند و همچنین طرف آخر روز معده که از غذا خالی شده باشد مساوی آنقدر را گرم بنوشند و تتمه آب را سرد کرده در اثنای روز وقت تشنگی بجاے آب بنوشند و دیگر آب نخورند و طعام و نان در آب پخته بپزند و از نمک و حموضات و لبنیات و سبزیها و میوهای قاطبه پرهیز نمایند و تفاوت درمیان این طریق

در روش عرق اوّل طریق همین است که اینجا بنجار گیرد و آنجا نه—

دستور خوردن عشبه بقول حکیم توفیق علی یکی آنکه
چهار ده روز بخورد و هر روز نیم مثقال عشبه را بکار ریزه
کرده بعد ازان در هاون انداخته نرم نمایند اول
شب هشت پیاله قهوه خوری آب دران ریزند و
صاف کرده بجوشانند تا چهار پیاله قهوه خوری بماند
پس بطریق قهوه بنوشانند و ثقل همان روز در چهار
پیاله آب بجوشانند تا دو پیاله بماند شب همان طریق
بخورند و این دستوریست دیگر و نیز بخورانند
و این وسط الیست و یکی آنکه چهار ده روز بخورند
و غذا نخود آب با توابل حاره و از ترشی و نمک و مباشرت
پرهیز کنند و اگر میسر شود با آب عشبه غذا بپزند

روش دیگر آنکه هر روز پنج مثقال بیخ چینی با سه چهار
یک تبریز آب بجوشانند آنقدر که چهار یک آن بماند
صاف نموده نصف آن آب را صباح و نصف را
آخر روز گرم گرم بطریق قهوه بنوشند و اگر آب خالص
بنوشند یا طعام دران نیز پزند باک نیست لیکن
از حموضات و لبنیات و شیرینها و غذاهای غلیظ و
سرد و هوای سرد و غم و غصه پرهیز نمایند بلکه از فراغ
تا چهل روز دیگر نیز پرهیزند و از جماع نیز پرهیزند

دستور خوردن عشبه آنست که شصت مثقال
عشبه را بدرازی انگشت قطع کرده بعد ازان هر
کدام در عرض چهار حصه کنند و یک من تبریز گلاب
و یک من عرق بید مشک تا سه روز بخیسانند پس
در دیگ گلی بجوشانند و در وقت جوشانیدن دو من
تبریز آب خالص و یک من عرق بید مشک کرده و
آهسته آهسته بآتش ملایم بجوشانند آنقدر که نصف
بسوزد پس آنرا در هفت روز هر روز سه پیاله ترشی
خوری گرم کرده بخورند باید که یکی پیاله صباح و یک
پیاله میانه روز و یکی بوقت شام و قریب سی مثقال
نبات سفید اگر در تمام عرق کرده بنوشند بهتر ست
فارغ سازند و از ماهی و شیرینی و لبنیات و غذاهای غلیظه
و حموضات و جماع و غم اندوه و مثل آن احتراز نمایند
و از پلاو و قلیا و شوربا و گوشتهای لطیف و از مرغ
و بره و نخود و سنبوسک بخورند و در اثنای آن عرق
بید مشک و گلاب باک ندارند و بعد از فراغ تا سه
ماه پرهیز کنند و بحمام بروند و اگر خواهد شرط احتراز
هوا و اگر خواهند که در ایام گرما آب عشبه نوشند
تا اینکه هفت و هشت مثقال عشبه را با سه چهار یک
تبریز آب بجوشانند و آنقدر که یک چهار یک آب
بماند صاف نموده دو حصه نموده نصف صباح و نصف
را در آخر روز نیم گرم با نبات بنوشانند مضائقه نیست

دستور عشبه خوردن نقل کرده است استاد
من که منقول از حکماء فرنگ ست سه مثقال عشبه
را هر روز بقدر جو ریزه کرده یک شبانروز را به
آنقدر هشت پیاله شب خیسانند و صباح بآتش ملایم
بجوشانند تا نیمه ماند پس صاف نموده پیش از طعام
سه دفع بنوشند تا بست و یک روز همین کنند
و از امور مذکوره پرهیز کنند و غذا مذکور بخورند و
ثقل عشبه را خشک کرده با دارچینی و زنجبیل سائیده

وزنش ورلع وزن کبابه کوفته بیخته بانبات و عسل
مصفا دو وزن ادویه معجون ساخته بعد فراغ صبح
وشام یک توله۔

دستور خوردن فادزهر بعنوانیکه حکیم عمادالدین
محمود نوشته فادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی یک دانگ
لعل بدخشان عنبر اشهب عود قماری مصطگی هریک
نیم دانگ اجزا را کوفته بیرونی سنگ سماق صلایه کرده
بگلاب سرشته مجموعه حب سازند بورق طلا پیچیده
و سه روز هر صباح یک حب بخورد و قریب ظهر بخورد
آب گوشت حلوان یا مرغ جوان فربه که اندک بیخ
دارچینی و قرنفل داشته باشد بخورند بعد عشا چون
غذا خوب هضم شده باشد عرق بید مشک ده توله
گلاب ده توله تخم بالنگو چهار ماشه نبات دو توله بنوشد
واگر باین طریق که فادزهر بیرونی سنگ سماق صلایه
کرده درست باشد معجون طلا داخل کرده حصه کرده
صباحا در سه روز میل کنند بهتر است۔

دوائیکه قی صفراوی را دفع کند و غشیان را تسکین
دهد صفته سماق طباشیر حب الرمان از هریک مثقال
کوفته بیخته با آب انار میخوش میل کنند۔

دوائیکه قی صفراوی و بلغمی را نفع دهد صفته
مصطگی عود قرنفل کشنیز خشک هریک یک مثقال کوفته
بیخته با آب به نوشند و کذا اگر بادیه مصطگی سماق هریک
نیم مثقال کوفته بیخته با آب بهی میل کنند۔

دوائیکه حصر بول را نفع کند صفته بادیان تخم کرفس
هریک دو مثقال جوشانیده و صافی نموده شیره تخم خیار
با آب آن شیره گرفته قند سفید داخل کرده بنوشند۔

دوائیکه مدر بول است صفته تخم خیار تخم بادرنگ
تخم خربزه هریک سه درهم با آبیکه دران تخم کرفس بادیان
انیسون هریک چهار درهم جوشانیده و صاف نموده
باشند شیره کشیده قند سفید دو توله بیاشامند۔

دوائیکه مدر بول است صفته انیسون تخم کرفس
هریک سه درهم قند سفید چهار درهم کوفته بیخته سفوف کنند
بعد ازان شیره تخم خیارین تخم خربزه میل کنند۔

دوائیکه لوا سیر الف را سود دهد صفته زاج سفید
سوخته زنگار شسته هریک ماشه سفیداب سرب [illegible]
شسته ماشه [illegible] ماشه طباشیر کربا [illegible] مغسول
سه ماشه دم الاخوین پوست کندر مردار سنگ هریک
سه ماشه لیمبر که عدد کوفته بیخته موم زرد [illegible]
توله بروغن گل سرخ توله گداخته از آتش فرود آورده
ادویه را داخل کرده چندان بمالند که تا چون مرهم شود
بر کاغذ گذاشته در بینی گذارند۔

دوائی نافع سلسل البول صفته کندر کهربا [illegible]
دانه هیل عود الصلیب زرورد دارچینی صندل سفید
پوست بیرون پسته شوبتره هریک سه ماشه کوفته
بیخته بعسل مصفا سرشته هر روز چهار ماشه ازان
تناول نمایند بعد ازان بارتنگ دانه هیل سوده
بگلاب بیخته بشربت عود داخل کرده بنوشند۔

دوائی تالیف شیخ الرئیس که قرحه مثانه و مجری
قضیب را باصلاح آرد صفته اسریش سوخته مغز
تخم خربزه هریک پنج درهم طباشیر [illegible] نیم [illegible]

تخم خشخاش شاخ گوزن سوخته هر یک سه درم
افیون نیم درم بنج یک و نیم دانگ مر درم
نیکو سحق نموده شیاف سازند یا شیر یا بروغن
بطیخ در احلیل بچکانند—
دواء الکرکم بارد نافع از ضعف کبد و صلابت
آن تلخه و از سوء القنیه صفته اسارون سلیخه
سنبل فوه هر یک دو درم دارچینی قسط فقاح
اذخر مصطگی هر یک درم زعفران تخم کاسنی هر یک سه
درم سوده بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال
دحمرثا نافع از سده جگر و از یرقانیکه از سده جگر
کبد می باشد صفته کندر مصطگی حب بلسان سلیخه
اکلیل الملک زعفران هیل هر یک سی درم زراوند
شش درم زرنباد درونج فلفل هر یک یک نیم درم
افیون زنجبیل هر یک چهار درم قرنفل دو درم
خربق سفید شونیز ورق گل سرخ هر یک هفت درم
سعد هشت درم صبر هشت درم کوفته بیخته بعسل
معجون سازند شربتی مثقال—
دواء الکرکم صغیر که ضعف جگر و معده و طحال و
صلابت اینها را نفع کند و در ابتداء استسقا مفید است
لون را نیکو گرداند و امراض کهنه بارده را نافع است
صفته سنبل الطیب مر سلیخه قسط تلخ فقاح اذخر
دارچینی زعفران برابر وزن کوفته بیخته و مر ادر
مثلث یک شبانروز خیسانیده با هم مخلوط کرده
بعسل بقوام آرند و نزد بعضی ناردین داخل کنند—
دواء الکرکم کبیر تالیف جالینوس نافع از استسقا

و دردهای مثانه و حکه رحم که از مواد غلیظ باشد
و از صلابت اینها و مفتح سده و مدر بول صفته
زعفران دوازده درم مو و فوه هر یک چهار درم
سنبل شش درم انیسون دوقوا اسارون ریوند چینی
فطراسالیون هر یک چهار درم قسط سلیخه فقاح اذخر
حب بلسان هر یک درم فوه دو درم عصاره سوسن
فافث جعده اسقولوقندریون هر یک سه درم
روغن بلسان نیم اوقیه مر چهار درم و در بعضی نسخه
بجای حب بلسان حب البان و کبر رومی سه درم
ادویه کوفته بیخته بروغن بلسان چرب کرده بعسل
معجون سازند شربتی درم با شراب عسل—
دواء الملک الاصغر ضعف جگر و معده و برودت
و صلابت اینها را نافع ست و تفتیح سده کند بطبیخ
افسنتین و گاهی بجای حب الغار فقاح اذخر سکینه
دوائیکه نافع ست او ورم گوش و از مده که از
گوش می آید و از درد کهنه گوش صفته باقلا مصری
شب یمانی فلفل سفید نطرون زعفران افیون
پوست انار مر کندر سنبل هر یک دو مثقال
جندبیدستر مثقال بسرکه و عسل مقداری که بسرشته شود
دوائی مقوی دندان صفته موم و عسل در آفتاب
یا آب گرم بگدازند و زفت خردی افزوده و بهند
دوائی اندر دماخش نافع همه دردهای دندان
بلکه همه امراض دندان را صفته فلفل عاقرقرحا
لبن یتوع بازو وزن برابر سوده ببیضه
مخلوط کرده بر دندان گذارند—

دوائی نافع از ضربان دندان صفته شحم حنظل صبر برابر در ظرف سنگی با سرکه خمر و زیت بجوشانند و قطره از آن در گوش متصل دندان متوجع بنیدازند

دوائی نافع که اصلاح لهاة و لوزتین مسترخیه و متورمه میکند صفته فلفل سفید مثقال مر مثقال شب دو مثقال مازو سبز دو مثقال سوده استعمال نمایند

دواء سرفه مستعمل جالینوس صفته افیون پنج مثقال تخم کاهو بست مثقال جندبیدستر هشت مثقال سداب بستانی خشک چهارده مثقال تخم کتان شانزده مثقال بیخ جاوشیر سی و شش مثقال مر چهارده مثقال زعفران هفت مثقال سوده بعسل لبریز شند و بمقدار باقلا بدهند اگر تپ داشته باشد بآب بدهند و الا بشراب —

دواء نافع نفث الدم تالیف اندرو ماخس اقاقیا چهار مثقال ورق گلسرخ هشت مثقال گلنار بری هشت مثقال مر دو مثقال بآب کتیرا مثقال سوده اقراص سازند و یک مثقال بآب فطر بدهند —

دواء نافع برای انقطاع صوت صفته زردهٔ تخم مرغ کنجد مقشر شیر تازه ملعقه نمایند

دواء ثقل زبان که موجب انقطاع صوت باشد صفته پودینه انجیر خشک پخته صمغ عربی سوده انداخته بیامیزند تا چون عسل شود لعوق نمایند —
دیگر زعفران سوده بعقد عنب سرشته لعوق نمایند

دواء دیگر زعفران جنطیانا نیم جزو عسل سه جزو بپزند تا منعقد گردد و پس حب بسته زیر زبان بگذارند

دواء دیگر زعفران سه نیم درم رب السوس کندر درم سوده بعقد عنب یا العسل عقد نمایند —

دلوک نافع از ربو بلغمی صفته کندر یا بورهٔ ارمنی ملائم سحق نموده با پارچه گنده بر سینه و اضلاع دلک سازند و یا روغن یاسمین بر سینه و اضلاع بمالند و شروع دلک بملائمت نمایند —

دواء نافع از ربو که از رطوبت باشد صفته حرف کنجد هر یک سی درم زوفا خشک هفت درم شربتے بقدر حاجت —

دواء که استعمال در ربو شد وقت اختناق و ضیق النفس کند صفته بورهٔ ارمنی چهار درم حرف دو درم کوفته با پنج اوقیه ماء العسل بکار برند

و این دواء عرق النسا را نیز نافع ست —

دواء عجیب النفع از صرع و ام الصبیان صفته عاقرقرحا دو درم نیکو سحق نموده با سرکه در کهل انداخته بمالند با عسل مصفے بست درم معجون سازند دو درم بآب گرم بست روز بنوشند —

دواء نافع از دردهای گوش و قروح آن اخلاط هر یک مثقال کندر سه مثقال نطرون سه مثقال زعفران چهار مثقال عصارهٔ خشخاش دو مثقال گلاب دو مثقال مغز بادام مقشر بست عدد سوده بسرکه اقراص سازند و قدرے با روغن گل در گوش بچکانند —

دواء نافع از ریش سر کودک صفته مردارسنگ

خبث الفضه سفیداب قلعی هریک چهار مثقال
دم الاخوین ثنبیل دو مثقال زراوند طویل مغز
بادام تلخ سوخته هریک مثقال زردچوبه گرفته بسرکه
سرشته بمالند۔

دوا۔ دیگر نافع از ضیق النفس صفته سورنجان
انیسون هریک نصف درم کوفته حل کرده باگلقند
ده درم بنوشند۔

دوا۔ دیگر نافع از ضیق النفس که بے نظیرست صفته
ترب پارچه پارچه کرده باعسل مصفی هموزن در دیگ
گلی کرده بنحوی که نصف دیگر خالی ماند طبق گلی برسرش
گذاشته بآرد گندم و ماش یا بگل حکمت مستحکم کرده
در تنور تمام شب بگذارند و سر تنور را بطبق آهنی بند
کنند و صباح دیگ را برآورده مالیده صاف نمایند
و هر روز دو ملعقه استعمال نمایند و استادی علوی خان
رحمة الله علیه بجاے ترب چقندر و بجاے عسل شکر طبرزد
ترتیب مذکور تیار فرموده فائده کلی بخشیده۔

دوائی مجرب اطباء هند براے ربو و ضیق النفس
صفته گندم در ظرف گلی مانند انگشت سوزانیده
زردچوبه نیم وزن گندم مذکور نیم سوخته کوفته بیخته
بگذارند و پنج نیم ماشه بآب گرم یا بآب سرد بحسب
مزاج اول روز بدهند و روز دیگر بمقدار حبه مانند
چشم مرغ افزوده نمایند همین قسم تا پنجاه یک روز بعمل آرند
دوائیکه جالینوس براے نزول ماء در چشم تالیف
نموده صفته زهرة گاو در آوند نحاسی تا ده روز بگذارند
پس دوازده مثقال ازان گرفته زعفران روغن بلسان
و جاوشیر هریک دو مثقال فلفل دوازده حبه عسل
خالص دو چند زهره همه را مخلوط کرده در آوند نحاسی
بپزند و در ظرف نحاسی بگذارند۔

دوائی نافع از تاریکی چشم و از عشاء و کسی را که از دور
نه بیند و از نزدیک بیند و کسی را که آب در چشم جمع
شده باشد صفته زهرة زاغ سیاه و زهره گرگ و زهره
ضبع و زهرة حجل و زهرة نر هریک دو درم عسل صافی
سه درم روغن بلسان یک نیم درم چون سرمه بسایند
و صبح و شام در چشم کشند۔

دوائی جید النفع براے عسر النفس که شیخ رئیس
در قانون ذکر کرده صفته کلس العلق التی تحت الجزا
اذا احرق فے کوز خزف حتے ترمد فیخلط بالعسل مصفی و
یستعمل کل یوم ملعقه۔

دوا۔ سرفه مستعمل شیخ رئیس صفته پوست خشخاش
مع تخم یک صد و پنجاه عدد و تخم کرفس جبلی سه رطل
مویز قسم اول منقے زراوند چینی و رق گلسرخ اصل السوس
محکوک گلنار هریک سه رطل و در نسخه دیگر از هریک
سه اوقیه دارچینی سنبل الطیب یک نیم درم نرم
کوفته در پنج حصه آب باران سه شبانه روز بخیسانند
و بآتش نرم بپزند تا ثلث آب باقی ماند پس مالیده
صاف نموده صمغ عربی کتیرا هریک رطل هر صاف
نیم رطل رب السوس رطل مصطگی زعفران هریک
درم همه را سحق بلیغ نموده بر مطبوخ آهسته آهسته
بپاشند تا مخلوط شود پس بست چهار رطل [illegible]
بران ریزند و بآتش نرم بپزند تا بقوام شربت رسد۔

و در ظرف زجاجی نگهدارند۔

دوای ابولوقیوس نافع از هر سرفه و از هر ماده و اماده و دبیله باطنی که سائل گردد صفته سکبینج جنطیانا نام جاوشیر فلفل سفید هر یک مثقال حب الغار منقی چهار مثقال سحق نموده بآب سرشته اقراص سازند۔

دوائی از سرفه مانع که عارض اطفال شیرخوار میشود سجدے که شیرے اندازد و رنگ بوقت سرفه تیره میشود صفته آرد باقلا مثقال زردی بیضه پوست خشخاش رب السوس مغز بهدانه صمغ عربی کتیرا عصاره برگ بارتنگ عصاره برگ خطمی فانیذ هر یک دانگ مغز بادام شیرین مثقال کوفته بیخته با روغن بادام شیرین چرب نموده بشربت ششه بوزن دو و اوقیه بشیر شده و مثقال لعوق نمایند و اگر تپ همه داشته با عوض پوست خشخاش یک مثقال ترنجبین داخل کنند و اگر سرفه خشک باشد عصاره کبریت یک مثقال داخل کنند

دوای نافع از سرفه اطفال صفته صمغ عربی کتیرا رب السوس مغز بهدانه فانیذ وزن برابر کوفته بیخته بگذارند و بشیر مرضعه بدهند و اگر بلغم غالب داشته باشد جزوے از حلبه سحق نموده داخل کنند۔

دوای برای ورم لثه صفته مرجان سفید زهر مهره ابهیه سفته هر یک ماشه بآب تاج خروس و آب برگ حنا سوده بر ورم بمالند۔

دوای سلعه صفته آب برگ چقندر آب برگ بارتنگ آب عنب الثعلب تازه آب برگ حنا هر یک پاؤ سیر تا بهره عنب الثعلب برگ نیم سیاوشان گل نیلوفر تخم معد تخم نیوار هر یک دو تولہ در آبهاے مذکوره

بجوشانند تا بنصف رسد بعد ازان روغن چنبیلی یک نیم پاؤ داخل کرده بجوشانند تا آب رفته روغن بماند

دوای از سرفه بلغمی اطفال صفته قرنفل وج نانخواه نمک برابر کوفته بیخته بمقدار یک برنج با شیر مرضعه بدهند

دوای نافع از سرفه که از ماده بارد غلیظ عارض شود و کف بر بنایه صفته پودینه نهری پنج اوقیه مغز چلغوزه تخم انجیر هر یک اوقیه فلفل تخم کتان هر یک سه اوقیه بعسل مصفی بسرشند۔

ویا قوزا بارد که شیخ رئیس در قانون ذکر کرده نافع ست از سرفه گرم صفته پوست خشخاش تر ده عدد بآب باران بپزند صاف نموده شکر سفید انداخته بقوام جلاب آرند و اگر پوست خشخاش تر یافته نشود خشک بگیرند و اگر از تخم خشخاش سیاه یا پوست آن تیار نمایند و قدرے از بزر البنج سفید و چیزے از افیون افزود نمایند قوی گردد۔

ویا قوزا ساذج بابت جالینوس صفته پوست خشخاش ده عدد بآب باران تمام شب بخیسانند و جوش دهند و مالیده صاف نمایند و بقانید قوام دهند۔

ویا قوزا مرکب نافع از سرفه خشک و مانع نزلات حاره صفته پوست خشخاش با تخم بست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خبازی بهدانه هر یک پنج درم اصل السوس نیمکوفته سپغول از هر یک بست درم در شش رطل آب باران دو شبانروز بخیسانند و بآتش ملائم بپزند تا نصف شود

وآب بنصف رسد بقند دو رطل یا سنجبین یا یک رطل
عسل با یک رطل سنجبین بهتران ست که عوض این
همه شکر سفید باشد قوام کنند —

دیاقوزا مرکب نسخه سرابیون واین نسخه در ابتدا
سرفه حار استعمال توان کرد صفت خشخاش سفید
مع پوست بیست درم خشخاش سیاه با پوست
ده درم تخم خبازی کثیرا صمغ عربی تخم خطمی بهدانه
هر یک پنج درم در پنج رطل آب باران یک شبانروز
بخیسانند و بپزند تا بنصف رسد و شکر سفید
یک رطل فانید یک رطل دران آب مصفی انداخته
بقوام آرند —

دیاقوزا نافع از سرفه خشک واز سل ومانع نوازل
وکثرت نفث واز سرفه که در شب شدت نماید صفت
خشخاش سفید وسیاه مع پوست برابر صد درم
تخم کاهو بزر البنج برابر بوزن سی درم در پانصد درم
آب باران بپزند تا دو صد درم آب بماند پس صاف
نموده پنجاه درم لعاب اسپغول وصد درم سنجبین بقوام
جلاب آرند —

دوای جالینوس نافع از خروج دم کثیر همراه سرفه
صفت گل دم الاخوین هر یک دو درم شاذنج
گل مختوم هر یک مثقال زاج سفید گلنار هر یک چهار دانگ
کوفته بیخته سه درم با یک قیراط افیون و یک قیراط
بزر البنج دو دانگ از سنبل دوای حبی استعمال نمایند
دوای قابض نافع نفث دم که از انشقاق عروق باشد
صفت گل مختوم کهربا هر یک سه درم گل ارمنی دو درم
نشاسته بیانی زعفران هر یک یک نیم درم کوفته بیخته
دو درم ازان صبح و دو درم بوقت شام استعمال نمایند
دوای رازی نافع از نفث الدم صفت گل ارمنی
صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر برابر وزن با آب به
وآب سیب تناول نمایند —

دوای نافع از نفث الدم که با حرارت و درد سینه
باشد صفت تخم خشخاش سفید حب الاس نشاسته
برابر وزن کوفته بیخته با آش جو که در دو کاسه پخته باشند
استعمال نمایند —

دوای نافع از سل وقت خشکی سینه وبحت صوت
صفت آب عصیر برگ بارتنگ یک اوقیه روغن
بادام شیرین یا روغن کدو دو مثقال اول نهار
بنوشند بعد سه ساعت آش جو که در دو سه رطان
پخته باشند و شیر تازه دران حل کرده باشند
و روغن بادام دران انداخته باشند بنوشند
و در شب وقت خواب لعاب اسپغول صمغ عربی
کثیرا بنوشند —

دوای برای حمی دقه که با سل باشد لک
ناشسته یک ماشه خمامی چهار ماشه تخم گل سرخ چهار ماشه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وبرائے طفل ربع وزن این —
دیگر مروارید ناسفته گل لاله کت منسول هریکماشه
سفوف کرده و جهت وبرای قبض گل داغستانی
یک ماشه داخل نمایند —
دوا نافع از تپ لقه صفته تخم کاسنی مقشر کرده
مقدار یک توله در چهولی انداخته عرق عنب الثعلب
وعرق کاسنی هریک دو توله گلاب پنج توله در چهولی
انداخته بطریق کوکنار بچکانند تا عرقهائے چکیده شود
باز آن عرقهائے چکیده را بالاتش کنند و تا هفت بار
همین عمل مکرر کنند پس دران آب سکنجبین نیز و رسے
بار دو توله داخل کرده بکار برند —
دوا حلوقی جالینوس گفته که ازین دوا معالجه
کرده ام یکی که در شش او قرحه بود صفته سنبل الطیب
تلخ چهار مثقال جا و هفت مثقال ساذج هندی
چهار مثقال کندر سه مثقال سنبل هندی سه مثقال
اذخر مکی ده مثقال مرمکی چهار مثقال سلیخه هشت مثقال
دارچینی ده مثقال خلط الساذج چهار مثقال لب سوس
مثقال عصاره وبیرج پنج مثقال مصطگی سه مثقال
زعفران شش مثقال این ادویه را جمع کرده بعیر
گرفته با راستی وشراب شیرین بیزند و یک شکر
گرفته و مغز چلغوزه بست دانه سوده بپیدا زند و مخلوط
نمایند و یک مثقال ازان جنب دارند شود بلسفه
و واده سه روز بخورند و بعدان از ایارج که از صبر
گرفته باشد یک ملعقه و یک روز با آب مبرح منهد
داین دوا کسیکه در قصبه شش علت داشته باشد

بشیر زنان استعمال نمایند —
دوا المسک مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض
زرنباد درونج عقرب زعفران هریک دو و نیم توله
بهمنین سنبل الطیب قرنفل ساذج اشنه جند بیدستر
قاقله صغار از هریک ربع کم از دو توله دارفلفل
نیم توله زنجبیل توله مصطگی ربع کم توله مسک توله و
ربع عنبر توله نبات سی و شش توله عسل مصفی
آتش ندیده دو وزن ادویه از انقضاء یکدو ماه
ثلث معجون دوا المسک مروارید بفتش علی محمد مرج
سازند وبرابر هم تجویز کرده اند این نسخه بخط حکیم
مسیح الزمان بتصحیح یافته —
دوا المسک تلخ افسنتین چهار توله و هشت ماشه
راوند چینی چهار توله هشت ماشه زعفران دو توله ماشه
مشک ختائی یک توله و دو ماشه صبر سقوطری چهار توله
هشت ماشه نانخواه چهار توله هشت ماشه تخم کرفس
دو توله چهار ماشه ساذج یک توله دو ماشه هریک توله
دو ماشه جند بیدستر هشت ماشه عسل خام یک سیر اکبری
دوا المسک نافع از وسواس که از احتراق
خلط صفراوی پیدا شده باشد صفته مصطگی زعفران
مشک هریک یک درم و نیم افسنتین بادرنجبویه
افتیمون هریک سه درم عود خام مشک زرنباد
درونج هریک پنج درم مروارید کهربا ابریشم خام
هریک شش درم صبر ده درم کوفته بیخته بعسل
معجون سازند شربتی مثقال با عرقیکه گرم باشد —
دیگر سلیل ساذج مشک جند بیدستر مرمکی هریک

بست درم زعفران تخم کرفس اسطوخودوس
هریک چهار درم صبر زرد افسنتین هریک هشت
درم ریوند چینی شش درم عسل سه وزن ادویه
شربت مثقال۔

دواء المسک معتدل مروارید نیم درم کهربا
یک درم گلسرخ طباشیر کشنیز گاوزبان هریک دو درم
مشک ربع درم زرنباد یک درم شربت یک درم

دواء المسک بارد نافع از خفقان وغشی صفت
کهربا بسد مروارید ورق گلسرخ هریک درم تخم خرفه
بوداده کشنیز گاوزبان آمله مقشر هریک سه درم
ابریشم مقرض صندل سفید هریک دو درم زعفران
یک درم مشک نیم درم قند سفید سه چند۔

دیگر نافع از خفقان و از ضعف دل صفت
ورق گلسرخ طباشیر کشنیز کهربا هریک جزوی مروارید ناسفته
نیم جزو مشک سدس جزو نبات سه وزن ادویه
که بآب سیب ترش حل کرده باشند و سه برگ
ترنج و برگ سیب انداخته بقوام آرند و از آتش
فرود آورده ادویه بدان بسرشند۔

دواء المسک حار درونج پنج ماشه بهمنین
سازج سنبل قاقله هریک ده ماشه قرنفل دواله
زرنباد زنجبیل دارفلفل جندبیدستر هریک چهار ماشه
بعسل مصفی معجون سازند۔

دوائی که منع ریختن موی سر کند صفت آب
برگ چقندر ده توله برگ سدر ده توله عصارهٔ
لحیة التیس توله برگ درخت مغیلان توله صندل سرخ

توله اقاقیا توله آب پاک ده توله همه را یکجا کرده بجوشانند
تا نصف بماند مالیده صاف شود و روغن چنبیلی ده توله
داخل کرده چندان بجوشانند که آب رفته روغن بماند
در شیشه نگاه دارند بوقت حاجت بر سر مالند۔

دوا نافع از کلف صفت صندل بست درم مروارید
یک هفته متصل در آب لیمون لبابند و هر روز تغییر
اول در سایه خشک کنند باز به آب لیمون لبابند
تا هفته همچنین کنند بعد آن قرص ساخته نگاه دارند
هر روز یک قرص بآب گل خطمی حل کرده شب بر
کلف بمالند صبح بآب سبوس گندم و گل خطمی بشویند

دوا نافع از سعفه صفت مغز تخم کدو بریان مغز
تخم هندوانه بریان سفیداب کاشغری هریک توله
مردارسنگ سه ماشه دم الاخوین توله تخم لوار سه ماشه
شوطیا کرمانی سه ولی توله آب برگ حنا ده توله داخل
کرده کهرل نمایند تا چون مرهم شود پس بمحل آرند۔

دواء المسک حار نافع از وسواس و جنون که از
خلط سودا باشد صفت زرنباد درونج هریک نیم درم
مروارید کهربا بسد هریک سه درم بهمنین سازج
سنبل قاقله قرنفل دارشیشعان جندبیدستر هریک یک نیم
درم ابریشم خام شش درم زنجبیل دارفلفل هریک
درم مشک نیم مثقال کوفته بیخته بعسل معجون سازند
شربتی دو درم با یک اوقیه شراب ریحانی یا بعرق گاوزبان

دواء المسک بارد عنبری صفت ابریشم مقرض
صندل سرخ و سفید گل ارمنی گل گاوزبان آمله مقشر
طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا فیروزه نیشاپوری

کوفته بیخته سه وزن ادویه رب به شیرین سه شته
دونیم مثقال عنبر اضافه نموده ورق طلا ورق نقره
هر یک چهل عدد مخلوط ساخته بکار برند۔
دوائی که از وزن را حمل باند صفت زعفران حماما
سنبل اکلیل الملک هر یک سه درم سازج هندی دو درم
قردمانا هشت درم شحم البط و شحم الدجاج شمع هر یک
بست درم روغن سنبل دو درم خشاک کوفته بیخته
بگیه القشی گداخته با یک بیضه مرغ مخلوط کرده بعد طهر بردارند
نافع بسیار است۔
دوائی دیگر سنبل زعفران مصطکی میعه سائله هر یک
دو درم سازج هندی درم موم هشت درم روغن
سنبل بمقدار حاجت موم را به روغن مذکور گرم کنند
بباقی ادویه مدقوقه مخلوط کنند و استعمال کنند بعد طهر
دوائی دیگر مقل چهار درم روغن بلسان دو درم بیخ
حب و شیر بیخ نرگس هر یکدرم عسل تا نه درم اول مقل را
خمیر کنند و بباقی ادویه مدقوقه مخلوط سازند بعده ادان
روغن بلسان بران بچکانند استعمال کنند بصوفه۔
دوائی نافع از ذیابیطس و جریان بول از حرارت مثانه
مقوی و مبهی صفت طباشیر بیخ مرغ و تخم خرفه شقاقل مربی
خصیة الثعلب مصری کثیرا صمغ عربی تخم بالنگو تخم
خشخاش سفید هر یک تولہ مغز تخم کدو مغز تخم هندوانہ مغز
چلغوزه مغز پسته مغز حب الصنوبر هر یک دو تولہ مغز
بادام شیرین [illegible] هر یک سه تولہ ورق طلا
ورق نقره عنبر اشهب هر یک شش ماشه عسل لبنان [illegible]
نبات سفید ده تولہ رب به شیرین [illegible] شیرین

رب به سیب شیرین عسل مصفی گلاب عرق بید مشک
ماء اللحم ساده هر یک دو تولہ بدستور مرکب نمایند و شش ماشه
بماء اللحم پنج تولہ بنوشند۔
دوائی از شقاق پاشنه صفت مازو سبز کوفته بیخته
به پیه بز گداخته بشگاف پر کنند۔
دیگر اسفیداج قلعی اسفیداج اسرب به روغن بنفشه
سرشته بشگاف پر کنند لیکن باید که اول پا را بشویند۔
دیگر شلغم پاره کرده به روغن جوش داده ضماد نمایند۔
دیگر از شقاق انگشتان صفت بیخ بسفایج و بسفایج
سوده بشگاف پر کنند محمد زکریا گفته که مالیدن
روغن شقاق را نافع است خصوص بر ناف اسرارست
دوائی دیگر نافع از سقوط طفل اگر از رطوبت رحم باشد
صفت درونج عقربی زرنباد جندبیدستر حلتیت
مشک قسطی دانه هیل مازو سبز طباشیر هر یکدرم
زنجبیل دو درم کوفته بیخته یکدرم با آب بنوشند۔
دوائی درد گرده دور کند آن ابول حار است صفت
دوائی حابس از خون شریانی صفت کندر اقاقیا
گلنار صمغ عربی دم الاخوین از هر یک شب قلقطار
صبر کوفته بیخته با سفیده تخم مرغ سرشته بعمل آرند۔
دوائی دیگر شب یمانی سه درم سماق زعفران
عود هر یک سه درم عسل بمقدار حاجت کوفته بیخته
مخلوط نموده استعمال کنند بصوفه۔
دوائی دیگر پنیر مایه خرگوش و پیه خرگوش عسل تا
شلوسح نموده بر صوف گرفته بعد طهر استعمال کنند
و پیه الور و نافع است صفت سنبل سلیخه قسط تلخ

زعفران دارچینی حب بلسان مر هر یک درم ورق گلسرخ هفت درم با سرکنجبین بقوام آرند شربتی دو درم باب کاسنی و رازیانه۔

دواء معطس صفته کندش فلفل عاقرقرحا زنجبیل نوشادر نطرون صبر دارچینی مشک مرزنجوش خربق سفید جند بیدستر هر یک برابر کوفته بیخته در بینی بدمند۔

دواء معطس نافع لقوه و جمیع امراض بارده دماغی صفته عاقرقرحا سه درم کندش چار درم برگ دفلی که دو دو تنور رسیده شش درم صعتر زعفران زراوند طویل هر یک نیم درم بکار برند و در نسخه عوض زعفران درم الاخوین ست۔

دواء نافع از درد کهنه گوش صفته خربق سفید مرکند رافیون زعفران هر یک چهار درم جند بیدستر سه درم قلقند پنج درم فلفل بادام تلخ هر یک دو درم عصاره حصرم شب هر یک چهار درم مر و افیون و کندر و جند در سرکه که در آن پوست انار جوشانیده باشند بجیسانند چون نرم شود ادویه مذکوره سحق نموده بیندازند و مخلوط سازند یک درم از دیار و روغن ناردین در گوش بچکانند۔

دواء نافع از دوی و طنین که از برودت باشد صفته برگ صعتر بزر و فاخشک حب الغار برابر بنیکو طبخ نموده صاف کرده در گوش اندازند۔

دواء قاطع رعاف صفته کاغذ سوخته پوست بیضه مرغ سوخته اقاقیا هر یک دو درم کوفته بیخته باب فتیله ساخته در بینی بگذارند۔

دواء نافع از قرحه بینی و ناسور بینی و ناسور گوشه چشم صفته نوشادر اشق هر یک ده درم براده نحاس زنگ قلقند قلقطار سوخته زاج سوخته توبال نحاس هر یک پنج درم در دو رطل سرکه بجیسانند و در ایام صیف در آفتاب نهند و از نحاسی هر روز حرکت دهند تا سرکه خشک شود وقت حاجت فتیله آلوده کرده بگذارند۔

دواء نافع از ثقل زبان صفته نوشادر عاقرقرحا فلفل خردل برابر سوده زیر و بالای زبان بمالند۔

دواء نافع از ورم لهات صفته حلتیت دو نیم درم شب یمانی درم سوده بعسل سرشته ریشه آلوده بلهات رسانند۔

دواء نافع از قلاع صفته شیاف ماميثا طباشیر برگ بارتنگ زرور د طلیله زرد گلنار برگ زیتون مایین کلان شب یمانی برابر کوفته بیخته در دهن بپاشند

دواء نافع از جوشش دهن صفته مرجان سفید کات شسته طباشیر سفید زرور د کبابه برابر [illegible] باب تاج خروس سرشته بمالند۔

دواء نافع از ناسور لثه صفته بیخ سوسن دار قرحا هر یک درم شب گلنار عفص سماق هر یک دو درم سوده بپاشند۔

دواء نافع از فواق که از ریح غلیظ باشد صفته سداب نانخواه برابر سوده بشراب بیزند تا صعتر رسد یک اوقیه از آن بنوشند۔

دواء نافع از تهبا مرکب سوداء القنبیه و تراشیدگی

ر رود پشت یا مرض صفته زرشک چهار مثقال
جندبیدستر جدوار هر یک نیم نخود سوده بگلاب سرشته
بنوشانند رازیانه انیسون یک مثقال عود الصلیب
درم عود قماری آمله خشک یک دانگ سوده
بسکنجبین بزوری معتدل سرشته بخورانند۔

دوا نافع کسے را که عرق بسیار از سر او باشد
صفته اطریفل کشنیزی مثقال بخورد بعد آن
شیره تخم کاسنی سکنجبین افتیمونی پنج مثقال قرص
زرشک مثقال سوده عرق شاهتره عرق کاسنی
هر یک پنج توله بنوشند۔

دوا نافع از درد شکم که از برودت معده باشد
صفته جندبیدستر تخم کرفس زنجبیل زراوند مدحرج
وج برابر کوفته بیخته یک مثقال از آن بنوشند۔

دوا برائے آبله ها که بعد سوختن بر می آیند
صفته کنجشک در ظرفے سوزانیده تا سیاه شود
پس سائیده بکار برند۔

دوا نافع از فواق که از خشکی معده باشد صفته
آب گرم روغن بنفشه بنوشند۔

دوا فواق مخترع فقیر صفته پودینه زیره سیاه
انیسون بادیان هر یک چهار ماشه جوشانیده
صاف نموده اندک اندک بنوشند۔

دوائیکه قطع قے صفراوی کند صفته زرشک
دانه انار ترش سماق هر یک جزو طباشیر گل سرخ
دانه انگور ترش هر یک نیم جزو پوست بیرون پسته
نیم جزو کوفته بیخته دو درم بآب سیب یا شربت انار

منعنع استعمال نمایند۔

دوا نافع از قے بلغمی و سوداوی صفته
ورق گل سرخ چهار درم عود خام مصطگی سعد سنبل
نعنع پوست بیرون پسته قرنفل قرنفل فرنجمشک سیر کردانیده
منقوع بسر که خمر و آب سیب هر یک دو درم زرشک
سه درم سوده دو درم میبه بنوشند۔

دوا مومیائی کافور از هر یک جزو صبر گجراتے
یک نیم جزو در روغن نموده قدر حشفه بنهند۔

دوا نافع از قے بلغمی و از قے که بسبب بلغم و صفرا
باشد که بکرر تجربه فقیر در آمده صفته طباشیر هشت ماشه
دانه هیل چهار ماشه فلفل دراز دو ماشه دارچینی
یک ماشه نبات سفید شانزده ماشه کوفته بیخته
نه حصه نمایند و تا نه روز بعمل آرند هر حصه را بیک
توله عسل یا سکنجبین ساده یا سکنجبین لیمونی استعمال نمایند

دوا نافع از قروح امعاء و فواق صفته
بزر قطونا مرو تخم بقله بارتنگ تخم ورد تخم خطمی
هر یک پنج درم بریان نموده درست گذاشته
طباشیر نشاسته صمغ عربی بریان هر یک ده درم
گل ارمنی پنجاه درم سوده با تخم هائے مذکور مخلوط
کرده سه درم از و بعمل آرند۔

دوا نافع استحاضه است صفته تمر هندی
صمغ عربی نبات سفید برابر سوده شش ماشه
بنوشند۔

دوا مفتت سنگ گرده و مثانه صفته اسارون
موقوفطر اسالیون هر یک دو درم وفوفج حب البلسان

تخم کرفس انیسون کتیرا هریک درم سوده بیخته ششم
با آب پرسیاوشان بنوشند۔

دواء که باه را زیاده کند و بدن را تر و تازه دارد
صفته شقاقل تخم جرجیر تودری سرخ و سفید زنجبیل
هریک دو درم فلفل دراز سه درم لسان العصافیر
کندر تخم پیاز تخم شلغم تخم هلیون تخم گزر مغز چلغوزه
هریک دو درم کوفته بیخته بروغن جوز هندی
لت کرده بعسل معجون سازند۔

ذرور صدف کلان سوخته شادنج هریک درم
سوده در چشم بپاشند حفره مزمنه ملو شود۔

ذرور ابیض برای بیاض چشم کف دریا درم شکر طبرزد۔

دواء نافع از درد رحم و ورم آن صفته حلبه در آب
بخیسانند و چند مرتبه بشویند و بپزند و پارچه را
در لعاب آن بپارچه برآورده پیه بط و دجاج گداخته
بر پارچه مذکور گذرانیده پیه و لعاب باهم مخلوط کرده
بگذارند وقت حاجت اول صوف را بروغن گل
تر کرده بدواء مذکوره آلوده کرده در رحم گذارند۔

دواء نافع از سیلان مده و صدید از رحم صفته
گل سرخ چهار درم تخم کاهو نشاسته هریک مثقال زعفران
دو درم کوفته بیخته بمخ بیضه و روغن گل و شیر زنان سرشته
صوف بدان آلوده کرده بگذارند۔

دواء مدر حیض صفته لوبیا سرخ سی درم مشکطرامشیع
فراسیون هریک چهار درم پودینه ده درم فوه چهار درم
همه را با پنج رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف
نموده سه اوقیه از ان با قند یک درم بنوشانند۔

دواء نافع از حرق آب گرم جو سوخته با زرده
بیضه مرغ سرشته بمالند۔

دواء نافع از حرق روغن سفیدی بیضه مرغ
در قاروره انداخته اول قدرے روغن بیندازند
و بالا قدرے سفیده کاشغری بیندازند و حرکت دهند
تا چون مسکه شود۔

دواء برای حرق آتش موم یک توله بروغن بنفشه
یا روغن گل ده توله گداخته قدرے سفیده و قدری
مرداسنگ و زرده بیضهای سه بیضه و دماغ مرغ و جگرکے
از اشرح در هاون انداخته نیکو سحق نموده اندکے
کندر هم بران افزوده چون مرهم سازند۔

باب الذال

ذرور اصفر نافع از بقایا رمد که عارض اطفال باشد
صفته انزروت شش درم شیاف مامیثا سه درم
صبر دو دانگ۔

ذرور سفید کافوری نافع از گرمی چشم و رمد خفیف
صفته صدف سوخته مروارید ناسفته هریک دو درم
نشاسته درم کافور دانگ۔

ذرور سفید نافع از رمد حدیث صفته انزروت
پنج درم نشاسته دو درم شکر طبرزد صمغ عربی
هریک درم۔

ذرور نافع از سفیدی چشم صفته سرطان بحری
اقلیمیا طلا اشک ضب شیح سوخته کف دریا هریک
جزو کوفته بیخته بحریر گذرانیده در هاون نرم کرده
بگذارند۔

ذرور نافع از بیاض صفت کف دریا قلیمیا ذهبی
سرگین سوسمار بند تقوارت مرجان عین السرطان ابهر
نمک هندی هریک دو دانگ قرنفشا دانگ سرطان سرخ
دو دانگ شادنج مغسول مروارید ناسفته نیم مثقال
زنگار نوشادر دارفلفل قرنفل سنبل پوست تخم مرغ ملح
دانگ و نیم ماميران طوطیا هندی هریک دو دانگ
کوفته بیخته صبح و شام بکار برند۔

ذرور کهربا دم الاخوین حب الآس شیح ارمنی
هریک ماشه کوفته بیخته ذرور نمایند لیکن این ذرور را
بعد استعمال کردن آنا منقے سافج هندی عاقرقرحا
نمک لاهوری هریک شش ماشه بسرکه و گلاب جوشانیده
صافی کرده یک قهوه خوری ازان گرفته گیر دو ماشه
نیلا تهوتهه بریان یک ماشه سوده داخل کرده بر دندان
که ریزه ریزه میشود بمالند و لقیه را بسرکه و گلاب بعد یک
گهڑی لبشوید و یک گهڑی دیگر صبر کرده این ذرور
بر دندان بپاشند۔

ذرور نافع از بیاض چشم صفت کف دریا انزروت
شکر طبرزد هریک جزو لورق ربع جزو۔

ذرور نافع از جرب و اکل و غلظ اجفان صفت
زرده تخم مرغ در آفتاب خشک کرده انزروت سفید
مربی بشیر خر چهار درم مامیران هریک نیم درم زعفران
شیاف ماميثا هریک دو دانگ۔

ذرور صدف کلان سوخته شادنج یک درم سوده
در چشم بپاشند حمره و مزمنه ملو شود۔

ذرور بین برای بیاض چشم صفت کف دریا درم
شکر طبرزد دو درم۔

باب الرا

رب السیب نافع از صفرا و جوش خون و اطلاق
شکم و قے آب سیب در دیگ سنگین بریزند تا بربع رسد۔
رب ریباس نافع از اطلاق شکم و قی شدید و تپ گرم
رب حصرم نافع از صفرا و تشنگی و تپهای گرم
آب حصرم در دیگ بآتش ملائم بپزند تا بربع رسد۔
رب ریباس در دیگ سنگی بجوشانند تا بنصف
رسد پس شکر سفید بنصف آن بیندازند و قدرے
زعفران انداخته بگذارند۔

رب توت نافع از درد حلق و از خوانیق صفت
توت شامی تلخ کوفته آب او گرفته بآتش بپزند
تا بنصف رسد پس از آتش فرود آورده پنج حصه
ازان گرفته و از مثلث سه حصه گرفته مخلوط کرده
بآتش ملائم بپزند تا بثلث رسد پس از آتش
فرود آورده مرد شب یمانی سوده انداخته
بپزند تا مستوی شود۔

رب اجاص نافع از تپهاے گرم که باقبض
شکم باشد صفت اجاص تلخ و شیرین از دانه پاک
کرده در دیگ انداخته آب شیرین بالا آتش بقدریکه
او را بپوشد بیندازند و جوش دهند و از آتش
فرود آورده سرد کنند و بیفشارند و باز بپزند
تا به ربع رسد۔

رب خشخاش نافع از نزلات سرسبه خشخاش سفید
با حب کوفته در چهار حصه آب که شش رطل میشود

بجوشانند و در دیگ انداخته بپزند و از آتش فرود آورده سرد کنند پس مالیده صاف نموده سه رطل و یک نیم رطل عسل انداخته بپزند تا چون لعوق شود—

رب خشخاش دیگر نافع از نزلات سپید با عطش خشخاش کلان سفید معه دانه نیم کوفته در نه رطل آب یک شبانروز بجوشانند و بپزند تا بنصف رسد پس سرد کرده بمالند و صاف نمایند و سه رطل از آن بگیرند و یک نیم رطل سنجبین و یک نیم رطل شکر طبرزد با عسل بپزند تا چون لعوق شود—

روغن قسط آس سه درم قسط گرفته برگ آس تر بست چهار رطل کوفته یک شبانروز در آتش ملائم بپزند تا آب رفته روغن بماند—

روغن راحب مخترع مرحوم استاذ الحکما حکیم عماد الدین محمود صفته جدوار خطائی زیبق زرنباد کندر هر یک دو ماشه زراوند طویل سه ماشه مر مکی چهار ماشه صبر سقوطری بست ماشه برگ کرفس نیم ماشه مقل ازرق دو ماشه سکبینج چهار ماشه جاوشیر دو ماشه حلتیت دو ماشه عاقرقرحا سورنجان جوزبوا جند بیدستر هر یک دو ماشه شنجرف چهار ماشه مرداسنگ دو ماشه زرنیخ صابون رومی نیم ماشه آب لیمو نیم ماشه سکبینج دو ماشه روغن سوسن ده ماشه روغن گل سرخ ده ماشه روغن بابونه ده ماشه روغن قسط ده ماشه روغن سداب ده ماشه روغن زیتون ده ماشه موم زرد ده ماشه علی الرسم روغن کنند—

روغن مصری مخترع استاذی صفته

روغن بادام تلخ طوطیا هندی صبر سقوطری در هاون باهم روغن سازند—

روغن مخترع نافع از درد هر جا که باشد صفته عنب الثعلب چوب چینی گل بنفشه بیخ بنفشه گل بابونه گل خطمی بیخ سوسن معروف ایرسا اصل السوس هر یک توله جوشانیده صاف نموده روغن کنجد پاو سیر انداخته بجوشانند تا آب رفته روغن بماند دیگر مغز بادام تلخ سوخته طوطیای هندی زنگار صبر سقوطری در هاون کرده آنقدر بمالند که یکسان شود روغن سازند

روغن گوگرد جهت جرب و قوبا و خارش بدن صفته گوگرد زرد کوفته بیخته در چهار سیر روغن دنبه تازه بیامیزند و پاره کرپاس را بدین روغن چرب نموده فتیله کنند و فتیله را روشن کنند و ظرفی را زیر او نگاه دارند و هر روغنیکه از فتیله بچکد در ظرفی بگیرند و بکار آرند و بر قوبا و جرب بمالند که نهایت نافع یافته

روغن نافع برای سستی قضیب صفته زهره گاو نر خشک کرده یک عدد زهره خرگوش خشک کرده یک توله عاقرقرحا توله کبابه توله فلفل گرد نیم توله جند بیدستر نیم توله پیاز نرگس ده عدد حرف توله میعه سائله توله تخم انجره توله روغن بلسان سه توله تخم کرفس توله خراطین خشک کرده اگر از دهن بر آمده باشد بهتر و الا از هر قسمی که بهم رسد ده عدد زرنیخ سرخ توله نمک سنگ توله سیاه دانه نیم توله مومیای توله فرفیون توله مشک نیم توله بهار دو دیا ریزه ریزه کرده و خشک نموده در شیشه انداخته

وگل حکمت نموده بطریق چوده بچکانند وقضیب
گذاشته بمالند ویک برگ تنبول پیچیده بالای
او پارچه تنک پیچیده گذارند تا یک پاس واز
آب سرد هفت روز پرهیز کنند —
روغن مجرب که بر محاسن مالند منع موی سفید
کند وسیاهی مونگاه دارد صفته روغن پنبه دانه
روغن مورد روغن آمله از هر یک چهل مثقال
سعد کوفی سلیخه رومی سنبل الطیب شونیز قرنفل
شحم حنظل قسط تلخ عود هندی فقاح اذخر مکی
قصب الذریره اسارون پوست جوز تر از هر یک
هفت مثقال کوفته بیخته بان سرشته بجوشانند
وهر روز بر محاسن بمالند —
روغن نافع بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمة صفته مقل ازرق سه ماشه افیون دو
عصاره لحیة التیس دو ماشه نیم کوفته باب برگ گندنا
نیم ماشه در هاون بدستور بمالند تا هموار شود تخم
برزک پنج درم بنفشه دو ماشه گل خطمی سفید
ماشه گلنار فارسی کوفته بیخته بیه مرغ دو ماشه بیه فار
ده ماشه موم پنج ماشه غیر مستعمل بروغن گاو گداخته
ادویه را بان ممزوج نموده در هاون بدستور
ضرب بمالند تا هموار شود استعمال کنند —
روغن رال در ازالهٔ اورام حاره واورام بارده
هر عضو خصوص اورام قضیب وخصیه واستسقا
وجهت قوبا وشقاق وجهت دفع الوان بثور خصوص
شود وجهت اندمال جروح [illegible] اولی

بنهایت مفید ومجرب ست صفته روغن کنجد
بست مثقال رال ده مثقال موم مصفی ده مثقال —
روغنیکه قضیب را قوت عظیم دهد صفته
بیخ کنیر سفید که آنرا در فارسی خرزهره وبعربی دفلی
گویند وآن بر دو گونه است یکی آنکه گلش سرخ باشد
وآن بسیار ست ودوم آنکه گلش سفید باشد
آن قلیل یافته میشود لیکن نافع درین هر دو نوع
اخیر ست وچربی سانڈه که در هند معروف ست
وخراطین وبیر بهوٹی همه را یکجا کرده در نیم پاو شراب
دو آتشه در ظرف سفال نگاه دارند بعده بطریق
چوده بگیرند وبعد بست ویک روز استعمال نمایند —
روغن مقوی صفته زرنباد آمله زنجبیل سعد
سنبل پوست ترنج حب الآس بالنگو مصطگی زوفا
عود عرقی قرنفل کندر سنج پودینه اکلیل الملک
فرفیون جندبیدستر قسط انیسون کرفس زعفران
حب الغار کبابه عنبر لادن مشک عنبر هر یک تولہ
عطر گل نه سداب هر یک تولہ در شانزده حصه آب
مطبوخ نموده وقتیکه نصف باقی ماند در شش فرزن
ادویه روغن چنبیلی داخل کرده بپزد تا روغن بماند
روغن زرنباد شیره زرنباد انبی ادرک هر یک
ده تولہ جوز بوا بسباسه دارچینی الاچی هر یک تولہ
دو اله تولہ بادام پسته بادام فرنگی چلغوزه جل خشک
هر یک ده تولہ زرنب دو تولہ ابریشم تولہ در دو پنج تولہ
اسارون سلیخه قسط تلخ قرفه سعد اذخر مصطگی
هر یک دو تولہ اگر عرقی چهار تولہ سنبل بادیان

انیسون نانخواه اکلیل الملک بابونه حماما سافج
زنجبیل فلفل دار فلفل هریک توله گلسرخ چار توله
حب الغار نه ماشه فرفیون عنبر لادن توله سداب
نه ماشه جند توله عطر کرنه فواکه را مهنی سازد ویابسات
را در شانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث بماند
روغن سرشف روغن کتان روغن کنجد روغن زیتون
برابر وزن مجموع ادویه را داخل کرده بجوشانند
تا روغن بماند اندک عطر کرنه و زعفران و مشک اندازند
روغن نافع از صداع کهنه بارد صفته روغن شبت
روغن قودنج روغن مرزنجوش روغن شیح و تمام
و روغن سداب و روغن ورق الغار بابونه بیخ لفاح
افیون زعفران مرکی همه یکجا نموده جوشانیده صاف
نموده بیندازند روغنها همه یک یک جزو
دیگر ادویه ربع جزو ـ
روغن که موی سبز صفته ساجی آهک آب
نادیده مکه جزو زرنیخ ده جزو در آب که چهار انگشت
بالا ماند یک روز بگذارند و آن آب بریزند و دیگر
آب بدستور بیندازند باز بعد یک روز آب بیندازند
و دیگر آب بر سرش کنند و بعد یک روز باز دو کنند
پس هر روغنی که باشد جزو ادویه سه جزو آمیخته
بپزند تا روغن بماند و چون مو دور شود زعفران
و گلاب آمیخته موضع مو بشویند ـ
روغن مقوی دماغ صفته مغز کشمش انجیر
هریک پاو سیر مغز پسته چار مغز تخم خیار مغز تخم خربزه
هریک نیم پاو تخم کرفس انیسون هریک توله اسطوخودوس

بادام بابونه هریک دانه بادیان توله مصطگی دو دام
حب فلفل دو دام سنبل توله گلسرخ پنج دام گل بنفشه
دام فواکه را یکجا کرده سحق نموده در بیست چهار برابر
آب طبخ داده جدا نگاه دارند و ادویه یابسه را در
بیست چهار برابر جوش دهد تا نصف بماند با طبخ اول
یکجا کرده روغن بادام پنج دام روغن نیم سیر روغن کتان
دو دام روغن سرشف پنج دام روغن کنجد روغن بنفشه
پنج دام روغن مالکنگنی پنج دام داخل نمایند و بجوشانند
تا روغن بماند صاف نموده بکار برند ـ
روغن گلسرخ دو دام زرنباد کرفس حماما اکلیل الملک
سافج هریک دام آمله نصف وزن همه در بیست چهار
برابر آب بپزند تا ثلث بماند روغن کنجد چهار دام
داخل کرده بجوشند تا روغن بماند وقت خواب شب
بر سر مالیده بخواب رود ـ
روغن آب کشنیز صفته آب کشنیز تازه عنب الثعلب
هریک سه توله روغن نیم سه توله صندل سرخ توله
اکلیل الملک حماما هریک نیم توله ورد پنج چهار ماشه
زرنب شش ماشه گلسرخ توله گل خطمی نیلوفر
هریک توله یابسات را در بیست چهار برابر آب بجوشانند
تا ثلث بماند با روغنها و شیرجات طبخ کنند
تا روغن بماند نافع ست ـ
روغن که نافع از جهوله و جمیع دردها و مرضهای
بادی و بلغمی صفته روباه زنده را دست و پا بسته
در دیگ آب جوشان که نیم من باشد همچنان زنده
بیندازند تا خوب پخته شود منفصل گردد صاف کرده

آب آنرا بگیرند و نگاه دارند و بگیرند فلفلمویه بالنگنی جوزبوا بسباسه سنبل حلتیت هریک نیم پاو تخم دهتوره اناربوست بیخ بید انجیر سه پا و افیون خالص سه دام همه را جوکوب کرده در یک من آب خالص بآتش ملائم بجوشانند تا پانزده سیر آب بماند صاف نموده این آب را با آب روباه که اول گرفته بود یکجا نمایند و پنج سیر شیرهٔ دهتوره سیاه گرفته و اضافه این آب نموده و پنج سیر روغن کنجد خالص گرفته بدان آمیخته بآتش ملائم در کمال ملائمت بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند صاف کرده بکار برند و از باد بپرهیز نمایند —

روغن مقوی دماغ صفته ابریشم دام و پنج دام قسط سلیخه سعد اذخر مصطکی هریک دو دام شیرهٔ زرنباد شیرهٔ ابنی ادرک هریک ده دام جوزبوا بسباسه هریک دو دام دارچینی ده دام قرنفل الایچی هریک دو دام دوالد دام مغز بادام مغز پسته مغز بادام فرنگی ده دام مغز چلغوزه ده دام نارجیل اسارون زرنب هریک دو دام سنبل بادیان نانخواه انیسون اکلیل الملک بابونه جما ماساذج هریک درم زنجبیل یک نیم دام فلفل درم گلسرخ چار درم مغز چار مغز ده درم شبت چار درم وج دوازده درم عطر قرنفل یک نیم ماشه روغن زیتون روغن سرشف روغن کنجد روغن کتان اگر نغرفی هریک چار درم زعفران عطر کرنه مشک فواکه را مثل بیهی اسبابیه و در شیره داخل نموده نگاهدارد و باقیات را درشانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث باند بعد از ان برابر وزن جمله ادویه چهار روغن و آب مطبوخ و بنفشه محلول با شیره داخل کرده بر آتش گذارند تا آب نماند پس از ان مشک و عطر غیره خوشبو داخل کنند و نگاهدارند —

روغن نافع از فالج صفته شیر بیش شیرهٔ برگ دهتوره سیاه روغن کنجد هریک پاو سیر افیون دام تخم کتایی خشک سائیده هفت دام در ظرف مسی قلعی دار انداخته بآتش ملائم بجوشانند تا که آب نماند در ظرف آبگینه نگاهدارند و در عضو ماؤف بمالند در موسم سرما در آفتاب نشسته و دیگر با احتیاج آفتاب نیست —

روغن نافع فالج صفته زهر بتلیه کچله عاقرقرحا تخم دهتوره اجمود خراسانی پوست بیخ کنیر سفید افیون گهونگچی سفید هریک دو دام بالنگنی نیم پاو کلونجی نیم پاو همه را جوکوب کرده در شیر گاو بمقداری که بالای ادویه آید سه روز نگاهدارند وقتی که شیر نرکو خشک شود بیارند یک سیر پاو بالا روغن کنجد و یک سیر شیر گاو با ادویه بآتش جوش دهد لیکن آتش ملائم کند تا زمانیکه شیر نماند بعد لحظه آتش تیز دهد که چند دام روغن بسوزد بر آورده صاف نموده نگاهدارند و وقت حاجت بکار برند و آنچه کثیف آن باشد در چیزی شیر آمیخته کهرل کرده نگاهدارند عنی بحال قدیم باز آید —

روغن دیگر روغن کدو روغن کتان هریک پاو سیر شیرهٔ تخم کدو یک سیر شیرهٔ تخم خیارین پنج دام سرکه ولایتی پاو سیر این همه را بپزد تا آب نماند نگاهدارد —

روغن نافع از خارش و داد صفته سیماب پنج توله حنای خشک شش توله برگ درخت خیار شنبر پنج توله قره پنج توله قروت سه توله کو کنار سوخته دو توله کثیرا توله شنجرف سه توله پیه بز دوازده توله موم کافوری نه توله روغن کتان هفت توله۔

روغن نافع از درد ذات الجنب صفته عنب الثعلب پرسیاوشان بنفشه گل خطمی آرد باقلا جوشانیده صاف نموده بر روغن گلسرخ یا بروغن کدو مخلوط کرده بجوشانند و سفیداب کاشغری افزوده بر سینه و اضلاع بمالند۔

روغن پیاز نرگس برای باه صفته پیاز نرگس را ریزه ریزه کرده با برابر کنجد نگاه دارد تا هفت روز و نصف کنجد مغز بادام ریزه ریزه کرده اندازد و در کیسه کرپاس سبک و اندک نمی میداده باشند پس مثل بادام روغن بگیرد و بعد از آن بگیرد و ازین روغن ده درم فرفیون قسط هر یک دو درم بسباسه یک درم و از فلفل یک نیم درم عاقرقرحا و نیم دام تخم جرجیر جند بیدستر هر یک یک نیم دام موم نیم دام موم را در روغن گداخته اجزا را باریک سائیده دران انداخته و خوب حل کرده نگاه دارد۔

روغن سوسن سلیخه اوقیه قرنفل نیم اوقیه قسط حب بلسان مصطگی هر یک اوقیه قرفه نیم اوقیه در ته پاو روغن کنجد اندازد و سیر پیاز سوسن اندازد و در سایه نگاه دارد تا بست و یک روز صاف نموده بکار برد۔

روغن برای زخم صفته دیودار زرد چوب دار هلد ملٹھی مدھ دھنوانسه هر یک برابر گرفته در آب تر کرده یک شب نگاه دارد بر آورده باریک بساید پس روغن کنجد چهار چند ادویه در آب چهار چند روغن انداخته بپزد تا آب بسوزد و روغن بماند صاف کرده نگاه دارد۔

روغن خارش صفته گندهک زرنیخ پکی سپید هر یک نیم پاو برگ اکه سفید چهارده عدد روغن سرشف چهار اثار روغن را در کراهی انداخته دو اثار آب اندازد و ملائم بپزد تا آب نماند بعد از آن این هر چهار دوا را سائیده پارچه بیز کرده اندازد و کفچه زنند که همه یکی شود بعد از آن برگهای اکه سفید مذکور اندازد و بگذارد که در کراهی سرد شود و در شیشه دهن کشاده نگاه دارد بکار برد۔

روغن فرفیون صفته عاقرقرحا هفت درم کندش چار درم مویزج سه درم همه را جو کوب نموده در چهار چند شراب انگوری بجوشانند تا ثلث بماند نیم وزن شراب باقی روغن کنجد انداخته بجوشانند تا روغن بماند بعده مقابل هیژده درم دو درم فرفیون سحق بلیغ نموده داخل کنند و جوش ملائم دهند تا فرفیون حل شود لت زده نگاه دارند بکار برند۔

روغن عاقرقرحا فرفیون قسط عاقرقرحا هر یک جز فلفل حب الغار اصول نرگس هر یک نیم جز زیت ده چند ادویه۔

روغن جهت فربهی قضیب و درازی و استحکام آن صفته شب یمانی کبریت سیماب مرتشیتا شنجرف هر یک درم مروارید دو درم کته چار درم افیون چار درم زراوند مدحرج قسط کندش مویزج کمیله هر یک دو درم روغن زیت سی درم اگر زیت بهم نرسد روغن کنجد

داخل کند آب شصت و پنج توله ادویه را باهم سحق بلیغ
نموده در آب بجوشانند وقتیکه بنصف بماند روغن انداز
و با آتش ملائم بجوشانند که آب نماند —

روغن زعفران شش دام مرمکی دام قصب الذریره
پنج دام قردمانا مرا جدا بسرکه تر کنند و زعفران و قصب الذریره
جدا تر نمایند تا شش شبانروز روز هفتم قردمانا بسرکه
تر کنند روز هشتم پنج آثار روغن کنجد بروے افگنند
و همه را با آتش ملائم بجوشند تا روغن بماند بکار برند —

روغن بابونه سنبل بسباسه هیل حماما کتان اکلیل الملک
هر یک توله بابونه چهار توله در دوازده وزن آب جوشانده
بنصف بستانند بار روغن کنجد برابر اجزاء طبخ نماید —

روغن حماما سنبل بسباسه هیل حماما بابونه اکلیل الملک
هر یک چار توله کتان شانزده توله در دوازده وزن
آب جوش دهند تا بنصف بماند روغن کنجد برابر وزن
اجزاء داخل کرده جوش دهد —

روغن گلسرخ بادیان سنبل مصطگی بابونه حماما
اکلیل الملک تخم شبت وج زنجبیل هیل هر یک نیم توله
در یک نیم سیر آب جوش دهند تا بنصف بماند روغن کنجد
شش توله روغن بادام دو توله روغن زیتون چار توله
داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند بکار برد —

روغن مصطگی سنبل ده دام اکلیل الملک یک پاؤ توله
حماما زرنب اسارون هر یک توله مصطگی دام اگر خام
توله گلسرخ دام در بست چهار برابر آب بجوشند تا بنصف
رسد پنج دام روغن چنبیلی اضافه کرده بجوشند تا گداخته
اثر آب بماند بعد ازان در دو من اکبری گلاب

حل نموده خوشبو سازد بکار برد —

روغن بارد و رطب نافع از صداع حار و سرسام
قرانیطس صفته تخم کدو تخم خشخاش و مغز تخم خیارین
بادام شیرین تخم خشخاش سفید کنجد مقشر برابر وزن
روغن برآورده استعمال نمایند و بینی بسیار نافع است —

روغن نافع از ورم نقرس و وجع مفاصل صفته
بابونه عنب الثعلب پرسیاوشان اکلیل الملک برگ حنا
سورنجان بوزیدان مغاث بغدادی گل خطمی سفید
گل بابونه اصل السوس ایرسا نیم کوفته در چهار سیر
آب بجوشانند تا یک نیم سیر آب بماند روغن کنجد
روغن زیت روغن تخم خشخاش روغن تخم خربزه
داخل کرده باز بجوشانند که آب رفته روغن بماند در
روغن ارنڈ سیر گرده بز گداخته صافی نموده زعفران
مغز ساق بز داخل کرده شب بمالند صبح در حمام روند
و بآب گرم ولعاب ریشه خطمی بشویند —

روغن جهت رطوبت بدن صفته روغن کتان
روغن کنجد هر یک پاؤ سیر شیره خشخاش دو دام آب
کدو رسیده چار دام آب برگ خرفه چار دام گلاب
پاؤ سیر علی الرسم بپزند —

روغن دیگر روغن گل سه دام روغن کتان دام
روغن بادام دام روغن کدو نیم دام شیره تخم خیارین
دو دام سرکه ولایتی برابر همه ادویه را یکجا کرده بپزد
تا آب نماند بکار برد —

روغن لبوب نافع از درد سر و درد گوش که از
سودا باشد و نافع از مالیخولیا و جذام جدا صفته

بندق مغز بادام مقشر مغز پسته تازه مغز کنجد مغز جلغوزه مغز کدو و جوز برابر وزن کوفته روغن آنها برآرند۔

روغن نافع از شخوص جداً صفته روغن زنبق رطل فرفیون نو اوقیه سوده مخلوط نمایند۔

روغن قسط نافع از فالج صفته قسط اوقیه فلفل عاقرقرحا فرفیون هریک سه اوقیه جندبیدستر نیم اوقیه در نیم رطل روغن نرگس سائیده باعضاء مسترخیه بمالند۔

روغن دواله یکدرم آمله کچور ابریشم گل خطمی گل بنفشه گل نیلوفر گل سرخ گل کمودنی هریک درم در بست برابر آب بجوشانند صاف کرده روغن کدو شش ماشه روغن بادام توله روغن کنجد چار درم اضافه کرده بجوشانند تا روغن بماند بکار برد۔

روغن ناردین نافع از درد معده و کبد و قولنج و برد اعضاء شرباً و ضماداً و احتقاناً و از درد گوش و از صداع و شقیقه سعوطاً و از استرخاء مثانه احتقاناً فی الاحلیل صفته قصب الذریره سعد برگ غار عیدان بلسان ساذج هندی راس ایل اذخر برگ آس قردمانا اذان الفار مرزنجوش هریک دو اوقیه نیکو کوفته در دیگ آهنی بیندازند و بالایش شراب یا جمهوری یا نبیذ عسل و آب شیرین بقدریکه ادویه را بپوشد و روغن سرکه هفت نیم رطل بریزند و نیمه دیگ خالی گذارند و بآتش ملائم بپزند و ساعت بساعت حرکت دهند تا شش ساعت روز پس از آتش برآورده سرد نموده روغن را صافی کرده بگذارند و گلسرخ اوراق آن گرفته سه اوقیه حماما دو اوقیه نیکو کوفته در همان دیگ بگذارند بالائش شراب یا جمهوری یا نبیذ مویز و آب شیرین در روغن مصفی بریزند تا سه ساعت بآتش نرم بپزند و حرکت دهند جوزبوا پنج اوقیه روغن بلسان شش اوقیه پس ادویه در همان دیگ بگذارند و از آتش فرود آورده سرد کرده روغن گرفته بگذارند و سنبل طیب قرنفل و میعه سائله هریک سه اوقیه آب آس سه اوقیه نیکو بیده روغن بلسان و میعه با آن بران انداخته حرکت دهند و بآب جوش دهند۔ پس آب آن گرفته بدان روغن مذکور آمیخته باز در دیگ کرده جوش دهند تا آب رفته روغن بماند۔

روغن ترب مشابه بروغن زیت کهنه نافع از درد گوش صفته آب ترب سه جزء روغن کنجد جزء و بجوشانند تا آب رفته روغن بماند۔

روغن غاربیل زفت رطب نافع از امراض که از برودت و رطوبت باشد صفته غار در روغن کنجد بجوشانند یا در آفتاب بگذارند و صاف نموده بکار برند۔

روغن زیبق نافع از درد گرده صفته کنجد را با گلهای زیبق مرتب ساخته روغن کشند۔

راجحران دوائیست هندی نافع از سوء مزاج بارد و ضعف معده و از وسواس و سودا و باه را زیاده میکند و محافظت جنین مینماید و اصلاح گرده و مثانه میکند و سنگ گرده برآید صفته وج قسط مر زراوند طویل و دحیح هریک دوازده مثقال فلفل دراز زنجبیل هریک بست مثقال تخم کرفس تا نخواه کریا

رازیانه بزر الرطبه تخم خرفه تخم جرجیر تودری سرخ و سفید اذان الفار زیرهٔ کرمانی تخم شبت هر یک بست چهار مثقال قرنفل اشنه قصب الذریره عیدان بلسان هر یک دوازده مثقال اکلیل الملک شیح زرنب حب بلسان سلیخه بسباسه قاقله قرفه هر یک شانزده مثقال پوست هلیله زرد پوست بلیله شیرهٔ آمله هر یک سی و دو مثقال بسفایج خربق سفید آس مرباچوز بزر البنج بستانی خشک شیطرج هندی زرشک دانه اترج مقشر بهمنین لسان العصافیر هر یک بست و چهار مثقال جوز سی عدد بیخ قصب بری تخم فنجنکشت هر یک دوازده مثقال تخم گندنا هر یک شش درم افیون فرفیون جندبیدستر هر یک سه درم هلیله سیاه چار درم ساذج هندی حلبه عرطنیثا اسالیون دو قوزد او ند چینی هر یک سه درم کوفته بیخته فانیذ هموزن ادویه گرفته و روغن گاو نیز هموزن ادویه گرفته و عسل مصفی برابر وزن ادویه در روغن و فانیذ بگیرند و فانیذ را بسه رطل آب گداخته چون عسل غلیظ نمایند و عسل بالائش ریزند و ادویه بر روغن گرم کرده لت کنند و نگهدارند پس اول فانیذ و عسل را در هاون بزرگ بینداز و ادویه مذکوره بروبیاشند و بسرشند و در ظرف که در وعسل نهاده باشند بدارند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربته مقدار بانه و در اول شهر سه روز و در آخر شهر سه روز به آب گرم استعمال نمایند۔

روغن نافع از درد و درم ذات الجنب صفته عنب الثعلب گل بنفشه گل خطمی آرد باقلا آرد جو کتیرا پرسیاوشان هر یک توله جوشانیده صافی نموده آن آب صافی را با پیه گردهٔ بز و روغن گل سرخ و روغن کدو هر یک پنج توله بجوشانند که آب رفته روغن بماند بوقت حاجت استعمال کنند بسیار نافع است و تجربه اکثر آمده۔

روغن قسط جهت قوت باه صفته بیارد قسط چار دام سنبل الطیب یک توله چار ماشه زرنب بسباسه اشنه بهرنگ کابلی دارچینی قرنفل جوزبوا صندل سفید هر یک توله و چار ماشه مشک خالص زعفران عود خام عود بلسان نکمه هر یک هشت ماشه موصلی سیاه تخم کونچه هر یک سه توله چار ماشه زنجبیل یک توله هشت ماشه بابرنگ یک توله هوبیر هشت ماشه بسکبیره یک توله چار ماشه فلفلموبه یک توله چار ماشه همه را جوکوب نموده در هفت سیر شراب عرق یکشانروزه تر کنند بعده بست هشت سیر آب بجوشانند تا هشتم حصه بماند بپالایند و ثقل دور کنند بعده روغن بادام یا روغن کنجد پخته یکصد و بست توله با این آب مذکوره بهم بجوشانند تا روغن بماند نگاهدارند و هر روز سه چهار نه درم بپاشامد و چار درم در اندام بمالد خصیه و آلت بعد از یکزمان به آب گرم اندام را بشوید در یکهفته در خود عجائب بینند که وقتی در عمر خود ندیده باشد مجرب ملک تاج الدین نائب وزیر است و اگر همین ادویه را باریک کرده در یک صد و بست توله روغن کنجد سیاه بیندازد و دو هفته در آفتاب بدارد و بقدر حاجت روغن برمی آرد و بر دیگر کسی

که دائم باشد و درد کمر و دستها و پایها و هر کجا باد باشد یا باد سنبات زحمت دهد بالصحت یابد و هر چند که این روغن در آفتاب بیشتر بماند نفع بیشتر کند و آنقدر که این روغن خرچ شود هر روز دیگر انداز دو نقل او بر جا باشد۔

روغن که بر سر بمالند منع ریختن موی کند صفته آب چقندر آب پالک آب عنب الثعلب آب برگ حنا هریک پاؤ سیر شاهتره برگ نیل پرسیاوشان گل نیلوفر برگ مورد تخم نیوار هریک دو توله در آبهای مذکور بجوشانند تا بنصف رسد روغن چنبیلی یک نیم پاؤ داخل کرده بجوشانند تا آب رفته روغن بماند پس صافی نموده روغن بنفشه پنج توله داخل کنند شخصے که نزله بارد داشته باشد یا مزاج سرد مشک و عنبر درین روغن داخل کنند۔

باب الزا

زرعونی که پشت و گرده را محکم کند و معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهن را خوش کند و آب رفتن را از دهن باز دارد و باد را بشکند و ریگ از مثانه پاک کند و منی بیفزاید صفته تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم بادرنگ بیخ سرو هریک پنج مثقال عاقر قرحا زعفران مصطگی عود خام هریک پنج درم بسباسه زرنباد قرنفل کبابه چینی فلفلمویه هریک سه درم عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه عسل را بقوام آورده عنبر دران حل کنند دیگر ادویه ها را کوفته بیخته بدان بسرشند

و بعد از دو ماه استعمال نمایند این نسخه را صاحب شفائی از کتب دیگر نقل کرده ولیکن بعضے اطبا مشک نیم مثقال و تخم انجره یک نیم مثقال نیز داخل کرده اند شربتے دو مثقال۔

زرعونی دیگر که منی بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت و گرده را محکم سازد و دراز دیاد مجامعت نظیر ندارد و در منافع عظیم است صفته تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه بیخ کرفس مقشر تخم بادرنگ تخم جرجیر حب الفلفل حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه هریک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقر قرحا کبابه چینی زنجبیل تخم اسپست تخم خربزه تخم پیاز تخم انجره تخم گندنا گلسرخ دار فلفل خولنجان جوزبوا هریک سه درم قرفه کندر مصطگی عود زعفران هریک چهار درم تخم هلیون لوز بیدان بهمنین شقاقل لسان العصافیر هریک پنج درم بصل الفار بربیان بکدام خصیة الثعلب قضیب گاو سو بان کرده مغز سر کنجشک نر خشک سر باکش نریا هریک ده مثقال عنبر اشهب و مثقال مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن مجموع ادویه معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بنوشند و بالای آن شیر تازه باده درم شکر بنوشند۔

زروقی که مجاری بول پاک کند و التحام قرحه نماید صفته ریوند چینی دم الاخوین هریک دو مثقال گل معصفر تخم کاکنج برگ ورق خطمی خار خسک هریک مثقال کندر نشاسته صمغ عربی مغسول تخم کتان هریک نیم مثقال اجزاے کوفتنی کوبیده در بیخته

آب بآتش ملایم بجوشانند تا ثلث ماند در ذرور قسم
استعمال نمایند۔

ذرور اقه سفید آب کاشغری شسته دم الاخوین انزروت
مربا بشیر خر تخم چاکسو مقشر هر یک سه ماشه نیل تهوتهه
بریان نیم ماشه گیرو شسته سه ماشه همه را در شیر خر کرده
از پارچه در پاری گذرانیده پچکاری نمایند۔

ذرور اقه دیگر انزروت مربا بشیر خر سفیداب کاشغری
هر یک توله دم الاخوین طوطیا کرمانی مغسول هر یک
سه ماشه افیون زعفران هر یک نیم ماشه چاکسو در
کیسهٔ کتانی در آبے که دران سرگین خر جوشانیده باشند
بخیسانند و مقشر کنند یک توله ازان بگیرند و در
کهرل انداخته بمالند تا چون مرهم شود هر روز دو ماشه
انرا با شیر خر دو توله در پچکاری کرده در احلیل بچکانند۔

ذرور اقه انزروت سفید کوفته بیخته خر سرشته بر آتش نرم
بریان کرده چاکسو مقشر باین نحو که در کیسه کتانے
کرده در آبے که سرگین خر درین جوشانیده باشند
خیسانیده مقشر کرده توله سفیده آب کاشغری دم الاخوین
طوطیا کرمانی مغسول هر یک سه ماشه زعفران افیون
هر یک ماشه همه را یکجا کرده در کهرل بمالند تا یکسان
شود هر روز دو ماشه آنرا در دو توله شیر خر داخل کرده
از پچکاری بچکانند تا القرحه که در فرج شده باسد بر بید۔

باب السین

سفوف نافع از اطلاق شکم صفته صمغ عربی بریان
هفت درم نشاسته بریان چار درم اسبغول بریان
ده درم حب الآس بریان شش درم طباشیر شش درم
تخم شاهسفرم بریان شاه بلوط بریان بزر حماض بریان
گل ارمنی تخم خشخاش بریان تخم خرفه بو داده هر یک
شش درم بآب رب به و رب انار شیرین و ترش
بخورد شربت ده مثقال۔

سفوف انار مازو پوست انار فلفل سماق هر یک
دو ماشه میان انار خام خالی کرده ادویه را با سفیده
تخم مرغ خمیر نموده در میان آن پر کنند و دهن مضبوط
کرده بر آتش گذارند تا آب خشک شود ادویه را بر آورده
سفوف سازند۔

سفوف مهی و مقوی که اندکے نفع دارد صفته
مغز بادام بو داده مغز پسته مغز اشپکک مغز چلغوزه
خصیة الثعلب دارچینی خولنجان لسبا سه بهمنین شقاقل
مصری هر یک مثقال دانه هیل نیم مثقال زعفران
دانگ مشک عنبر هر یک نیم دانگ ورق طلا دو ماشه
جرس خالص نیم مثقال نبات سفید پنج مثقال
سفوف سازند۔

سفوف مصطگی طباشیر گشنیز بریان هر سه
برابر سفوف سازند۔

سفوف حب الآس کندر خبث الحدید گل ارمنی
هر یک چهار دام سفوف کرده سه ماشه پیش از
طعام متصل بخورد۔

سفوف دیگر سنبل سعد مازو قرن ایل محرق
نمک سانبهر هر یک وزن برابر۔

سفوف نافع برائے وجع مفاصل صفته
سورنجان مصری دو نیم توله سنا مکی یک توله و نه ماشه

مغز بادام شیرین نه ماشه پوست هلیله زرد نه ماشه
زعفران یک نیم ماشه تربد سفید سه ماشه قند سفید
هفت توله شش ماشه شربتی نه ماشه۔

نسخهٔ دیگر سورنجان مصطگی هر یک ماشه بوزیدان
غنچه گل سرخ هر یک دو ماشه سنا مکی سه ماشه نبات سپید
پنج ماشه سوده کف کنند بعد ازان شربت دو دیگر
پنج توله سنج حل کرده بنوشند و هرگاه تشنه شوند
آب سنج بنوشند۔

سفوف کندر ناتخواه عفص مصطگی هر یک سه ماشه
زنجبیل چار ماشه مغز تخم انبه چار ماشه انگوزه چار ماشه
نمک لاهوری چار ماشه کوفته بیخته با آب برگ چوکا
سرشته در انار خام پر کرده بر سفور سوده در تنور نهند
تا آرد سرخ شده میل بسیاهی نماید بر آورده تا سرد شود
دوا را از انار بر آورده نگاه دارند بقدر چهار سرخ
نهایت یک ماشه میخورده باشند۔

سفوف حب الریان نافع از خلفه صفته تخم
دانه انار ترش بریان کرده سر یا سا صد درم کرویا
کشنیز خشک سه روز در سرکه تر کرده بریان نموده
هر یک بست درم کزمازج خرنوب نبطی گلنار هر یک
ده درم تخم کرفس سفوف سازند با آب سرد بخورند۔

سفوف نافع برای حصاة صفته خاکستر پوست
تخم مرغ که بچه بر آورده باشد حجر الیهود خاکستر کبریت
مساوی الوزن سفوف سازند و نیم توله با شیرهٔ
تخم خیارین نیم توله و شیرهٔ تخم خربزه نیم توله معجون کرده باشند
نسخهٔ دیگر خاکستر کبریت مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه

تخم معصفر حب البان حب بلسان سلیخه همه را
کوفته بیخته سفوف سازند و با شیرهٔ تخمهای
بالائی شش ماشه وقت شب بخورند۔

سفوف بنگ برای اسهال فائده کلی دارد
صفته بنگ نو قسم اعلی پاک کرده بروغن بنفشه
یا بادام چرب نموده و قلیلی از شیرهٔ علف سبز که انرا بزبان
هندی سانی دوب گویند و قلیلی از شیرهٔ ناتخواه
ممزوج کرده بدست مالیده بر سفال آب نادیده
برفق برشته نمایند و باز فرود آرند از آتش
و همچنین بعد سرد شدن همین عمل کنند و باز از آتش
فرود آورند تا هفت مرتبه همین عمل کنند پس چهار
مثقال ازان بنگ باز نجبیل بریان و مصطگی یک
مثقال کوفته بیخته سفوف سازند و سه ماشه ازان
با آب سرد بنوشند۔

سفوف هندی نافع برص صفته نافقشامی
شش دام نمک سنگ دو دام هر دو را خشک بسایند
تا یک ذات شوند در کراهی آهنی کرده آتش کنند
و با چمچه آهنی بجنبانند چنانچه سرخ شود فرود آرند
و سرد کرده دو آثار آب انداخته بدست مالند
ساعتی پس بگذارند که دوا ته نشین شود آب بالا
بریزند همچنین هفت نوبت کنند انگاه خشک کرده
در شیرهٔ گهیکوار کهرل دو ساعت دو شراب
انداخته بگل حکمت مهر کرده خشک ساخته در یک
سبد یا چاک دشتی آتش در کودی داده در
هانجا سرد کرده بر آرند پس در شیرهٔ ترپهله که در

آب جوشانده باشند ہمانقدر سحق کرده ہمالقسم آتش دہند بعد ازان تخم شبت و حلبه و شونیز و نانخواه از ہریک پنج درم این ہر چہار را ہمبار یک سائیده بیامیزند و بصاحب عارضه روز اول یک ماشه ازین سفوف با یک سرخ مار قشیشا ہی ببر بخورانند و ہر روز یک ماشه ازین دوا بیفزایند و از مار قشیشا ہی ہم کم کم بیفزایند تا مار قشیشا ہے به و سرخ رسد و سفوف ہشت ماشه بہمین وزن میخورده باشند تا شش ماه پرہیز از ترشی و بادی و چیزہای ثقیل غذا پلاو و قلیه و خشکه و اگر نه دال خشکه و کھچری و نان میخورده باشند نافع ست انشاء الله تعالے۔

سفوف سورنجان سقمونیا مخترع فقیر صفته سورنجان مصری ہفت ماشه گل سرخ سنا کی ہریک پنج ماشه پوست ہلیلۂ زرد تربد سفید ہریک چہار ماشه سقمونیا مشوی لاجورد مغسول ہریک ماشه بوزیدان بسفائج مصطگے ہریک دو ماشه زعفران رب السوس ہریک دو ماشه مغز بادام شیرین پنج ماشه قند سفید ہفت ماشه کوفته بیخته سفوف سازند۔

سفوف قابض مشک خالص فلفل دراز زنجبیل نیم برشت ہریک سه ماشه مصطگے انار دانه پوست خشخاش لودہ کشنیز خشک بریان ہریک چہار ماشه صمغ عربی ماشه شربتے سه ماشه۔

سفوف بنگ لوع اعلی بروغن بنفشه یا بادام چرب کرده بریان نمایند و یک مثقال بگیرند و با مصطگے یک مثقال زنجبیل برشته یک مثقال باز کرده سفوف سازند شربتے سه ماشه۔

سفوف بابت حکیم اشرف خان ہاضم طعام و مقوی معده صفته کشنیز خشک مقشر بریان دانه ہیل زیرۂ کرمانی بادیان ہریک شش ماشه طباشیر چار ماشه آمله سماق ہریک توله سفوف سازند و بعد طعام پنج ماشه بخورند۔

نسخۂ دیگر قرفه سافج ہندی عود قماری مصطگی ہلیلۂ کابلی فرنجمشک نارمشک زیرۂ سیاه دارچینی فلفل دراز زنجبیل قرنفل اشنه انار دانه جوزبوا قاقله صغار و کبار ہریک شش ماشه عنبر اشہب دو ماشه قند سفید سه وزن ادویه شربتے از پنج ماشه تا شش ماشه۔

سفوف ارسطاطالیس که برای سکندر وضع کرده اصل نسخه است صفته قرفه سافج ہندی عود قماری اسارون مصطگے ہلیلۂ کابلی فرنجمشک نارمشک زیرۂ کرمانی دارچینی اشنه فلفل دارفلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوزبوا قلفلمویه کافور قاقله ہریک دو درم مشک عنبر ہریک درم نبات شش وزن ادویه شربتی از درم تا سه۔

سفوف مقوی معده و دافع نسبت شکم و نفخ آن صفته مصطگے قاقله صغار دارچینی بسباسه برابر وزن قند دو چند شربتے از سه ماشه تا چہار ماشه۔

سفوف سورنجان دو ماشه زعفران ماشه با عرق بادیان پنج توله و گلاب پنج توله بخورند

رفع نفخ و بیقراری کند۔

سفوف دافع قرحه کهنه در قضیب صفته مروارید ناسفته یک نیم توله حجر الیهود گل ارمنی هر یک دو توله صمغ عربی کتیرا خار خسک تخم کاسنی گل فوفل مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین هر یک پنج توله الثعلب مصری نیم سیر نیکو سحق نموده سفوف سازند و نه ماشه با شیر گاو بنوشند۔

سفوف نافع سرفه قابض حب الآس سرمه سا کرده مغز حب البلوط بریان خشخاش خرنوب شامی هر یک دو جزو صمغ عربی یک جزو سفوف سازند شربتی درم

سفوف مامیران عجیب النفع و دافع قروح مجاری و مثانه صفته مامیران چینی زرد و ندچینی هر یک مثقال زرشک منقی هفت مثقال گلنار افیون صمغ عربی هر یک مثقالین طباشیر کبریت زرد مغز تخم خیار هر یک ده مثقال تخم خرفه پنج مثقال کنجد سفید شش مثقال شکر طبرزد بست مثقال سفوف سازند و سه درم با مثلث ده درم بنوشند و دو درم هر شب وقت خواب با آب خالص بنوشند۔

سفوف قابض صفته بنگ خالص دار فلفل زنجبیل نیم شست تک سه ماشه مصطگی انار دانه پوست خشخاش بو داده گشنیز خشک بریان تک چهار ماشه صمغ عربی ماشه کوفته بیخته سفوف سازند و با آب سرد بنوشند۔

سفوف مصطگی عود غرقی پوست ترنج نعناع برابر وزن سفوف سازند۔

سفوف منزل صفته نانخواه چهار توله بادیان سداب زیره کرمانی هر یک چهار توله مرزنجوش

بورهٔ ارمنی هر یک توله عیدان الملک هشت توله شربتی مثقال۔

سفوف گلسرخ پنج دام گل ارمنی گل مختوم شادنج مغسول هر یک پنج دام تخم خرفه پنج درم بسد مروارید ناسفته خشخاش رب السوس اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس افیون هر یک سه درم شربتی دو دام با لعاب اسبغول یا شیرهٔ خرفه۔

سفوف حب الرمان دیگر نافع از اسهال که از ضعف معده و امعا باشد صفته دانه انار بریان جزو حب الآس رومی بلوط سماق کمون مدبر سویق تبق سویق غبیر اکشنیز بریان خرنوب نبطی و شامی هر یک نیم جزو سک رامک عود حرف هر یک ثمن جزو در نسخهٔ دیگر حرف نیست و وزن حب الرمان دو جزو و وزن دیگر ادویه نصف جزو۔

سفوف ذیابیطس صفته خبث الحدید بصری بست درم کوفته بیخته در سرکه خمر هفت روز خیسانیده محمص باز بسایند و قشور کندر در سرکه خمر کلشیانه روز ترکرده خشک نموده سحق نمایند و پنج درم از و بگیرند طباشیر چهار درم کشنیز سه درم شوکران دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربتی دو درم۔

سفوف بزور نافع از ریاح و نفخ صفته کرویا انیسون زیرهٔ کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دار فلفل هر یک دو دانگ شکر بست مثقال شربتی دو درم

سفوف مقلیاثا نافع از اسهال و زحیر و ضعف معده و مغص و بواسیر صفته حرف بریان یکنیم رطل زیرهٔ کرمانی بد بریان نیم رطل تخم کتان تخم گندنا سنبل هر یک ربع رطل مصطگی یک نیم اوقیه هلیلهٔ سیاه بریان بروغن چرب کرده ربع درم —

سفوف حب الغب نافع از اختلاف حب الغب بادانه مویز یک جزو حب الآس سماق هر یک نیم جزو و صمغ عربی یک جزو مصطگی گلنار هر یک ربع جزو سفوف سازند —

سفوف طین نافع از سحج و اسهال مراری صفته صمغ عربی نشاسته گل ارمنی اسبغول تخم شاهسفرم تخم مرو هر یک جزو بر وزن درست بگذارند و باقی ادویه بکوبند —

سفوف که وقت افراط عمل مسهل بکار آید صفته کفک شامی بست درم کندر گل ارمنی صمغ عربی خرنوب نبطی بلوط دانه مویز هر یک دو درم بزر البنج سفید درم کوفته سفوف سازند —

سفوف مقوی معده صفته پودینهٔ خشک عود خام مصطگی قرنفل برابر وزن گرفته کوفته سفوف سازند —

سفوف مسهل سودا و مزیل امراض که باعث آنها مواد غلیظ باشد صفته پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افتیمون اسطوخودوس هر یک سه درم نمک نفطی نمک هندی صبر هر یک نیم مثقال حجر ارمنی فلنجمشک هر یک مثقال شربتی سه درم تا چهار درم با ماء الجبن و گاهی درین نسخه سقمونیا مقدار حب القرطم زیاده میکنند و گاهی ازان صبر دور میکنند —

سفوف لاجورد دیگر سنا مکی یک ماشه تربد غاریقون گلسرخ لاجورد مغسول هلیلهٔ زرد هلیله کابلی هلیلهٔ سیاه بسفائج ریوند خطائی تخم بادرنجبویه اسطوخودوس افتیمون کوفته بیخته سفوف سازند —

سفوف نافع از سودا که بروز هفتم که از شروع ماء الجبن استعمال توان کرد صفته لاجورد مغسول یک ماشه کتیرا یک ماشه تربد سفید مجوف تراشیده چهار ماشه پوست هلیله زرد و پوست هلیلهٔ کابلی هلیلهٔ سیاه هر یک سه ماشه بسفائج اسطوخودوس افتیمون هر یک سه ماشه کوفته بیخته سفوف سازند —

سفوف طین دیگر نافع از سحج و اسهال مراری و زحیر صفته اسبغول تخم مرو تخم ریحان بارتنگ تخم حماض همه را نیم بریان کرده نشاسته صمغ عربی طباشیر گل ارمنی سوده همه برابر وزن شربتی از دو درم تا سه شاید که این سفوف را بروغن گل یا بروغن بادام چرب نموده بعمل آرند —

سفوف مقلیاثا بارد نافع از سحج و زحیر و اسهال صفراوی صفته اسبغول بریان بست درم گل ارمنی سی درم صمغ عربی تخم خشخاش هر یک ده درم نشاسته طباشیر هر یک پنج درم بدستور سفوف سازند —

سفوف نافع از گزیدگی عقرب صفته زراوند طویل ریوند چینی بیخ کبر عاقرقرحا برابر شربتی از درم تا دو —

سفوف نافع کسے را کہ سگ دیوانہ گزیدہ باشد لیکن پیش از ترسیدن از آب استعمال توان کرد صفتہ سرطان نہری سوختہ جنطیانا ہر یک پنج درم کندر یک نیم درم پودینہ سہ درم گل مختوم دو درم شربتے سہ درم۔

سفوفی نافع از اسہال کبدی مکرر بہ تجربہ آمدہ صفتہ دم الاخوین طباشیر بریان طراثیث شیرین صمغ عربی بریان مغز حب الآس کہربا زرشک سماق مغز بہدانہ کتیرا ہر یک یک ماشہ پوست خشخاش بریان سہ سرخ بیخ انجبار اقاقیا ہر یک ماشہ افیون زعفران ہر یک یک سرخ کافور قیصوری از یک نخود تا دو نخود سودہ بارتنگ چہار ماشہ افزودہ سفوف سازند و بروغن بادام شیرین شش ماشہ چرب نمودہ باشیرۂ بہدانہ چہار ماشہ ولعاب ریشہ خطمی سفید چہار ماشہ شیرۂ تخم خرفہ دو تولہ بریان شیرۂ تخم خشخاش تولہ رب بہ شیرین دو تولہ بنوشند۔

سفوف سورنجان صفتہ سورنجان ماشہ کشنیز خشک دو ماشہ مصطگی نیم ماشہ نبات سفید سہ ماشہ سودہ کف کند بعد از آن شیرۂ تخم خربزہ یک تولہ شربت گاؤزبان دو تولہ شش روز این نسخہ بعمل آرند روز ہفتم سورنجان غنچہ گل سرخ پوست ہلیلہ زرد تربد سپید زنجبیل بسفائج فستقی سناسوس ہر یک ماشہ سنا مکی مغز بادام شیرین ہر یک دو ماشہ قند سفید پنج ماشہ سفوف کردہ کف کند و بالائش یک پیالہ آب سرد بنوشند۔

سکنجبین افتیمونی نافع از علل سوداوی و بلغمی صفتہ افتیمون پنجاہ درم بدو اثار آب بپزند تا بقوت سیر برسد صافی نمودہ شکر سفید یک نیم اثار و خل خمر پانزدہ استار بقوام آرند شربتے پانزدہ درم +

سکنجبین بادیان پوست بیخ بادیان پوست بیخ کبر تخم کاسنی انیسون پوست بیخ کاکنج سنجبیہ زوفا خشک غافث افسنتین ہر یک دہ دام تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعدہ سنبل اسارون ہر یک ہشت مثقال سرکہ صد درم با شش وزن آب جوش دہند تا نصف بماند نصف وزن ادویہ عسل و نصف وزن نبات داخل کردہ بقوام آرند۔

سکنجبین سادہ صفتہ خل الخمر آب خالص ہر یک رطل شکر طبرزد سہ چند بقوام آرند و اگر عوض آن گلاب بپزند از حرارت معدہ و کبد را دور کند و گاہے درین سرکہ بیخ کاسنی و تخم کاسنی بخیسانند پس تفتیح سدہ و افتیمون سودہ بعد از قوام داخل کنند اسہال سودا کبد بنماید۔

سکنجبین نافع از طحال صفتہ پوست بیخ کبر فوہ اسارون وج لحائی درخت بید اسقولوقندریون ثمرۃ الطرفا ہمہ را بسرکہ بپزند و سکنجبین عسلی سازند سکنجبین سفرجلی آب بہ یک رطل مصطگی قرنفل سنبل ہر یک درم ادویہ درکیسہ کتانی کردہ در آب بہ بندکو ساندا ختہ جوش دہند و با سرکہ و شکر سفید بستور مقرر بقوام آرند۔

سکنجبین وردی گلقند شکری در گلاب گرم حل کردہ

صافی نموده برورق گل سرخ بپندارند و بالایش
سرکه ریزند و بپزند۔

سکنجبین سفرجلی دیگر مشتهی قاطع بلغم و صفرا
و مقوی اعضا صفته آب به یک جزو شکر سفید
یک جزو سرکه کهنه ربع جزو بقوام عسل آرند۔

سکنجبین ساده منفع مخترع فقیر صفته سرکه خالص
یک رطل آب نعناع ربع رطل گلاب نیم رطل
شکر سفید سه وزن بدستور مرتب سازند۔

سکنجبین افتیمونی دیگر مسهل سودا صفته بسفایج
سه درم بدقوق ساخته در پارچه کتان بسته خربق سیاه
چار درم نیز کوفته در پارچه کتانی دیگر بسته افتیمون
در پارچه دیگر بسته خل الخمر صد درم آب خالص
دو رطل همه را در دیگ انداخته بپزند چون نیم پخته
شود صره افتیمون بیندازند و از آتش فرود آورده
مالیده صافی نموده در آن آب مصفی شکر سفید دو رطل
گلاب رطل شکر یک نیم من بقوام آرند۔

سکنجبین عنصلی نافع از جسادت طحال و جگر و
مفتح سده و از ضیق النفس و از سرفه که از رطوبت
باشد صفته بصل عنصل یک و نیم رطل بکارد چوبی
پارچه پارچه کرده و خل الخمر پانزده رطل بران
انداخته بآتش ملائم بپزند تا مهرا شود و پس صاف نموده
به هر رطلی از و شکر طبرزد انداخته بپزند و بعضی
این سکنجبین را از سرکه نیشکر و عنصل تیار میکنند۔

سکنجبین نافع از جدری در اول شروع
جدری لوان وا د صفته خل الخمر یک و نیم جزو
ورق گل سرخ نیم جزو ورق گل را در سرکه مذکور
جوش دهند تا بنصف رسد و شکر سه چند افزوده
بقوام آرند۔

سکنجبین بزوری معتدل مفتح سده محلل ریاح
مدر بول صفته در سرکه ده رطل پوست بیخ کرفس
پوست بیخ رازیانه هر یک شش اوقیه تخم کرفس
رازیانه انیسون هر یک دو اوقیه در یک شبانروز
بخیسانند و بپزند تا ششم حصه کم شود پس سرد کرده
صافی نموده شکر سفید سه وزن داخل کرده
بقوام آرند۔

سعوطی که درد سر را فی الحال تسکین کند صفته
بخور مریم هشت مثقال اصل السوس دو مثقال
ورق گل سرخ یک مثقال سوده سعوط نمایند۔

سعوط نافع از فالج و لقوه و استرخاء اعصاب و
از رعشه و از جمیع اوجاع بارد رطبه صفته
عصارهٔ حنظل تر عصارهٔ بیخ چغندر عصارهٔ بیخ طلبه
هر یک ملعقه شونیز تخم حرمل هر یک دو درم همه را
مخلوط بوزن یک دانگ با شیر دختر سعوط نمایند۔

سعوطی که تنقیه سر میکند و فضول را میراند صفته
تخم حنظل منقی از دانه و پوست ده مثقال کندر
فلفل سفید و سیاه فلفل دراز هر یک چار مثقال
زعفران یک مثقال مرصبر اشق جاشا هر یک
مثقال سقمونیا مشوی شش مثقال عصارهٔ افسنتین
دو مثقال کوفته بیخته با آب سعوط نمایند۔

سعوط جند تخم حنظل فلفل سفید کندر تخم بنج

همه را بکوبند و به آب مرزنجوش سعوط نمایند۔
سعوط نافع برای کسی که خوشبو را حس کند و بدبو را
نکند صفته جندبیدستر سوده متصل سعوط نمایند۔
سعوط نافع برای کسیکه بوی بد را حس کند و
بوی خوش را نکند صفته مشک سوده بوینید۔
سعوط نافع از سکته صفته سداب مرزنجوش
جوش داده صاف کرده بهره گرم ساخته سعوط نمایند
سعوط نافع از سبات صفته روغن نرگس روغن
زنبق سعوط نمایند۔
سعوط نافع از صداع بیضی و شقیقه بارد صفته
روغن بادام تلخ یا روغن تخم شمش تلخ با آب
مرزنجوش خلط نموده سعوط نمایند۔
سعوط نافع از بدبوی که در بینی باشد صفته
بول خر سعوط نمایند۔
سعوط نافع از جنون که از مادهٔ محترقه باشد صفته
آب برگ عنب الثعلب بروغن بنفشه یا بروغن
نیلوفر یا سفیدی تخم مرغ یا با شیر دختر سعوط نمایند۔
سعوط نافع از بطلان شامه صفته شونیز سیر کرما
تخم حنظل خربق سفید برابر وزن چون عدس
حب سازند و یک حب بروغن مرزنجوش یا
بروغن کدو سعوط نمایند۔
سنون نافع از تغیر دندان که بسبب ماده باشد
صفته فلفل پودینه قسط زراوند مدحرج حلتیت
ناشخواه سوده با ادویه جالبه مخلوط کرده سنون نمایند
سنون برای درد دندان صفته مر ابهل جوز السرو

عاقرقرحا برابر وزن سنون سازند۔
سنون نافع از ضعف دندان صفته صندل احمر
کبابه قوفل هر یک پنج درم تقم چهار درم دارچینی
دو درم بالنشاستهٔ گندم مخلوط کرده سنون سازند۔
سنون که سیاهی دندان ببرد صفته قنبیل
فلفل جمالسا فج هندی مازو سوخته سنون سازند
سنون دیگر طباشیر سفید قوفل مرجان سنج سفید
کف نمک خشک مروارید ناسفته صدف سوخته
شاخ گوزن سوخته پوست تخم مرغ کوفته بیخته
سنون سازند۔
سنون که از حرکت دندان نفع کند صفته
سعد ورق گلسرخ سنبل الطیب نمک اندرانی
کزمازج شاخ گوزن سوخته برابر سنون سازند۔
سنون مقوی دندان صفته هلیله بلیله آمله
گلسرخ گلنار اقاقیا شب یمانی قسط طباشیر
عاقرقرحا سوده سنون سازند۔
سنونی که دندان را سفید کند و جلا بخشد
و بیخ دندان را قوی میسازد صفته کف الدریا
ده درم آرد جو دوازده درم سوده بعسل خشت
در تنور بپزند خشتی گداخته سوخته سوده سنون نمایند
عاقرقرحا اذخر هر یک پنج درم سوده بدان
اضافه نمایند۔
سنون عجیب از جهت رفتن خون از بن دندان
و ریانیدن گوشت لثه صفته زاج سوخته
عود سوخته سعد هر یک سه توله سماق نه توله

گلنار سه توله بطریق معمول شربت نمایند—
سنون که گوشت بیخ دندان بر ویاند و قطع خون کند و بوی دهان خوش کند صفته پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله ورق گل سرخ گلنار اقاقیا اسنج سفید طباشیر عاقرقرحا هریک بوزن برابر هر صباح با سماق صلایه کرده و از گلاب بشویند و انگاه بیاشامند
سنون برای درد دندان و مقوی آن صفته تریاق جند بید ستر حلتیت فلفل مروارید زراوند مدحرج زنجبیل سیه افیون و بیخ برابر عسل مخلوط کند جزوی از و گرفته بر بیخ دندان نهند—

باب الشین

شربت اصول مفتح مواد غلیظه منضج و مدر نافع از سوء القنیه و استسقا صفته پوست بیخ بادیان پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی هریک سی درم بیخ کبر پانزده درم بادیان تخم کرفس تخم کاسنی هریک بست درم انجیر بست عدد مویز منقی چهل درم نفاح اذخر ده درم جوشانیده صافی نموده بعسل مصفی چار رطل بقوام آرند—
شربت اسطوخودوس صفته عناب دو صد دانه آلو بخارا پانصد دانه سپستان سه صد دانه تمر هندی رطل مویز رطل افتیمون چار توله ماشه اسطوخودوس پنج توله بسفائج سه توله درونج دو توله لاجورد نه توله گل بنفشه ده توله ورق گل سرخ هفت توله گاؤزبان گل گاؤزبان هریک پنج توله بادرنجبویه پنج توله پوست هلیله زرد پوست ترنج ابریشم مقرض هفت توله وابریشم سه توله صندلین هریک پنج توله سافج سه توله بهمنین هریک چهار توله تخم بادروج سه توله مشک توله کافور مثقال عنبر مثقال ترنجبین نیم رطل شیرهٔ آمله تازه پنج رطل آب کدو هفت رطل عرق شاهتره دوازده رطل عرق نیلوفر دوازده رطل عرق کاسنی هفت رطل گلاب دوازده رطل شربت سیب رطل شربت به رطل شربت انار شیرین رطل نبات سه رطل عسل نیم رطل علی الرسم بسازند اجزاء آنچه کوفتنی باشد جوکوب کرده در آب کدو و عرق ها بخیسانند و صباح جوش داده صاف نمایند و شیرهٔ آمله و ربوب و نبات و عسل و ترنجبین داخل نموده بقوام آرند بعد از ان لاجورد وابریشم و مشک و کافور و عنبر داخل نمایند خوراک از چار توله تا هشت توله—
شراب اسطوخودوس صمم و سده دماغ را نافع ست صفته اسطوخودوس ده دام بسفائج پنج دام بالنگو گاؤزبان هریک پنج دام قند یا عسل یک رطل—
شربت اسطوخودوس صفته اسطوخودوس دو توله مویز منقی هفت توله کشمش پنج توله بهمن سفید توله شقاقل توله تخم خیارین پنج توله قسط شیرین توله بنفشه توله پوست نارنج توله ثعلب دو توله عود شش ماشه گل گاؤزبان دو توله بادرنجبویه تخم خطمی هریک دو توله مشک مثقال عنبر مثقال زعفران دو مثقال نبات صد مثقال گلاب دو مثقال علی الرسم شربت سازند شربتی از توله تا سه توله—
نسخه دیگر مویز منقی ده دام آمله مقشر پنج دام

ابریشم خام پنج دام عود دو دام بسلیخه سه دام ورونج دو دام بسفایج دو دام اسطوخودوس ورق گل سرخ انیسون تخم کرفس تخم خشخاش قرنفل دارچینی هریک دو دام مشک دام نبات دو وزن ادویه اجزا را جوکوب نموده در دو سیر آب شب بخیسانند و جوش دهند تا بنصف رسد صاف کرده با نبات بقوام آرند شربتی از مثقال تا پنج مثقال

شربتی که نافع از سرفه خشک که از حرارت باشد صفته زوفا خشک گلسرخ هریک شش دام گل بنفشه گل نیلوفر هریک سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو هریک توله تخم خرفه دو توله سوای بزورات ادویه را در شانزده توله آب انداخته جوش دهند تا ثلث بماند صاف نموده شیره های بزور اندازند با نبات ده درم بقوام آرند—

شربت نافع از فکر و وسواس از تالیف این حقیر صفته گاوزبان نعناع گلسرخ ورق اترج ورق حیوانی جلق ریحانی پرسیاوشان هریک چهار درم سیب هریک سه عدد پاره پاره گرفته همه را کوفته در دیگ بیندازند و بالای آن کهربا سوده حریر خام مقرض لاجورد محرق شسته جوز بوا زراوند مدحرج درونج بهمنین صندلین مروارید ناسفته صلایه کرده طباشیر زرشک عود مصطکی هریک مثقال کوفته بیخته در پارچه بسته همه در پنج ده رطل آب بجوشانند تا ثلث رسد صافی نموده بگذارند و ثفل آنها در هر ده رطل آب دیگر جوش دهند تا ثلث رسد پس صافی نموده این هر دو آب صافی بعسل شکر سفید ده درم بپزند تا بقوام شربت آید پس سرد کرده مشک یکدام سوده بیندازند—

شربت زوفا زوفا خشک گلسرخ هریک چهار درم گل بنفشه سه درم شیره مغز بادام چهار توله شیره تخم خشخاش دو توله نبات ده دام ابریشم دو توله عنبر دو ماشه مشک ماشه زعفران ماشه گلاب یک آثار ادویه را جوش داده در شانزده حصه تا بنصف رسد با شیره بادام و خشخاش و نبات بقوام آرند و عنبر و مشک و زعفران داخل کنند شربتی از یک توله تا سه توله—

شربت انگوری صفته رب به ده توله رب انگور ده توله عسل دو توله اندکی جوش دهند تا قوام آید در آخر جوش زنجبیل مصطگی قرنفل قاقله زعفران هریک ماشه دارچینی باریک نموده در کیسه کرده بیندازند تا دو جوش خورده مالیده صاف نموده بکار برند—

شربت اگر عود بیخ بهمن ناردمشک سه دام سنبل دو دام قرنفل مصطگی جوزالطیب هریک دو دام نبات نیم سیر گلاب دو سیر مشک شش سرخ ادویه را جوکوب نموده در پارچه گره سست بندند و با گلاب جوش دهند تا نصف بماند مالش داده صاف نموده و با نبات بقوام آرند شربتی از نه ماشه تا یک نیم توله—

شربت زرشک صفته زرشک دام آلو بخارا البته دانه املی دو دام سماق شش ماشه انار دانه چهار ماشه عود خام دو ماشه تخم کاسنی چهار ماشه پوست ترنج دو ماشه نعناع دو ماشه شکر ده دام زرشک و آلو و تمر هندی را خیسانیده بگیرند شکر داخل کرده بقوام آرند—

شربت اسطوخودوس بابت ملاسدید نافع منضج

مواد سوداوی و بلغمی خصوص دماغی صفت
اسطوخودوس ده درم عود الصلیب گاوزبان تخم
رازیانه تخم کرفس تخم خطمی هریک پنج درم سپستان بهی دانه
مویز منقی بست دانه بنفشه خشک ورق گل سرخ
هریک هفت درم پرسیاوشان ده درم اصل السوس منقشر
پنج درم همه را بپزند و با سه رطل عسل مصفی یا شکر طبرزد
بقوام شربت آرند —

شربت انار شیرین نسخه شیخ مقوی معده نافع از
سوخته و سرفه صفت آب انار شیرین بیاید چهار رطل
آب سیب شامی یک رطل نبات سفید یک رطل
فانید سجری یک رطل بقوام آرند شربتی دو اوقیه —

شربت مقوی قلب صفت آب هندوانه بست چار
دام آب کدو بست چار دام عرق شاهتره دوازده دام
گلاب ده دام عرق کاسنی چهارده دام عرق نیلوفر
چهارده دام آب لیمون شانزده دام عناب چهل دانه
آلو بخارا چهل دانه زرشک پنج دام مویز ده توله کشمش
دوازده توله ریواج دو توله گرده سماق دو توله گاوزبان
بادرنجبویه پنج توله ابریشم مقرض هفت توله عنبر چهار ماشه
کافور دو ماشه رب سیب ده دام رب به ده دام نبات
سی چهار دام اول ابریشم را یک شبانروز در یک سیر
آب بخیسانند و صبح جوش داده صاف نموده اجزا را
در هفت سیر آب یک شب خیسانیده صبح جوشانند
تا نصف بماند صاف نموده بآب ابریشم و شربتها و ربها
و نبات آمیخته بآتش ملایم بجوشانند تا بقوام آید بعد آن
و عنبر را حل کرده و کافور را سائیده داخل نمایند

شربتی از دو توله تا سه توله —

شربت انجیر نافع از قولنج صفت انجیر دوازده دام
در پانزده برابر آب جوش داده صاف نمایند
و سی دام قند سفید و سه دام عسل انداخته جوش دهند
تا در آن حل شود بعد از آن قرنفل سنبل خولنجان
دارچینی هریک توله زعفران نیم توله جوکوب نموده
در پارچه بسته در آن انداخته جوش دهند تا بقوام
آید مالیده صاف نمایند —

شربت نافع از سنگ اصل صفت پوست بیخ رازیانه
ده مثقال پوست بیخ کاسنی ده مثقال پوست بیخ کبر
پوست بیخ کرفس [illegible] رازیانه تخم کاسنی
اذخر کرفس عنب الثعلب گل سرخ اصل السوس
پرسیاوشان هریک پنج مثقال انیسون اسارون
بزر بیدان هریک سه مثقال ماهی زهره دو مثقال
قند یک من —

شربت دینار قریب باعتدال نافع از سده
باسلیقا و کبد و احشا و اورام آنها مدر بول و
ملین طبع صفت تخم کاسنی نیم کوفته بست مثقال
پوست بیخ کاسنی سی درم گاهی ورق گل سرخ
پانزده درم داخل میکنند ریوند چینی چار مثقال
ریوند چینی نیم کوفته در پارچه بسته با دیگر ادویه بپزند
و صاف نمایند و با شکر سفید یا شکر طبرزد دو رطل
بقوام آرند و گاهی سه مثقال ریوند را سوده وقت
قوام بیشتر میریزند —

شربت انجبار خون را بند کند و اسهال دموی را

نافع است صفتش انجبار هفت مثقال قرطاسی
پنج مثقال صندلین هر یک چهار مثقال صندل ارده
کرده و دو دیگر ادویه را کوفته بپزند و شکر طبرزد یا نبات سفید
دو رطل اضافه نموده بقوام آرند شربتش از ده درم
تا مثقال و گاهی حلتیت تخم خرفه حب الآس داخل سکنند
شربت انجبار دیگر صفته صندلین هر یک نیم مثقال
انجبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید سیر
شربت افسنتین با حشیش صفته افسنتین ده درم
در سه رطل آب بپزند تا به نیم رسد بالیده صاف نموده
پشوی و خمیر کرده عصاره آن ثلث وزن آب و
عسل ربع وزن و شراب نصف وزن آب پخته
بقوام آرند
شربت ورد مکرر مسهل صفرا و بلغم صفته ورق
گل سرخ دو من تازه در ده من آب بپزند تا رنگ
و قوه در آب یافته شود پس ورق گل افشرده باز در آن
آب ورق گل سرخ دیگر دو من پخته صاف نموده با دو
من عسل یا شکر طبرزد بقوام آرند
شربت هلیله زرد نافع از وجع مفاصل که از صفرا و
بلغم رقیق باشد و نافع از التهاب تب محرق صفته
هلیله زرد صد عدد با آب گرم شسته در آوند عریض
داخل کرده آب بالای آن بریزند بقدریکه هلیله را بپوشد
و در آفتاب سه روز بگذارند و آن آب نگاه دارند
و آب دیگر بالایش بدستور بریزند و بگذارند تا هلیله
سفید شود پس آبها را در دیگ بیندازند و ترنجبین
صد درم و شکر سفید یک رطل انداخته بقوام آرند

و اگر در هر رطلی ازین شربت یک مثقال سقمونیا بیندازند
قوی تر گردد
شربت انار منعنع مسکن قی صفراوی و غثیان
صفته آب انار شیرین شکر سفید برابر وزن یکجا کرده
بر آتش بگذارند و آب نعناع بقدریکه تلخی نماید بیندازند
و بپزند و پوست بیرون پسته قدر قلیل و برگ سیج
در طبخ بیندازند و بقوام آرند
شربت خشخاش پوست خشخاش با تخم سی عدد
نیم کوفته و تخم آن سحق نموده در گلاب یک شب
بخیسانند و با دو من آب جوش دهند تا ثلث بماند
پس صاف نموده با شکر سفید رطل بقوام آرند
شربت زوفا منضج بلغم غلیظ که در سینه باشد
صفته تخم کرفس بادیان هر یک پنج درم زوفا خشک
هفت درم انجیر بیست دانه مویز منقی سی درم حلبه
چهار درم تخم خطمی اصل السوس مقشر ایرسا هر یک
سه درم پرسیاوشان هفت درم عناب سپستان
هر یک بیست دانه فراسیون سه درم بپزند و صاف
نمایند و شکر سفید دو رطل و گلقند یک رطل
بقوام آرند و برای دفع حرارت نیلوفر بنفشه و
خشخاش در مطبوخ افزایند و عوض گلقند
ترنجبین و خمیره بنفشه داخل کنند
شربت یاقوت مخرج آب انار شیرین آب امرود
آب سیب شیرین هر یک اوقیه قند سفید یک من
گلاب بقوام آورده از آتش فرود آورده یاقوت
رمانی دو ماشه مروارید ناسفته سه ماشه کهربا لعل

هر یک سه ماشه کافور یک ماشه سائیده ورق نقره
عنبر اشهب ماشه بیندازند—

شربت بالنگو لیامراقی و دفع سوداوی آب سیب
آب به شیرین آب انار شیرین گلاب یا عرق بیدمشک
یا عرق گاوزبان یکصد مثقال قند بقوام آورند
وقت جوش یاقوت نه مثقال عنبر مثقال العود دو مثقال
اضافه نمایند—

شربت حب الآس نافع اسهال که با سرفه باشد
صفته حب الآس دو جزء بکوبند و بجوشانند و صاف
کرده دو جزء قند انداخته بقوام آرند—

شربت ابریشم جگر و دل و احشا را قوت دهد و باه را
زیاده کند و نشاط آرد صفته ابریشم پنجاه درم در آب
سه شبانروز بخیسانند و در دیگ سنگین بجوشانند
تا نیم آب بماند صاف کرده خولنجان فرنج مشک هر یک درم
زعفران یک درم اضافه کرده با یک من قند سفید
بقوام آرند—

شربت مصفی خون صفته ورق بنفشه بیست دام
آلو بخارا سه دانه عناب ده صد دانه تمر هندی صد درم
طباشیر دو درم شاهتره و فرنجمشک هر یک بیست درم
تخم کاسنی هفت درم عنبر اشهب نیم درم مشک یک درم
سوای مشک و عنبر ادویه ها را در هفت سیر آب
یک شبانروز بخیسانند بعد از آن بآتش ملایم
بجوشانند تا نصف باند و نیم سیر آب کدو و نیم
آب انار و نیم پاو شربت حماض و یک نیم سیر نبات
داخل نموده بقوام آرند و مشک و عنبر داخل کنند—

شربت آلو مسهل صفرا و بلغم رقیق و نافع از تپهای
گرم و امراض صفراوی و بلغمی صفته اجاص بزرگ
صد عدد عناب بغدادی سی عدد تمر هندی سی درم
بنفشه خشک بیست درم ترنجبین بیست درم تمر هندی را
کوفته در پارچه بسته با هم ادویه بپزند و صاف نموده
با ترنجبین و شکر سفید هر یک رطل بقوام آرند و
سقمونیا مثقال زعفران نیم مثقال اضافه نمایند—

شربت انار شیرین نافع از قی و غثیان صفته
آب انار شیرین را جوش دهند تا نصف رسد
پس دو رطل آن گرفته با شکر سفید یک رطل
بقوام آرند—

شربت گاوزبان آب گاوزبان تازه یک
من با یک من قند بقوام آرند و بیست مثقال
گلاب بیندازند—

شربت بادرنجبویه نافع از خفقان سرد
و توحش سوداوی صفته بادرنجبویه خشک
پنجاه مثقال و آب تازه نیم من با یک من
قند بپزند—

شربت بزوری معتدل معده و جگر و
مفاصل را سود دارد و بادها را دفع کند صفته
پوست بیخ کرفس بیخ کاسنی هر یک سی درم
تخم کاسنی بیخ بادیان هر یک بیست درم
رازیانه تخم کرفس هر یک ده درم تخم کشوث
پنج درم در پارچه بسته در آب بجوشانند
و بپالایند و با یک من قند بپزند—

شربت بزوری بارد صفته تخم کاسنی تخم کدو
تخم خیارین تخم خربزه بادیان هریک ده درم
بیخ کاسنی ده درم بیخ بادیان پنج درم قند سفید
دو چند بقوام آرند —
شربت صندل اسکن التهاب قلب و معده و کبد
و نافع از تپ محرق و تپ دق صفته برادهٔ صندل
سی درم در پارچه بسته در نیم رطل سرکه یکشبانروز
بخیسانند و سه رطل آب اضافه نموده بجوشانند
تا یک رطل باند پس صاف نموده نیم من آب
انار شیرین و نیم من آب تمر هندی و سه رطل
شکر سفید داخل کرده بقوام آرند چون سرد شود
طباشیر و صندل سحق نموده هریک دو درم
کافور قیصوری نیم مثقال بالایش ریزند —
شربت فواکه نافع از قی صفراوی و مقوی معده
و مشتهی صفته آب به ترش آب به شیرین آب کنار
آب انار شیرین آب سیب شیرین آب انگور ترش
آب حماض ترنج گرفته قدری سماق و زعرور
و ثیق و حب الآس و زرشک یک شبانروز بخیسانند
مالیده صافی نموده شکر سفید داخل کرده بقوام آرند
شربت گندر صفته گندر تراشیده آتش نرم کرده
یک جزو و آب خالص ده جزو در دیگ کرده بنهند
تا سه حصه شود پس از آتش برآورده مالیده از پارچه
گذرانیده در دو جزو آب مصفی شراب کهنه
صاف جزو و عسل مصفی جزو بقوام آرند —
شربت توت نافع از ذبحه و خناق و ورم حار

در دهن صفته عصارهٔ توت سرخ پنج رطل
و عسل مصفی رطل زعفران و عصارهٔ لحیة التیس
هریک دو درم شبت یک نیم درم بجوشانند
تا بقوام عسل رقیق آید —
شربت بنفشه معتدل در برودت نافع از ذات الجنب
و ذات الریه و درد پهلو و درد سر و ملین طبع و سینه
و صفته برگ بنفشه تازه یک کیلچه با چهار کیلچه آب
بجوشانند و صاف نموده با یک رطل آن آب
شکر طبرزد یک من انداخته بقوام آرند و اگر تازه
نیابند از بنفشه خشک تیار کنند —
شربت عناب بارد رطب نافع از سرفه و غلبه
خون و از ما شرا و جدری و حصبه و درد های سینه
صفته عناب پنج رطل در چهار رطل آب بجوشانند
تا یک نیم رطل بماند و شکر طبرزد یک من افزوده
بقوام آرند —
شربت نیلوفر سرد و مرطب نافع از سرفه و
سوزش و ملین طبع و سینه و نافع از صداع حار
صفته برگ نیلوفر تازه یا خشک رطل با چهار
رطل آب بجوشانند و صاف نموده شکر طبرزد
یک من افزوده بقوام آرند —
شربت قسط عرق خرم گیاه که از دو سیر
برگ گرفته باشند چهار آثار با و بالا جوز بوا هریک
هریک ده توله قاقلین تخم لیمون تخم شبت
هریک چهار توله تخم گندر دو توله بهمن سفید
چهار توله بهمن سرخ دو توله صندلین هریک دو توله

تخم شاهتره الثعلب مصری هفت توله کشنیز یاسه توله
مغز تخم خیار ... القثا هر یک یک نیم توله
مغز تخم خیار ... مغز بادام شیرین مغز تخم کدو
زعفران هر یک دو توله و نیم نبات دو سیر در آب
سیب و ... زعفران ادویه را در دو ... آثار
آب خیار ... جوش داده صاف نموده با عرق
مذکور آمیخته از نبات بقوام آرند—
شربت سیب آب سیب شیرین رطل دو ... جوش
دهند و صاف نموده سه رطل شکر سفید داخل نموده
بقوام آرند—
شیاف نافع از رمد صفت شیاف ماميثا
انزروت هر یک هفت دام زعفران دو دام کتیرا
دام افیون نیم دام با آب باران ... سفیده تخم مرغ
حل کنند و اندکی ... مژگان را ساکن کند ماده را
از چشم باز دارد و از پس یک هفته چشم ... جلب
واکلیل الملک و باله ندی ... است—
شیاف نافع از ابتدای رمد که صفت آن اقاقیا
... درم اقلیمیا ... چهار درم نحاس
سوخته مغسول ... ده دام ... کنند—
شیاف ... نافع از ...
... هر یک درم ... صفت ماميثا
... مثقال انزروت هشت مثقال زعفران
... سوخته هر یک هشت مثقال
صمغ عربی دوازده مثقال با آب باران ... ناید
با سفیده تخم مرغ استعمال نمایند—

شیاف لین نافع از بقایا رمد و غلظ اجفان
و خشونت ... والجرب والشعر ناق والعده و ...
والکمنه والسلاق والنمله والسعفه والجسا که عارض
در ملتحمه والحکه که عارض در چشم شود و سبل الرقیق
صفت شادنج مغسول شش دام نحاس سوخته
چهار دام بسد مروارید کهربا الشیح هر یک دو درم
صمغ عربی کتیرا هر یک پنج درم دم الاخوین زعفران
هر یک نصف درم کوفته با آب شیاف سازند—
شیاف ... نافع از استرخای چشم
و ظلمت بصر و ابتدای آب نزول و السبل و ناخونه
و بیاض و الدمعه صفت اقلیمیا فضه زعفران افیون
فلفل هر یک دو درم نمک هندی درم ...
مر و صبر هر یک شش دام حب البلسان درم صمغ عربی
شیاف ماميثا و انزروت هر یک چهار درم ...
دام جمع نموده با آب حل کنند—
شیاف سرخ شادنج ده دام مس سوخته هشت دام
صمغ عربی دو دام کتیرا صاف هر یک دو دام
بسد مروارید شادنج هر یک چهار دام دم الاخوین
زعفران هر یک دام ... روشنائی استخوان خرما
سوخته پنج درم ... چهار درم صندل
سه درم حب بلسان سه درم لاجورد مغسول ده درم
شیاف ابیض ... ده دام کف دریا چهار دام
زنگار یک نیم دام ... سکبینج اشق هر یک دام
بطریق ... شیاف کنند—
شیاف زعفران برای دمعه صفت زعفران دو دام

سنبل دو دام فلفل سپید نه سرخ نوشادر یکنیم باشد
بانه سه دام کافور سه سرخ بآب باران شیاف سازند
شیاف عرب صفته بسرکنده هر یک دام انزروت
وهم الاخوین گلنار کحل شب هر یک نیم دام زنگار ربع
درم شیاف کنند وعند الحاجت در ناسور بچکانند و
علیل بجانب ناسور بخسپد تا که ازان قطره بچکد
بعد ازان شیاف را در آب مخلوط کرده سه قطره بچکانند
تا چار قطره در اماق و درمیان قطره یک ساعت
وقفه کنند پس علیل همچنان سه ساعت بخسپد و اگر باشد
از فجر باز علاج را اعاده کند تا که آب از چشم بچکد
و باز از چکیدن باز ماند۔
شموم مقوی دماغ معتدل صفته عنبر دام عود هندی
دو درم صندل مقاصری سه دام علیحده علیحده
ادویه را سحق کرده مخلوط کنند و به بینی بدمند لیکن
صندل و عود را با گلاب سحق نموده پس خشک کنند
و عنبر را با شکر سحق کنند بعد ازان شکر را ازان بشویند
و با ادویه مخلوط کنند۔
شیاف ابیض دیگر صفته سفیداب رصاصی پنج
درم نشاسته کتیرا هر یک ربع درم صمغ عربی افیون
هر یک درم شیاف سازند و بشیر دختر استعمال نمایند۔
شیاف که وقت شدن درد استعمال توان کرد
فی الحال درد گوش را و درد چشم را ساکن سازد
صفته حلبه را چند بار از آب بشویند و در آب گرم
نیم دانگ بخیسانند و لعاب آن از دست یا از چوب
برآرند و در جام انداخته در آفتاب بگذارند تا خشک شود

همین قسم از کتان لعاب برآورده خشک سازند هر دو
لعاب یک یک جزو و زعفران نیم جزو سوده مانند
عدس شیاف سازند یک یک حب در چشم یا در
گوش بیندازند۔
شیاف اسود نافع از جراحت نشفت دمعه و نافع
از حرقت و درد و سبل که با حرارت باشد صفته
صمغ عربی کتیرا هر یک دام سفیداب رصاصی
چار دام اقاقیا پنج دام مرصافی سنبل افیون هر یک
چار دانگ کوفته بیخته بآب شیاف سازند۔
شیاف مسکن وجع صفته افیون زعفران
سفیداب کاشغری زاج محرق شیاف سازند۔
شیاف سرخ دیگر نافع در آخر رمد و از غلظ جفان
که بعد رمد میماند صفته شادنج ده درم زاج سجری سوخته
دو درم زعفران سنبل هر یک درم بشراب
شیاف سازند۔
شیاف کندر که بثور چشم را پخته بسازد صفته
کندر جزو انزروت نیم جزو اشق زعفران
هر یک ربع جزو بلعاب حلبه شیاف سازند۔
شیاف که گوشت در چشم بردیاند صفته کندر انزروت
مر دم الاخوین کحل اقلیمیا فضی برابر وزن شیاف
سازند۔
دیگر اسفیداج جزو انزروت نیم جزو شیاف سازند
شیاف که سفیدی غلیظ چشم را دور کند صفته
سکبینج اشق انزروت برابر وزن کف دریا بوره جزو
شیاف سازند و بعد حک موضع سفیدی باب

مطبوخ وج در چشم بیندازند۔
شیاف اسفیداج جزو انزروت نیم جزو شیاف سازند۔
شیاف گلسرخ نمک هندی هریک درم بنفشه دو دام خطمی سه دام سناکی پنج دام شکر سرخ ده درم عسل خیارشنبر ده درم۔
نسخهٔ دیگر گلسرخ شش ماشه گل کودنی گل خطمی هریک چار ماشه مویز ده دام عسل شش ماشه شکر نه ماشه نمک بادیان هریک دو ماشه خیارشنبر شش ماشه شیاف سازند۔

باب الصاد

صبغ که برص را رنگین کند و رنگش تا بیست روز بماند صفته شیطرج نیل توده شب یمانی گلسرخ کوفته بسرکه تر کنند و بطبخ توده طلا کنند۔

باب الضاد

ضماد نافع از برآمدگی ناف صفته آرد باقلا پوست انار سرشی مازو پوست تخم مرغ سوده ضماد نمایند۔
ضماد برای حکه پلک و گوشهٔ چشم صفته عدس مقشر گلسرخ تخم انار سوده به سفیدهٔ بیضه سرشته ضماد نمایند۔
ضماد برای طاعون صفته صبر سقوطری شش دام حباپوتا نه دام مرکی دام زعفران دام کافور بهیمسینی نیم درم همه را کوفته با آب حب سازند بمقدار دو ماشه صاحب مرض را یکی بخورانند و یکی ضماد نمایند۔
اگر روز اول خبر یابند شفا یابد والا نه۔
ضماد نافع از ورم طحال صفته انجیر پنج دام در سرکه پخته مالیده صاف نماید بعد از آن قطران تخم فنجنکشت اکلیل الملک بابونه هریک شش ماشه کوفته بیخته دران انداخته بسرشند و ضماد کنند۔
ضماد که بیهوشی زائل کند صفته مونگ مقشر کف عود الصلیب ماشه سوده بشیر دختر یا بشیر بز سرشته روغن گلسرخ پنج توله زردهٔ تخم مرغ عدد داخل کرده بر یافوخ ضماد نمایند۔
ضماد صفته آس سوده به سرکه سرشته ضماد نمایند۔
ضماد نافع از ذات الجنب صفته بنفشه خشک آرد باقلا آرد جو خطمی بابونه اکلیل الملک تخم الجوار سوده موم زرد به روغن بنفشه یا به روغن کنجد گداخته ادویه دران انداخته ضماد نمایند۔
ضماد نافع از نقرس حار صفته اسبغول خطمی آرد جو سفیدهٔ بیضه دو سرکه روغن گلسرخ سرشته ضماد نمایند۔
ضماد نافع از صداعی که از ضربه و سقطه و شجه عارض شود صفته گلنار عدس سماق پوست انار گلسرخ خشک آس برابر وزن جوشانیده صافی نموده آب آن بر سر ریزند و ثفل آنرا حل کرده ضماد نمایند۔
ضمادی که لسع سود دهد صفته اشق بسرکه حل کرده ضماد نمایند۔
ضماد مسکن درد رحم صفته خشخاش در شیر گاو بپزند و چون مرهم ساخته گلسرخ و زعفران سوده و موم زرد به روغن گل گداخته همه را مخلوط کرده ضماد نمایند۔

ضماد یکه خون بینی را بند کند صفته آرد جو گلنار
اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس صندل سفید افیون
هر یک سه درم کافور دانگ سوده بگلاب سرشته
بر پیشانی ضماد نمایند—

ضماد نافع از ورم بواسیر و درد آن صفته
پیاز در آتش پخته پوست آن دور کرده بروغن گاو
و زردهٔ تخم مرغ سرشته ضماد نمایند—

ضماد مانع از سقط حامله صفته عدس مقشر مازو
برگ آس پوست انار شیرین برابر بسرکه شراب
سرشته بر عانه و قطن ضماد نمایند—

ضماد نافع از صلابت طحال صفته اشق مقل کراث
برابر بسرکه شراب ضماد نمایند—

ضماد نافع از درد گوش و ورم که بسبب داخل شدن
آب ظاهر شود صفته پوست خشخاش بابونه اکلیل الملک
بنفشه خطمی تخم کتان آرد جو سوده بشیر زنان
سرشته ضماد نمایند—

ضماد نافع از برآمدن پوست از گرد ناخن صفته
حرف نمک برابر سوده ضماد نمایند—

ضماد نافع از گزیدگی سگ و سباع و دیگر حیوانات
صفته پیه موم زفت و بارزد ضماد نمایند—

ضماد جاذب سموم صفته پیاز و نمک و عسل
گرفته مخلوط کرده ضماد نمایند—

ضماد تقویت ذکر صفته پیاز نرگس سه توله پیاز عنصل
چهار توله بکارد چوبی ورق کرده در شیشه انداخته
که چهار انگشت از روی دوا برود بخیسانند و در

دور آفتاب گذارند تا شیر خشک شود پس در کهرل
انداخته قسط تلخ قسط بحری زراوند مدحرج پیه گردهٔ بز
مغز ساق گاو پیه مرغابی هر یک توله روغن چنبیلی پنج توله
لادن توله عنبر اشهب سه ماشه عطر ناگیسر سه ماشه
داخل کرده در کهرل بمالند چون نرم شود و خشک گذاشته
ضماد نمایند—

ضماد منضج و نداره مقل ازرق سه توله باب طبخ
برگ مورد حل کرده ضماد نمایند—

ضماد بیضه با آب سائیده بر استخوان شکسته بندد
چون سنگی که بران سائیده باشد خشک شود
دوا را هم واکند و اگر اندکی توقف کند استخوان
زیاده از حد خود شود—

ضماد برای ضربه و سقطه صفته میده آمله برگ حنا
خشت کهنه برابر وزن گرفته باریک سوده با
سفیدهٔ بیضه حل کرده بالای پارچه مالیده بر
موضع ضربه بگذارند هر دو وقت صبح و شام مجربست

ضماد نافع از درد شدید که بسبب سردی باشد
صفته کشنیز خشک اکلیل الملک زعفران
تخم کتان بشراب سوده براجفان ضماد نمایند—

ضماد نافع از نقرس بارد مجرب صفته تخم کنهل
کنجد حلبه سوده بعرق بادیان سرشته ضماد نمایند—
دیگر حلبه را در سرکه بپزند و عسل بالای آتش ریزند
و بسایند تا چون سرمه شود بر موضع درد ضماد نمایند
چون خشک شود روغن گل بالای آتش ریزند—

ضماد مصطگی رومی زرد چوب میده کنجد سیاه

اجزارا همه برابر گرفته کوفته بیخته و سفیده تخم مرغ
حل کرده بر موضعی که ضربه رسیده باشد بیتی بگذارند
تا درد دور شود چند انگشند—

ضماد برای درد گرده که از ضعف باشد منقول
از زکریا صفته گلسرخ اقاقیا رامک برگ مورد
صندل برابر کوفته بیخته روغن گلسرخ سرکه انگوری
داخل کرده ضماد نمایند—

ضماد صابون نیم پاو گندهک توله زردچوب توله
سیاه چار توله زرده تخم مرغ بقدر خمیر بابونه نه ماشه
شبهم دو دام شیره بکوسے دو دام افیون چار ماشه
تخم شبت نه ماشه تخم حلبه نه ماشه ریوند توله روغن
خروع دو ماشه موم و صابون را در روغن بر آتش
حل نمایند و ادویه یابسات را کوفته بیخته دران انداخته
مثل معجون لت نمایند بعد ازان زرده تخم انداخته
لت کنند و ضماد سازند—

دیگر صندل سرخ شش ماشه گندهک سه ماشه
ابکوبی سه درم سیاری شش ماشه زردچوب توله
زرده تخم مرغ سه عدد موم شش ماشه روغن کتان
یک نیم دام روغن خروع یک نیم دام مثل مرهم
ملائم سازند—

ضماد که بول الدم را بند کند صفته اقاقیا حب
حضض برابر وزن سوده با سرکه سرشته ضماد نمایند—
ضماد از ورم پستان که از بستگی شیر باشد نافع است
صفته تخم کتان سوده با عسل سرشته ضماد نمایند—
ضماد ورم گرم پستان صفته اسبغول با سکنجبین

و آب مخلوط کرده ضماد نمایند—

ضماد نافع ارحیه که از رطوبت یا ریح باشد صفته
راسن اسهل وج در سرکه چندان بپزند که مهرا شود
پس فقر الیهود دران زیاده کرده چون مرهم ساخته
ضماد نمایند—

ضماد دیگر صفته بورق سنبل سعد خردل دارچینی
خولنجان سداب برابر شیر نیز جزو زهره گاو نصف
وزن ادویه عسل نصف وزن ادویه همه را بکوبند
و بشیر نیز تر کرده خشک کرده پس بر صلایه سحق کرده
و خشک نموده با زهره گاو تر کنند و خشک کنند
با شهد مخلوط کرده ضماد نمایند—

ضماد فرفیون چار ماشه خردل شش ماشه
جند دو ماشه سعد سه ماشه جوز الطیب عود بورق
سه ماشه عاقرقرحا شش ماشه فلفل چار ماشه
وج شش ماشه اسهل چار ماشه دارچینی سه ماشه
خولنجان سه ماشه نیم وزن مجموع ادویه شیره
داخل کرده ضماد نمایند—

ضماد جهت طوالت قضیب صفته سیماب فلفل
قسط اسارون کتائی جوز دا سگندهه کنی عسل
نمک لاهوری سرشف جرجیر آرد سه دار فلفل
سحق نموده با آب عجین نمایند باز سحق کرده با عسل عجین کنند
ضماد ایرسا مویز عاقرقرحا قسط فلفل انیسون
زعفران عطر کرنله روغن کنجد خوشبو ضماد نمایند—
ضماد جالینوس ایرسا پنج مثقال مویزج
قسط شیرین هر یک دو نیم مثقال جندبیدستر صفته

فلفل گرد سه و نیم مثقال بشیر لائق خمیر یکجا کرده
ضماد نمایند۔
ضماد بابونه عنب الثعلب اکلیل الملک ریوند چینی
زرنباد هر یک توله کوفته بگلاب و عرق بادیان
و عرق بادرنجبویه سائیده روغن مصطگی دو توله
داخل کرده بر موضع ورم ضماد نمایند۔
ضماد مسهی شیره پیاز نرگس هر یک دو دام شیرهٔ
سوسن دو دام عاقرقرحا مویزج توله قسط تلخ توله
سه نه ماشه حب النیل توله قنطریون نه ماشه
آب کتائی ده دام شهد نه توله کریم دانه نه ماشه
بوزیدان شقاقل کباب چینی هر یک نه ماشه خولنجان
جوتری هر یک توله آب مرچ جنگلی شش دام مصطگی
شش دام چوده خراطین توله چوده آلو دو توله
چوده پینه دانه سه توله فرفیون توله مغز تخم کدو تلخ
نه ماشه بیخ کنیر سفید توله بیخ شیبنی نه ماشه کچله عدد
کندر شش ماشه دم الاخوین شش ماشه روغن بیون
سه توله روغن مالکنگنی دو توله روغن گاو توله ضماد
سازند بکار برند۔
ضماد اسگند ناگوری عاقرقرحا مالکنگنی بیخ کنیر
کچله اجوایین خراسانی اسپند گل اکهر بیره تخم دهتوره
پلاس پاپڑا گهونگچی سفید هر یک دام اول کچله را
در آب تا یک روز تر کنند و ریزه ریزه نموده با دیگر
ادویه جوکوب نموده در شیر بز یک آثار تا سه شبانروز
تر نموده بعد ازان اندک در گرما خشک نموده چوده
چکانند و مقدار یک سرخ ماالدو نیم سرخ با پان بخورند

واگر این دوا هم داخل چوده کنند بسیار خوب می شود
قضیب گاو جوان یک عدد دستاورد دام دار چینی
جوز بوا بسباسه پیاز نرگس لسن مغز بنیه دانه خردل
سه خولنجان مصطگی هر یک دام خراطین پنج دام
ضماد محلل اورام صفقه زرده تخم مرغ دو عدد
صندل سرخ شش ماشه شیرهٔ عنب الثعلب سه دام
گلسرخ توله روغن کتان دو دام آرد جو توله
سنبل الطیب شش ماشه۔
ضماد ممسک مشک فرفیون عاقرقرحا هر یک
دو ماشه روغن عاقرقرحا یک توله ضماد نمایند۔
ضماد عود الصلیب و عود هندی مرزنجوش بابونه
اذخر مکی زرنباد زرورد هر یک توله بگلاب سرشته
روغن مصطگی داخل کرده بر معده ضماد نمایند۔
برای فواق بلغمی و ورم فم معده فائده کلی دارد
لیکن اگر مصطگی یک ماشه سوده با گلقند بخورانند
و عقب آن نعناع خشک دانه هیل غنچه گلسرخ
هر یک چهار ماشه بگلاب ده توله جوشانیده با شربت
افسنتین دو توله بنوشانند انشاء الله تعالی
فواق زائل گردد۔
ضماد مسکن وجع صفقه افیون زعفران هر یک
چهار مثقال شیر بز مغز نان بقدر کفایت۔
ضماد طبیخ بابونه طبیخ کتان حلبه گوکهرو هر یک دام
انیسون تخم شبت هر یک نیم دام شیرهٔ سنبهالو
پنج دام درسی دو وزن ادویه آب انداخته
جوش دهد تا النصف بماند بعد ازان روغن کنجد

روغن زیتون هر یک نیم دام روغن کتان یکدام
انداز و جوش دهد چون آب بسوزد در روغن اضافت
نموده پیه بط پیه مرغ مصطگی رال هر یک شش ماشه
فرفیون ماشه موم شش ماشه انداخته ضماد نمایند —
ضماد مقل پنج دام میعه سائله دو دام سکبینج سه دام
اشق سه دام کبریت چار دام ریوند پوش دربندی
صندل سرخ هر یک دو دام چوب چینی زردچوبه
هر یک چهار دام بابونه سداب هر یک سه دام گلی
دربسته مرزنجوش بوی مادران هر یک دو نیم درم
اکلیل الملک حما سنبل خشک هر یک دو دام
حب الغار ابهل بادیان نانخواه تخم کرفس تخم شبت
بهنگ کابلی هر یک سه دام تخم پنجنگشت دو دام
زردهٔ تخم بقدر حاجت —
ضماد منضج صفت تخم کتان حلبه کنجد بیخ سوسن
میعه سائله سرگین کبوتر پشکل میش بزرالبنج هر یک جزو
با قدری موم و روغن بسرشند و ضماد نمایند —
ضماد عصارهٔ ریوند زوفا هر یک شش ماشه
موم توله پیه حلوان پیه مرغابی هر یک توله روغن کدو
روغن بادام هر یک شش ماشه کندر سه ماشه
صبر چهار ماشه سلارس شش ماشه —
ضماد افیون زعفران جوزبوا خشخاش سیاه
بسا سه هر یک توله از آب کشنیز تر بهاوته دهند و بسایند
و حب بندند وقت حاجت ضماد نمایند —
ضماد وجع مفاصل که ورم را دور کند صفت
سورنجان مصری عاقرقرحا هر یک پنج درم قوتیج

تخم تره تیزک زفت هر یک سه درم قسط دو درم
اجزا را کوفته بیخته بگلاب و آب خالص و روغن زیت
سرشته ضماد نمایند —
ضماد جهت درد شانه و بازو صفت مقل نیم پاؤ
ریوند دو نیم دام صندل سرخ چار دام با شیرهٔ عنب الثعلب
بسرشند و ضماد نمایند —
ضماد مقوی پنج کنیر سفید توله مصطگی جوتری جوزبوا
هر یک شش ماشه عاقرقرحا توله سورنجان خشک افیون
کرفس زعفران هر یک شش دام جونک سرخ خشک
ده عدد زفت توله روغن مالکنگنی دو دام پیه شیر
توله عطر کرنه چار ماشه چیزهاے پس را کاوه نمایند
بعده روغن داخل نموده زفت و جونک را سحق کنند
و عطر شامل نمایند —
ضماد بارها تجربه آمده برای سستی باه بی نظیر است
صفت لونگ دو جزو گهونگچی سفید دو جزو بالون دو جزو
زعفران یک جزو عرق ادرک دو جزو چندانکه باید
خوب در عرق مذکور سائیده وقت طلا هم در عرق
ادرک سوده ضماد بر قضیب سازد و برگ تنبول
بالای آن بسته سه روز احتیاط نمایند —
ضماد برای سرعت انزال صفت پیاز نرگس
هفت عدد بکارد چوبی ورق کرده در شیر میش
بمقدار چار انگشت بالا باشد بخیسانند تا سه روز
بعد آن بگهرل انداخته بسایند قسط تلخ سورنجان سفید
زنجبیل بهمن سفید و سرخ قسط بحرے هر یک توله
کوفته بیخته داخل کرده مومیاے بروغن نرگس گداخته

اضافه نموده بدسته بمالند تا چون مرهم شود بعده ضماد بر عضو سودای حشفه نمایند —

ضماد برای ورم بلغمی صفته بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب آرد باقلا آرد ترمس گل بنفشه پرسیاوشان گل خطمی بآب عنب الثعلب هر یک دو توله بجوشانند تا مهرا شود پس روغن گل سرخ و روغن بابونه هر یک پنج توله داخل کرده ضماد نمایند —

ضماد برای ورم صلب صفته بابونه اکلیل الملک مغز تخم خطمی مغز حب الخروع پرسیاوشان تخم خرفه تخم کتان برگ حنظل حلبه هر یک توله سوده باشیر گاو پخته زهره گاو سه ماشه زرده تخم مرغ عدد روغن گل ده توله ضماد نمایند —

ضماد نافع از درد گوش که از گرمی باشد صفته صندلین شیاف مامیثا حضض گل تینگ کشنیز خشک بزر البنج بآب برگ کاهو و آب پوست خشخاش بعمل آرند —

ضماد نافع از شقیقه صفته افیون پوست تفاح شبت بزر البنج هر یک دو جزو کافور نیم جزو —

دیگر مغز حب الغار برگ سداب هر یک جزو خردل نیم جزو —

دیگر خردل بشراب سوده ضماد نمایند —

دیگر پوست بیخ کنیر عنصل سوده بشراب ریحانی سرشته ضماد نمایند —

ضماد نافع از ورم بواسیر صفته اکلیل الملک خطمی تخم کتان هر یک توله افیون زعفران هر یک چار سرخ زرده بیضه مرغ عدد پیه مرغ شش ماشه مقل هفت ماشه

میعه سائله شش ماشه مغز ساق گاو شش ماشه کوهان شتر سه ماشه همه را نیکو مخلوط کرده ضماد نمایند —

ضماد ضربه صابون چار دام زرد چوب دو دام گوگرد زرد دو دام سفیده تخم مرغ پنج عدد —

ضماد نافع طحال صفته اشق اسپند ابالون تخم شبت بابونه هر یک چار توله در سرکه خمیر نمایند —

ضماد برای ورم خصیه صفته تخم خیارین برگ حماض درهم کوفته بیخته بر ورم ضماد نمایند —

ضماد برای محکم شدن یافوخ صفته اقاقیا برگ مورد عفص عود الصلیب مونگ مقشر اسطوخودوس عصاره لحیة التیس کوفته بسفیده تخم مرغ سرشته بر پارچه تو آب ندیده بر یافوخ بچسپانند —

ضماد جند بیدستر توله اسطوخودوس توله عود الصلیب شش ماشه برگ مورد آرد ماش هر یک توله بگلاب سرشته و روغن گل سرخ پنج توله زرده تخم مرغ داخل کرده یک عدد بر سر ضماد نمایند و اگر ضربه سقطه باشد سپیده کاشغری توله داخل کنند و مر مکی شش ماشه جند بیدستر عود هندی عود الصلیب صندل سفید بگلاب سوده روغن گل سرخ داخل کرده در شیشه پیش بینی گذارند و متصل حرکت دهند —

ضماد نافع از وجع مفاصل صفته عنب الثعلب توله حلبه توله بزر کتان توله شبت توله آرد گندم توله مرزنجوش توله بنفشه بغدادی توله سورنجان چار ماشه بوزیدان چار ماشه اکلیل الملک توله گل بابونه توله در سرکه حل کرده ضماد نمایند —

ضماد جهت خراز که بفارسی کچی نامند صفته سر تراشیده بروغن کنجد چرب کنند وکشک سوخته و ابریشم سوخته را برابر بپاشند۔

ضماد برای ورم صلب صفته انزروت سفیده تخم مرغ کتیرا اسوده مغز خسته تمر هندی هریک توله کوفته در شیر گاو پخته بیضه مرغ عدد در روغن گلسرخ پنج توله داخل کرده بر ورم ضماد نمایند۔

ضماد برای گرمی گرده که در ذیابیطس می باشد صفته اقاقیا صندل سفید هریک شش ماشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو هندوانه تخم خشخاش هریک دو توله لعوق هر یک شش ماشه آب برگ بارتنگ پنج توله روغن بنفشه روغن مغز تخم کدو مسکه گاو هریک دو توله همه را یکجا کرده بر موضع هر دو گرده ضماد نمایند

ضماد برای ریختن مژگان و منع سقوط موی صفته استخوان سوخته سنبل الطیب سرگین موش صدف سوخته فلفل هریک جزو سرمه سه جزو قلعی سوخته مغسول شش جزو زعفران نیم جزو۔

ضماد دیگر برای خراز صفته زردچوبه برگ حنا هلیله زرد عفص مرداسنگ آمله مقشر سرکه هریک جزو روغن گلسرخ چار جزو۔

ضماد رافع اقسام صداع نسخه برگ گردگان و برگ حنا در شقیقه وصداع را بانداز د۔

ضماد شورایل برگ عناب که بعد از قلع بر چشم طلا کنند منع رویدن کند صفته زعفران کندر هریک مثقال کافور نیم دانگ سائیده استعمال نمایند۔

ضماد برای وجع مفاصل صفته سورنجان بوزیدان قسط تلخ مغاث بغدادی زراوند مدحرج عنب الثعلب ریوند چینی زعفران کوفته روغن قسط داخل کرده ضماد نمایند

ضماد فرفیون زیت کهنه نیم سیر موم زرد لست دام فرفیون تازه ده دام روغن گرم کنند و موم درو بگدازند و فرفیون سوده در وی افگنند و در هاون بمالند تا هموار شود۔

ضماد دیگر عاقرقرحا مرزنجوش میویزج هریک اوقیه نطرون خردل هریک دو اوقیه فلفل دام فرفیون جندبیدستر چار اوقیه همه را نرم بکوبند و بروغن حب الغار ضماد نمایند۔

ضماد انجره پنج درم در سرکه پخته بالیده صاف نمایند سداب قطران تخم بابونه شاهترج اکلیل الملک بابونه هریک شش ماشه کوفته پخته در آن بسرشند و ضماد کنند

ضماد اشق اسپند هالون تخم شبت بابونه هریک چار توله بسرکه خمیر نمایند۔

ضماد نافع از خنازیر صفته مقل ازرق اشق راتینج سکبینج جاوشیر هریک توله بسرکه چار توله شب خیسانیده صبح در کهرل انداخته جدوار خطائی دو ماشه سوده آب کشنیز تر چار توله حضض یک توله داخل کرده بمالند تا چون مرهم شود بر موضع مذکور بچسپانند و نگاه دارند تا خود بخود بیفتد۔

ضماد نافع از داءهای سرخ که بر بدن ظاهر میشوند صفته سفیداب کاشغری شسته مغز تخم کدو بریان تخم هندوانه بریان دم الاخوین گلنار فارسی

برگ حنا هر یک تولہ کوفتہ بیختہ بگاہ دارند و روغن گل زرد
و سرکہ هر یک پنج تولہ جوش دہند تا سرکہ رفتہ روغن
بماند پس آن ادویہ مدقوقہ را ہمراہ این روغن
در کهرل اندازند تا چون مرہم شود بردارند اما ضماد نمایند۔

ضماد نافع از قوابنطیس اطفال صفتہ زردہ تخم مرغ
با آب عنب الثعلب و آب خرفہ تازہ آب لعاب
شیر دختران روغن بنفشہ و بادام برادری ہشتہ آب
گذاشتہ استعمال کنند۔

ضماد نافع از فتق صفتہ جوز السرو اقاقیا مقل ازرق
برگ مورد برگ سنبهالو عنب الثعلب آرد باقلا ردت میں
اکلیل الملک هر یک تولہ کوفتہ بیختہ با آب برگ بار تنگ
و آب عنب الثعلب سودہ ضماد نمایند۔

دیگر نافع از فتق صفتہ اتنج سکبینج حلتیت طلیب
جاوشیر مقل ازرق اشق هر یک تولہ در آب مطبوخ
برگ مورد تولہ حل کردہ جوز السرو پوست بیخ کبر
هر یک تولہ ریوند چینی سہ ماشہ سودہ داخل کردہ
در کهرل انداختہ بمالند تا چون مرہم شود پس بر کرباس
آب ندیدہ گذاشتہ بر موضع بچسپانند و بر ندارند
تا خود بریزد۔

ضماد منضج و مفرح صفتہ دنداردبا بونہ عنب الثعلب
پرسیاوشان اکلیل الملک گل خطمی برگ عباسی
برگ چقندر تخم مرو هر یک دو تولہ کوفتہ بشیر گاو بپختہ
زردہ تخم مرغ و زہرہ گاو هر یک عدد روغن گل سرخ
پنج تولہ داخل کردہ ضماد نمایند۔

باب الطلاء

طلاء کہ برص و بہق سفید و سیاہ را ببرد صفتہ
کندش قوہ شیطرج تخم ترب مازریون حنظل بہق سفید
مویزج سقمونیا نخاع هر یک جزو شقایق دو جزو
بسرکہ طلا نمایند۔

طلاء دیگر کہ برص را رنگین کند و بہیئت اصلی نماید
صفتہ شیطرج نیل قوہ شب یمانی بنفشہ ہمہ را بکوبند
و بسرکہ تر کنند و بطبخ قوہ طلا کنند۔

طلا نافع از ثؤلول صفتہ نوشادر کندر هر یک
تولہ حب البان شورہ کف دریا ورق سداب
هر یک نیم تولہ با شراب فاروقی خوب بسایند تا قدری
غلیظ شود بقدر ماش حب بندند و نگاہ دارند وقت
حاجت بسرکہ انگوری سائیدہ بر ثؤلول طلا نمایند۔

طلا نافع از سرطان مجرب ست صفتہ عدس
پوست انار کیر و قند کہنہ ہر چہار ادویہ را با آب سحق
نمودہ بر گرد سرطان مثل حلقہ طلا نمایند اگر
قابل نضج باشد نضج دہد والا تحلیل کند۔

طلا مقوی اعصاب صفتہ ذکر مستی عوک خشکی
با شراب دو آتشہ سحق نمودہ طلا نمایند۔

دیگر مومیای کافور هر یک جزو صبر سقطری
یک نیم جزو سودہ بروغن نرگس یا روغن کنجد
مخلوط کردہ طلا نمایند۔

طلا چون بر عانہ و کمر طلا نمایند خون استحاضہ
بند کند صفتہ صندل سفید اقاقیا بیخ انجبار
عود ہندی عود الصلیب عصارۃ لحیۃ التیس جفت بلوطی
مازو سنبل جفت بلوط هر یک سہ ماشہ سودہ بگلاب

و عرق صندل و آب ریحان سرشته طلا نمایند۔

طلا برای ترقیدن لبها نفع تمام دارد صفت مغز تخم کدو بریان مغز تخم بهدانه بریان هر یک تولہ سفیدآب کاشغری شش ماشه دم الاخوین اقاقیا گلنار فارسی طباشیر کتیرا نشاسته مغسول هر یک شش ماشه کوفته در کهرل بمالند با شیره دو سه نیکو مخلوط کرده بر لبها طلا نمایند۔

طلا اقاقیا عود الصلیب بسباسه زراوند طویل عود هندی عصارة لحیة التیس حب الآس صندل سفید شیاف ماميثا صندل هر یک تولہ کوفته بگلاب و روغن مصطگی و روغن گل هر یک دو تولہ سرشته بر معده طلا نمایند و دارچینی و کندر و کرویا هر یک ماشه سوده بجوارش کمونی پنج ماشه سرشته تناول نمایند بعد آن در عرق بادیان و گلاب هر یک پنج تولہ و گلقند آفتابی دو تولہ حل کرده صافی بنوشند و اگر روغن مصطگی بهم نرسد در این دو یه طلا مصطگی داخل کنند انشاء الله تعالی ورم معده دور شود۔

طلا که چون آنرا بر قضیب طلا نمایند و بزن مجامعت کنند آن زن ازان مرد بے صبر شود صفت سکنجبین بنج مقل الیهود شب سوخته رازیانه سوخته سنا النگ خنزیر سوخته هر یک مثقال نیکو کوفته بآب رازیانه خمیر کرده بر قضیب طلا نمایند همچنین ست طلا بعسل زنجبیل۔

طلا سفیداب رصاصی ماميران اشنان تمر هندی سوخته زهره دب خشک ورق حمام اشنان اخضر محرق همه اینها یا یکی ازینها بوزن دانگ سوده بر قضیب طلا نمایند و مجامعت کنند فی الحال زن خلاص و منزل شود۔

طلا که قضیب را سخت کند صفت خولنجان جوز میده لکڑی هر یک مقدار برابر گرفته سوده بروغن سرشته طلا نمایند۔

طلا نافع از بهق صفت شیطرج هندی سه ماشه تخم پوار تولہ پاپچی دو تولہ ترمس شامی یک ماشه گل شقائق بیخ بے گیر و هر یک سه ماشه کوفته بیخته بسرکه و سفیده تخم مرغ سرشته طلا نمایند۔

طلا چون بالاے ناف بگذارند برآمدگی ناف را نفع کند صفت صبر درم شیاف ماميثا اقاقیا مرسبد هر یک دو درم زعفران نیم درم سوده بآب مطبوخ برگ مورد سرشته طلا نمایند۔

طلا جهت اورام دموی و صفراوی صفت صندل سرخ گل ارمنی شیاف ماميثا حضض مکی پوست درخت هندی طین قیمولیا طین شاموش سوده بآب کاسنی تازه و آب کشنیز تازه آب عنب الثعلب آب برگ حنا آب برگ کاهو آب کوکنار سوده طلا نمایند و اگر ورم در پستان باشد آرد باقلا آرد نشوق و اگر ورم در خصیتین باشد آرد باقلا آرد نشوق بیضه سنگ پشت حجر الیهود داخل کنند و اگر ورم در مفاصل باشد سورنجان داخل کنند

طلا آرد انگب زنجبیل برابر با قدرے صبر همه را بآب بجوشانند تا بقوام آید بر معده طلا نمایند نفع کند۔

طلا مانع روئیدن مو صفت اقلیمیا رصاص سفیداج هر یک جزوی شب یمانی نیم جزو همه بآب نیک بسایند بر موی کنده طلا نمایند۔

طلا دیگر همین منفعت دارد صفت زرنیخ سوده بآب نیل طلا نمایند۔

دیگر شیرهٔ انجیر تخم مورچه کف دریا ترشی ترنج هر یک جزوی همه را با ریک سائیده بشراب حماض بپزند تا غلیظ شود پس موے کنده طلا نمایند و اگر بیش از نبات مو طلا نمایند انفع است۔

باب العین

عرق صندل صفت صندل براده کرده چار توله ابریشم خام مقرض دو توله گل گاوزبان هفت توله عود پنج توله فرنجمشک قرفه تخم بادرنجبویه پوست اترج بهمن سفید هر یک سه توله اجزا را کوفته در چهار شیشه گلاب و یک شیشه بیدمشک و یک شیشه عرق گاوزبان یک شب بخیسانند عرق بکشند در ظرفے که عرق می آید نیم توله عنبر ربع توله مشک پوٹلی بسته ببندند و شربت یک فنجان تا دو فنجان

عرق چوب چینی صفت چوب چینی اعلی عمده سه صد مثقال گل گاوزبان بادرنجبویه صندل سفید از هر یک پنجاه مثقال گلسرخ صندل سرخ پوست اترج شقاقل مصری از هر یک بست مثقال دارچینی سنبل الطیب از هر یک سی مثقال سعد کوفی سورنجان سافنج هندی خصیة الثعلب خولنجان عود قمارے از هر یک ده مثقال بهمن سرخ و سفید از هر یک پنج مثقال نعناع تازه ریحان تازه از هر یک دسته مویز منقے طائفی دانه بیرون کرده سه صد مثقال عنبر اشهب ۳ مثقال چوب چینی و صندلین را براده کرده سائر ادویه را نیم کوفته دو شبانه روز در عرق بیدمشک و عرق گاوزبان و آب ثلث بخیسانند و در آخر روز دوم مویز را اضافه کرده صبحش همه را در دیگ تازه قلعی کرده بمود و عنبر را در پارچه کتانی بسته در دهان نیچه بسته عرق کشند صبح و شام بعد از انحدار طعام از معده دو فنجان با شیر گاو بنوشند۔

عرق زردک مخرج صفت زردک پوست جدا کرده استخوان برآورده ده آثار بهمن سرخ و سفید صندل سفید گاوزبان خولنجان شقاقل مصری قاقله صغار و کبار هر یک پنج توله نعناع تازه دو توله با عرق صندلین و عرق بیدمشک و عنبر در پارچه بسته در دهان نیچه گذاشته دو شیشه عرق کشند از پنج توله تا ده توله استعمال نمایند۔

عرق گاوزبان گاوزبان یک آثار شب در آب بطوریکه چهار انگشت آب بالا ماند بخیسانند و صبح دو شیشه متوسط بکشند و همین قسم عرق بادرنجبویه و عرق صعتر و عرق عنب الثعلب و عرق بادیان و نانخواه و نیلوفر و نعناع و فودنج بکشند و بعضے در کشیدن بعضے عرقها اختلافے نوشته اند۔

عرق دارچینی مخرج صفت دارچینی قسم اول هفت توله بهمنین تودریین زرنب زرنباد لسان العصافیر برگ فرنجمشک خولنجان هر یک سه توله گل گاوزبان

سافج هندی قاقلین اشنه قرفه الطیب جوزبوا
بسباسه سنبل الطیب سنبل هندی هریک دو توله گاوزبان
درونج عقربی قرنفل عود هندی پوست ترنج نانخواه
بوزیدان هریک توله با گلاب و عرق صندل و عرق
عنب الثعلب و عرق بادرنجبویه بدستور مقرر عرق کشند
و اگر پوست درخت مغیلان تخم انار و قند سیاه یکمن
و مویز منقی پانزده اثار بدستور مقرر در خم انداخته
بگذارند چون خم تیار شود وقت عرق کشیدن ادویه
مذکوره بان بار کرده عرق کشند تغیری فاحش پیدا کند
عطوس نافع از فالج و سکته و لقوه و منقی دماغ
و نافع از دردهای بارد در سر و برای جنین و تنگی
بول صفته کندش حبه سیاه فرفیون فلفل جند بیدستر
زراوند جب بلسان مشک عاقرقرحا بورق برابر
وزن سحق نموده در بینی بدمند —

باب الغین

غمزة الوجه قرنفل توله دارچینی نیم توله جو گندم قوه
هریک دو توله ثعلب مصری خولنجان هریک توله
جوز الطیب نیم توله زعفران سه ماشه زیره فانیذ ه سیاه
هریک توله مویز سرخ پاو سیر گل گڑهل نیم پاو شهد پاو سیر
قند پاو سیر گلاب بقدر حاجت —

غمزه دیگر مخترع صفته آرد جو آرد نخود و آرد باقلا
آرد عدس مقشر سفید تخم مرغ سرشته شب بر روی
مالند صباح آن گل خطمی سفید گل بنفشه عنب الثعلب
سبوس گندم شب که در عرق شاهتره و عرق عنب الثعلب
تر کرده باشند روی بشویند —

غمزه باقلای مقشر کرسنه ترمس تخم تربچه مغز بادام
نخود نشاسته پوست خربزه گل خطمی سبوس گندم
کوفته بیخته بگذارند و روی را از آن بشویند —
غمزه مخترع صفته گل ترنج برگ ترنج تازه گرفته
آرد جو را در میان آنها بنحویکه برگ زیر آرد باشد
و گلها بالای آن تا هفت روز برگ و گل تازه
میگذاشته باشند پس غمزه سازند —
دیگر پوست نارنگی در سایه خشک کرده جزو آرد جو
سه جزو —
غرغره مرزنجوش صعتر عاقرقرحا خردل پوست بیخ کبر
هریک برابر باسی و دو برابر آب جوش داده صاف
نموده بکار دارند —
دیگر ایارج فیقرا با ماء العسل —
دیگر قرنفل فلفلین جوزبوا جوکوب نموده غرغره سازند
غرغره نافع از فالج و لقوه و صرع و منقی سر از فضول
غلیظه مرغیه صفته ایارج فیقرا خردل مویزج عاقرقرحا
زنجبیل فودنج صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر
هریک دو درم با شهد جمع کند و غرغره نمایند —
غرغره نافع از فالج و سکته و ثقل زبان صفته
مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل بوره ارمنی
ابرسا مرزنجوش هریک برابر کوفته بیخته سکنجبین یکدرم
اضافه نموده عرق بادیان مخلوط کرده غرغره نمایند
غرغره نافع از قلاع و جوشش دهن صفته
شیره تخم خیارین هریک درم شیره بادام شیرین
هفت عدد شیره خرفه دام لعاب بهدانه هفت دا

آب شکر قدری شیرهٔ عنب الثعلب قدری —

غرغره شیرهٔ کشنیز تر شیرهٔ خیارین هر یک شش ماشه شیرهٔ عنب الثعلب آب صندل سرخ هر یک سه ماشه —

غرغره نافع اختناق چون نضج یابد و مده خارج شود صفته گلنار کشنیز خشک جوشانیده صافی نموده مغز تخم خیارشنبر دران حل کرده صاف نموده نیم گرم غرغره نمایند

غرغره فلوس خیارشنبر در شیر جوش داده صاف کرده غرغره نمایند —

غرغره پوست خشخاش گلنار فارسی عدس مقشر یا مسلم سماق هندی کزمازج عذبه کشنیز خشک عنب الثعلب حضض مکی برگ حنا هر یک توله بزر البنج سه ماشه جوشانیده صافی نموده غرغره نمایند —

غرغره آب توت یا شربت توت و شیرهٔ کشنیز خشک حل کرده غرغره نمایند و گاهی غرغره بآب گرم تنها فائده دارد —

غرغره نافع از قرحه حلق صفته حضض مکی دم الاخوین کتیرا انزروت سفید صمغ عربی جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند —

غالیه گرم عنبر دو درم مشک درم بروغن بان مخلوط کرده غالیه سازند —

غالیه دیگر که موی سیاه کند صفته آمله نیم کوفته یک رطل آب برگ مورد تازه نیم رطل طبخ بآب خالص همه را بآتش ملائم بپزند تا که نصف آب بماند پس فرود آورده برگ نیل [illegible] هر یک شانزده درم مازو سبز [illegible] درم زاج ده درم صمغ عربی هشت درم کوفته بیخته بدو آمیخته بآتش ملائم بجوشانند تا غلیظ شود و بچوبی به هم زنند و فرود آورده قدری سک و مشک سوده داخل کرده در ظرف آبگینه بگذارند و وقت حاجت مثقال بر موی بمالند —

باب الفا

فتیله نافع از قروح گوش صفته فتیله از کتان جعل مثل ساخته بعسل و زرده تخم مرغ آلوده کرده دم الاخوین انزروت سفید سوده بران پاشیده در گوش بگذارند و بمعمول جانب بخوابند —

فتیله جهت حرقة بول و قطع چرک و جهت نواسیر صفته صبر زرد قاقیا شسته گلنار موی سوخته کندر سوخته کندر افیون هر یک جزو طوطیای مغسول سفیداب کاشغری شسته گل ارمنی هر یک دو جزو باریک سائیده از حریر گذرانیده بآب کشنیز سرشته فتیله های باریک سازند در سوراخ قضیب بدارند —

فرزجه که در قطع خون حیض نظیر ندارد صفته شب یمانی بزر البنج افیون فرزجه سازند —

فرزجه مجرب جناب حضرت مخدومی ظله السامی جهت ادرار حیض و اسقاط حمل صفته زعفران شش ماشه جاوشیر شش ماشه مر صاف افیون ایلوه هر یک سه ماشه نها مجرب —

فرزجه جهت گشودن خون حیض و اخراج جنین مرده بغایت مفید صفته عصارهٔ قثاء الحمار هفت قیراط زهرهٔ گاو یا کبوتر [illegible] فرزجه سازند

فرزجه جهت اخراج جنین زنده و مرده و مشیمه و عسر
ولادت و علت رجاء و قاتل جنین صفته جاوشیر
خربق سیاه مر برابر وزن با زهرهٔ گاو بسرشند —

فرزجه جهت کشودن حیض مجرب ست صفته سداب
سه جزو مر صافی ابهل رازیانه تخم مرو هر یک جزو
با زهرهٔ گاو بسرشند —

دیگر که همین خاصیت دارد صفته مر صافی پودینهٔ کوهی
... چهار جزو مویز منقی سداب خشک ابهل هر یک
دو جزو زهرهٔ گاو بسرشند این مستعمل حکیم ارشد بود —

فرزجه جهت حمل مجرب ست صفته باید که بعد از حیض
سه شبانه روز متصل از زهرهٔ خرگوش و سرگین آن و
عسل هر یک مثقال فرزجه سازند —

فرزجه جهت ادرار حیض مجرب ست صفته فرفیون
را نرم سائیده به پنبه آلوده کرده استعمال نمایند —

فرزجه جهت حمل صفته زهرهٔ مرغابی یک درم
عنبر اشهب یک نیم دانگ زعفران نیم دانگ کوفته بیخته
در روغن ... شیافه ... شب بدارند بعد از آن
مجامعت کنند نافع باد بفضل الله تعالی —

فرزجه جهت سقوط طفل مرده و زنده صفت
خربق سیاه مویزج زراوند مدحرج تخم سیسم کلم حب البان
تخم حنظل اشق اول اشق در آب گرم حل کرده ادویه
کوفته بیخته و زهرهٔ گاو یک نیم دانگ و در اشق محلول
افزوده حل کنند و فرزجه سازند —

فرزجه نوشادر ده درم اشق محلول در آب گرم
سه دام فرزجه سازند —

فلونیا رومی صفته فلفل بست جزو افیون ده جزو
زعفران پنج جزو عاقرقرحا جزو بزرالبنج بست جزو
شهد دو نیم وزن ادویه —

فلونیا فارسی صفته فلفل سفید بزرالبنج هر یک پنج درم
افیون دو نیم درم زعفران یک درم پاو بالا سنبل الطیب
نیم درم مرکی عاقرقرحا فرفیون هر یک نیم درم جندبیدستر
زرنباد درونج عقربی هر یک سه سرخ مروارید ناسفته
مشک خالص هر یک چهار و نیم سرخ کافور یک نیم سرخ
عسل مصفی سه وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند

فلونیا بابت حکیم سلیمان یاقوت رمانی لعل بدخشی
هر یک پنج درم مروارید ناسفته هفت درم حجر یشب
حجر لاجورد مغسول کهربا بسد صلایه کرده عقیق یمنی
عنبر اشهب مشک خالص زعفران سنبل رومی
سنبل هندی اشنه ثعلب شامی کباب چینی وج ترکی
زرنباد سادج هندی زراوند مدحرج زرنب شامی
جطیانا عود بلسان اسارون درونج عقربی
بادرنجبویه تخم بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان
گلسرخ بسباسه قرنفل سلیخه نانخواه تخم کرفس تخم فرنجمشک
اسطوخودوس افتیمون مصری طباشیر سفید
گل نیلوفر تخم شاهتره تخم بادروج هر یک سه ماشه
ورق طلا چهار ماشه ورق نقره جدوار خطائی
الفحه الجبل زنجبیل سورنجان مصری ریوند چینی
غاریقون مقل ازرق جندبیدستر مغز حب السمنه
مغز حب الزلم مغز تخم کدو مغز بندق مغز کشنیز
مغز تخم خیارین مغز گردگان مغز نارجیل تخم کاسنی

تخم خشخاش هر یک پنج ماشه فلفل دارچینی قاقله بهمنین سفید بهمن سرخ سفید هر یک ده ماشه تودریین هشت ماشه مغز بادام مغز چلغوزه هر یک هشت ماشه مصطگی هفت ماشه افیون ماشه لیکن گاذرونی باشد بهترست گلاب یک من روغن بنفشه ماشه عسل سفید بقدر حاجت نبات سفید نیم من بدستور مقرر معجون سازند

باب القاف

قرص ترنجبین مصفی هفت دام طباشیر سفید چار دام ورق گلسرخ هفت دام مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه کتیرا ازاردین صمغ عربی رب السوس عود خام قاقله هر یک سه دام زعفران دو دام شکر طبرزد هفت دام کافور یک نیم دام بلعاب اسبغول قرص سازند شربتی از یک درم تا مثقال با سه توله شربت بنفشه

قرص مسکن عطش و نافع از هذیان و سرسام و تپهای صعبه و صداع صفته تخم خیار تخم کدو هر دو مقشر تخم خشخاش سفید هر یک ده دام رب السوس نشاسته کتیرا افیون هر یک سه و ثلث دام بلعاب اسبغول بست قرص ببندند شربتی از یک قرص تا دو قرص و اگر هذیان شدید باشد بآب کبره یا بآب خشک قرص ببندند دگرنه بآب خیار یا بآب کدو

قرص برای طحال و لواسیر ریحی و درد و نفخ معده مجربست صفته حرف را در سرکه تند یک شب بخیسانند و در نان جوین گذاشته در آتش تنور که ملائم باشد بپزد و برآورده بکوبد و از پارچه گذرانیده دو توله گرفته و تخم بیخ کشت یک توله تمر الطرفا یک توله پوست بیخ کبر توله اسقولوقندریون توله نیپره و مخلل هشت ماشه تخم گندنا هشت ماشه قرص بندند شربتی دو ماشه با یک توله سکنجبین ساده

قرص زرشک برای امراض کبد و یرقان وغیره صفته آب زرشک پنج درم عصاره غافث طباشیر لک مغسول هر یک شش درم ریوند گاوزبان هر یک دو و نیم درم تخم کاسنی کشوث هر یک سه درم تخم خرفه زعفران هر یک یک نیم درم بآب کاسنی اقراص سازند

قرص کواکب مصلح معده ضعیف که فضول را قبول نکند و مزیل آروغ ترش و چون بر جبهه طلا کنند صداع را زائل کند و نافع از نوازل و از درد دندان و درد گوش و نفث الدم و سیلان آن از هر عضو که باشد و از سرفه کهنه و از حمیات دائره بآب مرزنجوش و از سموم ملزوعه و مشروبه بآب سداب صفته مر جند بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ هر یک چار درم افیون زعفران قسط ابرق سفید هر یک پنج درم خشخاش سفید شش درم دو قوانیسون سیسالیوس بزر البنج سیعه سائله تخم کرفس هر یک هشت درم صمغ را در شراب ریحانی شب تر کنند و ادویه کوفته بیخته بدان سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص الورد و تپهای بلغمی کهنه را زائل کند و معده را نفع بخشد و رطوبات معده را جلا کند صفته ورق گلسرخ بست درم سنبل الطیب اصل السوس هر یک ده درم ادویه کوفته بیخته بمثلث اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص دیگر نافع از درد معده و پهلو و از حمیات و التهاب و رطوبت آن و انقلاب معده و تقویت معده مسک صفت ورق گل سرخ تازه شش مثقال اصل السوس چهار مثقال سنبل هندی دو مثقال کوفته بیخته اقراص سازند۔

قرص ورد دیگر که در بیمارستان است نافع از سده کبد و طحال و از تپهای بلغمی و سوداوی صفت ورق گلسرخ ده درم رب السوس پنج درم سنبل سائیده تقاح اذخر زعفران مصطگی هر یک دو درم ادویه کوفته بیخته بشمع مروز عفران و سرکه سرشته اقراص سازند

قرص ورد نافع حمی غبی صفت ورق گلسرخ پنج درم سنبل زعفران مصطگی انیسون لک عیدان هر یک ده درم عصاره افسنتین هر یک دو درم فقاح اذخر پوست هلیله زرد هر یک درم۔

قرص کافور مطفی لهیب و مسکن التهاب و تپهای تشنگی و کرب نافع است برای سل و دق و قی الدم صفت طباشیر سفید چهار درم ورق گلسرخ هفت درم تخم خرفه تخم کدو کثیرا صمغ عربی تخم خیارین نشاسته رب السوس عود خام قاقله کبار هر یک سه درم زعفران دو درم شکر طبرزد ترنجبین هر یک هفت درم کافور یک نیم درم کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند۔

دیگر نافع است از قذف و از تشنگی و از حمیات حاده و از لهب معده و جگر صفت طباشیر چهار درم ورق گلسرخ سه درم شکر طبرزد ترنجبین مغز تخم خیار هر یک دو درم زعفران کافور هر یک درم بلعاب اسبغول اقراص سازند

دیگر از حمیات حاده نافع و مفتح سده جگر صفت بنفشه نیلوفر هر یک سه درم تخم بادرنگ تخم خیار طباشیر زعفران هر یک دو درم ورق گلسرخ پنج درم ریوند چینی و لک هر یک درم کثیرا صمغ عربی رب السوس هر یک دو درم کافور نیم مثقال و در بعضی نسخه کافور مثقال ترنجبین شکر هر یک ده درم بدستور اقراص سازند۔

دیگر تالیف فقیر صفت مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر هر یک دو درم کثیرا صمغ عربی رب السوس گل داغستانی زهر مهره هر یک درم ورق گل سرخ چهار درم طباشیر سفید کافور قیصوری زعفران هر یک نیم مثقال۔

دیگر تالیف شیخ رئیس صفت تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه هر یک دو درم مغز تخم کدو مغز بادرنگ هر یک دو درم و ثلث صندل سفید سه درم سرطان سوخته زعفران رب السوس کافور هر یک درم ورق گلسرخ چهار درم۔

قرص طباشیر نافع است از تپهای صفراوی و از تپ خصوص که بالیت طبع باشد صفت ورق گل سرخ هشت درم صمغ عربی تخم حماض مقشر نشاسته بریان هر یک چهار درم طباشیر سه درم زعفران دو درم کوفته بیخته بآب انار ترش اقراص سازند بشربت ریباس و شربت لیمون استعمال نمایند و اگر مقصود قبض کثیر باشد گل ارمنی عصاره زرشک هر یک دو درم شاه بلوط بریان

سه درم افزوده کنند۔

قرص زرشک تالیف شیخ رئیس صفت

رب زرشک پنج درم عصارهٔ غافث طباشیر هریک دو درم لک مغسول زعفران گل سنبل عصارهٔ افسنتین ریوند چینی گاوزبان هریک دو نیم درم تخم کاسنی تخم کشوث هریک سه درم تخم خرفه یک نیم درم سوده بآب کاسنی اقراص سازند۔

قرص افسنتین نافع از حمیات مزمن و مفتح سدهٔ کبد و مشهی صفته افسنتین رومی انیسون اسارون تخم کرفس مغز بادام تلخ برابر بآب سرد اقراص سازند۔

دیگر که نافع ست معده و جگر و طحال و تپ غبی را صفته اسارون افسنتین رومی تخم کرفس مغز بادام تلخ مصطگی سنبل هریک مثقال انیسون دو مثقال صبر سادج یک نیم مثقال عصارهٔ غافث مثقال سوده بدستور اقراص سازند۔

قرص غافث نافع ست از تپهای گرم و کهنه و از تشنگی و از سده و اورام طحال و جگر و از یرقان صفته عصارهٔ غافث شش استار ورق گلسرخ سنبل الطیب اثنا

قرص کبیر صفته پوست کبر چهار استار اشق چهار استار زراوند طویل دو استار تخم فنجنکشت فلفل هریک چهار استار اشق در سرکه خیسانیده حل کرده ادویه منخوله بدان سرشته اقراص سازند۔

قرص کاکنج نافع از درد کلیه و مثانه و بول الدم و مده و نافع از جرب مثانه صفته خیره بزه سی و شش مثقال افیون هفت مثقال بزر البنج سفید تخم کرفس

تخم حماض هریک نه مثقال تخم شوکران تخم کرفس ۵ هریک هیژده مثقال تخم رازیانه چلغوزه بریان زعفران مغز بادام تلخ هریک نه مثقال تخم کاکنج جبلی هفتاد و پنج حبه بلعقیدهٔ عنب اقراص سازند۔

دیگر نافع از قرحهٔ کلیه و مثانه و از تقطیر بول صفته تخم کرفس بزر البنج شهدانج هریک شش درم تخم رازیانه دو درم زعفران تخم حماض بری چلغوزه صنوبر افیون مغز بادام تلخ هریک سه درم تخم کاکنج کثار بست و پنج عدد بادرنگ دوازده درم۔

قرص ریوند نافع از امراض کهنه و سختی جگر و اورام آن و از درد طحال و از ضربه که بر بدن رسد صفته ریوند هشت درم قوه عیدان لک مغسول هریک چهار درم تخم کرفس غافث انیسون هریک سه درم بدستور اقراص سازند۔

قرص آلو ترش نافع از حرارت و اسهال و درد جگر صفته طباشیر زرشک عود تخم حماض مصطگی اسارون مشک هریک مثقال صمغ عربی سه مثقال گلسرخ پنج مثقال بگلاب اقراص سازند۔

قرص اندروماخس نافع از نزف دم صفته بزر البنج افیون لسبه هریک چهار درم لبان هشت درم کوکب الارض نشاسته گل ارمنی هریک سه درم تخم خشخاش دو درم گلنار نیم درم بدستور اقراص سازند۔

قرص نافع از قرحهٔ امعا و قذف دم که از هر مکان باشد صفته نقاح ورد افیون اقاقیا صمغ عربی

هریک اوقیه بازو نیم اوقیه فیل برج یک و نیم اوقیه
بآب مغز تخجوش اقراص سازند

قرص که از حمیات ملتهبه و اورام جگر و تپها که از صفرا
باشند و خون و بلغم مرکب باشند نافع ست صفته
ورق گلسرخ شش درم سنبل الطیب زعفران هریک
دو درم رب السوس مغز تخم خیار ترنجبین هریک سه درم
کثیرا صمغ عربی هریک درم بآب به شیرین بدستور
اقراص سازند

قرص نافع از نزف خون و از سرفه و تپ و درد سینه
صفته صمغ عربی گلسرخ هریک چار درم نشاسته
کثیرا هریک دو درم خشخاس سفید و سیاه هریک
سه درم طباشیر درم رب السوس دو درم زعفران
دو دانگ بدستور اقراص سازند

قرص گلنار نافع از ذرب و خلفه و نافع از زحیر و
واختلاف مده و خون صفته گلنار اقاقیا سماق
بلوط بریان آرد کنار و طین حب الاس هریک هشت درم
مازو که بریان کرده در سرکه سرد کرده باشند
زنیره کرمانی هریک چار درم بآب بارتنگ یا
بگلاب اقراص سازند

قرص که از بول الدم و حسر آن و از قروح کلیه
و مثانه نافع ست صفته تخم کرفس بزر البنج شبرانه
هریک شش درم بادیان دو درم زعفران چلغوزه
تخم حماض افیون مغز بادام تلخ هریک درم تخم کاکنج
بست و پنج عدد مغز تخم خیار دوازده درم بدستور
اقراص سازند

قرص بلبین که تب را زائل کند و قے را منع کند و
ضیق النفس را نافع ست صفته تربد پنج درم بنفشه
ده درم رب السوس دو نیم درم بآب اقراص سازند
شربتے از سه درم تا چهار درم یا ده درم شکر استعمال نمایند

قرص بزور که از قروح امعا و مغص شدید زحیر و
استحاضه و انحلال طبع و کسی که غذا او را هضم نشود
نافع ست صفته حب الاس دو درم بادیان انیسون
نانخواه بزر البنج تخم کرفس دو قوا افیون هریک شش درم
بدستور اقراص سازند و بعد شش ماه استعمال نمایند

قرص العشرة الادویه که نافع ست از ربع کهنه
و درد جگر و از تپ بلغمی صفته انیسون چار درم اسارون سانج ؟؟
افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی ؟؟
درم صبر دو درم عصارهٔ غافث چار درم بآب
افسنتین بدستور اقراص سازند و یک درم
بآب نیم گرم بنوشند

قرص که از تپهای کهنه و از گرمی و از قے و لینت
طبع نافع ست صفته ورق گلسرخ شش درم
مغز قثا مصطکی دارچینی عصارهٔ غافث هریک درم
زعفران دو درم صبر درم بآب شیرین بدستور
اقراص سازند

قرص گلنار صفته گلنار گرده سماق بلوط پوست
کنار حب الآس هریک هشت درم مازو مجلل
مقلو گل ارمنی مقلو هریک چار درم بگلاب قرص سازند

قرص خرنوب صفته طباشیر ورق گلسرخ تخم حماض
صمغ عربی مقلو هریک پنج درم گلنار سه نیم درم

حب الاس چار درم خرنوب نبطی سه درم نبات همو زن
ادویه بگلاب قرص سازند۔

قرص بند صفته بسد ده دام کندر اقاقیا گلنار
هر یک چار درم صمغ عربی کثیرا هر یک سه درم
گل مختوم چار درم ریوند درم بآب قرص بندد خوراک
مثقال با رب به۔

قرص کهربا صفته کهربا نشاسته کثیرا صمغ عربی
مغز تخم کدو مغز تخم خیار هر یک سه درم گلنار یک نیم
درم اقاقیا یک نیم درم بآب لسان الحمل اقراص سازند
بآب سماق بخورند۔

قرص کافور شیخ بوعلی برای سل و دق صفته
تخم کاسنی تخم خرفه هر یک دو توله مغز تخم کدو مغز تخم خیار
هر یک دو نیم توله صندل سفید ده ماشه سرطان سوخته
ده ماشه زعفران ده ماشه رب السوس ده ماشه
کافور سه ماشه بآب قرص سازند۔

قرص کافور از کامل الصناعه صفته مغز تخم کدو
تخم خیار تخم خربزه بهدانه هر یک پنج درم گل سرخ
سه درم صمغ عربی صندل سفید نشاسته هر یک دو درم
رب السوس طباشیر هر یک سه درم رازیانه کافور
نیم دام یا نیم مثقال سائیده بلعاب نیکو قرص سازند

قرص دیگر از سدیدی صفته طباشیر چار درم
تخم خیار تخم خرفه تخم کدو شیرین مقشر کثیرا صمغ عربی
رب السوس عود هندی قاقله هر یک سه درم زعفران دو درم
شکر طبرزد ترنجبین هر یک سه درم کافور مثقال
بلعاب اسبغول اقراص سازند۔

قرص نافع به کسی که تپ از وی دور شده باشد
لیکن حدت باقی مانده و سقوط شهوت شده باشد
صفته گل سرخ ده درم سماق دو درم قاقله درم
هر یک قرص بوزن دو درم بندند و بخورند پاک قرص
معده را پاک کند و گرسنگی آرد و تشنگی را زائل کند

قرص زرشک نافع در ابتدای استسقا صفته
زرشک پنج درم لونیذ غافث انیسون سنبل مصطگی
هر یک سه درم سوده اقراص سازند۔

قرص زرشک کبیر گل سرخ چهار درم رب السوس
دو درم تخم خرفه مغز تخم خیارین سنبل هندی طباشیر
سفید هر یک درم زرشک منقی دو درم عصاره غافث
لک مغسول ریوند هر یک نیم درم کوفته بیخته بجلاب
ترنجبین اقراص سازند۔

قرص زرشک صغیر صفته زرشک منقی پانزده درم
تخم کاسنی مغز تخم خیار تخم خرفه هر یک سه درم گل سرخ
پنج درم ریوند چینی سنبل الطیب هر یک درم
سوده بلعاب بهدانه اقراص سازند۔

قرص نافع از یرقان صفته زرشک طباشیر
هر یک سه درم تخم کاسنی چار درم مغز تخم خیارین
تخم کاهو تخم خرفه هر یک دو درم صندل سفید درم
کافور دو دانگ سوده اقراص سازند۔

قرص طباشیر نافع از تپ صفته ورق گل سرخ
هشت درم صمغ عربی بریان ده درم تخم حماض بریان
ده درم نشاسته بریان هشت درم طباشیر گل ارمنی
هر یک ده درم سوده اقراص سازند شربتی دو درم

قرص عود غرقی قاقله صغار وکبار دارچینی فلفل مشک زعفران هر یک درم در قند دو مثقال قرص سازند۔

قرص حکیم علی که جهت تپ سرد از بلغم تنها یا با غب یا بعد فرایا لسودا باشد تجربه رسیده صفت گلسرخ سه توله گل غافث عصارهٔ غافث افسنتین رومی مصطگی تخم کاسنی هر یک دو توله سنبل اسارون اذخر انیسون زرشک منقی ریوند طباشیر سفید هر یک توله کوفته بیخته بآب قرص سازند بقدر یک مثقال شربتی یک قرص۔

قرص مفرح طباشیر کافوری پنج جزو سرطان سوخته جزو مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه هر یک جزو بیخ انجبار عصارهٔ لحیة التیس هر یک جزو سوده بآب پوست خشخاش اقراص سازند و بیخ حب الاس شیر انجبار چهار ماشه شربت و یا قوت دو توله بارتنگ تخم ریحان بعرق بارتنگ ده توله بیخته همه را اختلاط کرده بخورانند مسلول و مدقوق را نفع کلی بخشند۔

قرص دیگر از حاوی گلسرخ شش دام صمغ عربی طباشیر هر یک چهار دام مغز تخم کدو مغز تخم خیار تخم خرفه اصل السوس هر یک هشت درم نشاسته سه درم زعفران دو دام کافور نیم دام بلعاب اسبغول اقراص بندند۔

دیگر از حکیم علی کافور چهار مثقال زعفران سه مثقال مغز تخم کدو دو مثقال مغز تخم خیارین دو مثقال عسل چهار مثقال شربتی نیم مثقال۔

دیگر نافع از تپ صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو هر یک هفت مثقال کشنیز کیره سماق هر یک پنج مثقال ورق گلسرخ طباشیر مغز بهدانه اقراص سازند۔

قرص دیگر طباشیر صندل ورق گلسرخ مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه هر یک چهار مثقال کافور دو دام اقراص سازند۔

قرص زرشک کافوری صفت عصارهٔ زرشک هشت ماشه گلسرخ دو ماشه رب السوس ماشه عصارهٔ غافث چهار ماشه مغز تخم خیارین چهار ماشه نشاسته کثیرا صمغ عربی طباشیر هر یک دو ماشه زعفران یکماشه تخم خرفه مقشر سه ماشه لک مغسول هفت ماشه ریوند چینی سنبل الطیب کافور قیصوری هر یک ماشه ترنجبین چهل ماشه ترنجبین در آب حل کرده ادویه بدان سرشته اقراص سازند۔

قرص زرشک کافوری دیگر زرشک منقی مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه هر یک سه ماشه طباشیر سفید ورق گلسرخ هر یک ماشه صندل سفید یک نیم ماشه ریوند چینی نیم ماشه لک مغسول تخم کرفس هر یک دو ماشه کافور قیصوری نیم ماشه زعفران دو ماشه کوفته بیخته بآب تخم کشوث اقراص سازند شربتی مثقال۔

قرص مروارید یک نیم درم ابریشم مقرض طباشیر سفید هر یک چهار درم ترنجبین مصفی سه درم مغز تخم خیارین هر یک دو مثقال مغز تخم کدو دو مثقال نشاسته صمغ عربی خشخاش سفید کثیرا هر یک مثقال گل گاوزبان بادرنجبویه ورق گلسرخ هر یک

یک نیم مثقال کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند شربتی از نیم درم تا یک درم -

قرص نافع از افراط خون بواسیر صفتهٔ مرجان کهربا دودع سوخته گل ارمنی هریک دو درم بلیله آمله هریک پنج درم تخم گندنا سه درم مقل ده درم مقل را در آب گندنا حل کرده باقی ادویه منخوله بدان سرشته اقراص سازند شربتی سه درم بآب آهنگران -

قرص نافع از ذیابیطس حب الآس تخم حماض مقشر هریک دو درم صمغ عربی نشاسته هریک درم سوده بلعاب اسبغول اقراص سازند شربتی دو درم -

قرص سرطان نافع از سل ودق وانفث الدم صفتهٔ گل مختوم گل ارمنی نشاسته گلسرخ هریک شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا طباشیر شادنج عدسی مغسول هریک پنج درم رب السوس سه درم سوده بآب بارتنگ سرشته اقراص سازند -

قرص لی نافع از ذیابیطس صفتهٔ طباشیر سفید رب السوس صمغ عربی کثیرا هریک نیم درم کافور افیون هریک قیراط سوده بآب تمر هندی اقراص سازند و بآب تمر هندی بخورانند این یک شربت است

قرص مجرب که همین فائده دارد صفتهٔ طباشیر سفید پنج درم تخم کاهو تخم خرفه هریک هفت درم کشنیز تخم حماض ورق گلسرخ گل ارمنی هریک سه درم صندل سفید گلنار سماق هریک دو درم کافور نیم درم سوده بآب خرفه اقراص سازند شربتی مثقال بآب انار -

قرص دیگر برای ذیابیطس الکمانه دنبر پوست انار شیره برنج اسپاه

صمغ عربی برابر وزن کوفته بیخته بماء الآس اقراص سازند -

قرص حکیم علی که جهت تپ که مادهٔ آن بلغم باشد یا بلغم وسودا نافع است واکثر تجربه درآمده صفتهٔ گلسرخ گل غافث عصارهٔ افسنتین رومی مصطکی تخم کاسنی بکدرو قرنفل سنبل اسارون اذخر انیسون زرشک منقی ریوند طباشیر سفید بکدرو کوفته بیخته اقراص سازند هر قرصی مثقال و شربتی یک قرص -

قیروطی فرفیون قنه هریک دو دام لیبا سه دام دارفلفل یک نیم دام عاقرقرحا و نیم دام تخم جرجیر یک نیم دام جند یک و نیم دام روغن نرگس یک نیم اوقیه علی الرسم قیروطی سازند -

قطور نافع بجمیع اقسام رمد صفتهٔ پیاز سفید شکم او خالی کرده تخم پیاز و افیون هریک نیم دانگ دران نهند وانچه از شکم او برآید نیز نهند زیر آتش گذارند تا گداخته شود و پارچه گرفته در چشم یک دو قطره بچکانند و باقی پیاز را بر چشم به بندند -

قطور که همین منفعت دارد صفتهٔ انزروت سفید یک درم بهدانه بست دانه زعفران نیم دانگ مامیران هفت مثقال جو مقشر بست دانه حلبه پنج دانه نشاسته بست دانه شکر نیم دانگ کثیرا دانگ بآب صاف بپزند در شیشه بگذارند چون صاف شود در چشم صبح و شام بچکانند -

قیروطی روغن کتان روغن پیه بز روغن بادام فرنگی هریک باوسیر روغن بادام پنج دام شیرهٔ عنب الثعلب آثار شیرهٔ کشنیز تر آثار شیرهٔ تخم خربزه آثار سیم پاره

شیرهٔ انبه ادرک شیرهٔ آمله هریک پاؤسیر انیسون
بادیان اجمود هریک دو دام گلسرخ پاؤسیر زردچوب
نیم پاؤ دارچینی کباب چینی هریک دو دام ادویهٔ خشک را
درسی ودو وزن آب جوش دهند تا نصف بماند
بعد ازان شیره جات وروغن را باو همراه کرده بپزند
تا آب رفته روغن بماند بعد ازان رال هفت دام رفته
هفت دام سیده پنج توله کندر توله زعفران صندل سرخ
توله موم هفت دام انداخته چون مرهم سازند —

قیروطی جهت قوباصندل سرخ عنب الثعلب زراوند
حنا گوکنار کتیرا هریک شش ماشه آمله برگ درخت
خیارشنبر هریک توله تخم کول سیاه سندور کمیلا کچے
هریک سه ونیم ماشه هلیله بلیله آمله هریک شش ماشه
زعفران چار ماشه اکلیل الملک شش ماشه
گل نیب شش ماشه گل خطمی توله گلسرخ توله موم ده توله
زیت سه پاؤ ادویه چار سیر آب بجوشانند تا نصف بماند
صاف کرده روغن اندازد ورا تینج شش ماشه
سهاگه سه ونیم ماشه انداخته جوش دهند تا روغن
بماند موم روغن کند وکافور هریک اضافه نموده
وبکار برند —

دیگر جهت داد شب وتنکار هریک دام مردارسنگ
دو دام گوگرد سیماب مارقیشیا شنگرف هریک دام
کمیله دو دام کتهه چار دام افیون چار دام زراوند دحرج
دو دام قسط کندش هریک دو دام مونیج گزمازو
هریک دو دام زیت سی ودو توله ادویه را کلس نموده
در روغن وآب شصت ودو توله چار ماشه بپزند

تا آب رفته روغن بماند —

قطور نافع از قرحه گوش عسل با آب وشراب
نیم گرم کرده در یکروز چند بار قطور نمایند —

دیگر آب پیاز با سفیدهٔ بیضهٔ مرغ قطور نمایند —

قطور بول الصبیان قرحه گوش را از مده وقیح
پاک می کند —

قطور مسکن درد گوش روغن گلسرخ جزو
سرکه تند وکهنه سه جزو بجوشانند تا سرکه رفته
روغن بماند نیم گرم مکرر قطور نمایند —

دیگر که همین فائده دارد صفته عصارهٔ سرگین اشتر
عصارهٔ پیاز برابر گرفته زعفران بقدر ربع وزن
یکی ازان دو نیم حل کرده مکرر قطور نمایند —

قطور نافع از کری کهنه ونو صفته شحم حنظل درم
بوره ارمنی سه درم جند بیدستر نیم دام راوند چرخ
عصارهٔ افسنتین هریک پنج درم فرفیون
قسط تلخ هریک دانگ زهرهٔ گاؤ بقدر حاجت
ادویه را در زهرهٔ مذکور خمیر ساخته شیاف سازند
بمقدار عدس یک شیاف را در وقت حاجت
بروغن بادام تلخ حل کرده بگوش چکانند —

باب الکاف

کحل لاوستادے معتمد الملوک علوی خان
رحمة الله علیه صفته چاکسو چار توله در کیسه
کتان بسته در دیگ که نصفش با آب پر کرده
وسرگین حمار در دو داخل کرده باشند بسته معلق
چنانکه سرکیسه در آب باشد آب بجوشانند

چون چاکسو نرم شود مقشر نمایند پس بگیرند از زردوت سفید بشیر خر خمیر کرده بچوب گز چسپانیده بآتش ملائم بریان نمایند تا سرخ شود از هریک ازین دو یک توله بگیرند و نبه قرسی دو ماشه اثمد محرق مغسول چهار توله بگلاب صلایه کرده شادنج عدسی مغسول شش ماشه مامیران چینی شش ماشه طوطیا کرمانی مغسول یک توله زبد البحر سه ماشه اقلیمیا ذهبی محرق مغسول اقلیمیا فضی محرق مغسول هریک شش ماشه مارقشیشا ذهبی صمغ عربی هریک شش ماشه مروارید ناسفته شش ماشه بگلاب صلایه کرده یاقوت رمانی شش ماشه بگلاب صلایه کرده طلای محرق مغسول زهره آهو زهره کبک خشک هریک ماشه مشک تبتی سه ماشه ادویه را سحق نموده در سرمه دان چینی نگاهداشته بمیل طلائی قبل از غذا بچشم کشند۔

نسخه دیگر چاکسو در کیسه کتانی بسته در آب قدری سرگین حمار داخل کرده بجوشانند و بر سر دیگ چوبی گذاشته کیسه را بیاویزند در دیگ چنانکه کیسه در میان آب باشد و آب را بجوشانند چون چاکسو نرم شود کیسه را بر آورده مقشر نمایند پس بگیرند از مقشر یک توله و بگیرند از زردوت سفید بشیر خر خمیر کرده بر چوب گز چسپانند و بآتش ملائم برشته نمایند تا چون کباب سرخ شود پس بگیرند از آن نیز یک توله رسوت مروارید ناسفته صلایه کرده اقلیمیا نقره محرق مغسول اقلیمیا ذهب محرق مغسول طوطیا کرمانی مغسول شادنج عدسی مغسول مامیران چینی

هریک سه ماشه اثمد در سپه نر پیچیده در آتش محرق نموده بگلاب سرد کرده بآب لیمون صلایه کرده دو توله مجموع را نیکو صلایه کرده در سرمه دان کرده صبح و شام دو دو میل در هر دو چشم بکشند۔

گهره سفید آب کاشغری شسته شش ماشه مرداسنگ سه ماشه افیون زعفران هریک چار سرخ سوده در ظرف آهنی خاکسی نیم گرم در زیر آن ظرف نهاده آب لیمون انداخته بدسته آهنی بمالند تا سیاه و غلیظ شود بر دو رجشم طلا نمایند بنحوی که اندرون چشم نرود و اگر آب لیمون بهم نرسد آب برگ تمر هندی عوض آن کنند۔

گهره دیگر شیاف مامیثا صبر هریک ماشه شیره گشنیز خشک دو ماشه حضض ماشه زعفران سرخ کافور دو برنج نشاسته یکماشه بدستور گهره سازند۔

کحل عجیب مجرب که بیاض و دمعه را نافع ست و غشاوه جلا میدهد و غلظ اجفان را تحلیل میکند و بصارت را نیز میکند صفت طوطیا هندی دو نیم درم اثمد اصفهانی چار درم مارقشیشا دو نیم درم نحاس سوخته دو درم و دو ثلث درم اقلیمیای ذهبی اقلیمیا فضی هریک درم شادنج درم بسد مروارید ناسفته قشور نحاس هریک دو دانگ شبح سوخته دو درم و دو ثلث درم ماء مقطوعه زجاج نیم درم بآب باران بسایند چون نیک سائیده شود کافور سوده دانگ مشک قیراط سوده داخل کنند و حب بندند و در سایه خشک کنند وقت حاجت

باب اکتحال نمایند

کحل نافع مجرب عجیب النفع برادهٔ سوزن دو درم زیبق درم هر دو را سحق نموده در انبوب بگذارند و سجمیر دهن انبوب بند کنند و تمام انبوب بخمیر گیرند و باز بگل حکمت که از موی مخلوط باشد بپیچند و بالاتش گل دیگر گذارند و خشک کنند و اقلیمیا سفید مغسول در انبوب دیگر انداخته بدستور ند کور تیار نمایند هر دو را بچکانند در پارچه کتانی بگذارند و از و یک درم گیرند مروارید ناسفته نیم درم بگیرند پس چون غبار سحق نمایند پس اول علیل را بعصارهٔ سوس سه روز پیهم اکتحال نمایند بعد ازان یک روز باین دوا اکتحال نمایند و یک روز بعصارهٔ سوسن —

کحل نافع از بادسیل پوست بیضه یک ساعت بزردهٔ بیضه بگذارند و بسر که ده روز متوالی جوش دهند و صاف نموده در قاروره با ظرف گذاشته در آفتاب گذارند چون خشک شود سوده اکتحال نمایند —

کحل جند نافع از غشاوهٔ زهرهٔ نبر و عسل مخلوط کرده بر آتش گذارند تا نیکو مخلوط شود از میل اکتحال نمایند —

کحل که وقت خوف بر آمدن دانه در چشم استعمال کنند محافظت نماید و نیز از موی ریخ محافظت کند صفت

کحل سانج هر یک شش درم صبر درم نیکو سحق نموده در چشم اندازند و از پارچه هر دو چشم ببندند و بخوابانند و حرکت نه کنند —

کلاه مقوی دماغ صفت بادام مقشر بریان نموده ده دانه خشخاش بریان پنج دام آرد نخود بریان ده ماشه

حمص بریان ماشه زر شباد نه ماشه آمله پنج دانه زنجبیل سعد سنبل پوست نارنج عود هندی قرنفل کشنیز گلسرخ صطگی زوفا پودینه اکلیل الملک هر یک نه ماشه حب الآس تولہ کبابه کرفس انیسون زعفران هر یک نه ماشه مشک عنبر هر یک دام کنجد توله کلاه ساخته بر سر نهند —

باب اللام

لخلخه صندل سفید تباشیر ایضا حضض گل ارمنی تخم کاهو برابر سوده بعرق بید مشک و عرق بید ساده و گلاب و عرق کاسنی در شیشه انداخته پیش بینی متصل حرکت دهند —

لعوقی که سرفه کهن را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط پاک کند صفت بنفشه پنج مثقال عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه مویز منقی چهل دانه اصل السوس ده دام زوفا خشک پنج دام خشخاش سفید دو مثقال رازیانه ایرسا کتیرا هر یک سه درم صمغ الود دو درم پرسیاوشان هفت دام انجیر سفید سی دانه بجوشانند و صاف کرده بست مثقال فلوس خیارشنبر دران حل کنند و با نیم سیر قند بقوام آرند و مغز تخم خربزه و خیارین و بادام مقشر و مغز بهیدانه و حلبه و گل خطمی و تخم خبازی هر یک پنج دام باقلای سفید ده درم کوفته بیخته و دیگر بار سحق نموده دران بسرشند

لعوق انجیر هفت دانه مویز بیست و یک دانه بادام ده دانه گلسرخ توله بنفشه شش ماشه خطمی شش ماشه حلغوزه شش ماشه صمغ عربی سه ماشه

کتیرا دو ماشه نشاسته سه ماشه سپستان شش ماشه خشخاش شش ماشه عناب چهار دانه عسل هفت دام —

نسخهٔ دیگر چلغوزه کتیرا بیخ سوسن صمغ عربی هریک توله تخم کتان بریان نموده خرمای خارک منقی هریک هفت توله عسل مساوی وزن ادویه بار روغن چرب نموده لعوق سازند —

لعوق ربو وضیق النفس را نافعست حلبه تخم کتان هریک ده دام مغز بادام شیرین و تلخ چلغوزه رب السوس هریک پنج دام کتیرا صمغ عربی نشاسته بادیان هریک سه دام بروغن گاو چرب کرده با شهد قوام آرد —

باب المیم

مغسل زکریا نافع از سفیدی چشم صفته انزروت ده درم کف دریا پنج درم بوره دو درم زنجبیل درم شکر طبرزد چهار درم کوفته بیخته و عسل هموزن ادویه سرشته نگاه دارند وقت حاجت بچکانند —

مغسل نافع از حمره چشم و سفیدی رعیق صفته زنگار چهار درم اشق دو درم طوطیا اقلیمیا طلا شیح سوخته هریک درم مشک نیم درم بالعسل هموزن بسرشند —

مغسل نافع از صلابت و زیادت لحم و خشونت اجفان و از زیادت گوشت در گوشه چشم صفته زاج سوخته هشت دام اقلیمیا طلا سوخته شسته هشت درم مر چهار درم زعفران دو درم نوشادر درم و نیم سنبل فلفل هریک درم کوفته بیخته العسل بسرشند —

معجون نافع از مالیخولیا صفته پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی هریک ده درم تربد سفید مجوف

پنج درم بسفایج افتیمون اسطوخودوس هریک پنج درم کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشند شربتی از پنج درم تا هفت درم —

معجون ممسک نافع از ذرب و ضعف معده آب به ترش رطل شراب کهنه رطل بپزند تا بقوام آید و مشک ده درم سوده دران بیندازند —

معاجین معطس نافع از فالج صفته کندش فلفل عاقرقرحا زنجبیل بوره نوشادر نطرون صبر مشک دارچینی مرزنجوش خربق سفید جندبیدستر برابر وزن سوده سعوط نمایند —

معجون صرع نافع از جمیع اقسام صرع صفته عاقرقرحا سیالیوس اسطوخودوس غاریقون هریک ده درم فربیون حلتیت زراوند مدحرج هریک سه درم کوفته بیخته بعسل سه چند مصفی بسرشند —

معجون نافع از صرع که از سبب مشارکت رحم و معده و دیگر اعضا باشد صفته پوست هلیله زرد پوست بلیله هریک ده درم افتیمون اسطوخودوس حجر ارمنی بسفایج هریک پانزده درم ایارج فیقرا تربد هریک بست درم غاریقون کمافیطوس هریک پانزده درم شحم حنظل هشت درم نمک هندی چهار درم کوفته بیخته بعسل مصفی بقوام آرند —

معجون نافع از صرع بلغمی سبب سبوس زراوند مدحرج هریک شش درم حب الغار بیخ فاوانیا هریک ده درم جندبیدستر چهار درم اقراص اسقیل پنج درم بالعسل معجون سازند شربتی دو درم با سکنجبین —

معجون نافع از القوه و برای تبدیل مزاج سرد

صفته زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط فلفل وج هر یک
ده درم سداب خشک حلتیت جنطیانا زراوند
جند بیدستر خردل هر یک پنج درم کوفته بیخته بعسل مصفی
وعسل بلادر ده درم شربت مثقال —

معجون نافع از ربو که اخراج اخلاط و مده می کند
صفته رب السوس زوفا خشک هر یک ده درم
مغز بادام تلخ بورق کهربا حرف زراوند فلفل فرد ها
اصل السوس تخم انجره هر یک پنج درم پرسیاوشان
هفت درم سوده بعسل معجون سازند شربت سه درم
با طبیخ زوفا کبیر —

معجون نافع از ضعف دل صفته مصطگی دارچینی
فلفل دراز نمام قلنجشک بادروج سافج هندی
هر یک پنج درم کشنیز سنبل الطیب هر یک سه درم
کهربا مروارید ناسفته طباشیر هر یک دو نیم درم
بادرنجبویه هفت درم مشک درم زعفران نیم درم
کوفته بیخته بعسل که از هلیله مربا گرفته باشند معجون
سازند شربتی درم با آب سیب بوزن دو اوقیه —

معجون نافع قلب در هر حال صفته بسد کهربا
مروارید قلنجشک سک پوست ترنج آمله هر یک
شش درم ابریشم خام بادرنجبویه گاوزبان هر یک
ده درم سندروس سه درم بادروج کشنیز خشک
هر یک دو درم بهمنین هر یک پنج درم مصطگی سه درم
مشک عنبر هر یک درم سوده بعسل بقوام آرند شربتی مثقال

معجون چوبچینی مخترع صفته چوبچینی بست تولہ
بهمنین شقاقل مصری هر یک پنج تولہ زنجبیل خولنجان
هر یک دو تولہ مغاث بغدادی دارچینی هر یک ماشه
زنجبیل تولہ جدوار خطائی شش ماشه خصیة الثعلب
مصری پنج تولہ مغز بادام شیرین مغز انجکک مغز
حب اسنه مغز چلغوزه مغز نارجیل هر یک پنج تولہ
عنبر اشهب دو ماشه ورق طلا مشک تبتی هر یک
سه ماشه عسل مصفی دو صد چهار تولہ بدستور مقرر
معجون سازند هر روز تولہ با عرق چوبچینی دو تولہ
و عرق زردک دو تولہ بنوشند تا چهل روز یا بست
یک روز حسب تحمل طبیعت بکار برند —

معجون چوبچینی دیگر چوبچینی سه تولہ خصیة الثعلب
مصری بهمنین خولنجان شقاقل مصری هر یک
شش مثقال مغز پسته مغز چلغوزه مغز بادام شیرین
مغز حب الخضرا مغز نارجیل مغز حب الزلم مغز انجکک
مغز پنبه دانه هر یک سه ماشه ابریشم مقرض دو ماشه
عنبر اشهب یک ماشه نبات سفید سیزده تولہ بعرق
بیدمشک و گلاب و عرق گاوزبان بقوام آرند —

معجون مخترع صفته مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه
هر یک سه تولہ مغز انجکاک مغز بادام شیرین هر یک
سه ماشه طباشیر تولہ تخم خشخاش دو تولہ صندل سفید
تولہ بهمنین گل گزر پوست بیرون پسته مغاث بغدادی
بهمنی ابریشم مقرض گل گاوزبان گیلانی هر یک
تولہ ورق طلا ورق نقره بزرالبنج هر یک سه ماشه
زعفران عنبر هر یک دو ماشه نبات سفید پنجاه تولہ
شربت فواکه شیرین بست پنج تولہ گلاب عرق بیدمشک
عرق صندل هر یک بست پنج تولہ بقوام آرند —

معجون عجیب الفعل در شقیقه و صداع و جهار و جاع بارد کهنه را دفع کند صفت صبر اوقیه پوست خربق سیاه اوقیه ابصارة کرنب معجون سازند شربت نصف مثقال تا یک مثقال —

معجون نافع از صرع که بسبب صعود بخار بر دماغ می شود صفت هلیله کابلی آمله هر یک ده دام بسفایج افتیمون اسطوخودوس حجر ارمنی غاریقون کمافیطوس تربد ایارج فیقرا هر یک پانزده دام تخم حنظل هشت دام سافج هندی چار دام بعسل معجون سازند —

معجون زوفا خشک پودینه بیخ سوسن خسرول قردمانا فلفل تخم انجره انیسون برابر شهد دو چند معجون سازند —

معجون سه فم شیرهٔ کشائی کوچک پنج اثار شیره بالنگ پنج اثار زوفا دو اثار انجیر یک اثار هلیله زرد یک اثار اگر شیره های مذکور بهم نرسد دو نیم اثار از خشک آن گرفته در ده سیر آب بجوشانند تا پنج سیر بماند هم چنین زوفا و انجیر و هلیله را جدا جدا در آب جوش داده صاف کرده آب آنها بستانند و همه را یکجا کرده بآتش ملائم بجوشانند تا نزدیک انعقاد رسد بعده چار سیر نبات و یک سیر عسل اضافه نموده بقوام آرند و این اجزاء داخل نمایند دارچینی قسط بازرد میعه سائله هفت توله زوفا فلفل سیاه زنجبیل پیپل سیاه شان قردمانا ایرسا نانخواه هر یک پنج توله تخم خیارین ده توله زعفران دو توله شربت از نیم درهم تا یک درهم —

معجون کاسر الریاح صفت زراوند طویل دو توله زراوند مدحرج سه توله درونج زرنباد قاقله صغار هر یک دو توله عود مصطگی زنجبیل هر یک توله بسفایج سه توله گل گاوزبان بست توله مویز منقی بست توله عنبر مثقال شربت انار شصت توله نبات دو اثار اگر گل گاوزبان در ده رطل آب شب بخیسانند فردا صبح در کمال آهستگی بجوشانند تا یک ثلث بماند صاف نموده جدا نگاه دارند و مویز را هم بدین دستور جدا در آب خیسانیده و جوشانیده بدست خوب مالیده صاف نمایند و هر دو آب را بهم آمیخته با شربت انار و نبات بقوام ملائم آرند و ادویه را کوفته بیخته بدان سرشته معجون سازند —

معجون که بدن لاغر کند و ضعف بقوی راه نیابد صفت آمله هلیله سیاه سندروس تخم کرفس دارچینی زیرهٔ گلسرخ تخم گندنا کشنیز عسل سه وزن ادویه معجون لبسه سوده مغسول کهربا شب یمانی شادنج مغسول دم الاخوین گل ارمنی گل مختوم گلنار هر یک دو ماشه عسل ده و نیم توله شربت از هفت ماشه تا ده ماشه با آب لسان الحمل —

معجون مسهل صفرا و بلغم و سوداوی صفت حب السلاطین پاک از پوست و زبان در شیر پخته و خشک کرده یک جزو حب النیل تربد سفید مدبر بسباسه گلسرخ بادیان هر یک سه جزو زعفران یک جزو تمر هندی ده جزو قند سفید پنج جزو شیرهٔ آمله با سکنجبین بسه قند داخل کرده قوام آرند حب السلاطین

بگلاب سائیده دوارو های دیگر کوفته بیخته داخل کرده معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم اگر احتیاج باشد آب گرم بنوشند —

معجون حکیم علی قلعی کشته سه توله ست سلاجیت دو توله ست گلوے هفت توله مغز تخم خیارین ده توله مغز تخم خربزه چارده توله کات هندی پنج توله نشاسته خرفه پنج توله تالمکهانه الایچی خورد هریک هفت توله خارخسک سروالی پاکهان بند آمله گل بنفشه فیزپوست درخت انبه بیخ بهتی گلوی برگ بانسه خرمای سلیمانی تخم تاج خروس هریک دوازده توله ریوند هفت توله سوای هفت ادویه بالای دواهای دیگر را جوکوب کرده در هفت سیر آب بجوشانند تا ثلث باند صاف کرده با یک سیر نبات بآتش در غایت ملایمت بجوشانند تا بقوام آید و باقی ادویه را سوده داخل نمایند شربت از دو مثقال تا چار مثقال و اگر سوزاک شدید باشد در عقب بزرشک سه توله در پانزده توله گلاب شب تر نمایند و صبح صاف نموده یک توله شیره تخم خیارین و چار توله نبات اضافه نموده بنوشند —

نسخه دیگر قلعی چهار ماشه سیماب دو ماشه طباشیر پنج ماشه ست گلو پنج ماشه قاقله صغار دو نیم ماشه قاقله کبار دو نیم ماشه مغز تخم پیٹھه پنج ماشه نبات برابر مجموع خوراک پنج ماشه —

معجون جهت سرعت انزال صفته قرنفل بزر البنج بسباسه جوز بوا مغز تخم خیار تخم خشخاش مغز نارجیل مغز بادام هریک پنج دام عاقرقرحا سنبل هریک دو دام افیون زعفران هریک سه دام عسل سه وزن ادویه

معجون لبوب صفته مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز بادام مغز حب الزلم مغز پسته شقاقل مغز کنجد بهمنین تخم خشخاش هریک پنج درم قند مقدار مجموع بآب ترنجبین معجون سازند خوراک هشت درم سحر وررا —

معجون صمغ مقوی الممسک صفته صمغ سنبل صمغ ستاوری موصلی سیاه تخم کوانچ هریک نیم پاؤ خارخسک پاؤ سیر بازوی خاردار سه دام قرنفل دو دام دارچینی دو نیم دام الایچی خورد سه دام جوز بوا بسباسه هریک دو دام بهپلی تخم اوٹنگن بیخ بند هریک چار دام سمندر سوکه سه دام اسگند نیم پاؤ زنجبیل پاؤ سیر قسط شیرین ستاور هریک نیم پاؤ مغز نارجیل یک آثار مغز بادام نیم پاؤ تودری زرد دو دام سورنجان سه دام تخم گزر چار دام اسارون بیخ دام اشنه بیخ سوسن هریک دو دام صمغ و روغن بیان نموده با سه وزن ادویه نبات معجون سازند گلاب عرق بیدمشک بقدر حاجت و عنبر و مشک نیز نافع ست —

معجون ریگ ماهی یک نیم اوقیه حب الرشاد تخم گندنا لفت هریک دام عسل دو وزن ادویه —

معجون جهت ادرار حیض صفته انیسون تخم کرفس رازیانه پودینه مشکطرامشیع هریک ده دام دارچینی اسارون ابهل هریک هفت دام عسل سه وزن ادویه و از دو درم تا چهار درم بعرق بیدمشک بخورند

معجون یحیی ابن خالد البرمکی ممسک و ساوجاع [illegible]

بسیار نافع ست صفته سورنجان سفید ده درم
سنا مکی پنج درم زنجبیل اسارون کمون کرمانی
دارفلفل هریک دو درم بعسل معجون سازند
شربتی دو مثقال با آب خالص —

معجون مرکی نافع از خارش تر صفته پوست
هلیله کلان پوست بلیله آمله منقی باو برنگ
هریک توله تربد چکلوک دو توله شهد دو وزن ادویه

معجون طلا النسخه ذوالقرن فرنگی صفته ورق طلا
سی عدد دود فادزهر سیاهی کاتی نارجیل دریائی
جدوار خطائی مروارید ناسفته عنبر مایه شتر اعرابی
هریک نیم توله بسفایج گل سعد کوفی قاقله صغار قسط سفید
کندر دریائی بهمنین فلفل سیاه دارفلفل وج اشنه سفید
عود قماری سافج هندی سنبل الطیب پوست بلیله
آمله زعفران بادیان قرنفل دارچینی بوزیدان
کبابه زنجبیل شقاقل مغز چلغوزه خولنجان نانخواه
مخلصه گل بابونه ابریشم مقرض خطمیا نازراوند
گرد اسارون انیسون عاقرقرحا ریوند خطائی
خصیة الثعلب هریک توله مشک دو ماشه نبات
برابر ادویه عسل خالص نصف ادویه —

معجون طلا النسخه حکیم الملک صفته تخم خشخاش
فرنجمشک ابریشم مقرض گاوزبان گل گاوزبان
هریک توله تخم کاسنی لسان العصافیر بهمن سفید
هریک دو توله خولنجان توله تخم پیاز دو توله زعفران
صمغ عربی هریک نیم مثقال هلیون دو توله اهلیلج
مصطگی قرنفل هریک توله کشنیز نیم توله سیاوشان
نیم مثقال دارچینی توله اسارون نیم مثقال انیسون توله
آب سیب شیرین پنج توله آب انار شیرین نیم مثقال
اجزا را نیم کوفته در دو اثار شاهجهانی آب تر دکت
بخیسانند یک شب و بجوشانند و صاف نموده
عسل ده توله با سی توله قند بقوام آرند عنبر اشهب
یک توله مشک خالص نیم توله ورق طلا ورق نقره
هریک توله بعد قوام داخل کردن عنبر و مشک
و ورق طلا و ورق نقره در لنگری انداخته خوب
بکف دست بمالند تا خوب ممزوج شود نافع باد —

معجون طلا النسخه حکیم علی گیلانی شربت سیب
یک نیم اثار ورق طلا توله عنبر توله مشک دو ماشه
زعفران سه ماشه شهد خالص پاو سیر نبات سفید
سی دام گلاب سه اثار عطر گلاب شش سرخ —

معجون طلا که بجهت شاهجهان پادشاه ساخته
بودند صفته نبات یک سیر پاؤ بالاعسل نه دام
دوشاب یک دام عنبر سه توله ورق طلا سه توله
و دو ماشه مشک نیم توله نبات را قرص عنبر ساخته
همه اجزا را بدستور معجون سازند ورق طلا
انداخته درهم نمایند —

معجون طلا النسخه دیگر صفته زعفران مروارید ناسفته
مشک خالص عنبر اشهب بهمن سفید یاقوت سرخ
مایه شتر اعرابی هریک چار نیم دام شربت فواکه نیم پاؤ
عرق گاوزبان عرق بید مشک گلاب هریک
پاو سیر نبات عسل سفید هریک شش دام ورق
طلا ورق نقره هریک چار و نیم دام آب انار پاو سیر

آب سیب آب به هر یک چار دام خوراک یک مثقال
با دو توله نبات و پاو سیر شیر و دو ماشه ثعلب سائیده

معجون طلا نسخهٔ دیگر صفته طلا یک توله عنبر نیم توله
مشک یک ماشه زعفران سه ماشه شربت سیب
سی دام نبات سفید پنج دام عطر قدری —

معجون امساک صفته جوز بوا بسباسه قرنفل دارچینی
عاقرقرحا سپند اجواین خراسانی مالکنگنی افیون پوست
خشخاش نخود بریان موصلی سیاه و سفید تخم کونچ
تخم اوٹنگن تخم ترب کنجد سیاه کباب چینی خولنجان
مصطگی کافور هر یک دو دام مجموع اجزا را کوفته
با عسل مصفی بسرشند شربتے دو درم وقت حاجت بخورند

معجون که شیخ بو علی که جهت رفع نسیان و حفظ بنا
ریسه وضع نموده صفته فلفل سفید کندر سعد کوفی
زعفران هر یک مثقال فستق مویز سیاه هر یک پنج مثقال
با عسل مقوم بیامیزند —

معجون مسک اقاقیا گلنار هر یک سه دام صندل سفید
و صمغ عدس مقشر قصب الذریره صمغ عربی تخم حماض
طباشیر کندر هر یک دو دام تخم مورد دو مثقال
کوفته بیخته با نبات سفید دو چند ادویه بقوام آرند شربتے
نه ماشه در چند روز باعث امساک قوی گردد —

معجون مسک صفته جوز الطیب سه دام زعفران
دام افیون چار دام مشک دانگ قرنفل سه دام
عسل یازده و نیم دام در ظرف آهنی عسل را گرم کرده
معجون سازند —

معجون هندی للباه پوست بیخ اونٹ کٹاره
بیخ بندگو گوکهرو تخم سمند سیهل سدبالی موچرس دارچینی
تال مکهانا هر یک دو نیم دام شکر سفید بست و دو نیم دام
شیر گاو دو نیم آثار —

معجون مهی حکیم علی بهمنین تودریین بوزیدان
تخم هلیون هر یک توله پیاز تخم شلغم تخم انجره هر یک
نیم توله تالمکهانه تخم اوٹنگن مغز تخم کونچ جدوار فلفل
هر یک سه توله موصیاهی کالی ده توله صندل سفید
بگلاب سوده پنج توله نشاسته خرفه هفت توله عرق
پوست بیخ سنبل ده سیر اکبری ماء اللحم گوسفند جوان
ده سیر اکبری آب محدبه که مانند ماء القرع گرفته باشند
پنج سیر اکبری ورق طلا محلول مثقال ورق نقره
محلول دو مثقال عنبر اشهب مثقال مشک مثقال
زعفران سه مثقال نبات دو سیر اکبری عسل یک سیر
اکبری نبات و عسل را با آب محدبه و ماء اللحم و
و عرق سنبل بآتشے در کمال آهستگی بقوام آرند و
اجزاء کوفته بیخته داخل نمایند شربتے از مثقال تا دو
مثقال با یک فنجان عرق پوست بیخ سنبل
تناول نمایند و از ترشیها پرهیزند —

معجون تربد دافع مواد بلغمی کند صفته
تربد سفید مجوف مضمع یک رطل زنجبیل یک اوقیه
فلفل سه دام مصطگی اوقیه تربد را بخراشند و
بروغن بادام چرب کرده با زنجبیل و فلفل و مصطگی
جمع کرده بآسیا بسایند و با دو رطل عسل خام غلیظ
صاف خمیر کرده نگاه دارند شربتی دو درم تا پنج درم
در آب گرم حل کرده و اگر اندکے بجوشانند جایز است

نافع باد—
معجون انارین صفت گلسرخ ده دام طباشیر شش دام
کشنیز پنج دام رب انار شیرین و ترش هر یک بلوزن ادویه
مفرح کافوری مخترع حکیم محمد هاشم علوی استاد
استادی معتمد الملک علوی خان مروارید ناسفته
دو دانگ کهربا دانگ کافور قیصوری دو دانگ زعفران
حجر لاجورد حجر فنطاس صندل سفید طباشیر پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی گل گاوزبان گیلانی
غنچه گلسرخ اسطوخودوس هر یک ماشه مغز تخم کدو
تخم خرفه مقشر هر یک پنج ماشه زرشک دو ماشه تخم کشنیز
گل نیلوفر هر یک دو ماشه کوفته بیخته با شربت فواکه شش
پنج ماشه نبات سفید بقدر حاجت گلاب عرق بید مشک
بقدر کفایت مفرح سازند شربتی مثقال لیکن اگر
درین نسخه عنبر اشهب دو دانگ داخل سکنند بهتر میشود
مفرح برای قرحه امعا مجرب مخترع شیرازی علوی
دیج لعابات سفید شیرهٔ جو مقشر شیرهٔ مغز حب الآس
شیرهٔ بیخ انجبار شیرهٔ تخم خیارین شیرهٔ مغز تخم کدو
شیرهٔ تخم خشخاش هر یک دو ماشه لعاب ریشه خطمی سفید
شیرهٔ بهدانه رب به شیرین رب ریباس رب سیب شیرین
هر یک پنج توله شربت فواکه شیرین و نبات بقدر حاجت
همه را یکجا کرده بقوام آرند مروارید ناسفته گل ارمنی
کهربا شمعی بیخ انجبار عصارهٔ لحیة التیس نشاسته
هر یک دو ماشه صمغ عربی کتیرا هر یک ماشه سوده
در حالت قوام بیندازند—
مفرح مخترع حکیم محمد رضا مجربست یاقوت رمانی مروارید ناسفته

گل ارمنی طباشیر سفید کهربا هر یک دو ماشه ورق نقره
نیم ماشه تخم خرفه مقشر پنج ماشه کافور قیصوری نیم ماشه
گل گاوزبان ده ماشه شربت فواکه قند سفید بقدر حاجت
به دستور تیار نمایند—
مفرح یاقوتی صفت یاقوت رمانی هفت ماشه
مروارید ناسفته سه ماشه عنبر اشهب نیم ماشه گاوزبان
بادرنجبویه گل گاوزبان صندل سفید تخم کاسنی پوست
هلیله زرد لاجورد مغسول هر یک سه ماشه زعفران یک
خالص عود خام طباشیر سفید هر یک نیم ماشه
گل مختوم حجر ارمنی هر یک دو ماشه فادزهر حیوانی دو دانگ
دو ماشه اسطوخودوس آمله مقشر گلسرخ تخم خرفه مقشر درونج عقربی
هر یک سه ماشه تخم فرنجمشک دارچینی هر یک دو ماشه
ابریشم مقرض پنج ماشه ورق طلا ورق نقره هر یک
ده عدد افیون مصری نیم ماشه کوفته بیخته با عسل مصفی
و رب به شیرین سه وزن ادویه به دستور تیار نمایند
مفرح یاقوتی حکیم عالم یاقوت رمانی مرجان سرخ
ابریشم مقرض هر یک ماشه تخم بالنگو دو ماشه تخم ریحان
و فرنجمشک هر یک دو ماشه تخم بادرنجبویه سه ماشه
پوست ترنج یک نیم ماشه قاقله قرنفل سازج هندی
بهمنین نارمشک هر یک ماشه مصطگی نیم ماشه
درونج عقربی نیم ماشه زعفران زرنب عود هندی
هر یک ماشه گل گاوزبان گلسرخ هر یک دو ماشه
سعد کوفی سنبل هندی اشنه جوزبوا دارچینی گل نیلوفر
هر یک ماشه صندل سفید و سرخ طباشیر سفید هر یک
دو ماشه کوفته بیخته بعسل و چند ادویه معجون سازند

مفرح مخترع میرزا ابوالقاسم بنگ سه تولہ در ده تولہ
آب بجوشانند تا به نصف رسد صاف نموده بروغن
گنجد آنقدر بجوشانند که روغن بماند بسباسه بنگ
دارچینی پوست اترج خصیة الثعلب مصری فرنجمشک
اشنه مصطگی هر یک دو تولہ زعفران جوزبوا گلسرخ
فلفل هر یک تولہ مشک تبتی نیم تولہ سوده بروغن
مذکور چرب نموده با عسل مصفی سه وزن ادویه تیار نمایند
در زمستان نیم مثقال و در گرما نیم مثقال بخورند —
مفرح معتدل دل را قوت دهد و رنگ نیکو کند و
طعام بگوارد و ذهن را تیز کند و تشنگی بنشاند صدفه
مروارید ناسفته لسد هر یک ده دام کهربا پنج دام
صندلین هر یک هشت دام گاوزبان ورق گل
هر یک هفت دام فرنجمشک شش دام تخم کاسنی
پنج دام درونج دو دام ساذج چار دام افتیمون شش دام
زرنباد طباشیر هر یک هشت درم تخم فرنجمشک
چار درم تخم بادرنجبویه چار درم زعفران دام عنبر
کافور هر یک دام مشک نیم مثقال عود خام ده درم زنجبار
کشنیز پنج دام خشخاش بنفشه گل ارمنی هر یک چار دام
شربت سیب سه وزن ادویه مفرح سازند —
دیگر از حاوی گلسرخ نیلوفر پنج دام مروارید لسد
کهربا گاوزبان صندلین طباشیر چوب کیوڑه کشنیز
هر یک یک نیم دام بهمنین فرنجمشک تخم شاهسفرم
تخم بادرنجبویه تخم خرفه تخم کاهو تخم کاسنی تخم خیارین
هر یک درم کافور نیم مثقال شربت سیب سه وزن
ادویه بدستور مفرح سازند —

مفرح بارد صدفه گلسرخ طباشیر هر یک سه درم کشنیز
درم لسد مروارید هر یک نیم درم کهربا نیم درم کافور
شش سرخ شربت سیب سه وزن ادویه بدستور
مفرح سازند —
مفرح بارد دیگر طباشیر گلسرخ هر یک درم کشنیز
نیم درم صندل دام تخم خرفه دو دام تخم خیار چار دام
تخم کدو دو دام گاوزبان دام زرشک سه دام
مروارید ناسفته دانگ کهربا لسد هر یک نه سرخ
شکر دو وزن ادویه بگلاب حل کرده مفرح سازند
مفرح مروارید معمول حکما صاحب رای صدفه
صندل ده تولہ مغز تخم خیارین سه تولہ گلسرخ دو تولہ
مروارید نیم تولہ کشنیز دو تولہ قاقله صغار بهمن سفید
درونج هر یک دو تولہ نشاسته خرفه هر یک سه تولہ
کافور ورق نقره هر یک نیم تولہ مشک سه ماشه
عسل سه وزن ادویه نبات دو وزن ادویه
گلاب یک شیشه —
مفرح مسیحی نسخه شفائی دل و جگر و دماغ را قوت دهد
و منی بیفزاید و اشتهای طعام آرد مجرب است
صدفه قرفه گاوزبان بادرنجبویه گلسرخ هر یک
پنج درم خولنجان کبابه قرنفل سنبل قاقله کبار و صغار
جوزبوا تخم فرنجمشک مصطگی پوست ترنج لسان العصافیر
بسباسه هر یک سه درم اشنه چار درم مروارید ناسفته
سعد کوفی ساذج هندی عنبر اشهب هر یک دو درم
زنجبیل دارفلفل هر یک درم خصیة الثعلب ده درم
زر محلول نقره محلول هر یک نیم درم لعل کهربا

ہریک درم جزء اعظم سہ مثقال عسل مصفی دو چندان
بدستور معجون سازند۔

مفرح جالینوس کہ قضیب را سخت کند و اوعیہ
منی بکشاید و دل و دماغ را و اعصاب را قوت دہد
و شہوت جماع زیادہ کند و رنگ چہرہ صاف سازد
و خون صالح در بدن افزاید و نشاط و دوستی مرد
در دل زن پیدا کند صفتہ مروارید لسبد افیمون
بہمن سفید ہریک درم پنج کاکنج پنج لبلاب صمغ عربی
کتیرا ہریک نیم دام اسارون نیم مثقال کزمازج
سعد کوفی سلیخہ دارچینی مصطگی فقاح اذخر ہریک
مثقال اجزاء را کوفتہ با سہ چندان عسل صاف بسرشند
وہنگام خواب نماسے بیش از مجامعت مقدار
یک مثقال با قدری آب نیم گرم ہرکہ بعد از جماع
چہار تولہ قند سیاہ فی الفور بخورد ہمان لحظہ قوت
بحال آید و نقصان باہ نشود۔

مفرح رشیدی صفتہ یاقوت سرخ دو ماشہ
یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید ہریک
چہار ماشہ لعل بدخشی فیروزہ ہریک سہ ماشہ
زمرد ماشہ عقیق یمنی چہار ماشہ لسبد دو ماشہ تخم خشخاش
چہار ماشہ مروارید ناسفتہ چہار ماشہ کہربا لاجورد مغسول
ہریک دو ماشہ ابریشم مقرض سہ ماشہ تخم فرنجمشک
پنج ماشہ قرنفل سہ ماشہ پوست بیرون پستہ چہار ماشہ
آملہ منقی ہلیلہ ہریک دہ ماشہ بادرنجبویہ گل نیلوفر
ہریک چہار ماشہ صندل سفید پنج درم صندل سرخ
پنج درم ریوند چینی عصارہ زرشک ہریک پنج درم

عود ہندی چہار ماشہ بادرنج دو ماشہ گل مختوم سہ ماشہ
طباشیر پنج ماشہ عنبر اشہب مشک ورق طلا
قاقلہ کبار ہریک چہار ماشہ سنبل الطیب سانج ہندی
بہمنین ہریک دو ماشہ آب سیب شیرین آب حماض
گلاب نیم رطل نبات سفید بقدر ضرورتے۔

معجون مخترع صفتہ یاقوت رمانی حجر یشب عقیق یمنی
طلا گداختہ در بوتہ و نقرہ گداختہ غاریقون بش سفید
افیمون مصری فلفل سیاہ زنجبیل قرنفل مرزنجوش
ہریک مثقال و دو نخود و نیم گل ارمنی حجر لاجورد مغسول
نمک نفطی زیرہ کرمانی ہریک چہار دانگ و یک
نخود و نیم مشلطر اشیع فطراسالیون حجر الیہود تخم کرفس
مرکی کندر اگر زعفران ہریک نیم مثقال و نیم نخود
دندان فیل پنج دانگ و سہ چند شیرۂ ہلیلہ مربا
بقدر ضرورت جواہر را در شراب صلایہ کردہ تیار نمایند

افیون

پنج نام

معجون لبوب مخترع حکیم فضل اللہ مبہی و مقوی
صفتہ دارچینی زنجبیل ہریک شش مثقال
کباب چینی قرنفل فلفل دراز ہریک مثقال
مغز پستہ مغز بادام شیرین مغز نارجیل مغز فندق
ہریک دو مثقال ابریشم مقرض بہ ستہ انجدان
انقوذہ جبل تخم کرفس تخم شبت تخم پیاز تخم ہلیون
تخم گندنا تخم ترب تخم شلغم تخم جرجیر زیدان جدوار
خطائے حب الصنوبر صغار و کبار خولنجان تودرین
قرفہ بہمنین فلفل مغز تخم خربزہ حب القلقل
حب الخضر لسان العصافیر پیاز عنصل خشک
مربا خردل عاقرقرحا ہریک مثقال قرص افعی دو

کوفته بجهته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند

مفرح بارد تخریج صفت یاقوت رمانی لعل بدخشانی هریک سه ماشه مروارید ناسفته پنج ماشه کهربا شمعی یشب سبز هریک سه ماشه بسد گل ارمنی ورق نقره هریک دو ماشه ورق طلا یک ماشه عنبر اشهب دو ماشه زعفران پنج ماشه ابریشم مقرض سه ماشه گل نیلوفر گل گاوزبان تخم بادرنجبویه پوست ترنج گل سرخ هریک سه ماشه آمله منقی یک ماشه پوست بیرون پسته سه ماشه خشک دو ماشه طباشیر پنج ماشه تخم خرفه مقشر تخم کاسنی هریک پنج ماشه صندل سرخ نیم ماشه سماق دو ماشه زرشک ماشه هریک ماشه عود هندی دو ماشه سنبل الطیب سه ماشه هندی قاقله کبار هریک دو ماشه کافور قیصوری یک نیم ماشه شربت فواکه بقدر حاجت معجون سازند

معجون مخرج نافع برای کسیکه فرزند تولد شود زنده نماند انشاالله تعالی از استعمال این معجون زنده ماند مجرب است صفت مروارید کهربا بسد لین طباشیر سفید عفص پنج گل ارمنی پنج ماشه مکد توله مغز تخم هندوانه تخم خرفه عنبر عود الصلیب گل شش ماشه ورق طلا ورق نقره یک ... شراب غوره سی توله نبات سفید نیم آثار عسل یا و سیر بدستور تیار نمایند شربت پنج ماشه با گلاب پنج توله

معجون حب الاس گلنار فارسی گل سرخ اصل السوس پوست ... هریک پنج دام کندر خشک دام گل ... خشک ... تخم انجره تخم کتان هریک چهار دام

پنج سوسن سه دام خشخاش سفید پوست خشخاش هریک ده دام پوست خشخاش را شب در نیم سیر آب بخیسانند صبح صافی نموده در مطبوخ بخیسانند

معجون مغز بادام مغز چلغوزه مغز انجکلک هریک توله مغز پسته تودری گلگون تودری زرد و بهمن سرخ و سفید شقاقل مصری ابریشم مقرض مغز تخم خربزه خارخسک هریک توله مغز حب الصنوبر دو توله کوفته بجهته نبات سفید چهل و پنج توله عرق گاوزبان سیر شیر گاو قوام نمایند شربتی یک توله

معجون مقوی و بهی نافع از قرحه کهنه صفت تخم ملیون شقاقل مصری تودری سرخ تودری زرد بهمنین هریک پنج ماشه تخم گندنا شش ماشه تخم شبت تخم تره تیزک هریک هفت ماشه تخم جرجیر چهار ماشه تخم خربزه دو توله تخم خیارین دو توله تخم پیاز تخم گندنا هریک هفت ماشه سعد کوفی سه ماشه خولنجان جوز بوا دارچینی فلفل بوزیدان پیاز عنصل بهمنان هریک هفت ماشه تخم انجره نه ماشه کز انگبین چهار ده توله عسل مصفی سی توله بدستور معجون سازند شربتی پنج ماشه

معجون لبوب دیگر یابت حکیم فضل الله مقوی باه صفت دارچینی زنجبیل هریک شش مثقال کبابه چینی قرنفل دارفلفل هریک مثقال مغز پسته مغز بادام مغز نارجیل مغز فندق هریک دو مثقال ابریشم مقرض ماشه انجدان الفجه جمل تخم کرفس تخم شبت تخم پیاز تخم ملیون تخم گندنا تخم کشوث تخم شلغم تخم جرجیر بوزیدان حدواجطائی مغز حب الصنوبر صغار و کبار تخم ترب خولنجان

تودریین ہمنین قرنفل فلفل حب الفلفل مغز تخم خربزه
حب الخضر لسان العصافیر پیاز عنصل بریان خشک
هریا خردل عاقرقرحا هریک مثقال مایه شتر اعرابی
سه ماشه قرص افعی هریک جزو کوفته بیخته بعسل مصفی
سه وزن ادویه معجون سازند—

معجون شیخ رئیس نافع از نسیان و محافظ
اعضاء رئیسه صفته فلفل سفید کندر سعد کوفی
زعفران هریک مثقال مغز پسته مویز سیاه هریک
پنج ماشه عسل مقوم بقدر حاجت—

ملح سلیمانی نافع از ضیق النفس و ضعف معده و
رطوبات معده و مفید بصر مقوی لون و مزیل بهق و
کلف و مشتهی و دافع تخمه و فساد غذا و سختی کلیه و مثانه
صفته نمک طعام دو آثار در آب بجوشانند و در
ظرف سفالی کرده در تنور نهند تا آتش تنور سرد شود
نمک هندی نوشادر کانی هریک هفتاد مثقال افتیمون
سنبل الطیب حلتیت زیره کرمانی دارچینی هریک
ده مثقال کاشم زنجبیل انیسون اصل السوس هریک
چهارده مثقال کوفته بیخته داخل ساخته در شیشه بنهند
شربتی برای حدت بصر یک ماشه تا شش ماشه و برای جماع
مثقال پانزده تخم مرغ نیم برشت هر صبح که بنوشد و بستر با
نسخه دیگر نمک هندی چهار رطل نمک سنچل نمک
لاهوری نوشادر هریک شش اوقیه تخم کرفس
بست درم فلفل سیاه پانزده درم فلفل سفید دوازده درم
اذخر پانزده درم افتیمون سنبل الطیب حلتیت کمون سفید
هریک شش درم دارچینی کاشم حب القرطم زنجبیل
انیسون اصل السوس هریک چهار درم نمک هندی را
خوب بریان کنند پس در ظرف سفالی نهاده در تنور
گذارند تا آتش سرد شود بعده ملح لاهوری و اندرانی
و همه ادویه جدا جدا بکوبند پس وزن کرده با نمک هندی
مخلوط نمایند و در ظرف چینی سبز یا سفالی سبز گذاشته
در جو بگذارند—

نسخه دیگر مخترع که انشاء الله تعالی از جمیع نسخ ملح سلیمانی
انفع ست **صفته** نمک هندی نمک نفطی نمک اندرانی
نمک لاهوری نمک کچلون نوشادر کانی هریک دو رطل
شب یمانی نیم رطل شب در سرکه انگوری بگذارند صبح
با آب باران و عرق دارچینی در تنور ظرف سفالی بگذارند
تا آب و عرق خشک شود پس فلفل سیاه و سفید و فلفل دراز
و شیطرج هندی کاشم زنجبیل اصل السوس حب القرطم
هریک شش درم جاوشیر حلتیت سنبل الطیب
زراوند طویل و مدحرج دارچینی خطائی هریک مثقال
تخم کرفس انیسون نوشادر کانی هریک چهار مثقال سوده
بدان مخلوط نمایند و اولی آنست که همه ادویه و نمک را
جوش داده آب آنها گرفته تخمیر نمایند—

مرهم دهن جهت بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمه **صفته** مقل ازرق سه ماشه افیون دو ماشه
عصاره لحیة التیس دو نیم ماشه کوفته با آب برگ گندنا
خیسانیده و بدسته بمالند تا هموار شود تخم کتان پنج ماشه
سرشفته دو ماشه گل خطمی سفید گلنار فارسی هریک
پنج ماشه کوفته بیخته به پیه مرغابی دو ماشه پیه موش
پنج ماشه موم غیر مستعمل پنج ماشه به روغن گاو پنج درم

گداخته ادویه بدان ممزوج کرده در هاون انداخته بدسته اسرب بمالند تا هموار شود و استعمال نمایند—

موم روغن موجب تلیین ست صفتش عصارهٔ قثاء الحمار سنبر شبرم شحم حنظل کوفته بیخته موم زرد بروغن حب الخروع گداخته ادویه بدان ممزوج کرده بالای ناف و شکم بمالند—

موم روغن مجرب جهت دفع یبس دماغ صفتش لعاب نیلوفر لعاب بهدانه لعاب گل خطمی شیرهٔ سرطان آب سیب شیره جو روغن کدو روغن بنفشه روغن بادام روغن دنبه تازه روغن پیه گردهٔ بز سرخ همه را بجوشانند که آب و لعابها سوخته گردد پس مغز قلم گاو شیر دختران اضافه نموده در کهرل بمالند تا یکسان شود—

مرهم کملیه مثقال سپاری سوخته زراوند مدحرج پوست کوکنار سوخته هر یک دام سفیده سه ماشه قلعی مثقال تنکار بریان سه ماشه آب سفیدی تخم مرغ عدد لعاب خطمی توله دو ماشه آب مکوی روغن کتان روغن زیت هر یک دو توله موم نه ماشه مرهم سازند—

مرهم آب برگ خطمی بست دانه روغن کتان سه اوقیه زیت سه اوقیه آب برگ خرفه ده دام گلسرخ دو اوقیه بآتش نرم بپزند تا روغن بوزن خود آید بعده مرداسنگ دو نیم اوقیه سفیده قلعی دو اوقیه آب کشنیز سوده سفیده تخم مرغ دو نیم اوقیه موم دام سرکه قدری مرهم بپزند—

مرهم داخلیون لعاب حلبه لعاب کتان لعاب خطمی سفید هر یک دو نیم دام مرداسنگ پنج دام زیتون نیم سیر لعاب را جوش داده فرود آرد و بعد از آن روغن

و مرداسنگ را یک جا نموده بر آتش نرم بگذارند و از نیز حرکت دهند بعد از آن لعاب را داخل کنند و حرکت میداده باشند تا که منعقد شود—

مرهم جهت زخم صفتش روغن بنفشه توله موم شش ماشه مغز ساق گاو دو ماشه لعاب بهدانه نه ماشه گل بنفشه توله گل بنفشه را در شانزده توله آب بجوشانند تا بنصف رسد روغن کدو یک دام داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند با اجزاء دیگر مرهم سازند و بکار برند—

مرهم مخترع فقیر جهت آبله آویخته صفتش موم زرد سه ماشه روغن گاو روغن افیون هر یک ده ماشه سفیداب قلعی دم الاخوین مرداسنگ مسبر کسوده برگ حنا طوطیا کرمانی رسوت چوب چینی رال هر یک یک ماشه کوفته بیخته بدان ممزوج کنند بادسته در هاون بمالند تا مرهم شود—

مرهم گوگرد سه و نیم ماشه حجر قیشور یعنی کف دریا درم گیچیلی مار هفت ماشه زفت سی و پنج ماشه روغن چهار ماشه—

مرهم آرد جو آرد گندم هر یک دام زرده تخم مرغ سه عدد موم یک نیم دام روغن کتان شش دام بکچی نیم پاؤ زراوند با دام رال هر یک توله سفیده نیم دام لعاب خطمی نیم پاؤ و لعاب حلبه نیم پاؤ شیرهٔ عنب الثعلب نیم پاؤ صندل سرخ مثقال—

مرهم تخم شبت حلبه اکلیل الملک تخم کتان بابونه اشق مقل سلارس بارزد علک الانباط مغز ساق شتر پیه لطیبه مرغ روغن سداب روغن شبت

هر یک توله بدستور مرهم سازند۔

مرهم کندر سانغ انزروت ماشه نشاسته کتیرا هر یک دو ماشه مغز تخم تربز سه ماشه سپیداب شش ماشه سیم حلوان شش ماشه موم ماشه روغن کدو توله زعفران دو ماشه پوست سوخته چلغوزه دو ماشه بدستور مرهم سازند۔

مرهم باسلیقون صفت موم چهل و پنج توله زفت رومی سی توله مر پانزده توله رال پانزده توله اسفیدکاج پانزده توله زیت دو صد و بیست و پنج توله زفت را در روغن با آتش ملایم گداز کنند و موم انداز تا حل شود ادویه دیگر انداخته مرهم سازند۔

مرهم برای شقاق بادہ صفت ابلوه [illegible] هر یک دو ماشه طباشیر زرد مردار سنگ هر یک سه ماشه روغن کتان توله موم هفت ماشه۔

دیگر مرباز و پوست کندر ناج هر یک برابر موم توله روغن گل پنج توله مرهم سازند۔

مرهم کنجره صفت کمیله شش ماشه مردار سنگ سه توله آب عنب الثعلب توله سفیده تخم مرغ عدد موم یک نیم دام روغن پنج دام مرهم سازند۔

دیگر جهت [illegible] سه ماشه [illegible] مردارسنگ [illegible] گلنار زراوند طویل کمیلا با قیروطی مرهم سازند۔

مرهم جهت [illegible] شیره تکوی پنج دام صندل سرخ سائیده توله کمیله شش ماشه سفیداب [illegible] روغن کتان سه دام رال توله مردارسنگ توله با آتش ملایم چندانکه پخته شود۔

مرهم که در تابستان بکار دارند مردار سنگ با سرکه بسایند چندانکه حل شود در روغن گل اندک اندک میداده باشند تا غلیظ شود پس بگیرد سفیداب ده اندکی کافور داخل کنند و بسرشند و بکار دارند وگاه باشد که درین مرهم اندکی صبر کنند و دم الاخوین و انزروت با یه سرشت۔

مرهم که جهت [illegible] زفت با قیر هر یک دو توله روغن [illegible] شش توله زفت را در روغن به آتش حل نموده ادویه انداخته مرهم سازند و اگر روغن کم باشد یک دو توله اضافه نمایند۔

مرهمی که جهت ناسور نظیر ندارد صفت زبان گنجشک را در میان کاسه سفالین بسوزند آنقدر که خاکستر شود بعد از آن صلایه کنند و پنج عدد فوفل و بوزن فوفل کوهی را بسوزانند گرفته بجهت کاتحه سفید بوزن سیاه آنرا نیز سحق نموده در روغن گاو کهنه و موم بقدر حاجت آب نموده بگدازند که حدت آن پاره نشینند اجزا را داخل نموده در ساون نرم نمایند و بکار برند که زخمهای کهنه که سالهای دراز برو گذشته باشد باصلاح می آرد بفضله تعالی۔

مرهم عنبر بادیان قرنفل هر یک ماشه پوست تخم خشخاش دو ماشه سنگ بادزهر هر یک دو ماشه [illegible] دو توله روغن گل سه توله سفیده تخم مرغ یک عدد نبات نه ماشه نبات را با روغن حل نمایند و کل مرهم نرم سازند و مشک و عنبر و کافور قدری داخل کنند و بکار برند۔

مرہم کافور مردار سنگ سفیدہ قلعی ہر یک دو دام سفیدہ
مرغ دو عدد کافور یک سرخ روغن چنبیلی دہ دام علی الرسم
مرہم سازند۔

مرہم خمیرہ روغن گاؤ یک ونیم دام پاؤ بالا خمیر ترش
پنج ونیم دام تخم مرو سہ دام وربع دام اسپغول سہ دام
وربع دام شیرۂ انجیر ہفت ونیم دام حلبہ یک دام وربع
تخم کتان یک دام وربع شیر گاؤ بست وہشت دام
شیرۂ انجیر را با روغن ممزوج نمودہ نگاہدارند بعد ازان
اجزا را در شیر کہ دو جوش یافتہ باشد داخل نمایند
بعد ازان ہمہ را بروغن ممزوج کردہ مثل مرہم سازند

مرہم دیگر تخم کتان شش ماشہ پیخال کبوتر خشک یک تولہ
خمیر ترش شش ماشہ این ہر سہ را مثل مرہم سازند

مرہم کہ نفع قوی دارد صفتہ تخم مرو تخم کتان کتیرا
حلبہ گل خطمی برگ چقندر مغز حب الخضرا ہر یک تولہ
کوفتہ بیختہ بروغن گل سرخ پنجاہ تولہ زردہ تخم مرغ یک
عدد سرشتہ زہرہ گاؤ سہ ماشہ سودہ داخل کردہ
برہم زنند تا چون مرہم شود۔

مرہم مخترع نراج سفیدہ شرق زنگار سرشتہ ہر یک ماشہ
سفیداب کاشغری سرشتہ شنجرف سرشتہ طوطیا کہربائی
سنبل دم الاخوین قشار کندر مردار سنگ بسرکہ سودہ
ہر یک سہ ماشہ کوفتہ بیختہ موم زرد غیر مستعمل دو تولہ
بروغن گل سرخ پنج تولہ گداختہ از آتش فرود آوردہ
ادویہ داخل کردہ در کھرل انداختہ بدستہ بمالند
تا چون مرہم شود۔

مرہم سفیداب کاشغری سرشتہ مغز تخم خیارین بریان
مغز تخم کدو بریان مغز تخم ہندوانہ دم الاخوین کتیرا
گلنار فارسی برگ حنا ہر یک تولہ کوفتہ بیختہ بروغن
گلسرخ پنج تولہ کہ ہموزن وے سرکہ داخل کردہ
جوشانیدہ باشند و سرکہ رفتہ روغن ماندہ باشد
داخل کردہ برہم زنند تا چون مرہم شود و پس بر
دانہا بمالند۔

مرہم مغز تخم کدو سہ تولہ مغز تخم ہندوانہ دو تولہ
سفیداب کاشغری تولہ مردار سنگ بسرکہ سودہ سہ ماشہ
دم الاخوین طوطیا سرشتہ تخم نیلوفر ہر یک تولہ آب
برگ حنا پنج تولہ در کھرل انداختہ مرہم سازند۔

مرہم دیگر مغز خستہ تمر ہندی مغز تخم کدو بریان
کتیرا انزروت سفید مغز تخم ہندوانہ بریان کوفتہ بیختہ
بروغن گلسرخ پنج تولہ وموم زرد دہ تولہ در کھرل
انداختہ بمالند تا چون مرہم شود بر زخم بگذارند
مندمل سازد۔

مرہم دیگر مغز تخم خربزہ بریان تولہ مردار سنگ
بسرکہ سودہ سرشتہ حضض شیاف ماميثا ہر یک
شش ماشہ پوست درہندی بابچی تخم نیلوفر ہر یک
دو ماشہ کوفتہ بیختہ بروغن گلسرخ پنج تولہ و سرکہ
دو تولہ سرشتہ در کھرل انداختہ بمالند تا چون مرہم شود

مطبوخ فواکہ ملین شکم در امراض حادہ و نافع از
صداع و مسکن تشنگی صفتہ تمر ہندی بست دام
آلو سی عدد عناب سی عدد تخم کاسنی پنج دام
سپستان بست عدد بنفشہ خشک سہ دام ترنجبین
بست دام در شب بہ پنج رطل آب بخیسانند

وصبح بجوشانند تا بیک رطل رسد سرد کرده بنوشند۔
مطبوخ ملین طبیعت صاحب نزله را صفته
بنفشه دو درم اصل السوس محکوک ده دام در یک
رطل آب بپزند تا بنصف رسد دران بست درم
ترنجبین حل کرده صافی نموده بنوشند۔

مطبوخ جهت اصحاب مراق بسیار نافع ست
صفته افسنتین شش ماشه گلسرخ یک نیم توله تربد غاریقون
هر یک درم سنبل الطیب مصطگی اذخر اسارون جابلوا هر یک
نیم درم در آب تر نمایند صبح جوشانیده تا که نصف
باقی ماند سه فلوس ازین شکر سفید آمیخته نهار خورده باشند
مطبوخ که سودا را دور کند خصوص از دماغ و نافع ست
از مالیخولیا و نیز نافع از ابتداء جذام و قوبا و جرب
و بهق سیاه و کلف صفته هلیله سیاه ده درم بسفایج
پنج درم سنا مکی هفت درم اسطوخودوس ده درم
تربد سفید چار درم زبیب ده عدد افتیمون ده درم
در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل ماند صاف
کرده و شب دران مطبوخ افتیمون بخیسانند
صبح صافی کرده غاریقون ثلث درم صبر درم
نمک هندی نیم درم خربق سیاه ربع درم حل کرده بنوشند
مطبوخ هلیله زرد نافع از جمیع امراض صفراوی
مثل صداع و تپ غبی وغیره صفته پوست هلیله زرد
بست دام در یک رطل آب بپزند تا بثلث رسد
پس صافی کرده با ترنجبین و شکر طبرزد و جلاب بنوشند
مضمضه که گوشت بن دندان برویاند و سخت
کند صفته مورد و پودینه دشتی گلقند کزمازه عاقرقرحا
مازو سنبل پوست انار تریش علی الرسم هر یک قدرے
درهم کرده بسرکه و گلاب بپخته مضمضه کنند و بعد ازان
ذروری بدین صفت بر بیخ دندان بپاشند در وقت
خواب که خوب اثر کند نسخه ذرور عاقرقرحا دو مثقال
گلسرخ دو نیم مثقال جفت بلوط دو نیم مثقال گلنار
حب الآس هر یک دو نیم مثقال خرنوب نبطی سه مثقال
پوست سماق سه مثقال مویزج دو مثقال۔

مسهل صفراوی صفته آلو بخارا ده عدد سپستان
بست عدد تمر هندی ده درم گل بنفشه نیلوفر
رازیانه هر یک دو مثقال تخم کاسنی کوفته بیخته
پنج مثقال جوشانیده صافی نموده ترنجبین شش توله
گلقند آفتابی چار توله دران حل کرده صافی نموده
بنوشند و اگر تمر هندی ده درم و شربت بنفشه و
پوست هلیله زرد هر یک شش درم جوشانیده
صافی نموده فلوس خیار شنبر شش توله ترنجبین
شش توله گلقند چار توله حل کرده صافی نموده
روغن بادام شیرین شش ماشه اضافه نموده بعمل آرند
واگر خواهند بجائے فلوس خیار شنبر شیرخشت چار توله
داخل کنند اسهال صفراوی نماید و اگر سقمونیا مشوی
نیم درم سرداده قوی تر کرده و در حمیات هلیله را
موقوف کنند و بجائی سقمونیا ریوند خطائے
سرداده سازند۔

مسهل صفراوی که بدموی مزاج باید داد صفته
عناب ده دانه سپستان بست دانه آلو بخارا هفت دانه
زرشک منقی چار توله شاهتره دو توله [illegible]

ہر یک تولہ جوشانیدہ صافی نمودہ گلقند چہار تولہ
با شکر سرخ حل کردہ صافی نمودہ بنوشند و اگر سنامکی
تولہ فلوس خیارشنبر شش تولہ روغن بادام شش ماشہ
داخل کنند اسہال اخلاط مرکبہ نماید و اگر یک درم
ریوند خطائی سردادہ و سازند قوی تر گردد۔

مسہلے بلغمی رازیانہ تخم کاسنی از ہر یک دہ درم مویز منقے
بست دانہ انجیر زرد ہفت دانہ عرق بادیان و پرسیاؤشان
از ہر یک دو درم انیسون شکاعی از ہر یک دو درم
جوشانیدہ صافی نمودہ گلقند عسلی با شکر چہار تولہ
داخل کردہ صافی نمودہ بعمل آرند و اگر عارضہ شش
و سینہ باشد اصل السوس مقشر ہر یک دو درم
اضافہ نمایند و در امراض دماغی اسطوخودوس دو درم
بیفزایند و اگر دہ درم سنامکی و شش درم بسفائج
و شش درم تربد درین مسہلے بیفزایند و گلقند عسلی
و فلوس خیارشنبر ہر یک دہ درم و روغن بادام یک درم
اضافہ نمایند اسہال بلغم کنند و اگر نیم مثقال حب النیل
سردادہ سازند عمل بسرعت تمام نماید و اگر روغن بیدانجیر
دو مثقال اضافہ نمایند قوی تر گردد۔

مسہلے سوداوی گاؤزبان شاہترہ افتیمون بکتان
بستہ عنب الثعلب اصل السوس غنچہ گل سرخ
قنطوریون دقیق بسفائج فستقی ہر یک دو مثقال
بادرنجبویہ دو مثقال عناب دہ دانہ سپستان بست دانہ
مویز منقی دہ دانہ جوشانیدہ صافی نمودہ و بامداد
بعمل آرند و روز دیگر سنامکی دو مثقال افزودہ نمایند
و اگر پوست ہلیلہ زرد و پوست ہلیلہ کابلی و ہلیلہ سیاہ

ہر یک دو مثقال لاجورد مغسول ... ماشہ و ... بسفائج
اضافہ نمایند و سنامکی یک تولہ و سہ ماشہ ... کنند و بالاترش
فلوس خیارشنبر و ترنجبین ہر یک شش تولہ گلقند عسلی
چہار تولہ حل کردہ صاف نمودہ و روغن بادام شیرین
شش ماشہ اضافہ نمودہ بعمل آرند اسہال سودا نماید
و ہمچنین اگر حب افتیمون یک تولہ استعمال نمایند
نیز اسہال سودا کند۔

مسہلے کہ در فالج استعمال توان کرد صفت تخم کرفس
رازیانہ تخم کشوث انیسون ہر یک مثقال عنب الثعلب
اصل السوس بیخ بادیان بیخ کرفس پرسیاؤشان
بادرنجبویہ ہر یک دو درم مویز منقی دہ دانہ جوشانیدہ
صافی نمودہ گلقند عسلی چہار تولہ حل کردہ صافی نمودہ
بعمل آرند تا دو سہ روز این نسخہ را استعمال کنند
و روز دیگر سنامکی دو مثقال اسطوخودوس دو مثقال
اضافہ نمایند و بعد از آن سنامکی یک تولہ سہ ماشہ
در مسہل افزایند و فلوس خیارشنبر با گلقند مذکور حل کردہ
و روغن بادام شیرین اضافہ کردہ بعمل آرند
و یک روز راحت دادہ روز دیگر مسہلے مذکور با اضافہ
سنا و اسطوخودوس بعمل آرند و شب حب ایارج یا
حب صبر وقت خواب استعمال فرمایند و صباح آن
مسہلے مذکور با اضافہ خیارشنبر استعمال فرمایند۔

مسہلے کہ در صرع بلغمی استعمال توان کرد صفت
... زرد ... پرسیاؤشان رازیانہ تخم کشوث
انیسون ... اصل السوس پوست بیخ بادیان
پوست بیخ کرفس بادرنجبویہ ہر یک دو درم مویز منقی دہ دانہ

جوشانیده صافی نموده گلقند عسلی چار توله حل کرده
صافی نموده بعمل آرند تا سه روز این مسهل بعمل آورده
روز چهارم سنامکی نه ماشه افزوده استعمال نمایند
روز پنجم فلوس خیار شنبر شش توله روغن بادام شش ماشه
اضافه نموده بعمل آرند یکروز راحت داده روز دیگر
مسهل مذکور که باضافه سناست بعمل آرند و شب روز
آینده حب منتن یا حب صبر یا حب لوغاذیا یا حب
قوقایا یا حب حال العرق بادیان فرو برند و صباح
آن مسهل مذکور که باضافه فلوس خیار شنبر ست بعمل آرند
واگر ماده سودا هم باشد در مسهل مذکور افتیمون گاوزبان
بسفایج هر یک دو مثقال افزوده نمایند—

مسهلی که در وجع مفاصل بلغمی استعمال توان کرد
صفته سورنجان مصری سفید دو ماشه عنب الثعلب
اصل السوس بادیان اذخر مکی قنطوریون دقیق
هر یک دو درم جوشانیده صافی نموده گلقند عسلی
چار توله حل کرده صافی نموده بعمل آرند و باقی تدبیر
بدستور که بالا گذشت بکنند—

مسهلی که در استسقا توان کرد صفته عنب الثعلب
بادرنجبویه اذخر مکی غاریقون قنطوریون دقیق
اصل السوس بادیان پرسیاوشان شکاعی بادآورد
هر یک دو مثقال مویز منقی بست دانه گلقند آفتابی
چار توله شربت دینار چار توله حل کرده صاف نموده
بعمل آرند واگر سنامکی موافق شربت دران افزایند
وفلوس خیار شنبر بدان یار کنند اسهال نماید—

مسهلی که برای ادرار طمث استعمال توان کرد صفته
حلبه مشکطرامشیع بادیان گل بنفشه تخم خیارین نیمکوفته
خارخسک تخم کرفس کشوث انیسون مغز اشنه
آلو بالو تخم بلیون فوه الصباغین دوقو خیار شنبر
گاوزبان تخم خربزه نیمکوفته کمادریوس کمافیطوس
عنب الثعلب هر یک دو مثقال جوشانیده صافی نموده
ترنجبین شش توله گلقند آفتابی چار توله حل کرده صافی
نموده بعمل آرند واگر این مسهل دو روز بعمل آورده
روز سوم سنامکی نه ماشه و روز چهارم باضافه سنامکی
یک توله سه ماشه و فلوس خیار شنبر شش توله و روغن
بادام شیرین شش ماشه اضافه کرده بعمل آرند
اسهال نماید واگر احتیاج مسهل نباشد در مسهل
مذکور بجای گلقند شربت کشوث یا شربت آلو
یا شربت گاوزبان کنند و وزن ادویه مذکوره
مقدار یک مثقال کنند و از تخم خیارین و تخم خربزه
شیره بگیرند—

مسهلی که در ذات الجنب استعمال آن توان کرد
صفته عناب ده دانه سپستان بست دانه گل خطمی
گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس تخم خبازی هر یک
دو درم جو مقشر یک توله جوشانیده صافی نموده
شیره مغز تخم کدو نه ماشه بارتنگ چار ماشه صمغ عربی
یک ماشه شربت نیلوفر دو توله اضافه کرده بعمل آرند
و فصد باسلیق کرده خون بگیرند روز چهارم بجای
شیره تخم کدو شیره تخم کاهو یک توله شیره تخم خیارین
دو توله داخل گردانند و روز پنجم شیره مغز تخم کدو
شیره مغز تخم هندوانه عوض کاهو و خیارین کنند

روز ششم کاسنی و خیارین عوض کرده ده دانه
و روز هفتم بارتنگ کرده ده دانه داخل کنند و روز
هشتم فلوس خیارشنبر ترنجبین خراسانی هریک شش توله
اضافه کرده گلقند آفتابی چهار توله و مقل مذکور
اضافه نموده حل کرده روغن بادام شش ماشه
انداخته بنوشند

مطبوخ افتیمون فواکهی برای اخلاط سوخته
صفته پوست هلیله زرد هلیله سیاه هریک سه درم
اجاص ده عدد عناب بیست و پنج عدد مویز منقی
ده استار تمر هندی ده درم شاهتره چهار درم بنفشه
بسفایج افتیمون اسارون افسنتین سنا مکی هریک
ده درم ترنجبین ده استار خارشتر پنج درم علی الرسم
بپزند و غاریقون و تربد و ایارج فیقرا برای تقویت بیفزایند

مطبوخ مرطب تخم خرفه تخم خیارین حسبق دانه
عنب الثعلب خارخسک هریک شش ماشه مغز تخم آلو
بالنگو الصبح هریک دو ماشه انجیر زرد ده دانه بعرق
گاوزبان جوشانیده ترنجبین خراسانی حل کرده
صاف نموده بنوشند

منضج و مسهل بعضی اطبا بدین دستور میدهند
نسخه روز اول بنفشه نیلوفر تخم کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
تمر هندی دو ماشه انجیر زرد پنج عدد عناب ده دانه
سپستان بیست دانه آخر شب خیسانیده صباح جوشانیده
صاف کرده بخورند با گلقند پنج ماشه باز صاف کرده
تنها بخورد آب روز دوم بنفشه نیلوفر تخم بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد عناب ده دانه
سپستان بیست دانه بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر
هریک دو ماشه جوشانیده صاف کرده با گلقند
پنج ماشه بخورند روز سوم بنفشه نیلوفر کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
انجیر زرد پنج عدد عناب ده دانه سپستان بیست دانه
بابونه بادرنجبویه هریک دو ماشه زرشک سه ماشه
تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد خوبانی پنج عدد
پوست هلیله زرد دو ماشه بسفایج دو ماشه کشمش
ده عدد تخم کرفس زوفا دو ماشه اجزا جوشانیده
صاف کرده با گلقند پنج ماشه بخورند غذا بزغاله
روز چهارم سنا مکی سه ماشه گلسرخ دو ماشه بنفشه
نیلوفر کاسنی بادیان اصل السوس پرسیاوشان
گاوزبان هریک دو ماشه عناب ده دانه سپستان
بیست دانه بابونه بادرنجبویه هریک ماشه زرشک
سه ماشه تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد کشمش
ده عدد خوبانی پنج عدد انجیر زرد پنج عدد تخم کرفس
پوست هلیله زرد زوفا بسفایج قنطوریون دقیق
بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر هریک دو ماشه اجزا را
جوشانیده صاف کرده با ترنجبین یازده ماشه بخورند
روز پنجم سنا مکی پنج ماشه گلسرخ بنفشه تخم کاسنی
بادیان اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان بابونه
هریک دو ماشه زرشک شاهتره هریک سه ماشه
زوفا بسفایج تخم کرفس بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر

قنطوریون دقیق هر یک دو ماشه انجیر زرد پنج عدد
خوبانی پنج عدد کشته سپستان ده عدد پوست هلیله زرد
دو ماشه تمر هندی دو ماشه آلو بخارا پنج عدد بادرنجبویه
خبازی گل خطمی هر یک دو ماشه اجزا را جوشانیده صاف
کرده با ترنجبین بست ماشه صاف کرده بخورند
روز ششم محموده دانگ تربد سفید دو دانگ
نمک هندی دانگ اجزا را کوفته بیخته با دو قاشق جلاب
روز پنجم اول بخورند و در عقب جلاب باقی غذا
نخوداب بمرغ جوان روز هفتم شربت بنفشه ده ماشه
با آب و عرق بیدمشک شربت کرده بخورند غذا بدستور
صبر سقوطری نیم ماشه محموده دانگ تربد سفید دو دانگ
غاریقون دانگ زنجبیل دانگ گلسرخ دانگ
اجزا کوفته بیخته بلعاب کتیرا حب ساخته در بهر شب
فرو برند و بخواب روند و هر گاه بیدار شوند خواب
بکنند و صباح جلاب چنین سنا مکی پنج ماشه گلسرخ
تخم کاسنی بنفشه بادیان بسپایه دستان گاوزبان بالنگو
بادرنجبویه هر یک دو ماشه زرشک شاهتره هر یک سه ماشه
زوفا پوست هلیله زرد تخم کرفس بیخ کاسنی بیخ بادیان
بسفایج هر یک دو ماشه انجیر پنج عدد خوبانی پنج عدد
کشته سپستان ده عدد خبازی بادرنجبویه گل خطمی هر یک
دو ماشه تمر هندی ده ماشه آلو بخارا ده عدد اصل السوس
دو ماشه قنطوریون دو ماشه عناب ده عدد سپستان
بست دانه اجزا را شب بخیسانند و صباح بجوشانند
و صاف کنند و با ترنجبین بست ماشه بخورند غذا بدستور
ماء الجبن نافع از امراض سوداوی صفت

هر روز شیر بز سرخ رنگ فراخ چشم صحیح البدن جوان
که زیاده هر دو بطن نیاورده باشد و چهل روز از زائیدنش
گذشته شش ماه نگذشته باشند و علف آن برگ کاهو
و شاهتره و برگ کنار و برگ بادرنگ و برگ کاسنی
و دانه آش جو باشد یک سیر گرفته در دیگ گلی یا سنگین
یا مسی تازه قلعی کرده نموده دو سه جوش بجوشانند انجیر
پوست جدا کرده تراشیده بر هم زنند یک توله سرکه
و دو توله سکنجبین صادق الحموضة داخل کرده بگذارند
تا بریده شود پس شیر او را بکرپاس بسته فرود آورند
بگذارند تا سرد شود پس در کرپاس دوتهی بچکانند
تا تمام آب چکیده شود پس آن چکیده بار دیگر
در دیگ کرده بجوشانند و کف آن را بگیرند تا دیگر
کف نیارد پس در نیم شیر آن سکنجبین افتیمونی
شش توله داخل کرده سه حصه نمایند و هر حصه
بفاصله دو گهری بنوشند که مجموع چهار گهری باشد
هر مرتبه که بخورند ده قدم راه روند و بعد از ختم
مسهل بنوشند غذا میان روز نخوداب شب قلیه
خشک بخورند و از مالش و ترشیها و بادیها پرهیز کنند
مسهل در هر هفته بدین طریق کنند که چهار گهری
شب باقی ماند حب لاجورد یا حب افتیمون یا
حب اسطوخودوس بقدر توله بعرق گاوزبان
فرو برند و صباح آن فلوس خیار شنبر شش توله
گلقند چهار توله در ماء الجبن حل کرده صاف نموده
روغن بادام شیرین شش ماشه اضافه نموده بعمل آرند
روز هشتم هلیله مربا عدد بگلاب یا عرق گاوزبان

شسته لاجورد مغسول یک ماشه بران پاشیده
تناول نمایند و بالای آن ماء الجبن بدستور مقرر
بنوشانند روز چهارم عمل روز هفتم و روز پانزدهم
عمل روز هشتم کنند و روز بستیکم عمل روز نهم کنند
و روز بست و دوم هلیله مربا شسته لاجورد مغسول
یک ماشه پاشیده بخورانند و بالایش عرق گاوزبان
و عرق بادرنجبویه هر یک پنج توله شربت گاوزبان پنج توله
بنوشانند و اگر خواهند چهل روز استعمال نمایند
و گاهی شیر از سنگدانه مرغ سه ماشه سوده عوض
سرکه سکنجبین می بزند و گاهی تخم گل معصفر سه توله
سوده شب در شیر بزمی اندازند و صباح می جوشانند
و صاف کرده بعمل می آرند و در بعضی اوقات با مالیخولیا
استسقاء باشد ماء الجبن از شیر شتر بدهند و در بعضی
امراض ماء الجبن تبدیج استعمال توان کرد —
ماء اللحم بطریق مشهور صفته گوشت حلوان و دراج
و مرغ که مجموعش به پنج سیر برسد با یک توله مصطگی و
یک توله دارچینی و قدری پیاز و اگر آن گوشت
زیاده گیرد همان مقدار درین ادویه زیاده کنند
در دیگ کرده بجوشانند و در دیگ پیاله قلعی کرده
بگذارند و سر دیگ بخمیر بند کنند چنانکه بخار بدر نرود
و بعد ساعتی که تمام عرق گوشت در پیاله جمع شود
دیگ را سرد کرده سرش بکشاید و عرق در شیشه
یا در ظرف چینی در مکان سرد نگاه دارند و بقدر
برداشت طبیعت میل کنند —
نسخه دیگر بابت حضرت اعلی که برای قوت باه
و خفقان و ضعف دماغ تناول میکردند صفته
مرغ فربه قطعه دراج دو قطعه لوه هفت قطعه تیهو سه قطعه
گوشت دو سیر همه را از استخوان و پوست و چربی پاک
کرده در هاون سنگین یا چوبی بکوبند و در دیگ
قلعی دار بند سازند و صندل سفید و سرخ براده کرده
قاقله صغار و کبار دارچینی هر یک دو توله قرنفل توله
کشنیز بوداده چهار توله بر گوشت بپاشند اگر محرور المزاج
باشد برگ کاهو برگ کاسنی هر یک نیم سیر داخل نمایند
و گلاب و عرق بیدمشک هر یک یک آثار آب خالص
دو آثار عنبر سه ماشه مشک دو ماشه همه را در دیگ
انداخته خوب بهم زنند و عرق بکشند و در جای سرد
در شیشه نگاه دارند روز اول دو دام و روز دوم
سه دام و سوم پنج دام و مدام پنج دام بخورده باشند

باب النون

لقوع چوب چینی صفته چوب چینی یک مثقال
ریزه ریزه در عرق بیدمشک و گلاب و عرق بادرنجبویه
و عرق گاوزبان هر یک دو توله شب بخیسانند
و صبح صاف نموده با شربت گاوزبان یا شربت
بادرنجبویه دو توله بکار برند و روز دوم نیم مثقال
چوب چینی بیفزایند و بدستور مذکور عمل نمایند
و روز سوم نیم مثقال دیگر بیفزایند و بدستور بعمل
آرند و روز چهارم نیز نیم مثقال بیفزایند و روز پنجم
نیز نیم مثقال بیفزایند و روز ششم نیز نیم مثقال
بیفزایند و روز هفتم نیز نیم مثقال بیفزایند و بعد
ازین تا چهل روز یا بست یک روز همین چار مثقال

بدستور مذکور بعمل آرند و اگر خواهند در عرقهای مذکور
کم و زیاده کنند و نمک ربع وزن از معمول در غذا
بیندازند و پرهیز بدستور دستور العمل چوب چینی
که بالا گذشت بعمل آرند —

نقوع نافع از صرع جدا عود فادانیا سرسا کرده در
بینی بدمند —

نطول نافع از سرسام حار و سهر مفرط صفت
گل بنفشه تخم خرفه نیمکوفته یک پنج درم پوست خشخاش
گل نیلوفر گل سرخ تراشه کدو شیرین تازه بابونه یک ده درم
کشنک جو کوفته پنجاه درم در پنج من آب بجوشانند
تا بنصف رسد اول سر ا بخار آن بدارند پس باب نیمگرم
نطول کنند —

نطول نافع لیسر غشی و امثال آن عنب الثعلب بابونه
اکلیل الملک تخم شبت تخم مرو تخم کتان حلبه بزر البنج جوشانیده
صافی نموده نطول نمایند —

باب الواو

وجوریکه چون در دهن مصروع بریزند بهوش آید صفته
حلتیت جند بیدستر کوفته بیخته در سکنجبین عسلی حل کرده
وجور سازند —

وجوریکه سرفه اطفال را نافع ست صفته رب السوس
کتیرا صمغ عربی نشاسته سوده بروغن بادام شیرین چرب
کرده بقوام فانید و عسل وجور سازند —

باب الیاء

یاقوتی از حکیم ولی مروارید تخم بادرنجبویه پوست بیرون پسته
هریک سه درم پوست ترنج سه مثقال گل سرخ دو دام
صندل سرخ و سفید هریک سه دام بسد بهمن سرخ کبابه
هریک یکنیم دام کهربا شب قرنفل سافج دارچینی هریک
دام لعل مثقال یاقوت زرد چار مثقال عنبر نیم مثقال
زر محلول نیم مثقال بهمن سفید کشنیز گل ارمنی طباشیر
هریک دو دانگ زرنباد کافور هریک نیم دام گاؤزبان
آمله هریک پنج دام عصارهٔ زرشک ده دام زعفران
یکنیم دانگ شراب انار شراب سیب هریک بست مثقال
شراب حماض یک من ادویه کوفته بیخته معجون سازند
بعد از چهل روز مثقال بخورد نافع ست بفضله و منه تعالی

یاقوتی یاقوت ثلاثه هریک شش ماشه لعل مروارید مرجان
ابریشم سوخته لاجورد و ابریشم سوخته عود غرقی صندل سفید
مصطگی جدوار شاخ گوزن سوخته عنبر ورق نقره ورق طلا
کهربا عقیق هریک شش ماشه مروارید ناسفته
فادزهر بهری ناحل هریک توله مشک زعفران فیروزه
هریک سه ماشه کافور مثقال عرق کاسنی عرق گاؤزبان
عرق بیدمشک عرق نیلوفر گلاب آب انار و سیب هریک
پاؤ سیر شربت زرشک یک وزن ادویه عسل و الیسی
دو وزن ادویه نبات یک وزن ادویه قند سفید
یک وزن ادویه شربت مثقال —

خاتمة الطبع

حمد و ستائش مر حکیمی را که نفوس عقلا و عقول حکما مظهر حکمت اوست و نعت مر طبیبی را که نوع انسان را بدوای هدایت از علت ضلالت نجات داده و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا عذر بمقتضای عبدیت اوست الصلوة والسلام علیه و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد این رساله نافعه مسمی به **قرابادین جلالی** فارسی از تالیفات حکیم حاذق طبیب فائق سید **جلال الدین** امروهوی غفر الله لنا و له هر نسخهٔ آن بی نظیر در تاثیر عدیل اکسیر به اهتمام تصحیح حاذق زمان سرآمد فضلای دوران فضائل اکتناه مولانا مولوی محمد **احسان الله** فرنگی محلی صانه الله عن شر کل شی و عوی در مطبع نامی منشی **نولکشور** بسط الله ظله السامی حلیه طبع پوشیده مطبوع عالم گردیده بر خریداران جوهر شناس و حکمت اساس مخفی نماند که این گوهر بیبها بمخوف فروخته میشود چشم لیاقت بسوزن غفلت دوخته لله در قائله مشک آنست که خود ببوید نه که عطار گوید بماه ذیقعده سنه ۱۳۰۱ھ مطابق ماه ستمبر ۱۸۸۴ع باختتام رسیده